

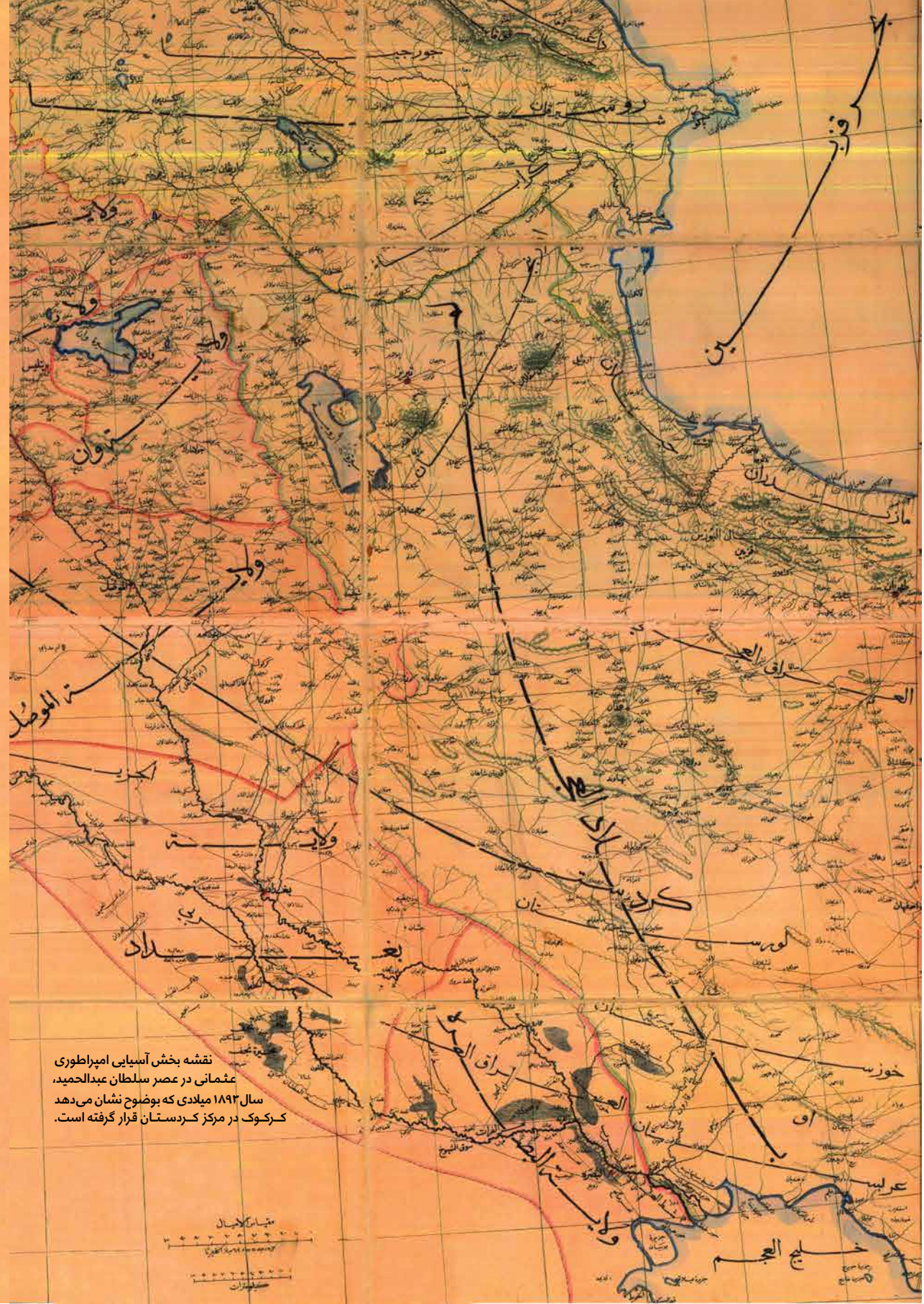
برای تاریخ..

مسعود بارزانی



برای تاریخ.

مسعود بارزانی



نقشه بخش آسیای امپراطوری عثمانی در عصر سلطان عبدالحمید، سال ۱۸۹۳ میلادی که بوضوح نشان می‌دهد کرکوک در مرکز کردستان قرار گرفته است.



A NEW MAP OF TURKEY IN ASIA

By *Mons^r D'ANVILLE*

First Geographer to the most Christian King
with *Several Additions*

LONDON

Printed by L. WILKINSON, at the Foot of St. Dunstons Church Lane

1784

SCALE

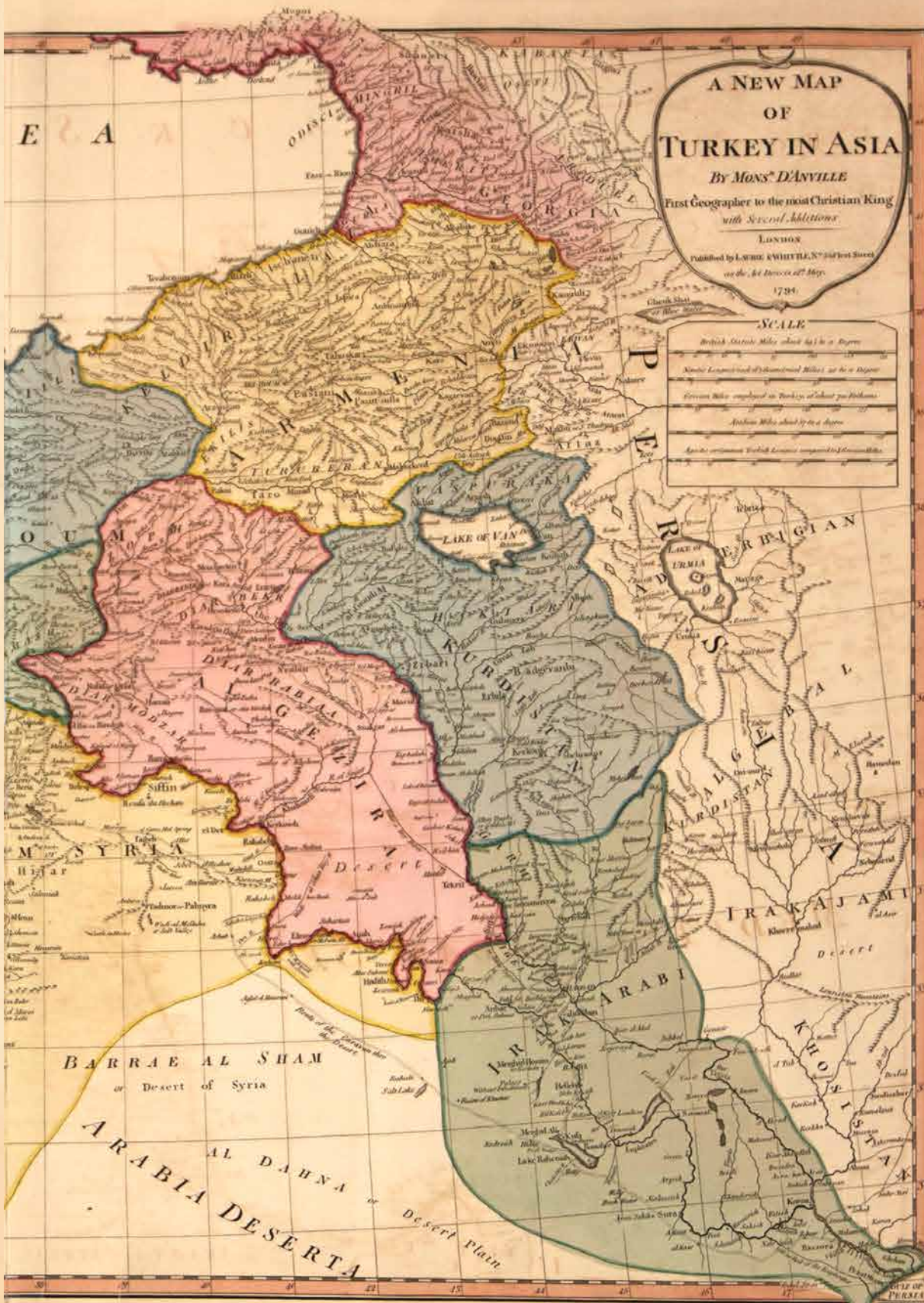
British Statute Miles about 64 to a Degree

Natural Lengths of the French Miles as to a Degree

French Miles computed as French of about 75 to a Degree

Italian Miles about 70 to a Degree

Spanish Miles about 70 to a Degree



BARRAE AL SHAM
or Desert of Syria

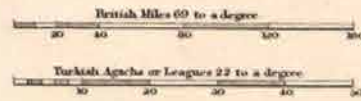
ARABIA AL DAHNA
or Desert Plain



نقشه امپراطوری عثمانی که در دوازدهم ماه مه ۱۷۹۴
 در لندن توسط (Mons. R Danville) ترسیم شده و در
 آن اشاره به بخشی از جغرافیای کردستان شده است.



TURKEY IN ASIA.



Arabs
 Syria Desert
 Anase Bedouins
 Arabia
 RASSOR




نقشه امپراطوری عثمانی که در ۱۸۴۴ توسط Henry (Treesdale & Co) در لندن منتشر شده و در آن به بخشی از جغرافیای کردستان اشاره شده است.

اسم کتاب: برای تاریخ..
نویسنده: مسعود بارزانی

گرافیکست: آسو مامزاده
چاپ اول: اربیل / دسامبر ۲۰۲۰
تیراژ: ۲۰۰۰ عدد
چاپخانه: رکسانا

کتابخانه اداره کل فرهنگ و هنر
اربیل شماره (۲۰۲۳) سال ۲۰۲۰

حق چاپ و ترجمه برای
مؤسسه خیریه بارزانی محفوظ است.



تقديم به
آنانکه در آوردگاه زمانه
قد خم نميکنند.

فهرست

۱۵	• مقدمه
۲۰	• تقسیم کردستان
۲۶	• تأسیس کشور عراق
۳۲	• قیام ایلول (سپتامبر)
۳۸	• طرح نسل‌کشی و تلاش برای محو ملت کرد در کشور عراق
۴۲	• قیام مردمی سال ۱۹۹۱
۴۶	• کنفرانس اپوزسیون عراقی و سقوط رژیم سابق
۵۳	• جنگ داعش
۶۱	• ناامیدی کردها از عراق جدید
۶۶	• بازدید از آمریکا
۷۱	• دیدار از بغداد
۷۴	• صدور حکم اجرای همه‌پرسی
۸۸	• واکنش‌ها و فشارهای بین‌المللی
۹۲	• نشست سحیلا

برای تاریخ.. II

۱۰۰	• ملت رأی داد
۱۰۴	• واکنش‌های دولت عراق
۱۰۹	• شانزدهم اکتبر
۱۱۹	• سخن پایانی
۱۲۷	• ضمائم
۲۲۵	• اسناد
۲۷۳	• نمایه
۲۹۱	• نقشه‌ها



شانزدهم نوامبر ۲۰۱۶

باشيک - مراسم اعلام پیروزی عملیات
آزادسازی باشيک.



Photo: Adnan Muhammed

مقدمه

کردها ملتی دارای تاریخ، جغرافیا و سرزمین، فرهنگ و آداب و رسوم شناخته شده و خاص خودشان میباشند. آنها در طول هزاران سال در سرزمین آباء و اجدادی خود زیسته و مایه افتخار است که در طول این دوران به اصول مدارا و همزیستی با دیگر ادیان و ملیتها پایبند و متعهد بوده اند که این نیز ریشه ای عمیق در تاریخ و فرهنگ و باورهای ملی شان دارد. کردها تاریخ پرفراز و نشیبی را سپری کرده اند اما مشخصاً در طول پانصد سال گذشته توانسته اند از بسیاری از حملات نسل کشی و امحاء ملی رهایی یابند که همین امر موجب شده است روحیه مقاومت و مبارزه به جزئی جدایی ناپذیر از هویت ملی شان بدل گردد.

حدود پنج قرن پیش بود که سرزمین کردستان بین امپراطوری عثمانی و صفوی تقسیم شد و پس از جنگ جهانی اول

دیگر باره و باز هم بدون تمایل و خواستشان، سرزمین کردستان میان چهار کشور تقسیم شد. این تقسیم شرایط ژئوپلیتیکی بسیار پیچیده‌ای را رقم زد و متأسفانه سرانجام آن، حقوق مشروع کردها در هیچ کدام از این بخش‌ها به رسمیت شناخته نشد و موجودیت آنها مکرراً مورد انکار قرار گرفت. در نتیجه چنین سیاست‌های اشتباهی، نزاع‌های طولانی مدتی بوجود آمد که نه آن دولت‌ها توانستند کردها را از بین ببرند و نه کردها توانستند آن دولت‌ها را سرنگون کنند. در این میان خسارات زیادی به مردم این منطقه و صلح و ثبات و آرامش آن وارد آمد و خونهای بسیاری به ناحق ریخته شد.

این واقعیت نادرست به وجود آمده به همه یادآوری می‌کند که هر دو طرف (کردها و دول منطقه)، باید در خط‌مشی خود تجدید نظر کنند و به جای جنگ و انکار، به راه‌حل‌های دموکراتیک و صلح‌آمیز بیندیشند. به موجب این واقعیت تحمیل شده در این منطقه طی صد سال گذشته، هر کدام از بخش‌های کردستان ویژگی‌های خاص خود را یافته‌است به طوری که مشکلات و راه‌حل‌های هیچ کدام از این بخش‌ها به تنهایی پاسخگوی مسائل و مطالبات بخش‌های دیگر نیست و مسائل و مشکلات هر بخشی باید با توجه به ویژگی‌ها و اوضاع موجود و در چارچوب گفتگو و با روش‌های مسالمت‌آمیز و دموکراتیک حل و فصل شود.

این کتاب تلاش دارد تاریخ و رنج آن بخش از کردستان را روشن سازد که مدت صد سال است به عراق الحاق گردیده است. در مقایسه با سایر بخش‌ها، جنبش آزادیخواهی کردها در کردستان عراق توسعه بیشتری داشته است، هرچند مبارزات و تنش دولت‌ها

IV برای تاریخ..

با کردها نیز گسترده‌تر بوده و به تبع آن آزار و اذیت و به حاشیه راندن کردها نیز شدت و حدت بیشتری داشته است، به گونه‌ای که متأسفانه در مقاطعی حتی به نسل‌کشی مردم کرد هم انجامیده است. اما در عین حال، فرصت‌های توافق و تلاش برای پرداختن به مسئله کردها نیز بیشتر از بخش‌های دیگر کردستان بوده است و به دور از انصاف خواهد بود اگر نگوییم که در این میان شماری از شخصیت‌های عربی فعال در احزاب و مراکز عراقی نسبت به حل و فصل دمکراتیک حقوق و مسائل ملت کرد همدل و موافق و منعطف بوده و درک درستی از مطالبات و خواسته‌های مشروع ملت کرد داشته‌اند.

دولت عراق، از آغاز تأسیس آن تا مرحله پس از سال ۲۰۰۳، به شراکت و مشارکت کردها در دولت پایبند نبوده و همواره سعی داشت کردها را به عنوان دنباله‌رو و تابع خود نگه دارد و آنها را در میان اقوام عربی عراق ادغام کند، هرچند هرگز در این امر توفیقی حاصل نکرد. بعد از سال ۲۰۰۳ و پس از جدایی ۱۲ ساله از دولت عراق (کردها از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۳ هیچگونه ارتباط سیاسی و اداری با حکومت مرکزی عراق نداشتند)، کردها داوطلبانه به عراق بازگشتند و در ساختن یک عراق دموکراتیک و فدرال جدید که در قانون اساسی آن بر تضمین حقوق همه نیروها و جناحها تأکید شده بود، شرکت کردند. اما متأسفانه، بعد از این فرصت نیز حاکمان جدید عراق از تاریخ درس عبرت نگرفته و اشتباهات گذشته را تکرار کردند.

دولت دموکراتیک فدرال، وجهه دولتی فرقه‌ای را به خود گرفت که همواره در جهت به حاشیه راندن و کنترل اراده کردها و

سنی‌ها تلاش می‌کرد و در همین راستا مسئولین جدید عراق راه کینه‌توزی و انتقام را در پیش گرفته بودند. تصمیمات و عملکردهای مسئولان عراقی فرقه‌گرایانه بود و این به خودی خود گواه روشنی بود که حکام عراق جدید، کشور را بسوی تجزیه سوق میدهند. آنها پس از سال ۲۰۰۵، و بعد از آنکه به شیوه‌ای تدریجی جای پای خود را در قدرت محکم کردند، قانون اساسی را نادیده گرفته و به اصول شراکت و توافق و توازن پشت کردند. آنان بیش از پنجاه و پنج اصل قانون اساسی را نقض کردند و با درپیش گرفتن مشی فرقه‌ای، هیچ معنایی برای مفاهیم وحدت و اجماع ملی در عراق باقی نگذاشتند. عدم تعهد حکومت‌های عراق به قانون اساسی، نادیده گرفتن اصول مشارکت و توافق و توازن، تلاش برای به حاشیه راندن و کاستن از نقش کردها و همچنین بی‌ثباتی حاکم بر عراق، مردم کردستان را ترغیب کرد تا به راه حل دیگری بیندیشند.

بدون شک مردم کرد مسئول اوضاع بوجود آمده در عراق نبودند، چرا که این حکام و مقامات جدید عراق بودند که به قانون اساسی و اصول مشارکت اعتقادی نداشتند و مسئول اصلی شرایط به وجود آمده بودند. در این میان اما این حق مسلم مردم کردستان بود که بپرسند: بعد از این همه رنج و آزار و مصائب بی‌حد و حصر چرا آنها کماکان آماده نیستند شراکت کردها را در دولت جدید بپذیرند؟ و اگر این افراد و حاکمان جدید شراکت را قبول نداشته باشند، ملت کرد بایستی چه راه دیگری را در پیش بگیرد؟ آیا باید به عنوان دنباله‌رو و شهروند درجه دو در کنار آنها باقی بمانند؟ آنها مشارکت را نمی‌پذیرند و

کرده‌ها نیز نخواهند پذیرفت که تابع و فرمانبردار باقی بمانند. پس، تکلیف مردم کردستان و راه چاره چیست؟ لذا پرسش کلیدی این بود که چرا برای حل اساسی و ریشه‌ای این مشکل تاریخی آزاردهنده، به دنبال مسیری مسالمت‌آمیز نباشیم که به برادری و صلح پایدار بینجامد؟ لذا لازم بود در آن شرایط به خواست مردم کردستان نیز توجه شود و همگی از خواست حقیقی ملت کرد مطلع شوند. آیا کردها خواهان ادامه رنج‌ها و مصائب و تداوم تبعیت و فرمانبرداری هستند، یا خواهان استقلال؟

در تاریخ ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷، مردم کردستان خواسته مشروع خود را به روشی مسالمت‌آمیز آشکار ساختند و این صدای مشروع، پیروزی چشمگیری بدست آورد. اما واکنش‌های دولت و مقامات عراق، کشورهای همسایه و جامعه جهانی نسبت به ندای صلح‌آمیز مردم کردستان ناعادلانه و دور از هرگونه اصول انسان‌دوستی و همزیستی مسالمت‌آمیز بود. به نظر میرسید همگی آنها در مورد تداوم تحمیل سختیها و ظلم و مشی انکارگرایانه بر مردم کردستان به توافق رسیده بودند، چراکه منافعشان چنین اقتضا میکرد.

مسعود بارزانی

اربیل - سپتامبر ۲۰۲۰

تقسیم کردستان

در جریان نبرد چالدران^۱ که در سال ۱۵۱۴ بین امپراطوری‌های عثمانی و صفوی درگرفت، سرزمین کردستان به میدان جنگ میان این دو امپراطوری تبدیل شد و نتیجه آن تقسیم سرزمین کردستان بین دو امپراطوری و پراکنده شدن ملت کرد بود. تا اینکه در سال ۱۶۳۹، دو امپراطوری صفوی و عثمانی در شهر سرپل زهاب عهدنامه‌ای را تحت عنوان پیمان نامه زهاب،^۲ برای تقسیم سرزمین کردستان میان خودشان امضاء کردند. به موجب آن، سه چهارم سرزمین کردستان تابع سلطه عثمانی شد و یک چهارم آن تحت کنترل ایران درآمد. هرچند این تقسیم و ظلم صورت گرفته به این معنا نبود که دو قدرت بزرگ آن زمان میتوانند ملت کرد را محو کرده و از بین ببرند. علیرغم این تقسیم تحمیلی، مردم کرد توانستند برای مدت طولانی زبان و آداب و رسوم

۱- جنگ چالدران در ۲۳ آگوست ۱۵۱۴ میان دو امپراطوری عثمانی و صفوی رخ داد. در این جنگ عثمانیان موفق به شکست صفویان شدند و شهر تبریز را که پایتخت صفویان بود، تصرف کردند.

۲- سرپل زهاب شهرستانی است واقع در استان کرمانشاه در غرب ایران که ساکنین آن کرد هستند.

خود را حفظ کنند و با انقلاب و قیام و نفی بیدادگری ها، هویت خود را حفظ کنند. اگرچه انقلاب ها و قیام های کردها سرکوب میشدند و به شکست می انجامیدند، اما مبارزه مستمر با ظلم، یکی از ویژگی های مردم کرد طی قرون گذشته بوده است.

در بهار سال ۱۹۰۷ جلسهای با مشارکت شیخ عبدالسلام بارزانی دوم در منزل شیخ نورالدین محمد بریفکانی (پیشوای خانقاه قادری)، در بریفکان برگزار شد. همانطور که پیشتر در کتاب "بارزانی و جنبش آزادیخواهی کرد" ذکر کرده‌ام، طی آن ملاقات تعداد زیادی از سران قبایل و افراد برجسته کرد، در تلگرافی خطاب به سلطان عثمانی از او خواستند تا اجازه دهد:

۱. زبان کردی زبان رسمی مناطق کردنشین باشد، و تحصیل و آموزش به زبان کردی باشد.
۲. فرماندار، بخشدار و مقامات دولتی مناطق کردی باید زبان کردی بدانند.
۳. از آنجایی که اسلام دین دولت است، احکام باید مطابق با قوانین (شریعت) اسلامی صادر شوند.
۴. مالیات خدمات دولت صرف ترمیم جاده‌ها و ساخت مدارس در مناطق کردنشین شود.^۲

در آن جلسه، حاضران نیز سوگند یاد کردند که بر مطالباتشان پافشاری کرده و از آنها چشم پوشی نکنند و از شیخ عبدالسلام تقاضا کردند که به نمایندگی از طرف ایشان تلگراف را امضاء کند. هنگامی که امپراطوری عثمانی تلگراف را دریافت کرد، آن را مخالفت با دستورات و اوامر سلطنتی و تلاش برای جدایی خواهی و تجزیه طلبی قلمداد کرد.

۲- نگاه کنید به مسعود بارزانی، بارزانی و بزووتنه‌وه‌ی رزگاریخوازی کورد، به‌رنگی یه‌که‌م ۱۹۵۸-۱۹۳۱، چاپخانه‌ی رۆژه‌لات، ۲۰۲۰ ل ۲۰.

لذا در پایان سال ۱۹۰۷، نیرویی را به فرماندهی "محمد فاضل پاشا داغستانی" به منطقه فرستاد. هیچ یک از سران قبایل به مقابله با آن نیرو نپرداختند و بار سنگین مقابله و جنگ بر دوش منطقه بارزان افتاد، جایی که شیخ عبدالسلام دستور دفاع و مقابله را داد، و بارزانی‌ها به مدت دو ماه به دفاع ادامه دادند. سرانجام شیخ مجبور به ترک منطقه شد و به مارشمعون آشوری پناه برد. داغستانی به بارزان رسید و آنجا را به آتش کشید. مصطفی بارزانی که آنزمان تنها سه سال داشت را با مادرش دستگیر و بمدت یک سال در زندان موصل زندانی کردند.^۴

در سال ۱۹۰۸ شیخ عبدالسلام به منطقه بارزان بازگشت و تعدادی از بارزانی‌ها را در روستای باب سیوا، که در پشت کوه شیرین واقع در شمال روستای بارزان واقع شده است، آماده ساخته و به نیروهای ترک در منطقه حمله کرد و خسارات زیادی به ارتش عثمانی وارد کرد. پس از آن پیروزی بزرگ، عثمانیها خواستار مذاکره و متارکه جنگ با شیخ عبدالسلام شدند و طبق توافقات حاصله میان طرفین، شیخ زندانیان عثمانی را آزاد کرد و آنان نیز خسارات بارزانی‌ها را جبران کردند. اما سلیمان نظیف پاشا، فرماندار (والی) موصل، در سال ۱۹۱۳ بار دیگر به منطقه بارزان حمله کرد و در نتیجه این حمله، شیخ منطقه را ترک کرد و این بار به سوی روستای "راژان" در نزدیکی ارومیه در شرق کردستان، و به نزد "سید طه محمد صدیق نهری" رفت. سلطان عثمانی جایزه‌ای گرانبها را برای کشتن یا دستگیری شیخ اختصاص داد.^۵

ایده استقلال خواهی حتی قبل از سقوط امپراطوری عثمانی در میان رهبران و بزرگان کرد، وجود داشته است. در این زمینه، نویسنده انگلیسی "دبلیو. ای. ویگرام" در کتاب خود "گهواره بشریت، زندگی در شرق کردستان"،

۴- مسعود بارزانی، مأخذ پیشین، صفحه ۲۰.

۵- مأخذ پیشین، صفحه ۲۱.

از دیدار خود با شیخ عبدالسلام سخن گفته است. زمانی هم که خواسته بود به مدت چند ماه به بریتانیا بازگردد، شیخ عبدالسلام ابراز تمایل کرد که با او به بریتانیا برود تا بتواند در آنجا از اسقف کلیسای کانتربری تقاضا کند در روستاهای کردستان مدرسه بسازند، و سپس به ملاقات پادشاه جورج برود و با او به بحث درباره مسئله کردستان بپردازد و درباره استقلال گفتگو کند.^۶

در سال ۱۹۱۴، شیخ عبدالسلام همراه با مارشمعون آشوری و آندرانیک پاشای ارمنی، از روستای رازان به تفلیس^۷ رفتند. در آنجا با نماینده تزار روسیه ملاقات کرده و با وی درباره ایجاد کشوری فدرال متشکل از کردها، ارمنی‌ها و آشوری‌ها گفتگو کردند. فرستاده تزار روسیه متعهد شد که از آنها حمایت کند و در راه رهایی از حکومت عثمانی به آنها کمک کند. قابل ذکر است که سرگئی لاوروف (وزیر امور خارجه روسیه)، در جریان سفر خود به اقلیم کردستان در ۷ اکتبر سال ۲۰۱۹ در شهر اربیل به من گفت که طبق اسناد روسیه، قبلاً شخصی از خانواده بارزانی به روسیه سفر کرده و با تزار روسیه^۸ ملاقات داشته است، منظور وی شیخ عبدالسلام بارزانی بود. این اطلاعات برای من بسیار تازه بود، چرا که پیشتر اینطور به ما رسیده بود که شیخ عبدالسلام فقط نماینده تزار را در تفلیس ملاقات کرده است. وقایع پس از آن دیدار (ملاقات تفلیس)، و همچنین وقوع انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه، منجر به لغو ایده حمایت و پشتیبانی روسیه از تأسیس کشور مد نظر شد.

پس از بازگشت از تفلیس، در چارچوب دسیسه‌ای شوم، شیخ و همراهانش دستگیر و به دولت عثمانی تحویل داده شدند. عثمانی‌ها ابتدا شیخ

۶- نگاه کنید به مهد البشربیه الحیاة فی شرق کردستان، دبلیو. ای. ویگرام، نقله الی العربیة جرجیس فتح الله، دار اراس للطباعة و النشر، اربیل، ۲۰۱۰، صفحه ۱۲۳.

۷- پایتخت کنونی گرجستان.

۸- تزار روسیه، نیکولای الکساندروویچ رومانف یا نیکلای دوم ۱۸۶۸-۱۹۱۸، آخرین تزار روسیه که از سال ۱۸۹۴ تا ۱۹۱۷ امپراطور روسیه بود.

عبدالسلام را به وان و از آنجا به موصل منتقل کردند و سپس در حالی که تنها چند روز از آغاز جنگ جهانی اول^۹ می‌گذشت، شیخ عبدالسلام بارزانی و سه نفر از همراهان وی در ۱۴ دسامبر سال ۱۹۱۴ اعدام شدند.

پس از شهادت شیخ عبدالسلام، برادرش شیخ احمد که تنها هجده سال داشت، وظایف ریاست بارزانی‌ها را بر عهده گرفت. این رخداد همزمان با آغاز جنگ جهانی اول و اشغال سرزمین‌های عراق و جنوب کردستان توسط ارتش بریتانیا بود. قبل از پایان جنگ، متفقین بر سر امضای یک پیماننامه میان خود به منظور تصمیم‌گیری درباره چگونگی نظارت بر مناطق تحت کنترل عثمانی و همچنین تقسیم امپراطوری شکست خورده عثمانی میان نیروهای متفقین، به توافق رسیدند.

در همین زمینه و به منظور تقسیم مناطقی که تحت کنترل عثمانی‌ها بود و پس از توافق دو جانبه دیپلمات انگلیسی مارک سایکس (Mark Sykes) و دیپلمات فرانسوی در بیروت فرانسوا جورج پیکو (Georges-Picot François) و تبادل نامه با سرگئی سازانوف (Sergey Sazonov) وزیر امور خارجه روسیه، جلسه سه جانبه‌ای در شهر سن‌پترزبورگ برگزار شد، و قرار بر این گذاشته شد که برنامه محرمانه‌ای که توسط مارک سایکس و فرانسوا جورج پیکو در رابطه با تقسیم سرزمین‌های عثمانی تهیه شده بود، اجرا شود. در ۱۶ مه سال ۱۹۱۶، این پیمان تحت عنوان "سایکس - پیکو" و به منظور تقسیم اراضی دولت عثمانی امضاء شد. طبق آن پیماننامه مقرر شد که سرزمین‌های

۹- به بهانه ترور شاهزاده ولیعهد (آرشیدوک فرانسیس فردیناند - Archduke Franz Ferdinand)، توسط گاوریلو پرنسیپ (Gavrilo Princip) که عضوی از گروه صرب‌های آزادیخواه بود، امپراطور اتریش-مجارستان در ۲۸ ژوئن ۱۹۱۴ جنگ علیه صربستان را اعلام کرد. روز بعد، امپراطوری روسیه، بریتانیا، فرانسه و سپس ایتالیا، پرتغال و رومانی اعلام کردند که از صربستان حمایت می‌کنند و در مقابل آلمان و امپراطوری عثمانی درگیر جنگ شدند، جنگی که به جنگ جهانی اول معروف شد و در آن بیش از ده میلیون نفر کشته شدند. و در ۱۹۱۸/۱۱/۱۱ با شکست جبهه آلمان، اتریش-مجارستان و امپراتوری عثمانی پایان یافت.

ارزروم، ترابزون، وان و ارمنستان عثمانی به روسیه تزاری اعطا شود، فرانسه ایالت‌های سوریه و لبنان را دریافت میکرد و انگلیسی‌ها قیمومیت عراق، اردن و فلسطین را بر عهده میگرفتند.^{۱۰}

در آوریل سال ۱۹۲۰ متفقین طی نشستی که در (سان رمو)^{۱۱} داشتند، به توافق جدیدی در مورد چگونگی تقسیم خاورمیانه دست یافتند. آنها پس از تهیه و تدوین پیش‌نویس توافقنامه، آن را کتباً به سلطان عثمانی تحویل دادند. متعاقب آن در ۱۰ اگوست همان سال پیمان صلح در روستای سور نزدیک پاریس، توسط نیروهای متفقین و نماینده دولت عثمانی امضاء شد و بر اساس آن شام (لبنان و سوریه)، عراق، اردن و ازمیر از امپراطوری عثمانی جدا شدند. قسمتی از توافقنامه سور (که در ۱۰ اگوست ۱۹۲۰ امضا شد) به مردم کرد اختصاص داده شده بود که در آن توافقنامه تحت عنوان کردستان مورد خطاب قرار داده شده بودند و در ماده ۶۴ توافقنامه سور ذکر شده بود که:

"ظرف مدت یک سال پس از امضای این معاهده، اگر کردهای مناطقی که در ماده ۶۲ ذکر شده است، از جامعه ملل تقاضای استقلال کنند و اگر ثابت کنند که اکثریت کردها خواهان استقلال هستند و جامعه ملل آن را به رسمیت بشناسد، کردها مستحق استقلال خواهند بود."^{۱۲}

۱۰- در اکتبر ۱۹۱۷ کمونیستها به ریاست لنین به سلطنت تزار روسیه پایان دادند و از توافقنامه خارج شدند و در تاریخ ۱۹۱۷/۱۱/۱۷ متن توافقنامه را در روزنامه‌های پراودا و ایزوستیادا برای افکار عمومی و مردم منطقه منتشر کردند. سه روز بعد روزنامه گاردیان نیز متن توافقنامه را منتشر کرد.

۱۱- این جلسه که در آوریل ۱۹۲۰ با حضور بریتانیا، فرانسه و ایالات متحده برگزار شد، وضعیت کشورهای عربی را مشخص ساخت. طبق توافق پنهانی بریتانیا و فرانسه، موصل تحت کنترل فرانسوی‌ها قرار گرفت، اما فرانسه در آن جلسه از موصل به نفع متحد خود، انگلیس، دست کشید. و به شرط اجرای پیمان بالفور، سوریه و لبنان تحت اشغال فرانسه قرار گرفتند. سان رمو شهری ایتالیایی است.

۱۲- مسعود بارزانی، مأخذ پیشین، صفحه ۶۲.

تأسیس کشور عراق

بیمان نامه سور، اقلیم جنوب کردستان را که شامل ایالت موصل هم میشد و همچنین بخش بزرگی از شمال کردستان را در بر میگرفت. پس از انعقاد این عهدنامه و در پاسخ به دعوت مستقیم (وینستون چرچیل)، وزیر مستعمرات بریتانیا و مسئول امور عراق، در سال ۱۹۲۱ کنفرانسی در قاهره برگزار شد که طی آن تصمیم به تأسیس پادشاهی عراق گرفته شد و مطابق با چارچوب اصلی سیاست بریتانیا در خاورمیانه، (شاهزاده فیصل)، پسر دوم حسین شریف مکه، به پادشاهی عراق منصوب شد. در نتیجه این توافقنامه، بدون در نظر گرفتن ویژگی‌های ملل ساکن این منطقه پیچیده و بغرنج، طرح بنیاد کشوری را ریختند که مدت صد سال است، روی آرامش به خود ندیده است.^{۱۳}

پس از این کنفرانس (کنفرانس قاهره)، ملک فیصل پادشاه عراق، طی دو نامه جداگانه به کمیسر عالی بریتانیا در عراق، خواستار الحاق کردستان به

۱۳- نگاه کنید به کورد تورک عه‌ره‌ب، سیسیل جۆن ئیدمؤندس، وه‌رگئیرانی حامید گه‌وه‌ری ناوه‌ندی ئاوییه‌ر بۆ چاپ و بلاکردنه‌وه، لاپه‌ره‌ی ۱۵۵.

عراق شده بود. وینستون چرچیل، که در آن هنگام وزیر مستعمرات بریتانیا بود، به نامه پادشاه اینگونه پاسخ داد: "ما به شما قول تأسیس یک کشور را داده‌ایم نه یک امپراطوری، کردها ملتی هستند که از جغرافیای خاصی برخوردار هستند و مرزهای آنها هم رشته کوه حمیرین است."

طبق این دستورالعمل، در ژوئن سال ۱۹۲۰، فیصل با یک کشتی انگلیسی از مکه به بصره منتقل شد و در ۲۳ آگوست سال ۱۹۲۱ وی را به پادشاهی عراق منصوب کردند.^{۱۴}

در روز ۱ نوامبر سال ۱۹۲۲، نظام سلطنت عثمانی به نظام جمهوری تغییر یافت و نام امپراطوری عثمانی به جمهوری ترکیه تغییر پیدا کرد و مصطفی کمال به ریاست جمهوری ترکیه برگزیده شد. پس از آن ترکیه به منظور قدرتمند ساختن جمهوری جدید، خواستار بازگشت متفقین به میز مذاکره شد. در فاصله میان ۱۵ نوامبر سال ۱۹۲۲ تا ۲۳ ژوئن سال ۱۹۲۳، نمایندگان بریتانیا، فرانسه، آمریکا، روسیه، ایتالیا، ژاپن، رومانی، ترکیه و تعدادی از کشورهای دیگر چندین بار در شهر لوزان سوئیس دیدار کردند و در پایان تحت عنوان معاهده صلح لوزان، پیمان نامه سور را لغو و امید ملت کرد را برای دستیابی به حق مشروع استقلال از بین بردند.^{۱۵}

در بند دوم از ماده سه معاهده لوزان آمده است:
"اگر ظرف مدت نه ماه پس از امضای این پیمان نامه، اختلاف مرزی میان عراق و ترکیه بر سر ایالت موصل رخ بدهد و ترکیه و بریتانیا قادر به حل

۱۴- مأخذ پیشین .

۱۵- در ۲۴ ژوئیه ۱۹۲۳، معاهده سور لغو شد و معاهده لوزان امضا شد و طبق قرارداد لوزان، کل کشور به ترکیه واگذار شد. در این معاهده جدید درباره هیچ یک از حقوق کردها صحبتی نشد و تنها به تلاش های خیرخواهانه کشورهای ائتلاف در قبال همه اقلیت های ترکیه اشاره شد.

مسالمت‌آمیز این مسأله نشوند، موضوع به شورای جامعه ملل ارجاع داده خواهد شد.^{۱۶}

آن نشست‌ها به دنبال یادداشت‌نامه بریتانیا و زیر نظر سرپرسی کاکس و آر. اف. ژاردین معاون اداری استان موصل در (۱۹ مه سال ۱۹۲۴) آغاز شدند، اما به نتیجه‌ای نرسیدند. جامعه ملل، در تاریخ ۳۰ سپتامبر سال ۱۹۲۴، مسئولیت حل و فصل این موضوع را بر عهده گرفت و کمیته‌ای بین‌المللی متشکل از نمایندگان دولتهای سوئد، مجارستان، بلژیک، ایتالیا و سوئیس را برای نوشتن پروتکل کمیسیون انتخاب کرد.^{۱۷} کمیته رسیدگی به مشکلات مرزی میان ترکیه و عراق، در ۱۶ ژانویه سال ۱۹۲۵ وارد بغداد شد، سپس به موصل رفت و پس از بررسی دو ماهه اوضاع مناطق مورد مناقشه و گفتگو با مردم منطقه، گزارشی را در این مورد به جامعه ملل ارائه داد و خواستار اعطای مناطق جنوب خط بروکسل^{۱۸} به عراق شد، مشروط بر اینکه عراق به مدت بیست و پنج سال تحت حاکمیت بریتانیا باقی بماند و همچنین دولت تازه تأسیس شده عراق، مصالح کردها را در اداره امور خود در نظر بگیرد و زبان کردی در آموزش و پرورش و ادارات و دادگاه‌ها به زبان رسمی تبدیل شود.

۱۶- مسعود بارزانی، همان مأخذ پیشین، صفحه ۱۲.

۱۷- کمیته شامل: اینار آف ویرسن (Einar af Wirsén) از سوئد، کنت پاول تلکی (Count Paul Telcki) از مجارستان، کلنل ای پاولی (A. Pauli) از بلژیک، سینیور رودولو (Signor Roddolo) از ایتالیا، کنت هوراس دو پورتالس (Count Horacede Portales) از سوئیس بود.

۱۸- خط بروکسل: پس از توافق لوزان، جامعه ملل کمیته‌ای را در بروکسل تشکیل داد تا مرزهای بین ترکیه و عراق را مشخص کند. پس از تشکیل آن کمیته، جامعه ملل کمیته دیگری با سه عضو تشکیل داد: اینار آف ویرسن (Einar af Wirsén) از سوئد، کنت پاول تلکی (Count Paul Telcki) از مجارستان، کلنل ای پاولی (A. Pauli) از بلژیک. بمنظور بررسی مشکل مرزی بین ترکیه و عراق.

طبق آن گزارش، اکثریت ساکنان کرد که از آنها سؤال شده بود، نظرشان این بود که به جای بازگشت به زندگی تحت حاکمیت ترکها، مایل هستند که به عراق بپیوندند و در عراق زندگی کنند. این همه‌پرسی تنها دو گزینه ماندن در ترکیه یا پیوستن به عراق را پیش روی ساکنان منطقه کردستان گذاشته بود، و منظور از این همه‌پرسی انتخاب گزینه استقلال نبود. جامعه ملل این پروژه را تصویب کرد، اما شروط موجود در آن، که به منافع کردها پرداخته بود، هرگز به نتیجه‌ای نرسید و عملی نشد و دولت جدید هم که بر اساس شراکت کردها و اعراب شکل گرفته بود، شراکت کردها را نقض کرد.

کردها ایالت موصل را از دست ترکها نجات دادند، اما آیا عربها این (نیکی) را به خاطر سپردند؟ همانطور که نماینده بریتانیا، (سیسیل جی. ادموندز)، در کتاب خود "کرد ترک عرب" به آن اشاره کرده: "آیا حکومت عراق میتواند در این باره چشم بصیرت داشته باشد و یک سیاست سخاوتمندانه و دوراندیشانه نسبت به کردها اتخاذ کند؟"^{۱۹} در مقابل اما این فجایع و بلایایی که از طرف حکومت‌های عراق بر ملت کرد وارد شد همگی نشانگر این نکته هستند که عربها این نیکی کردها را به فراموشی سپرده‌اند.

در جریان این کشمکشها، شیخ محمود حفید در سال ۱۹۱۹، در سلیمانیه علیه حاکمیت انگلیسیها و به منظور ارجاع حقوق مردم کردستان بر علیه کشورهای تازه تأسیس شده، قیام کرده و پادشاهی کردستان را اعلام نمود. شیخ احمد بارزانی نیز نامه‌ای به رؤسای قبایل فرستاد و آنها را به حمایت از شیخ محمود و کمک به وی دعوت کرد و همچنین یک نیروی مسلح از بارزانی‌ها به فرماندهی مصطفی بارزانی را از طریق خطوط بالک^{۲۰} و دره بیاو^{۲۱} به منطقه

۱۹- نگاه کنید به کورد ترک عرب، سی جی ادموندز، ترجمه جرجیس فتح الله، دار اراس للطباعة و النشر اربیل ۲۰۱۲ ص ۵۷۴.

۲۰- منطقه‌ای واقع در شمال شهر رواندز و بر روی جاده (هامیلتون) تا روستای رایت.

۲۱- دره بیاو بخشی از منطقه سورچی‌ها واقع در شرق بارزان، راه خلیفان - بارزان از این منطقه عبور می‌کند.

سلیمانیه فرستاد تا از شیخ محمود پشنتیبانی کنند. پس از غلبه بر چندین کمین، دو نیرو به حومه سلیمانیه رسیدند، هرچند تلاششان ناکام ماند، چرا که بریتانیایی‌ها از طریق حملات هوایی و زمینی، دولت اعلان شده شیخ محمود را سرنگون کردند و شیخ را که زخمی شده بود در تنگه بازیان اسیر کرده و سپس وی را به هندوستان تبعید کردند. اما چندی بعد تحت فشار مردم در سال ۱۹۲۲ مجبور شدند شیخ محمود را به سلیمانیه بازگردانند.

پس از آنکه ایالت موصل که ساکنان آن عمدتاً کرد بودند، به کشور جدید عراق ضمیمه شد، در سال ۱۹۲۵ اولین قانون اساسی برای کشور جدید عراق نوشته شد، که بعدها به عنوان قانون اساسی پادشاهی شناخته شد. بریتانیا نیز تلاشهای خود را برای تقویت و مستحکم کردن دولت جدید در عراق شدت بخشید.

بر همین اساس دو جنبش آزادیخواه کرد که در سالهای ۱۹۳۱ و ۱۹۳۲ به رهبری شیخ احمد بارزانی و در سالهای ۱۹۴۳ و ۱۹۴۵ به رهبری ملا مصطفی بارزانی ظهور کرده بودند، توسط بمباران هواپیماهای جنگی بریتانیا و حملات نیروهای زمینی عراق که از پشنتیبانی مزدوران محلی (جاش) نیز برخوردار بودند، دچار شکست شدند، و مبارزان بارزانی در روز ۱۱ اکتبر سال ۱۹۴۵، مجبور شدند همراه با زنان و کودکانشان از طریق راههای کوهستانی خود را به منطقه اشنویه و مرگور کردستان ایران برسانند.^{۲۲}

این مقدمه تاریخی را به این جهت بازگو کردم تا به این حقیقت مهم اشاره کنم که متأسفانه بسیاری از عراقی‌ها از جمله سیاستمداران، از وقایع

۲۲- پس از اعلان جمهوری کردستان در مهاباد در تاریخ ۱۹۴۶/۱/۲۲، بارزانی‌ها به رهبری مصطفی بارزانی و پس از توافق با پیشوا قاضی محمد، به عنوان پیشمرگه در محافظت از جمهوری کردستان شرکت کردند.

تاریخی تأسیس عراق اطلاعی ندارند و یا اگر هم اطلاعی داشته باشند، وقتی کار به بحث درباره حقوق قانونی کردها منجر بشود، آن حقایق را فراموش می‌کنند و مد نظر قرار نمی‌دهند. مسأله کردها پیش از تأسیس کشور عراق و حتی قبل از اینکه عراق توسط بریتانیا بنیان نهاده شود و پادشاهی برای آن منصوب گردد، وجود داشته است. کردها در منطقه‌ای که بعدها عراق نامیده شد، جغرافیای خاص خود را داشتند. حقوق کردها به عنوان یک ملت در میانه درگیری‌ها و تنش‌های بین قدرت‌های بزرگ و قدرت‌های منطقه‌ای و محلی بارها زیر پا گذاشته شد.

قیامها و جنبش‌های آزادیخواهی کردستان عراق در زمان پادشاهی دلیل روشنی بود که کردها وضعیت جدید کشور عراق را نپذیرفته‌اند و قاطعانه بر علیه همه تلاشهای حکومت برای به حاشیه راندن و محو ساختن ملت کرد ایستادند. دولت عراق در آن زمان شراکت بین کردها و اعراب را نقض کرد و وعده‌هایی را که در ابتدای تأسیس این کشور به منظور حفظ منافع کردها داده بود و در پروژه کمیته "جامعه ملل" هم به آن اشاره شده بود، نادیده گرفت. با این وجود، اگر چه دولت عراق برای مدت مشخصی توانسته بود با کمک بریتانیا قیامها را شکست دهد، ولی همیشه جنبشها و قیامهای تازه، با شور و قدرت بیشتری از نو ظهور میکردند.

فرصت ساخت کشور عراق بر اساس اصل شراکت بین کردها و عرب‌ها و محترم شمردن حقوق شهروندی در دوران پادشاهی از دست رفت، اما آیا در فرصت‌های بعدی از اشتباهات صورت گرفته، درس عبرت گرفته شد، تا کردها بتوانند با امنیت و آرامش در عراق زندگی کنند؟

قیام ایلول (سپتامبر)

پس از پیروزی انقلاب ۱۴ ژوئیه سال ۱۹۵۸، که نقطه عطف و فرصتی جدید تلقی می‌شد، بارزانی و همزمانش از اتحاد جماهیر شوروی به عراق بازگشتند. انقلاب ژوئیه وضعیت جدید و موقعیتهای تازه‌تری را به منظور بازسازی مجدد کشور عراق بوجود آورد که در آن همه اقلیت‌های عراقی و شهروندان بتوانند با آرامش در سایه دولتی مدرن حیات تازه‌ای را شروع کنند. قانون اساسی ۱۹۵۸، به وضوح شراکت کردها و اعراب در این کشور را تأیید و حقوق ملی کردها را تضمین کرده بود. اما، متأسفانه تحت فشارها و تأثیرات شوونیست‌ها و فرصت‌طلبان، بار دیگر این حقوق نادیده گرفته شد و دو سال و نیم پس از پیروزی انقلاب ژوئیه، کردستان هدف آتش و حملات توپخانه‌ها و هواپیماهای عراق قرار گرفت و همین جرقه آغاز قیام ۱۱ سپتامبر سال ۱۹۶۱ کردها شد.

قیام سپتامبر، قیامی کردستانی و در عین حال عراقی به شمار می رفت. شعار اصلی آن دموکراسی برای عراق و خودمختاری برای کردستان بود و به پناهگاهی امن برای مبارزان و فعالان عراقی تبدیل شد. در تمام این مدت، حتی برای یک بار هم مبارزان به اعمال ارباب و خونریزی بر علیه مردم مدنی متوسل نشدند. تمام تلاش مصطفی بارزانی جلوگیری از جنگ و خونریزی بود، چه در زمان جنگ و چه در زمان آتشبس و چه در شرایط نه جنگ و نه صلح.

در جریان قیام سپتامبر، مذاکرات و گفتگوهای زیادی با مقامات وقت عراقی انجام شد، اما بغداد کماکان به عنوان یک تاکتیک و به منظور وقت کشی به مذاکره با کردها روی می آورد. در پی کودتای بعثیها بر علیه عبدالکریم قاسم در ۸ فوریه سال ۱۹۶۳، جنگ میان مبارزین کرد و دولت عراق به مدت چهار ماه متوقف شد و طی آن گفتگوها و مذاکرات بین دو طرف از سر گرفته شد. اما در واقع، هدف بعثیها از مذاکرات با کردها تنها تثبیت موقعیتشان بود، چرا که آنان اساساً اعتقادی به حل ریشه‌ای مشکلات نداشتند. بنابراین، پس از بهبود وضعیتشان، به ویژه پس از کودتای بعثیها در سوریه، بعثیهای عراق احساس قدرت کرده و در ژوئن همان سال حملات همه جانبه‌ای را علیه کردها انجام دادند.

در نوامبر سال ۱۹۶۳، عبدالسلام عارف کودتایی را علیه بعثی‌ها ترتیب داد و آنها را از قدرت بیرون راند. پس از چند ماه و در ۱۰ فوریه سال ۱۹۶۴، توافقنامه‌ای میان بارزانی و عبدالسلام عارف امضاء شد که در آن درباره چندین موضوع به توافق رسیدند، از آن جمله به رسمیت شناختن حقوق ملی مردم کرد. اما در مدت زمان کمتر از یک سال، زمانی که بارزانی و رهبری قیام تمام تلاش خود را برای جلوگیری از جنگ انجام می‌دادند، بار دیگر حاکمان

عراق جنگی دیگر را بر مردم کردستان تحمیل کردند. در سال ۱۹۶۵، دولت عراق تمام قدرت نظامی خود را بر روی شکست قیام سپتامبر متمرکز کرد. در کوههای سفین، پیره‌مگرون، بنی حریر، هندرین و منطقه رواندن، رانیه و قلعه‌دزه جنگ‌های شدید و وسیعی درگرفت. در این دوره، دولت عراق سیاست زمین سوخته و نابودی زیرساخت‌های اقتصادی مردم کردستان را در پیش گرفته بود. این بیدادگرها و تحمیل جنگ بر کردها و آواره ساختن مردم کردستان، بارزانی را بر آن داشت تا در اول ژانویه ۱۹۶۶، نامه‌ای به سازمان ملل ارسال نماید و خواستار فرستادن کمیته ویژه‌ای به کردستان شود تا تخریبها و ستمکاریهای انجام شده علیه مردم کردستان را از نزدیک بررسی کنند.

در آوریل سال ۱۹۶۶، پس از کشته شدن عبدالسلام عارف در هلی‌کوپتر، برادرش عبدالرحمن عارف جانشین وی شد. قبل از مرگ عبدالسلام، یک طرح جنگی جامع علیه کردستان ریخته شده بود که عبدالعزیز العقیلی، وزیر دفاع، از آن به عنوان عملیات "توکلت علی الله" نام میبرد و هدف از آن سرکوب قیام بود. در حماسه هندرین و زوزک در ۱۲ ماه می سال ۱۹۶۶ و طی یک نبرد قهرمانانه، عملیات مذکور در هم شکسته شد و نیروهای دولتی خسارات نظامی سنگینی را متحمل شدند. در نتیجه این شکست بزرگ، دولت آمادگی خود را برای گفتگو، مذاکره و حل مسالمت‌آمیز اختلافات با کردها اعلام کرد. سپس در تاریخ ۲۹ ژوئن سال ۱۹۶۶ و در بیانیه مشترکی متشکل از دوازده بند، جنگ میان انقلابیون کرد و دولت عراق متوقف شد. اما در واقع این بیانیه توافقنامه نبود، بلکه نوعی آتش بس به شمار میرفت. هرچند چهار ماه بعد، بارزانی با عبدالرحمن عارف،^{۲۳} رئیس جمهوری عراق دیدار کرد اما عهدشکنی و تجاوز به اموال و املاک کردها و سیاست تعریب

۲۳- عبدالرحمن عارف با برادرش متفاوت بود و بیشتر اهل سازش و گفتگو بود ولی دولت پنهان از او قویتر بود.

(سیاست اسکان عربها در مناطق کردنشین به منظور تغییر دموگرافی کردستان) همچنان ادامه داشت.

طی ده سال، هفت کودتای نظامی در عراق انجام شد. اما هیچ کدام از آن کودتاها منجر به حفظ استقرار و امنیت عراق نشد و کودتاگران نیز نتوانستند عراق را به سمت دموکراسی سوق دهند و یا حتی از حقوق انسانی مردم محافظت کنند. همچنین هیچگونه احترام و تعهدی از خود برای به رسمیت شناختن حقوق ملی کردها، ترکمن‌ها و مسیحیان عراق نشان ندادند. کودتاگران که کلاً از اعضای ارتش عراق بودند، قدرت را میان افسران شورشی تقسیم کردند، هزاران انسان بی‌گناه را به قتل رسانده و صدها میلیارد دلار خسارت به اقتصاد عراق وارد کردند و در نهایت، حتی نتوانستند جان خود را نجات دهند.

دلیل وقوع این کودتاها در عراق به دو پدیده برمی‌گشت: اول اینکه کشور توسط ارتش اداره می‌شد و دولت‌ها نظامی بودند و دوم اینکه غیر از کودتا، هیچ راه دیگری برای تغییر درسیستم و شیوه مدیریت کشور امکان‌پذیر نبود. در کودتاهایشان نیز، بیشتر از شیوه و تجربه کودتای فوریه سال ۱۹۶۳ و همچنین تجارب افراد با نفوذ در حکومت سود می‌جستند.

در ۱۷ ژوئیه سال ۱۹۶۸ عبدالرزاق نایف، ابراهیم داود و سعدون غیدان، علیه عبدالرحمن محمد عارف کودتایی به راه انداختند و در ۳۰ ژوئیه سال ۱۹۶۸ بعضی‌ها کودتای جدیدی را به ریاست احمد حسن بکر انجام دادند و عبدالرزاق نایف را با هواپیما از عراق خارج کردند.

بزرگترین دستاورد قیام سپتامبر توافقنامه ۱۱ مارس سال ۱۹۷۰ می‌باشد که میان ملا مصطفی بارزانی و صدام حسین منعقد شد. این اقدام، حیات

سیاسی کردها را وارد مرحله جدیدی کرد. بر اساس آن توافقنامه، کردهای این قسمت از کردستان بخشی از حقوق قانونی و ملی خود را به دست آوردند. دولت عراق نیز این حقیقت را پذیرفت که کردها ملتی هستند که در سرزمین خود مورد ظلم و ستم قرار گرفته و از حقوق خود محروم شده‌اند. این برای مردم کرد در هر چهار بخش کردستان و برای رهبری انقلاب و حزب دمکرات کردستان و پیشمرگه‌های غیور کردستان، که با دل و جان حامی رهبر خود مصطفی بارزانی بودند، پیروزی و دستاورد بزرگی محسوب میشد.

توافقنامه یازدهم مارس، نقطه عطفی در روند تاریخی روابط بین مردم کردستان و کشور عراق بود، اما متأسفانه، دولت عراق به طرق مختلف، به سیاست نفی و انکار حقوق کردها و قیام‌شان ادامه می‌داد. چند ماه پس از امضای توافقنامه، حکومت عراق دست به شکنجه و آزار و اذیت و اخراج کردهای فیلی زد. حکومت عراق از طریق توطئه انفجار چند تن از رجال مذهبی، در ۲۹ سپتامبر سال ۱۹۷۱ قصد ترور بارزانی را داشت. این اقدامات، اعتماد به وجودآمده میان قیام کردستان و دولت عراق را تضعیف کرد. همچنین دولت عراق با توجیحات و بهانه‌گیریهای مختلف، از اجرای مفاد توافقنامه و تصویب قانون خودمختاری برای اعلان خودمختاری در سال ۱۹۷۴ طفره میرفت. حاکمان عراق به موازات اقدامات ذکر شده، شروع به دستگیری و شکنجه و اعدام اعضا و سازمان‌های تابع حزب دمکرات کردستان در بغداد کردند، که از جمله میتوان به اعدام شهید لیلا قاسم و همراهانش اشاره کرد. شهید لیلا قاسم، که یکی از مسئولان سازماندهی تشکیلات حزب دمکرات کردستان در بغداد بود، اولین بانوی فعال سیاسی کرد بود که به دلیل اقدامات سیاسی در تاریخ ۱۲ ماه می سال ۱۹۷۴ توسط حکومت عراق اعدام و به شهادت رسید. سرانجام در سال ۱۹۷۵ و به دنبال توطئه‌ای بین‌المللی علیه کردها،

برای تاریخ.. ۳۷

تحت عنوان توافق الجزایر، دولت عراق از قسمتی از سرزمین و حاکمیت عراق دست کشید و آن را به شاه ایران واگذار کرد و در نتیجه منجر به شکست قیام سپتامبر شد. توافقنامه ۱۱ مارس سال ۱۹۷۰ نیز که میان مبارزین کرد و حکومت عراق منعقد شده بود، عملی نشد.

پس از سال ۱۹۷۵ مرحله دیگری از مبارزات مردم کردستان و جنبش آزادیخواهی کردها در عراق آغاز شد. همزمان با شکست قیام و پناهنده شدن صدها هزار کرد به کشورهای دیگر، جنبش آزادیخواهی کردها در کردستان عراق به جهان خارج نیز گسترش پیدا کرد و روابط بین کردها و جهان خارج وارد مرحله جدیدی شد. همچنین، جنگ هشت ساله عراق و ایران، معادلات تازه‌ای را رقم زد و فرصت‌های جدیدی را برای نیروها و احزاب کرد در عراق بوجود آورد.

طرح نسل‌کشی و تلاش برای محو ملت کرد در کشور عراق

همانطور که قبلاً ذکر شد، طی یک روند طولانی و گسترده، سرزمین کردستان میان چهار کشور تقسیم شد. در بخش ضمیمه شده به دولت عراق، اصل مشارکت میان کردها و عربها به کرات نقض شد و خصوصیات قومی و ویژگیهای ملی مردم کرد هرگز به رسمیت شناخته نشد. بی‌عدالتی اعمال شده علیه کردها فقط به نادیده‌گرفتن و به حاشیه راندن حقوق ملی آنها محدود نبود، بلکه طی صد سال گذشته، مقامات عراقی از طریق سیاست‌های سیستماتیک و سازمان‌یافته و طی مراحل متوالی، یک سری عملیاتهای گسترده و فشرده‌ای را به منظور محوساختن مردم کرد و نابودی آنها و تغییر جمعیت مناطق کردنشین را که از زمانهای کهن کردها و سایر اقلیت‌های دیگر در آنجا ساکن بودند، در عراق پیاده کردند.

اولین تلاش برای تغییر دموگرافی مناطق کردنشین در چارچوب سیاست کوچ اجباری جمعیتی و تبعید اجباری صورت گرفت. تبعید و تعریب در مناطق کردنشین ضمیمه شده به عراق، قبل از تأسیس دولت عراق نیز وجود داشته است. مدحت پاشا،^{۲۴} والی بغداد، در اواخر قرن نوزدهم، تعداد زیادی از قبایل عرب را در دشتهای مندلی، بلدروز، قره‌تپه، کفری، دوز، حویجه، قراج، جنوب مخمور و دشتهای نینوا اسکان داد. پس از تأسیس کشور عراق و در عهد پادشاهی، به منظور اعمال و تحمیل هویت عراقی در میان ساکنین کشور جدید عراق، سیاست تعریب را طی فرآیندی تدریجی و طولانی در پیش گرفت. در دهه‌های سی و چهل و پنجاه قرن گذشته (قرن بیستم) تعداد بسیاری از عربها در حویجه، مندلی، قراج، جلولا (گُلاله)، شنگال و دشتهای نینوا اسکان داده شدند و صدها روستای تازه برای این جمعیت تازه اسکان یافته ساخته شد. پس از انقلاب ۱۴ ژوئیه سال ۱۹۵۸ تا زمان ظهور بعثی‌ها، نیز سیاست تعریب در مناطق شنگال و زمار و مناطق مرزی بین عراق و سوریه ادامه یافت.

در سال ۱۹۶۳ و پس از روی کار آمدن بعثی‌ها در عراق، برنامه های تبعید، تعریب و بعثی کردن اجباری ساکنان مناطق مختلف وارد مرحله جدیدی شد و تشدید یافت. در طی آن مدت، ۴۲٪ از خاک کردستان مورد حمله نظامی و عملیات تبعید و کوچ اجباری و ریشه‌کن کردن مردم از سرزمین آبا و اجدادیشان قرار گرفت. در سال ۱۹۷۰ حکومت عراق شروع به اجرای سیاست تبعید اجباری هزاران کرد فیلی کرد. همچنین پس از آن، دور دیگری از تبعید از سر گرفته شد که به موازات تخریب روستاها پس از سال ۱۹۷۴ صورت گرفت و تا سال ۱۹۷۹ ادامه یافت. در آن مرحله، مناطق بارزان، بالک، قوره‌تو، کرمک، ناودشت، حلبچه، کاریزه و زاخو تحت عملیات سیستماتیک تخریب و انهدام

روستاها قرار گرفتند. در نوامبر سال ۱۹۷۵ بزرگترین عملیات تبعید و تخریب روستاها در منطقه بارزان توسط دولت عراق انجام شد. ساکنان این منطقه به اجبار به بیابانها و مجتمع‌های مسکونی جنوب عراق منتقل شدند و به شیوه‌ای غیرانسانی از وطنشان رانده شدند. پس از پنج سال زندگی دشوار و پرمشقت، در آغاز سال ۱۹۸۰ بارزانیهای تبعید شده به جنوب عراق، به کردستان بازگردانده شدند، اما اینبار در حومه اربیل و در اردوگاههای اجباری به نامهای قادسیه و قدس اسکان داده شدند.

مفقودالایر ساختن، انفال و نسل‌کشی و کشتار جمعی از دیگر جرائم ضد بشری دولت‌های عراق علیه شهروندان کرد بود. در سال ۱۹۸۰، دوازده هزار تن از جوانان کرد فیلی توسط دولت عراق مفقودالایر شدند و در راستای جنایاتی که علیه کردهای فیلی انجام شد، ده‌ها هزار نفر از آنها پس از سلب شناسنامه و تابعیت، به زور از عراق اخراج و به ایران فرستاده شدند. جنایات سازمان یافته دولت عراق علیه کردها همچنان ادامه یافت و در ۳۱ ژوئیه سال ۱۹۸۳، نیروهای عراقی به اردوگاههای اجباری قدس و قادسیه در قوشتپه (نزدیک اربیل)، حریر، بحرکه و دیانا حمله‌ور شدند و هشت هزار مرد بارزانی را دستگیر و مفقودالایر ساختند. بیست و چند سال بعد، پس از سرنگونی رژیم، بقایای اجسادشان در گورهای دسته جمعی واقع در بیابانهای جنوب عراق پیدا شد. در امتداد عملی ساختن برنامه و عملیات نسل‌کشی کردها توسط دولت عراق، در سال ۱۹۸۸ عملیات نظامی و غیرانسانی دیگری توسط رژیم سابق عراق علیه کردها، تحت عنوان عملیات انفال آغاز شد که در آن طی هشت مرحله در همان سال بیش از ۱۸۲۰۰۰ شهروند بی‌گناه را از مناطق گرمیان، قره‌داغ و بادینان، کرکوک، اربیل و سلیمانیه دستگیر و مفقودالایر کردند. در همان سال، رژیم مرتکب جنایت بمباران شیمیایی حلبچه

نیز شد که منجر به شهید شدن پنج هزار غیر نظامی بیگناه شد. لازم به ذکر است که بیشتر مناطق کردستان بمباران شیمیایی شدند، ولی حلبچه به دلیل تعداد زیاد شهدا در یک زمان محدود، به نماد جنایت بمباران شیمیایی علیه کردستان تبدیل شد.

علاوه بر همه این جنایات، تخریب محیط زیست کردستان و مین‌گذاری جنگل‌ها و کوه‌ها و راه‌ها و تخریب ۴۵۰۰ روستا و ویران کردن زیرساختهای زندگی روستایی و کشاورزی و اسکان اجباری در اردوگاهها و از بین بردن ساختار اقتصادی و چارچوب‌های زندگی اجتماعی مردم، دستگیریهای خودسرانه، بازداشت، شکنجه، اعدام و تیرباران کردن شهروندان کرد و آواره ساختن صدها هزار کرد و بمباران قلادزه در ۲۴ آوریل سال ۱۹۷۴ و بمباران مردم پناهنده کرد عراقی در اردوگاه پناهندگان زیوه در ۹ ژوئن سال ۱۹۸۵ همگی بخشهای دیگری از جنایتهای دولت عراق علیه مردم کردستان می‌باشند. در مورد جنایات مذکور، هزاران سند و مدرک موثق و مستدل در دسترس هست و همگی در زمره جرائم ضد بشری و نسل‌کشی قرار می‌گیرند. همه این تلاشهای سیستماتیک و هدفمند دولت عراق در طول صد سال گذشته (از بدو تاسیس تا اواخر دهه هشتاد)، تنها و تنها به منظور محوساختن و از بین بردن موجودیت ملت کرد بوده است.

قیام مردمی سال ۱۹۹۱

پس از قیام و خیزش مردم کردستان در بهار سال ۱۹۹۱، فرصتی دیگر برای مردم کردستان و جنبش آزادیخواهی ملت کرد بوجود آمد. این قیام، نقطه عطفی تاریخی در زندگی مردم کردستان بود. در این قیام، مردم کردستان نمونه والای اخلاق انساندوستی و فرهنگ شفقت و مدارا را از خود نشان دادند و دست به انتقامجویی نبردند و از جان هزاران سرباز عراقی که به اسارت نیروهای پیشمرگه درآمده بودند، محافظت کردند. به منظور گشودن فصل تازه‌ای با دولت عراق، رهبری سیاسی کرد درخواست گفتگو و مذاکره حکومت عراقی را پذیرفت و تصمیم به نشست و مذاکره با حاکمان عراق گرفت. زمانی که برای انجام مذاکره به همراه مرحوم مام جلال به بغداد رفتیم، در حقیقت همه جنایات وحشیانه‌ای را که دولت عراق علیه مردم کردستان مرتکب شده بود در خاطر داشتیم و از میان دریایی از خون (خونهای به ناحق ریخته

فرزندان ملت کرد) گذشتیم و دستهایی را فشردیم که به خون ملت ما آغشته شده بودند. اما هدف ما گشودن صفحه‌ای جدید و ورود به مرحله‌ای نو و دستیابی به صلح بود. این تصمیم برای انجام مذاکره با جنایتکاران بعثی، دشوارترین تصمیم زندگی‌ام بود.

سی و هشت نفر از خویشاوندان و اعضای خانواده‌ام، هشت هزار نفر از اعضای عشیره‌ام (عشیره بارزانی) و ۱۸۲۰۰۰ نفر از اعضای ملت‌م به طرز وحشیانه‌ای انفال شده بودند، با این حال تصمیم گرفتم به بغداد بروم تا بعدها نگویند که بارزانی به دلیل کینه‌های شخصی، از انجام مذاکره خودداری کرد و فرصت چاره‌جویی و حل اختلافات را برای بدست آوردن حقوق ملت کرد از دست داد.

مردم کردستان هزینه‌های بسیار سنگین انسانی و مادی را در نتیجه زندگی با دولت عراق از دهه دوم قرن گذشته تا زمان قیام ۱۹۹۱ متحمل شدند. جنگ، انقلاب، ویرانی، فاجعه، خونریزی و شکنجه، سهم ملت کرد از کشور عراق و نتیجه مشارکت آنها با این کشور بود. عراق با نفت کردستان به کشوری قوی تبدیل شد و با پول این نفت اسلحه خرید و با همان سلاحها به جنگ با مردم کردستان و هجوم به کشورهای همسایه دست زد. متأسفانه، از همان آغاز، مسئله نفت به انگیزه اصلی برای نادیده گرفتن حقوق مردم کردستان تبدیل شد. در گذشته نیز، هنگامی که بریتانیاییها متوجه نفت خیز بودن منطقه کرکوک شدند، از قولی که به شیخ محمود حفید برای تأسیس دولت کردستان داده بودند، پشیمان شدند و خواستار قدرتمند ساختن عراق از طریق نفت کرکوک و کردستان شدند. ولی تاریخ نشان داد که در قرن بیستم ثروت و سامانی که می‌بایست برای رفاه و توسعه از آن سود گرفته می‌شد، در کشتار و نابودکردن ملت کردستان به کار گرفته شد.

بمباران و قتل عام مستمر کردها، چندین کودتا، سیستم دیکتاتوری و شوونیسم، قتل عام و مفقودالاضر کردن دوازده هزار کرد فیلی، انفال هشت هزار بارزانی و صد و هشتاد و دو هزار شهروند بیگناه کردستان در گرمیان و مناطق دیگر، بمباران شیمیایی حلبچه و مناطق مختلف کردستان، کوچ اجباری و تعریب و بعضی ساختن جامعه و اخراج و آواره ساختن مردم همه و همه محصول تأسیس کشور عراق و دستاورد زندگی ما با آن کشور بود. با وجود همه اینها، کردها خواهان صلح، همزیستی و گشودن فصلی تازه بودند.

مذاکراتی که پس از قیام با رژیم عراق انجام شد، به شکست انجامید، چرا که طرز فکر نفی و شوونیسم و تمامیت خواهی همچنان رایج و پابرجا بود و همانند دوران پیشین، کردها را تابع و دنباله‌رو خود میدانستند. با وجود تاریخ پر از خون و بی‌عدالتی و بیدادگری علیه کردها، حکام بغداد ما را به چشم مجرم و مقصر میدند، چرا که ما ظلم و ستم را نپذیرفتیم و تسلیم نسل‌کشی و دیکتاتوری نشدیم.

پس از قیام سال ۱۹۹۱ و تحت تأثیر اوضاع جدید و به دنبال شکست نظامی نیروهای عراقی در تنگه کُوره^{۲۵} دولت عراق، روابط اداری را در برخی مناطق کردستان به حالت تعلیق درآورد و برخی دیگر از واحدهای اداری را از کردستان خارج نمود و به مدت دوازده سال هیچگونه ارتباط سیاسی، اقتصادی و اداری بین کردستان و بغداد وجود نداشت. اقلیم کردستان در آن زمان تحت تحریم‌های مضاعفی (یکی تحریم رژیم عراق بر اقلیم کردستان و دیگری تحریم‌های بین‌المللی بر کل عراق که در نتیجه جنگ کویت بر آن اعمال شده بود) قرار گرفته بود. با این وجود برای اولین بار در ۱۹ ماه می سال ۱۹۹۲

۲۵- تنگه‌ای در بیست کیلومتری شمال اربیل واقع شده است. بعد از قیام ملت کرد در ۱۹۹۱ نیروهای عراقی در تنگه کوره طی نبردی سرنوشت ساز متحمل تلفات سنگین شدند و از نیروهای پیشمرگه شکست سختی خوردند. این شکست سنگین حکومت عراق را ناچار کرد که با نیروهای کرد وارد مذاکره شود.

در انتخاباتی آزاد و دموکراتیک پارلمان و دولت اقلیم کردستان تشکیل شد. با وجود موانع بزرگ اقتصادی و مشکلات داخلی میان احزاب سیاسی کرد، اقلیم کردستان طی آن دوازده سال توانست موجودیت خود را اثبات کند و گامهای زیادی در مسیر رشد و توسعه بردارد. همزمان کردستان به پناهگاه بخش بزرگی از آوارگان و مبارزان و فعالان آزادیخواه عراقی و نیروهای اپوزسیون که اکنون در عراق قدرت را در اختیار دارند تبدیل شده بود و در تمامی آن سالها هرگز منشأ تهدیدی برای همسایگان خود نبود.

کنفرانس اپوزسیون عراقی و سقوط رژیم سابق

حمله آمریکا به عراق و سقوط رژیم سابق در سال ۲۰۰۳، سرآغاز مرحله‌ای مهم و سرنوشت ساز برای مردم عراق بود. قبل از حمله آمریکا به عراق، با نیروهای مخالف عراق در مورد آینده دولت جدید در عراق، نشست و مذاکره داشتیم. در کنفرانس اپوزسیون عراقی که در لندن برگزار شد، مشارکت فعالی داشتیم. آن زمان هم تمام تلاش خود را بر این امر متمرکز نمودیم که پس از انجام تغییرات در عراق کسی فکر انتقام را در سر نپیوراند. در آن کنفرانس به وضوح به احزاب و جناحهای عراقی اعلام کردم که اگر همگی به دنبال انتقامجویی باشند دیگر هیچ احدالناسی در عراق باقی نخواهد ماند.

طی کنفرانس اپوزسیون عراقی که در روزهای ۱۴ و ۱۵ ماه دسامبر سال ۲۰۰۲ در لندن برگزار شد، احزاب کرد شرکت کننده در کنفرانس تلاش کردند

تا فصل جدیدی را در روابطشان با دولت آینده عراق بگشایند. این کنفرانس در هر دو سند پیش‌نویس مرحله انتقالی و بیانیه سیاسی منتشر شده، تأکید داشت که دولت آینده عراق، دولتی دموکراتیک، پارلمانی، کثرت‌گرا و فدرال برای کل عراق باشد و اصول مشارکت و همکاری میان تمامی گروه‌ها و اقلیت‌ها به مبنا و پایه‌ای برای بازسازی کشور تبدیل شود. در این دو سند اپوزسیون عراقی در آن زمان، خواهان لغو و ابطال کلیه دستورالعمل‌ها و اقدامات رژیم‌های عراقی شد که با هدف تغییر دموگرافی و واقعیت‌های قومی در کرکوک، مخمور، خانقین، شنگال، شیخان، زمار و مندلی صورت گرفته بودند، و در همین راستا قرار بر این گذاشته شد که کلیه اقدامات اداری صادره پس از سال ۱۹۶۸ توسط دولت، که به منظور تغییر دموگرافی انجام شده بودند، لغو گردند. کنفرانس علاوه بر به رسمیت شناختن جنایات انفال و نسل‌کشی علیه مردم کردستان به عنوان جرائم جنگی، همچنین خواستار جبران و پرداخت غرامت به قربانیان انفال، بمباران شیمیایی، تبعید و نسل‌کشی مردم کردستان شد. همچنین کنفرانس خواستار آن شد که بعد از سقوط رژیم به نظر و اراده آزاد مردم کردستان در یافتن فرم و چارچوب مناسب برای انتخاب نوع مشارکت خود در چارچوب اتحادیه‌ای اختیاری با عراق، احترام گذاشته شود.^{۲۶}

قبل از سرنگونی رژیم سابق عراق توسط آمریکا و قبل از کنفرانس اپوزسیون عراقی در لندن، کردستان حکومتی نیمه مستقل داشت که هیچ ارتباطی با بغداد نداشت. طی سال‌های پس از قیام ۱۹۹۱، اقلیم کردستان زیربنای مناسبی را برای حاکمیت دارا بود و فدرالیسم نیز توسط پارلمان کردستان تصویب شده بود. ایده فدرالیسم به اواخر قیام سپتامبر برمی‌گشت که در آن زمان ملا مصطفی بارزانی، ابراهیم احمد و جرجیس فتح‌الله و چند کارشناس

۲۶- برای اطلاع بیشتر رجوع شود به ضمیمه بیاننامه کنگره اپوزسیون عراقی - صفحه ۱۹۱.

دیگر را مأمور تهیه و تدوین این پروژه کرده بود. خود فدرالیسم و دولت اقلیم کردستان دو دستاورد عمده برای مردم کردستان به شمار می‌رفتند. اگرچه در مرحله تصویب قانون موقت برای اداره عراق و شورای حکمرانی، پل برمر^{۲۷} حاکم مدنی عراق، تلاش زیادی کرد که از حدود و چارچوبهای موجود فراتر رفته و حکومت قانونی اقلیم کردستان را نادیده گرفته و حقوق سیاسی و قانونی ملت کردستان و دستاوردهای ملی‌شان را زیر پا بگذارد ولی هرگز در این هدفش موفقیتی به دست نیاورد.

سال ۲۰۰۵ قانون اساسی جدیدی برای عراق تدوین شد و مردم عراق در یک همه‌پرسی به آن رأی موافق دادند. هدف از قانون اساسی جدید، ایجاد یک عراق دموکراتیک، کثرت‌گرا و فدرال بود که تضمین‌کننده مشارکت همه گروهها و اقلیتها در قدرت و حافظ منافع و حقوق همه شهروندان عراقی باشد. می‌توان گفت که این قانون اساسی در مقایسه با قوانین اساسی قبلی دولت عراق و حتی قانون‌های اساسی کشورهای منطقه، یک قانون اساسی ایده‌آل و مدرنتری بود، هرچند طبیعتاً خالی از ضعف و کاستی هم نبود. احزاب کرد در تدوین بندهای قانون اساسی جدید عراق، رأی دادن به آن و موفقیت تصویب آن و همچنین در تثبیت حقوق اقلیتها و گنجاندن اصول و ویژگی‌های مشارکت و دموکراسی در آن، نقش فعال و چشمگیری داشتند. اگر رهبری سیاسی کردستان در تهیه و تدوین آن مشارکت نمی‌کرد، شاید خیلی از ماده‌های مهم آن به این شکلی که امروز وجود دارند، نوشته نمی‌شدند و همچنین اگر قانون اساسی به همان شکلی که تصویب شد اجرا می‌شد، بسیاری از مشکلاتی که هم اکنون دولت عراق با آن دست به گریبان است، وجود نداشت.

۲۷- پس از سقوط رژیم بعث در عراق توسط آمریکا در تاریخ ۲۰۰۳/۵/۶، رئیس‌جمهور آمریکا (جورج بوش) طی حکمی "پل برمر" را به عنوان حاکم مدنی عراق منصوب کرد.

طی فرآیند تدوین قانون اساسی، مدت زمان طولانی در بغداد اقامت داشتیم. تیم کردستانی شرکت کننده در کمیته تنظیم قانون اساسی علاوه بر من عبارت بودند از: مرحوم نوشیروان مصطفی، دکتر روز نوری شاویس، صلاح الدین بهاء الدین، محمد حاجی محمود، مسرور بارزانی، کرخی آلتی برماغ که نماینده اقلیت ترکمن‌ها بود و رومیو هکاری به عنوان نماینده اقلیت مسیحی. تیم کردستانی در مراحل تدوین قانون اساسی و همچنین در پیشبرد آن و دفاع از حقوق مردم کرد و اقلیتهای گوناگون قومی و مذهبی در عراق، از هماهنگی و وحدت کلمه تاریخی و بی نظیری برخوردار بودند.

متأسفانه متحدان شیعه ما که با هم عراق جدید را ساختیم، به محض تثبیت موقعیت و جای پایشان در عراق تازه، درگیر فرآیندی خطرناک و اشتباه شدند که عبارت بود از نقض قانون اساسی و به حاشیه راندن اقلیت‌ها و تلاش برای کاستن از سهم و مشارکت کردها در نهادهای دولتی و مراکز قدرت. منشأ همه این تخلفات و کج رویها به عدم اعتقاد آنها به قانون اساسی جدید عراق برمی‌گشت. در مقدمه قانون اساسی جدید عراق آمده است که پایبندی به این قانون اساسی، شرط بقای وحدت عراق است و همین نکته کردها را ترغیب کرد تا به قانون اساسی رأی بدهند. در حقیقت، ما در زمان تدوین قانون اساسی این نگرانی را داشتیم که اندیشه و ایدئولوژی شوونیستی همچنان بر نوع حکمرانی اصحاب قدرت در عراق سایه بیفکند و تکرار وقایع تلخ و دردناک سابق را به دنبال خود بیاورد، لذا در نگاه ما آنچه در مقدمه قانون اساسی آمده بود مانعی بر سر راه بازگشت تفکر شوونیستی و اقتدارگرایی و اطمینان خاطری برای ما تلقی میشد.

نشانه‌های نقض قانون اساسی و لغو وعده‌ها و توافق‌ها از همان ابتدا در طفره رفتن از اجرای اصل ۱۴۰ نمایان شد. طبق قانون اساسی بایستی

مراحل عادی‌سازی (برگشت به وضعیت دموگرافی قبل از تعریب)، سرشماری و همه‌پرسی به طور عملی در مناطق مورد مناقشه تا سال ۲۰۰۷ اجرا شود. اما تاکنون هیچ یک از این مراحل اجرا نشده‌اند و دلیل اصلی آن هم در طفره رفتن و عدم پایبندی دولت عراق به قانون اساسی نهفته است.

پس از سال ۲۰۰۵ در همه انتخاباتهایی که برگزار می‌شد، قوانین انتخابات به گونه‌ای تنظیم می‌شدند که در نهایت تعداد کرسی‌های اقلیم کردستان در پارلمان عراق کاهش یابد. علیرغم تصویب دولت، حکومت‌های متوالی عراق از انجام مرحله عادی‌سازی و سرشماری طفره رفته و تاکنون سرشماری در عراق انجام نشده است. ما بارها بر اساس ضمانت و قول‌های آمریکایی‌ها، از این اقدامات دولت عراق و نقض وعده‌هایشان در مورد حقوق خود چشم‌پوشی کرده‌ایم و به شرکت در روند سیاسی عراق ادامه داده‌ایم، اما آمریکاییها نیز به قولها و وعده‌های خود عمل نکردند. به عنوان مثال هرچند پست ریاست جمهوری سهم کردها بشمار میرفت و در اولین دوره پس از سرنگونی رژیم، مام جلال به ریاست جمهوری انتخاب شد، اما در دور دوم ریاست جمهوری در سال ۲۰۱۰، آمریکایی‌ها خواستار این بودند که این پست دوباره به کردها تعلق نگیرد. پس از انتخابات سال ۲۰۱۰ لیست ایاد علاوی برنده انتخابات بود، اما آمریکایی‌ها و ایرانی‌ها به بهانه‌های مختلف مانع از تصدی نخست‌وزیری علاوی شدند. همچنین آمریکایی‌ها می‌خواستند که یک شخصیت سنی را به ریاست جمهوری برگزینند و در عوض ریاست پارلمان را به کردها بدهند. زمانی که آمریکاییها این مسئله را با من در میان گذاشتند، از آنها پرسیدم که آیا منظور شما این است که مام جلال به عنوان رئیس‌جمهور باقی نماند، یا می‌خواهید اساساً پست ریاست جمهوری از آن کردها نباشد؟؟ در پاسخ گفتند: "منظورمان هر دو موضوع است". من نیز در جواب به آنها متذکر شدم: "پست ریاست جمهوری حق کردهاست و باید دوباره منصب ریاست

جمهوری عراق به مام جلال داده شود. صحیح نیست هم رئیس جمهور و هم نخست وزیر برای عربها باشد. " بعد از آن بود که مام جلال برای بار دوم به ریاست جمهوری عراق رسید. این موضوع به تفصیل در کتاب "آخرین بازی، لایه درونی جنگ به خاطر عراق از جورج بوش تا باراک اوباما، تألیف مایکل جوردن و برنارد تراینور"^{۲۸} آمده است.

اغلب اوقات آمریکایی‌ها هنگام تحلیل معادلات عراق، در مسیر درست قرار نمی‌گرفتند و وقتی اشتباهی را هم مرتکب می‌شدند، کردها مجبور بودند در اکثر موارد هزینه اشتباهات آنها را بپردازند و از حقوق خود بگذرند. در بحبوحه فرماندم اقلیم هم شاهد این بودیم که بزرگترین دلیل مخالفت آمریکا با فرماندم این بود که معتقد بودند، فرماندم موجب تضعیف عبادی می‌شود و در صورت انجام ندادن آن، موقعیت عبادی قویتر شده و ایران را از صحنه سیاسی عراق بیرون خواهد کرد. این تحلیل آمریکایی‌ها کاملاً نادرست بود و می‌خواستند مردم کردستان به خاطر یک نفر و بخاطر یک تحلیل غلط، از حقوق خود صرف‌نظر کنند.

در مورد موضوع نفت و گاز هم، اقلیم کردستان هیچ اقدامی مغایر با قانون اساسی انجام نداده است. در فوریه سال ۲۰۰۷ تمام مقدمات تصویب قانون نفت و گاز به اتمام رسیده بود، اما دولت عراق شروع به اتلاف وقت و بهانه‌گیری کرد. در جلسه‌ای با حضور "زالمای خلیل‌زاد"^{۲۹}، یک وزیر بانفوذ شیعه، اذعان کرده بود که لازم است حکومت عراق در این مورد سیاست اتلاف وقت و عدم جدیت را در پیش بگیرد زیرا کردها توانایی استخراج نفت را ندارند.

28- Michael R. Gordon - General Bernard E. Trainor - The End Game, the inside story of the struggle for Iraq from George W. Buch to Barack Obama, Random House, March 2013, P.642 - 646.

۲۹- دیپلمات و سیاستمدار آمریکایی افغانی الاصل که در سالهای ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ سفیر آمریکا در عراق بود.

این موضوع، نیات و مقاصد حکام بغداد و عدم اعتقاد آنها به قانون اساسی و اصل مشارکت را هر چه بیشتر نمایان ساخت. بعد از آن بود که اقلیم کردستان بطور مستقل و در چارچوب اختیارات و صلاحیتهای اقلیم کردستان در قانون اساسی شروع به اکتشاف و استخراج نفت در سطحی محدود و برای مصارف داخلی کرد، و تنها زمانی که دولت عراق در فوریه سال ۲۰۱۴ بودجه اقلیم را قطع کرد، اقلیم کردستان بالاجبار و آن هم با هدف تأمین بودجه لازم برای پرداخت حقوق کارکنان حکومت و تهیه مایحتاج ضروری برای مردم کردستان اقدام به فروش و صادرات نفت کرد. قطع بودجه مردم کردستان اقدامی کاملاً غیرقانونی و خلاف قانون اساسی و جرمی بزرگ محسوب میشود. این جرم نه تنها کمتر از جنایات بمباران شیمیایی مردم کردستان توسط رژیم قبلی نبود، بلکه جنایت بزرگتری نیز به حساب می آید، زیرا قطع بودجه، همه مردم کردستان و حتی کودکان و نوزادان شیرخوار را نیز در بر میگرفت.

متأسفانه، بعد از آن، در بغداد کارزار وسیعی با هدف منحرف کردن افکار عمومی و تحریف حقایق و ایجاد فضایی خصمانه به راه افتاد، به طوری که هر گروه و جناح عربی که موضعگیریهای خصمانه تری بر علیه کردها اتخاذ میکرد، از محبوبیت عمومی و پایگاه سیاسی بالاتری برخوردار میشد و در انتخابات نیز آرا بیشتری برای خود کسب میکرد.

جنگ داعش

سیاستهای غلط دولت عراق، کشور را به آستانه سقوط کشاند و سیاستهای فرقه‌گرایی و دیکتاتوری، به حاشیه‌راندن اقلیتها و فساد، عراق را از معنای کشوربودن تهی ساخته بود. ارتش و نیروهای امنیتی بر اساس وابستگی به اشخاص و گروههای خاص و نه بر اساس حس وطن دوستی سازمان یافته بودند. این سیاستها و اقدامات اشتباه، فضای مناسبی را برای رشد و تقویت تروریست‌ها در غرب انبار و موصل ایجاد کرد. سرانجام در دهم ژوئن سال ۲۰۱۴، در چشم به‌هم‌زدنی، شهر موصل به دست تروریست‌های داعش افتاد و داعشیه‌ها توانستند تا نزدیکی دروازه‌های بغداد پیشروی کنند. ماه‌ها قبل از آن رخداد، از طریق آقای عمار حکیم و همچنین از طریق دکتر روژ نوری شاویس (که معاون نخست وزیر عراق بود) و همچنین رابرت استفن بیکروفت (سفیر سابق آمریکا در عراق) به مقامات بغداد اطلاع داده بودم که تروریست‌ها در غرب موصل و نزدیک حزر^{۳۰} در حال فعالیت و تحرکات مستمر هستند و خطر سقوط موصل (و تصرف موصل توسط آنان) وجود دارد. اما نوری مالکی اهمیتی به این هشدارها نداد و در نتیجه بخش بزرگی از غرب عراق و استانهای مرکزی به تصرف تروریست‌ها درآمد.

۳۰- منطقه حزر در غرب شهر موصل و نزدیک مرز سوریه واقع شده است.

مدتی قبل از سقوط موصل هم طی تماس تلفنی ام با مالکی، در مورد خطرات و تحرکات داعش در غرب موصل با او گفتگو کرده بودم. همچنین نیروهای پیشمرگه به نیروهای عراقی پیشنهاد کرده بودند که یک عملیات نظامی مشترک برای بیرون راندن داعش در آن منطقه انجام دهند، اما متأسفانه به توصیه‌ها و پیشنهادهای آنان نیز توجهی نشد.

داعش پس از اشغال موصل در ۱۰ ژوئن سال ۲۰۱۴ به پیشرویهای خود به سمت مرکز عراق ادامه داد و به نزدیکی بغداد رسید. اما ناگهان و در کمال شگفتی، داعش مسیر پیشروی و جنگ را به سمت کردستان تغییر داد و به کردستان حمله ور شد. این موضوع یکی از رازهای بزرگ جنگ داعش است، چرا آنها به کردستان هجوم آوردند؟ بنظر می‌رسید حمله آنان مطابق میل بسیاری از شوونیستهای منطقه باشد. کردستان از موقعیت استراتژیک و منابع سرشار آب و نفت برخوردار بود. این امر ممکن بود دلیلی باشد که داعش چشم طمع به آن بدوزد و سعی در اشغال آن داشته باشد. داعش معتقد بود کردها نمی‌توانند مقاومت کنند و خیلی زود شکست خورده و تسلیم می‌شوند، زیرا بر این امر واقف بود که پیشمرگه‌ها سلاح و مهمات کافی و مناسبی در دسترس ندارند و از این هم اطلاع داشتند که پیشمرگه‌ها تحت تحریم تسلیحاتی بغداد و جهان قرار دارند. با این همه کردستان در مسیر پیشرفت و شکوفایی قرار داشت. هجوم داعشیان وسیله‌ای برای جلوگیری از استقلال و پیشرفت کردستان بود. علاوه بر این، جریان شوونیستی درون داعش در تلاش بود تا مناطق مورد مناقشه را به زور اسلحه از کنترل کردها خارج کند و به حضور کردها و سایر اقلیتها در این مناطق پایان دهد. (نقشه شماره ۱)

داعشیها می‌پنداشتند که پیشمرگه‌ها شکست می‌خورند و به آسانی میتوانند مناطق تحت پوشش ماده ۱۴۰ را کنترل کنند، و جهان نیز در برابرشان سکوت خواهد کرد. ما، به ویژه در جریان فرماندم و حوادث ۱۶ اکتبر، به این نتیجه رسیدیم که

همان دستهایی که به رشد و تقویت و گسترش داعش کمک می کردند و اعضای داعش را آموزش می دادند، داعشیها را تسلیح کرده و تدارکات و لجستیک لازم را برای آنان فراهم می کردند، همان ایادی نیز داعش را به حمله به کردستان در آگوست سال (۲۰۱۴) و داشتند. داعش سلاحی بود در دست نیروهای شوونیستی منطقه برای متوقف نمودن شکوفایی و استقلال کردستان.

مردم کردستان در جریان جنگ با داعش، متحمل خسارات انسانی و اقتصادی فراوانی شدند. همزمان دولت عراق بودجه اقلیم کردستان را قطع کرده بود و قیمت جهانی نفت نیز به شدت کاهش یافته بود، هزینه های جنگی سخت و دشوار در جبهه های به طول هزار و پنجاه کیلومتر نیز از نظر مالی بسیار زیاد و طاقت فرسا بود. علاوه بر این اقلیم کردستان پذیرای یک ملیون و ششصد هزار آواره و پناهنده از عراق و سوریه بود. در آن جنگ، ۱۹۲۱ پیشمرگه جان پاک خود را فدای مردم و میهنشان کردند و ۱۰۷۵۷ پیشمرگه دیگر زخمی، و ۶۳ نفر نیز اسیر و مفقودالاضر شدند. در این نبرد حماسه های بسیاری آفریده شدند. عزیزان و قهرمانان بسیاری را از دست دادیم. هر وجب از خاک کردستان اشغال شده با خون عزیزان و قهرمانان ما از کنترل تروریست ها خارج شده است. متأسفانه در میان کردها نیز افرادی را یافتیم که می خواستند از بهای دلاوری و رشادتها و فداکاریهای پیشمرگه ها بکاهند و این گونه اذعان میداشتند که ضربات هوایی نیروهای ائتلاف، داعشیها را شکست داد و پیشمرگه ها نقشی نداشتند. در حقیقت پشتیبانی هوایی ائتلاف از نیروهای پیشمرگه کمک بسیار خوبی بود و ما همیشه قدردان نقش نیروهای ائتلاف و پشتیبانی آنان از پیشمرگه ها هستیم، اما در عمل و در میدان نبرد، این نیروی پیشمرگه بود که خون داد و جان خود را فدا کرد و دشمن را شکست داد. این واقعیتی است که باید برای جهانیان و نسلهای آینده بازگو شود.

داعشیان آسیب‌ها و خسارات زیادی به مردم کردستان وارد کردند. آنها مرتکب جنایات هولناکی علیه کردهای ایزدی شدند، جنایاتی که شدت حقارت و پستی تروریستها و ایدئولوژی آنان را نشان می‌داد. در آغاز جنگ علیه داعش نیروهای پیشمرگه سلاح لازم و تجهیزات کافی برای مقابله با آنها در اختیار نداشتند. دولت عراق پیشمرگه‌ها را مورد تحریم تسلیحاتی قرار داده بود و آمریکا نیز اجازه نمی‌داد کشورهای دیگر به پیشمرگه‌ها اسلحه بفروشند. این در حالی بود که داعش بخش بزرگی از سلاح و امکانات ارتش دو دولت سوریه و عراق را به دست آورده بود.

در جریان اشغال شنگال توسط داعشیها در ۳ آگوست سال ۲۰۱۴، پیشمرگه‌های مستقر در شنگال تنها سلاحهای سبک و محدودی در اختیار داشتند و مجهز به سلاحهای سنگین و پیشرفته نبودند. از نظر جغرافیایی، شنگال همانند جزیره‌ای بود که هفتاد کیلومتر با اقلیم کردستان و مواضع اصلی نیروهای پیشمرگه فاصله داشت. همچنین جاده‌های اصلی که منطقه را به شنگال متصل میکردند، تحت کنترل بخشی از قبایل عرب بودند که با داعشیان همکاری می‌کردند و توانسته بودند راههای امداد و فرستادن نیروی کمکی به شنگال را در مدت بسیار کوتاهی ببندند. در آن زمان آمریکا و نیروهای ائتلاف نیز در جنگ شرکت نداشتند تا بتوانند به پیشمرگه‌ها یاری برسانند. همه این موانع باعث شد که داعشیها بتوانند شنگال را اشغال کنند.

آن تعداد محدود از پیشمرگه‌هایی که به همراه آوارگان در کوه شنگال مانده بودند، دلاوران از کوه شنگال و شرف‌الدین^{۳۱} در برابر حملات داعش دفاع کردند و از خطر حمله داعش به صدها هزار شهروند بیگناه که در کوه شنگال پناه گرفته بودند، جلوگیری کردند. متأسفانه در آنزمان شاهد ادعاهای واهی

۳۱- یکی از زیارتگاههای مقدس ایزدیان واقع در دامنه شمالی کوه شنگال.

بعضی از گروه‌ها هم بودیم که مدعی حفاظت از مردم شنگال بودند. این در حالی بود که تا قبل از سازمان یافتن دوباره پیشمرگه‌ها و درهم شکستن داعش و آزادکردن راه سحیلا - شنگال و دشت زمار و کوه شنگال و شهر شنگال، هیچ اثری از این قبیل افراد نبود، اما به مجرد اینکه پیشمرگه‌ها به پیروزی در مقابل داعشیان دست یافتند^{۳۲} این گروه‌ها شروع به خودنمایی و ادعاهای بی‌اساس کردند.

۳۲- از ابتدای حمله داعش به کردستان تا پایان سپتامبر ۲۰۱۴ نگرانی عمده من این بود که چگونه بتوانیم کردستان، شهروندان و پیشمرگه‌ها را به شرایط عادی بازگردانیم طوری که کردستان برای جنگی طولانی آماده باشد و پیشمرگه‌ها را از لحاظ برنامه، سازماندهی و آگاهی به سطحی برسانیم که توان هجوم و حمله را داشته باشند و بتوانند مناطق تصرف شده را با جنگ از چنگال داعش آزاد سازیم و همچنین برای اینکه به داعشیان فرصت ندهیم بار دیگر به اشغال سرزمینها و مناطق دیگر بپردازند.

پس از اینکه به این جمع‌بندی رسیدیم که پیشمرگه‌ها و همچنین شهروندان برای انتقال کردستان به مرحله حمله همه‌جانبه به منظور آزادسازی مناطق اشغالی، آمادگی لازم را دارند، دستور شروع عملیات آزادسازی ربیعه را صادر کردم. صبح ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۴، برای پایان دادن به تهدیدهای داعش در مناطق مرزی و محدود کردن تماس‌هایشان بین سوریه و عراق، عملیات آزادسازی ربیعه با مشارکت پنجهزار پیشمرگه آغاز شد (نقشه شماره ۲).

آن عملیات یکی از سلسله عملیات‌های مهمی بود که باعث درهم‌شکستن افسانه داعش توسط پیشمرگه‌ها شد. همچنین راه دسترسی به کوه شنگال نیز آسان شد چرا که آن هنگام دسترسی به کوه شنگال هدف استراتژیک نیروهای پیشمرگه به شمار می‌رفت. پس از آن پیروزی در صبح روز ۲۵ اکتبر سال ۲۰۱۴، نیروهای پیشمرگه منطقه زمار و روستاهای اطراف آن را از کنترل تروریستهای داعش زدروند و ضربه مهلکی را به تروریست‌های داعش وارد آوردند (نقشه ۳). نیروهای پیشمرگه به تدریج توانستند تمامی حملات پی در پی دشمنان را در همه محورها و جبهه‌های جنگی شکست دهند. آزادسازی ربیعه و زمار، زمینه را برای آزادسازی منطقه شنگال و شکستن محاصره کوه شنگال فراهم کرد. بنابراین، صبح روز ۱۷ دسامبر ۲۰۱۴، همزمان با روز پرچم کردستان، دستور آغاز عملیات آزادسازی منطقه شنگال صادر شد (نقشه ۴). حمله پیشمرگه‌ها از محور زمار به سمت چهارراه حردان، در اعماق خاک دشمن آغاز شد. همچنین پیشمرگه‌هایی که در کوه سنجا بودند، و در طی چهار ماه شجاعانه مبارزه و مقاومت کردند، و اجازه نداده بودند داعش کوه شنگال را تصرف کند از بالای کوه به شبه نظامیان داعش هجوم آوردند و در مدت کوتاهی هر دو نیروی پیشمرگه در حردان به هم رسیدند و یک پیروزی تاریخی را به ثمر رساندند و در نتیجه این پیروزی محاصره کوه شنگال که دوازده هزار ایزدی در آنجا سکنی گزیده بودند، شکسته شد. در تاریخ ۱۲ نوامبر سال ۲۰۱۵ و با هدف آزادسازی کامل شهر شنگال و اطراف آن از کنترل تروریست‌ها، پاکسازی منطقه از داعش و قطع ارتباطات داعش بین عراق و سوریه، عملیات آزادسازی شنگال از سه محور با پشتیبانی هوایی توسط هواپیماهای ائتلاف آغاز شد، در طی این عملیات سرانجام شهر شنگال آزاد شد.

علیرغم همه اینها، پیشمرگه‌ها در جریان جنگ با داعش به هیچ وجه دست به انتقامجویی و اقدامات تلافی جویانه نزدند و همچنین قوانین جنگ را رعایت کردند و حتی برای یک بار هم مکانهای غیرنظامی را مورد هدف قرار ندادند. پیشمرگه‌ها افسانه داعش را شکستند و انتقام خواهران و برادران ایزدی خود را از داعش گرفتند و رودرو در میدان نبرد دلاورانه دیو داعش را به زانو درآوردند.

متأسفانه، در جنگ با داعش دولت عراق نه تنها نتوانست از اقلیت‌ها محافظت کند بلکه به نیروهای پیشمرگه نیز کمکی نکرد و حتی یک فشنگ را به عنوان کمک برای اقلیم کردستان ارسال نکرد. این در حالی بود که حکومت عراق مدت ده سال بود که پیشمرگه‌ها را از اسلحه و سهمیه و مستحقات قانونیشان محروم ساخته بود و همه اینها در حالی بود که مطابق با قانون اساسی و توافقنامه‌های امضاء شده، پیشمرگه‌ها بخشی از سیستم دفاعی عراق محسوب می‌شدند. در این بین دولت عراق علاوه بر اینکه از پیشمرگه‌ها پشتیبانی بعمل نیاورد، موانع و مشکلات گوناگونی را هم بر سر راه کمک‌هایی ایجاد می‌کرد که از طرف دولتهای دیگر جهان برای پیشمرگه‌ها ارسال می‌شد.

این طرز رفتار دولت عراق در آن روزهای سخت قابل تأمل و پرسش‌برانگیز بود. چرا دولت عراق در جنگ با داعش به اقلیم کمکی نکرد و کماکان به تحریم و قطع بودجه اقلیم کردستان ادامه داد؟ در حالیکه، این پیشمرگه‌ها بودند که در جنگ با داعش، به عراق کمک کردند و از کرکوک و مناطق مورد منازعه محافظت کردند. چرا که اگر پیشمرگه‌های کردستان از کرکوک دفاع نمی‌کردند، چه بسا کرکوک نیز به سرنوشت موصل دچار میشد و به تصرف داعش در می‌آمد. بسیاری اوقات اظهارات بعضی از شوونیستها شنیده می‌شد که گویا کرکوک و

سایر مناطق توسط پیشمرگه‌ها اشغال شده است ولی برخلاف نظر این دسته، در حقیقت این نیروهای پیشمرگه بودند که از کرکوک و مناطق دیگر و میادین نفتی در برابر اشغال و حملات تروریستی دفاع و محافظت کردند. بعد از این حوادث و در جریان جنگ موصل، پیشمرگه‌ها خطوط دفاعی داعش را درهم شکستند و کلیدهای پیروزی را به دست عبادی سپردند و با اعتماد و بردباری و شکیبایی بسیار، تمام محورهای جنگی را برای ورود نیروهای عراقی گشودند.

اقلیم کردستان علاوه بر این جنگ دشوار و محاصره اقتصادی بغداد و دست و پنجه نرم کردن با مشکلات اقتصادی ناشی از کاهش قیمت نفت، به پناهگاهی برای یک میلیون و ششصد هزار آواره سوری و عراقی تبدیل شده بود. این تعداد آواره معادل ۲۵٪ جمعیت اقلیم بود. شهروندان، دولت، سازمان‌ها و ارگان‌های حزبی اقلیم، نقش برجسته‌ای در کمک به پناهندگان و پیشمرگه‌ها ایفا کردند و تعداد زیادی از شهروندان به صورت داوطلبانه در جبهه‌های جنگ و کمکرسانی به پناهندگان شرکت کردند. دولت عراق در حالی از کمک به دولت اقلیم در قبال پناه دادن و اسکان آوارگان خودداری می‌کرد، که بخش بزرگی از آوارگان را شهروندان سنی مذهب استانهای مرکزی عراق تشکیل می‌دادند، به عبارت دیگر اکثریت قریب به اتفاق این آوارگان، شهروندان عراق بودند.

چرا دولت عراق با وجود مبالغه‌ناگفتی که در اختیار داشت از اقلیم کردستان برای پناه دادن به آواره‌ها حمایت نکرد؟ آیا اقلیم کردستان بخشی از عراق نبود؟ یا اینکه بطور کلی حاکمان عراق، اقلیم کردستان را بخشی از عراق نمی‌دانستند؟ من در مورد موضوع امتناع بغداد برای حمایت مالی از اقلیم در زمینه پناه دادن به آوارگان، ده‌ها بار با مهمانان خارجی و هیأت‌های عالیرتبه عراقی بحث و گفتگو کردم، اما هیچ کدام نتیجه‌ای نداشت. در ارتباط

با همین موضوع بان کی مون،^{۳۳} دبیرکل سازمان ملل متحد، در تاریخ ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۴ و ۲۶ مارس سال ۲۰۱۶، از اقلیم کردستان دیدار بعمل آوردند و من در هر دو دیدار، ایشان را از وضعیت بسیار دشوار آوارگان مطلع ساختم، و یادآوری کردم که مسئولیت آوارگان بسیار سنگین است و اقلیم کردستان یک تنه این بار را به دوش کشیده است. به بان کی مون گفتم: عراق، آوارگان را جزو شهروندان خود به حساب نمی‌آورد و به همین سبب به ما در زمینه کمک به آنها همکاری نمی‌کند.

۳۳- بان کی مون، دیپلمات و وزیر خارجه سابق کره جنوبی که از سال ۲۰۰۶ تا اواخر ۲۰۱۶ به مدت ده سال دبیرکل سازمان ملل متحد بود.

نامیدی کردها از عراق جدید

بنده از همان سال ۲۰۱۰ متوجه شدم که عراق جدید پس از ۲۰۰۳ به سرایشی خودکامگی و دیکتاتوری افتاده است و در بسیاری از مصاحبه‌ها و بیانیه‌ها این خطر را گوشزد کردم و سعی کردم که همه جناحها و گروهها را مطلع سازم که در صورت ادامه نقض قانون اساسی و در نظر نگرفتن اصل مشارکت، عراق دچار فاجعه بزرگی خواهد شد. متأسفانه این هشدارها و توصیه‌ها جدی گرفته نشد و وضعیت عراق و روابط بین اقلیم و بغداد روز به روز دچار مشکلات بیشتری شد.

مردم کردستان همواره این پرسش را در ذهن داشتند که کدامین راه را باید در پیش بگیرند؟ راه حل اساسی کدام است؟ حقوق و مشارکت کردها در عراق چه در دوران سلطنت و جمهوری و چه در زمان بعثی‌ها نقض شد و مردم کردستان مورد نسل‌کشی قرار گرفتند و در عراق باصطلاح دموکراتیک و فدرال پس از سال ۲۰۰۳ نیز هیچ امیدی باقی نمانده است. کردها باید چه راهی

در پیش بگیرند؟ آیا باید یک قرن دیگر هم مبارزه کنند؟ حقیقت امر این است که نه ما می‌توانیم از طریق جنگ، به دولت عراق خاتمه دهیم و نه دولت‌های عراق توانسته‌اند مردم کردستان را از راه خشونت، محاصره و نسل‌کشی از میان بردارند و محو سازند. پس چرا این دوزخ باید ادامه یابد؟ چرا باید همیشه درگیر جنگ و اختلافات میانمان باشیم؟ چرا تدبیر دیگری نمی‌اندیشیم که متضمن صلح و برادری پایدار میانمان باشد؟.

تجارب تاریخی به ما می‌گویند که نه تجزیه اجباری ملت‌ها و نه ادغام اجباری آنها، هیچکدام موفقیت‌آمیز نخواهند بود. پس از جنگ جهانی دوم، کشور آلمان توسط نیروهای ائتلاف به دو بخش آلمان شرقی و غربی تقسیم شد، هرچند این تقسیم چندین دهه ادامه داشت، اما در پایان دهه هشتاد قرن گذشته، با سقوط دیوار برلین، تقسیم اجباری پایان یافت و دو آلمان بار دیگر متحد شدند. این مسأله در مورد چک و اسلواکی به گونه‌ای دیگر بود، زیرا آنها قبلاً به اجبار متحد شدند و کشور چکسلواکی شکل گرفت. اما سرانجام آنها هم از یکدیگر جدا شدند و اکنون دو کشور مستقل هستند که در کنار یکدیگر با آرامش زندگی می‌کنند.

ادغام اجباری اجزاء عراق با یکدیگر طی قرن گذشته، فجایع بزرگی را به بار آورده است. این احتمال وجود دارد که دو برادر در یک خانه با مشکلات و درگیری‌های زیادی روبرو شوند، اما اگر آنها خانه‌هایشان را از هم جدا کنند، اختلافات پایان یافته و دو برادر تا ابد به حمایت از یکدیگر ادامه خواهند داد. این راه حلی اساسی برای پایان دادن به اختلافات و ایجاد و برقراری روابط درست و متعادل میان کردستان و سایر مناطق عراق بود. البته این سؤالات به گفتگوی روزمره کردها و مراکز سیاسی تبدیل شده بود. اینکه چرا نباید همانند دو همسایه و دو برادر باشیم که یکدیگر را درک کرده و برادرانه

برای همیشه در کنار هم با صلح و آرامش زندگی کنیم؟ چرا حامی و پشتیبان یکدیگر و عمق استراتژیک و اقتصادی و امنیتی یکدیگر نباشیم؟

چرا ما نباید در زمینه‌های توسعه، پیشرفت اقتصادی و سایر زمینه‌ها مکمل یکدیگر باشیم؟ چرا به این بلایا و مشکلات پیچیده برای همیشه خاتمه ندهیم؟ این سؤالات مطرح شدند چون متأسفانه، آنها راه دیگری برای مردم کردستان باقی نگذاشتند تا بتوانند در صلح و آرامش و بدون اختلاف در عراق زندگی کنند. ما همه راه‌ها را امتحان کردیم، اما نتیجه‌شان یکی بود و به شکست می‌انجامید. در طول سالهای گذشته، این موضوع را با بسیاری از شخصیت‌ها و مقامات عراقی و همچنین شخصیت‌های خارجی و دیپلمات‌ها در میان گذاشتم و به آنها اعلام کردم که ما با یک مشکل مزمن لاینحل صد ساله روبرو هستیم، خسته شده‌ایم و توان این را نداریم که مشکلات، بحران‌ها و جنگ‌ها دیگری را تحمل کنیم. بیایید و راهی را پیش روی ما بگذارید، مردم کردستان چه چیز دیگری برای ثبات و اتحاد عراق بایستی انجام دهد. مردم ما چه راه دیگری مانده که آن را امتحان نکرده باشند تا بتواند با کرامت و ضمن برخورداری از حقوق خود در عراق بمانند؟ تنها قانون اساسی ضامن بقای ما در عراق بوده و هست که قانون اساسی نیز به کرات نقض شده است و ما همچنان بطور پی‌درپی و روزانه شاهد زیرپاگداشته شدن خواسته‌ها و حقوق مردم کردستان هستیم.

نهضت آزادیخواهی ملت کرد هرگز با برادران عربمان مشکلی نداشته است، مشکل اساسی ما با رژیم‌های حاکم بر عراق و ذهنیت و نوع فرمانروایی آنها بوده است. بر همین مبنا بود که قیام سپتامبر (ایلول) نیز، دموکراسی برای عراق و خودمختاری برای کردستان را جزو اولویتها و یکی از شعارهای اصلی خود قرار داده بود. در طول تاریخ مبارزات، انقلابها و جنبشهای مردم کردستان،

حتی برای یک بار هم متوسل به اقدام تروریستی یا ارباب غیرنظامیان عرب نشد. هدف ما این بود که مشکلات سیاسی موجود میان ما و دولت‌ها به تقابل و تضاد ملی میان اقوام تبدیل نشود. اما اگر مشکلات موجود فعلی ادامه داشته باشد، احتمال تبدیل آنها به مشکلات و درگیری‌های ملی و قومی زیاد است و آنوقت است که فاجعه واقعی آغاز می‌شود.

در همان اثنا و به موازات جنگ داعش، ما به وجود جریانی پی بردیم که متأسفانه سعی در تحریک افکار عمومی عراق علیه کردها داشت. این اقدامی غیرمسئولانه و به دور از وجدان بود، زیرا برخی احزاب عراقی از طریق مخالفت با حقوق کردها سعی در تقویت پایگاه مردمی خود و افزایش طرفداران خود داشتند. این امر یک زنگ خطر جدی به حساب می‌آمد که آینده عراق را تاریکتر و مبهمتر می‌ساخت. آنها از توسعه و ترقی و رفاه زندگی مردم در اقلیم آزرده خاطر می‌شدند، و چنین اذعان می‌داشتند که کردها ثروتمند شده‌اند و سامان و نفت عراق را برده‌اند. در حالیکه دولت عراق در طول صد سال گذشته نفت کردستان را به تاراج برده و با نفت کردستان تبدیل به یک کشور شد و اسلحه خریداری کرد و جنگهای گوناگونی را با کردها و کشورهای همسایه به راه انداخت.

در این شرایط، ما به طور قطعی امید خود را برای باقی ماندن در عراق از دست داده بودیم و بایستی صریحاً درباره حقوق مشروع ملت خود، یعنی استقلال و حاکمیت، صحبت میکردیم. مردم کردستان همانند سایر ملت‌های دیگر جهان، دارای تمام ارکان لازم و اساسی برای داشتن کشور مستقل خود هستند. اما این حق باید از طریق مسالمت‌آمیز و گفتگو با بغداد و سایر کشورهای منطقه و جهان اعمال شود. ما به خوبی می‌دانستیم که حق اعطا نمی‌شود و باید گرفته شود. اگر کردستان منتظر باشد تا استقلالش را بر

روی یک سینی طلایی (به مانند یک هدیه) دریافت کند، مطمئناً این انتظار هرگز محقق نخواهد شد.

در طول سالهای بعد از قیام سال ۱۹۹۱، به دولتهای همسایه ثابت کردیم که ما منشأ تهدیدی برای امنیت آنها نیستیم. نگرش آنها در گذشته نسبت به فدرالیسم همواره ترکیبی از تردید و سوءظن و تهدید بوده است. در خود عراق نیز به همان گونه، نسبت به سیستم فدرالی تردید و خصومت وجود داشت. اما معنای فدرالیسم بسیار ساده بود. فدرالیسم تقسیم عادلانه قدرت و ثروت است و توسط بسیاری از کشورهای جهان، که دارای تعدد اقلیتهای قومی و ملی هستند، اجرا می شود.

در تاریخ ۲ فوریه سال ۲۰۱۵، در اثنای کنفرانس مونیخ^{۳۴} در آلمان، با تعدادی از رهبران جهان مانند آنگلا مرکل صدر اعظم آلمان و جو بایدن معاون رئیس جمهور آمریکا دیدار کردم. رؤسای جمهور و سران دولتها همگی، پیروزیها و شجاعت پیشمرگهها را در جنگ با تروریسم ستودند. احساس کردم که صحبت درباره استقلال کردستان نزد جامعه بین المللی همانند گذشته تابو و ممنوع نیست. این امکان وجود داشت که بطور صریح و علنی درباره حقوق طبیعی مردم کرد گفتگو کرد. در همان کنفرانس مونیخ با عبادی نخست وزیر عراق درباره گام برداشتن در مسیر استقلال گفتگو کردم و خاطرنشان ساختم که این موضوع باید با تفاهم و گفتگو و سازش به نتیجه برسد.

۳۴- کنفرانس امنیتی مونیخ، کنفرانس بین المللی همه جانبه ایست که سالانه با شرکت نمایندههای دولتهای مختلف در زمینههای سیاسی، اقتصادی، نظامی، اطلاعاتی و امنیتی در شهر مونیخ آلمان برگزار می شود.

بازدید از آمریکا

در ماه مه سال ۲۰۱۵ در رأس هیأتی، در آمریکا با باراک اوباما رئیس جمهور و جو بایدن که در آن زمان معاون رئیس جمهور بود دیدار و گفتگو داشتیم. قبل از این سفر جلسه‌ای ویژه با حضور تمام احزاب سیاسی کردستان برگزار کردم و در طی این جلسه هدفم از این سفر به آمریکا را با آنها در میان گذاشتم. در این نشست از نمایندگان و رؤسای احزاب پرسیدم که "آیا شما همگی موافق هستید که با رئیس جمهور آمریکا درباره استقلال صحبت کنم؟" همگی این ایده را پذیرفتند و موافقت خود را با طرح این مساله با پرزیدنت اوباما، بطور علنی نشان دادند.

پس از جلب حمایت سیاسی احزاب اقلیم، مقدمات لازم برای سفر به آمریکا فراهم گردید. در این دیدار، قباد طالبانی معاون نخست وزیر و فرزند مرحوم جلال طالبانی، درباز کوسرت، که یکی از وزرای دولت اقلیم و فرزند آقای کوسرت رسول بود و همچنین مصطفی سید قادر از جنبش تغییر که وزیر پیشمرگه بود، مرا همراهی میکردند. هدف اصلی من این بود که آنها

شاهد این باشند که به چه شکلی موضوع استقلال و حقوق مردم کردستان را با رئیس جمهور اوپاما و دیگر مقامات آمریکایی در میان می‌گذاریم تا آنها هم در جریان جزئیات کامل این گفتگو و چند و چون این موضوع قرار بگیرند و موضع آمریکاییها را هم در قبال این موضوع شاهد باشند و جزئیات آنرا برای احزاب و مخاطبان خود بازگو کنند. می‌خواستم آنها شاهد و ناظر همه این دیدار و گفتگوها باشند که بعدها کسی نتواند مدعی شود که استقلال، دغدغه و خواسته شخصی مسعود بارزانی بوده است. بلکه این امر برای همگان روشن شود که استقلال به زندگی و سرنوشت همه شهروندان کردستان مربوط بوده و فارغ از همه مرزبندیهای سیاسی، ملی و مذهبی، یک حق و خواسته کاملاً ملی می‌باشد.

مطابق برنامه بازدید هیأت اقلیم از آمریکا، رئیس جمهور اوپاما در تاریخ ۵ ماه می سال ۲۰۱۵ در کاخ سفید پذیرای ما بود. در این جلسه، جو بایدن معاون رئیس جمهور ایالات متحده، همچنین سفیر ایالات متحده در بغداد و تعدادی از مشاوران کاخ سفید نیز حضور داشتند. در این جلسه با صراحت کامل با رئیس جمهور آمریکا در مورد رنجهای صد ساله مردم کردستان صحبت کردم و برای آنها توضیح دادم که ما همه راه‌ها را امتحان کرده‌ایم و از این شرایط خسته شده‌ایم. مردم کردستان در کشور عراق نزدیک به یک قرن قربانی داده‌اند و طبق تمام قوانین و سنن و معیارهای الهی و انسانی، حق تعیین سرنوشت خود را دارند، و این حق را دارند که راه و گزینه‌ای را انتخاب کنند که مطابق با مصالح و منافع ملی‌شان و در جهت تحقق آرمانهایشان و مورد رضایت و اطمینان خاطرشان باشد. به آقای اوپاما گفتم که ما درصدد برنامه‌ریزی برای برگزاری رفراندوم هستیم، اما اکنون اولویت اصلی ما، ادامه دادن جنگ بر علیه داعش است. همانند گذشته و در ادامه همان رویه، حکومت

جدید عراق هم خواهان مشارکت حقیقی ملت کرد در حکمرانی و قدرت نیست و ما نیز نمی‌توانیم قبول کنیم که تابع و دنباله‌رو آنها باشیم. اگر بنا باشد که بغداد همچنان سیاست عدم مشارکت کردها را در پیش بگیرد ما دیگر بیش از این قادر به ادامه این راه نخواهیم بود. پرزیدنت اوباما با دقت به سخنان من گوش داد و گفت: "من در مورد کردها مطالعه کرده‌ام و با تاریخ و مبارزه کردها و فجایع و مصائب مردم کردستان آشنا هستم و خواست مردم کردستان برای استقلال را درک می‌کنم. خوشحالم که از زبان شما می‌شنوم که اکنون اولویت شما مبارزه با داعش و از بین بردن این تروریست‌هاست". همچنین در انتهای سخنانش، رئیس‌جمهور اوباما گفت: "معاون رئیس‌جمهور، جو بایدن مسئولیت ارتباط آمریکا با کردها را بر عهده دارد و شما می‌توانید مسائل و موارد مربوط به این موضوعات را با ایشان در میان بگذارید".

روز بعد، یعنی در تاریخ ۶ ماه می سال ۲۰۱۵ مهمان معاون رئیس‌جمهور آمریکا برای صرف صبحانه بودیم. نشست نسبتاً طولانی و چند ساعته‌ای را با معاون پرزیدنت اوباما داشتیم. در مورد صد سال تاریخ مشترک ملت کرد با عراق و مسئله استقلال کردستان، بطور مفصل صحبت کردیم. بایدن دیدگاه کشورش در مورد استقلال کردستان و اختلافات و مشکلات خاورمیانه را دقیقاً بیان کرد و در پایان سخنان خود گفت: "هر دوی ما در طول حیاتمان و با چشمان خود استقلال کردستان را خواهیم دید".

در همان دیداری که از آمریکا داشتم با آشتن کارتر، وزیر دفاع آمریکا و تعدادی از اعضای کنگره آمریکا هم نشست و گفتگوهایی داشتم و همچنین با رئیس‌اتاق بازرگانی و تعدادی از شخصیت‌های آکادمیک و اصحاب رسانه‌ها و کردهای مقیم آمریکا ملاقات کردم. در هیچکدام از آن جلسات و نشستها، کسی مخالفتی با برگزاری همه‌پرسی یا اقدام برای استقلال کردستان نشان نداد و

تنها پرسششان در مورد زمان برگزاری رفراندوم بود. مقامات و سیاستمداران آمریکایی به کرات فداکاری پیشمرگه‌ها را تحسین میکردند و قدردان مقاومت و بردباری مردم کردستان بودند. همچنین بسیار سپاسگزار اقلیم کردستان بودند که به صدها هزار آواره درمانده یاری رسانده بود. آوارگانی که از دست ظلم و تهدیدهای تروریستان داعش به اقلیم کردستان پناه آورده بودند.

بلافاصله پس از بازگشت از آمریکا جلسه‌ای با حضور احزاب سیاسی کرد انجام دادم و در مورد نتایج سفرمان با آنها بحث و گفتگو کردم. در این جلسه تاریخی که در ۱۸ ماه مه سال ۲۰۱۵ برگزار کردیم، احزاب کرد حمایت علنی خود را از روند استقلال ابراز داشتند. خوب به خاطر دارم که در آن نشست، آقای علی باییر امیر جماعت اسلامی، با ابراز خوشحالی و نشان دادن مراتب تحسین خود از نتایج دیدارهای این هیأت در آمریکا از بنده سؤال کردند که "جناب آقای بارزانی، به نظر می‌رسد شما با دست پر به کردستان بازگشته‌اید، این کاری بزرگ و مسئولیتی سنگین است. آیا شما آماده پذیرش و قبول این مسئولیت بزرگ هستید؟" در جواب گفتم: "بله، این یک مسئولیت بزرگ و تاریخی است، و من آماده هستم که آن را بپذیرم، اما به شرطی که خودیها (احزاب کردی) در آن اخلال ایجاد نکنند."

در حقیقت دلیلی که اینگونه پاسخ دادم این بود که مطمئن نبودم آیا برخی از احزاب کردستان تا پایان روند استقلال، در کنار مردم کردستان باقی خواهند ماند یا اینکه برعکس، در میانه راه به خواست و اراده مردم خود پشت خواهند کرد؟ یک ماه پس از آن جلسه، به جای تلاش برای تحقق هدف سرنوشت ساز و حیاتی استقلال برای کردستان، شاهد این بودیم که برخی از احزاب در پارلمان کردستان مشغول بحران‌سازی و طرح کودتا بودند و همین منجر به وقایع ۲۳ ژوئن همان سال در پارلمان کردستان و پیامدهای آن شد. بدون شک

اگر نیروهای سیاسی در سال ۲۰۱۵ به تعهدات خود نسبت به جلسه تاریخی ۱۸ ماهه آن سال پایبند می‌بودند و سعی در تفرقه‌افکنی و بحران‌سازی نمی‌کردند، اکنون کردستان در موقعیت بهتری می‌بود. در جریان رفراندوم استقلال کردستان نیز شاهد بودیم که برخی از احزاب، با تمام قدرت در برابر رفراندوم ایستادند و وقایع پس از رفراندوم هم ثابت کردند که نگرانی‌های مستمر من در این مورد، کاملاً بجا بوده است.

دیدار از بغداد

در تاریخ ۲۹ سپتامبر سال ۲۰۱۶، پس از شکستهای پی در پی داعش و تحلیل نیروی داعشیهها، با همراهی هیأتی عالی رتبه از احزاب سیاسی کرد، راهی بغداد شدیم.

در بغداد، اولین دیدار ما با حیدر عبادی، نخست وزیر وقت عراق بود. با عبادی درباره چالش های مشترک عراق و اقلیم و جنگ با داعش و مسائل آوارگان و پناهندگان گفتگو کردیم. در این نشست عبادی را از اهداف بازدید هیأت سیاسی مطلع ساختم که عبارت بود از: روشن ساختن روابط و مناسبات در آینده و نوع روابط میان عراق و اقلیم کردستان و تلاشهای مشترک هر دو طرف در راستای ثبات و امنیت و رشد اقتصادی و بازسازی. می خواستیم به نخست وزیر این را تفهیم کنیم که باید با تفاهم و گفتگوی دو جانبه و حسن نیت در مورد آینده تبادل نظر داشته باشیم تا عراق و اقلیم کردستان بتوانند در راستای تأمین منافع مشترک و تبدیل شدن به عمق استراتژیک یکدیگر قدم بردارند.

در همان روز، نشست فراگیری با برخی از شخصیت‌های عراقی و رؤسای بلوکه‌های مختلف سیاسی عراق برگزار کردیم و علناً از آنها دعوت به عمل آوردیم که همگی به راه‌حلی اساسی برای از میان برداشتن مشکلات بیندیشند. همچنین با بلوک پارلمانی صدر و ائتلاف وطنی و ائتلاف عربی و رهبران سنی و ریاست حزب دعوه دیدارهای جداگانه‌ای انجام دادیم. عصر همان روز سید عمار حکیم، در منزل خود میزبان جلسه مشترک هیأت سیاسی اقلیم و احزاب و شخصیت‌های شیعی بود.

در این جلسه در نوبت سخنرانی ام، مطالبی را با افراد حاضر در این نشست در میان گذاشتم و توضیح دادم که حضورمان در بغداد برای ابلاغ پیام ملت کردستان و نشان دادن حسن نیتمان جهت رفع و حل مشکل صد ساله روابط میان اقلیم کردستان و دولت مرکزی عراق می باشد. همچنین اشاره کردم که در نتیجه تلاش‌های دسته‌جمعیمان، داعش در حال شکست و نابودیست و لازم است که خود را برای مرحله پس از داعش آماده کنیم. با صراحت به نمایندگان و شخصیت‌های شیعه اظهار داشتیم که پس از سال ۲۰۰۳ کردها معتقد بودند که قانون اساسی پایه و اساس روند سیاسی و حیات مشترک سیاسی تازه‌ای خواهد بود. ولی در کمال تأسف، اکنون اختلافات و مسائل زیادی میانمان رخ داده است و اوضاع به‌گونه‌ای تغییر کرده و افکار عمومی در مراکز قدرت به جهتی سوق داده شده که این ذهنیت را بوجود آورده که شیعه شایسته و اصلح کسی است که بر ضد حقوق کردها باشد. در ادامه سخنانم این را به سیاستمداران شیعه یادآوری کردم که سهم ما از مشارکت با دولت عراق ۴۵۰۰ روستای ویران شده، ۱۲۰۰۰ کرد فیلی مفقود شده، ۸۰۰۰ بارزانی انفال شده و همچنین انفال ۱۸۲۰۰۰ شهروند دیگر کرد و هزاران قربانی بمباران شیمیایی است.

ما پس از سال ۱۹۹۱ به خاطر عراق و صلح و گشودن فصل جدیدی با عراق، دیدار و مذاکره با جنایتکاران بعثیها را قبول نمودیم و دستانی را که به خون ملتمان آلوده بود فشرديم. از میان دریای خون ملتمان عبور کردیم و به خاطر عراق و به منظور همزیستی و صلح، به بغداد آمديم تا صفحه‌ای نو را بکشاییم. با این همه، بعثیها این حسن نیت و کوتاه آمدن ما را درک نکردند و همچنان به چشم متهم و غیرخودی به ما نگرستند. متأسفانه، اکنون نیز پس از سال ۲۰۰۳، شیعیان که روزگاری نه چندان دور جزء متحدان کردها محسوب می شدند، کار را به جایی رساندند که اقدام به قطع بودجه و مایحتاج زندگی کردها کردند. اما حقیقت اینست که هرگز نمی‌بایست آزار دادن و اقدام به تحریم ملت کرد برای متحدان شیعه ما اولین انتخاب و گزینه‌ای اینچنین راحت و آسان می‌بود.

به سران شیعه گفتم که ما معتقدیم که ملت کرد در هر دو مرحله قبل و بعد از ۲۰۰۳ در مورد سهم و مشارکتش در قدرت، حقوقش پایمال شده و چاره‌ای جز این نداریم که به دنبال راه‌حل تازه‌ای باشیم و آینده را بر اساس معیارهای دیگری پایه‌ریزی کنیم. حال که نمی‌توانیم شریک یکدیگر باشیم، بیایید با تفاهم و درک متقابل، برادر و همسایه واقعی همدیگر باشیم. از شما خواستاریم خواسته‌های مشروع و دردها و مشقتهای ما را درک کنید. در همان جلسه، بسیاری از شخصیت‌های شیعه بر این نکته توافق نظر داشتند که در گذشته اشتباهات بسیاری رخ داده است و بایستی در پی حل آنها باشیم. آنها بر این امر هم متفق بودند که در هر مسیر و گزینه پیش رو، نباید جنگ و خونریزی بین کردها و عراق رخ دهد. در پایان جلسه تصمیم بر تشکیل کمیته ویژه‌ای از طرف بغداد برای گفتگو و بررسی روابط در آینده گرفته شد که آیا باید شریک باقی بمانیم یا به همسایه همدیگر تبدیل شویم؟ و در هر شرایطی باید درک متقابل وجود داشته باشد.

صدور حکم اجرای همه‌پرسی

سفر به بغداد و رساندن پیام اقلیم کردستان به نیروها و احزاب سیاسی عراقی، هیچ تغییری در وضعیت موجود ایجاد نکرد و دولت عراق علیرغم وجود هماهنگی بین نیروهای پیشمرگه و نیروهای عراقی در زمان جنگ با داعش، به قطع بودجه اقلیم ادامه داد. مدتی قبل از سفرم به بغداد، هیأتی از احزاب شیعی متشکل از هادی عامری، خالد عطیه و صادق رکابی به دیدار من آمدند. طی آن دیدار از آنها خواستم که راه‌حلی برای اوضاع پیش‌آمده بیابیم و برای این منظور یا باید مشارکت حقیقی به اجرا دربیاید، یا اینکه به طور مسالمت‌آمیز به برادر و همسایه یکدیگر تبدیل شویم و یا اینکه بر اساس شواهد و قرائن موجود، باید میانمان جنگ رخ بدهد. در این حین هادی عامری در جواب گفت که "نعوذبالله، این غیرممکن است نبایستی درگیری بین ما روی دهد." سپس وی آیه‌ای از قرآن کریم را در تأیید سخنانش آورد و گفت: "فَأَمْسَاكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٍ بِإِحْسَانٍ".^{۳۵}

۳۵- سرآغاز آیه ۲۲۹ سوره (بقره) قرآن کریم است که درباره موضوع جدایی بحث می‌کند.

به طور کلی نقض قانون اساسی، همچنین نقض توافقنامه‌های فیما بین و برهم زدن اصل توافق و اجماع در تشریح قوانین، فقدان تعادل در نهادهای دولتی، قطع بودجه و اعمال فشار بر کردستان، ما را به این باور رسانید که ما ملت کردستان، در کشور عراق بعد از سال ۲۰۰۳ شریک نیستیم و عراقیها نمی‌توانند در آینده نیز ما را شریک خود بدانند، لذا ضروری است که در جستجوی راه حل دیگری باشیم.

در همین چارچوب، پیشتر در تاریخ ۳ ژوئیه سال ۲۰۱۴ از پارلمان کردستان بازدیدی بعمل آوردم و طی سخنرانی که در آنجا داشتم در مورد اوضاع سیاسی عراق و بحران اخیر صحبت کردم و به این نکته اشاره کردم که کردستان، به مدت ده سال تلاش کرد تا روند سیاسی، دموکراسی و همزیستی در عراق به موفقیت برسد، اما نقض مکرر قانون اساسی، مشی دیکتاتوری و سیاستهای تحمیلی و به حاشیه راندن، به موانع بزرگی بر سر راه موفقیت تلاش‌های کردستان در این زمینه تبدیل شده بودند و همه اینها اوضاع عراق را به جایی رساند که اکنون شاهد آن هستیم.

همچنین بر این نکته تاکید کردم که کردستان به هیچ وجه مسبب وضعیت فعلی عراق نیست و کسانی که باعث و بانی این اوضاع هستند باید مسئولیت آنرا بپذیرند. اکنون زمان آن فرا رسیده است که کردستان برای سرنوشت خود تصمیمی بگیرد و طبق قانون اساسی عراق این حق را دارد. قانون اساسی عراق به کردستان اجازه می‌دهد تا سرنوشت خود را تعیین کند، چراکه در قانون اساسی تصریح شده است که پایبندی به این قانون اساسی، وحدت عراق را تضمین می‌کند. همچنین از پارلمان کردستان درخواست کردم تا بدون فوت وقت، قانون کمیسیون انتخابات و همه‌پرسی در اقلیم کردستان را تصویب کند و در اسرع وقت شورای عالی کمیسیون انتخابات را تشکیل دهد و پارلمان کردستان اقدامات و دستورالعمل‌های لازم را جهت اجرای فرآیند تعیین سرنوشت مردم کردستان، تصویب کند.

پس از آن تاریخ نیز، دولت عراق کماکان به تخلفات و عهدشکنی‌ها ادامه میداد. همانطور که پیشتر اشاره کردم، اقلیم کردستان در جنگ با داعش خسارات انسانی و اقتصادی زیادی را متحمل شد و میزبان صدها هزار تن از آوارگان و پناهندگان بود و این در حالی بود که دولت عراق به قطع بودجه و قطع منابع امرار معاش شهروندان اقلیم ادامه میداد و به بهانه‌های مختلف، از زیر بار حل مشکلات و رفع اختلافات شانه خالی میکرد. جای بسی تأسف بود که حتی برای یکبار هم شاهد توصیه و رهنمود مرجعیت شیعی به دولت عراق نبودیم تا دستور قطع بودجه اقلیم کردستان را که امری کاملاً غیرقانونی بود، ملغی کند.

در اثنای عملیات آزادسازی موصل توافقی میان حکومت اقلیم کردستان و حکومت عراق صورت گرفت که بر طبق آن پس از اینکه نیروهای پیشمرگه خطوط دفاعی داعش به طول ۱۰۷ کیلومتر، را در هم شکسته و تصرف کردند، به مواضع پیشین خود (قبل از ۲۰۱۶/۱۰/۱۷) که روز آغاز عملیات آزادسازی موصل بود) عقب نشینی کنند. بدین ترتیب نیروهای پیشمرگه شجاعانه جنگیدند و خطوط دفاعی داعش را درهم کوبیدند و کلید آزادسازی موصل را به نیروهای عراقی تحویل دادند. بدون تردید نیروهای پیشمرگه کاملاً به توافقنامه حاصله پایبند بودند (نقشه شماره ۵)، اما نیروهای حشد و نیروهای عراقی توافقنامه را نقض کردند. همچنین قرار بر این بود که نخست‌وزیر عراق، طی عملیات آزادسازی موصل، مبلغی معادل ده میلیارد دینار برای استحکامات نظامی و تقویت خطوط جدید استقرار نیروهای پیشمرگه ارسال کند، اما او هرگز به این قولش عمل نکرد و هیچ مبلغی را ارسال نکرد.

علاوه بر این، طبق اطلاعات ما نیروهای عراقی و حشد، که توافق مربوط به عملیات آزادسازی موصل را نقض کرده بودند، درصدد آن بودند که پس از شکست داعش کماکان در منطقه بمانند و خواستار بازگشت پیشمرگه‌ها به

مرزهای سال ۲۰۰۳ بودند. در حالی که مرز ۲۰۰۳ مرز تماس بین پیشمرگه‌ها و نیروهای رژیم بعث بود و به هیچ وجه یک مرز سیاسی و یا اداری به شمار نمی‌رفت (نقشه شماره ۶).

آنها (نیروهای حشد و عراقی) همچنین قصد داشتند شنگال و مناطق دیگر ماده ۱۴۰ را که پیشمرگه‌ها ظرف مدت چهار سال با خون خود از آن محافظت کرده بودند، تصرف کنند. علاوه بر این، داعش در تلعفر^{۳۶} هیچ گونه مقاومتی نکرد و بدون جنگ شهر را به حشد واگذار کرد و همچنین آنها عملیات آزادسازی حویجه را به بهانه‌های مختلف و واهی به تعویق انداختند.

ما از سوء نیت و خطرات تأخیر عملیات آزادسازی حویجه^{۳۷} تا پس از آزادسازی موصل آگاه بودیم. تأخیر در آزادسازی آخرین مخفیگاه داعش (حویجه) نشانه واضحی بود که پس از آزادسازی و پاکسازی همه مناطق از داعش، نیروهای حشد و عراقی قصد دارند به بهانه آزادسازی حویجه نیروهای زیادی را به نزدیکی کرکوک برسانند. اساساً نقشه خارج کردن کرکوک را از دست پیشمرگه‌ها در سر می‌پروراندند. نقض توافقنامه عملیات آزادسازی موصل (از طرف حکومت عراق) خبر از نیات پشت پرده میداد و علامتی هشدار دهنده بود.

ما که با حسن نیت تمام به هماهنگی و همکاری با نیروهای عراقی برای آزادسازی موصل اقدام کردیم، به هیچ عنوان فکر نمی‌کردیم آنها اینگونه به ما خیانت کنند و توافقنامه را نقض کنند و به این شیوه رفتار کنند. انتظار نداشتیم برادران شیعه که با کمک و همکاری ما به قدرت رسیده بودند، چنین مواضع خصمانه‌ای علیه کردها اتخاذ کنند. این در حالی بود که بعد از سقوط رژیم سابق، آمریکاییها تنها با وجود و پادرمیانی ما حاضر به پذیرش برخی از سیاستمداران شیعه شدند. علیرغم همه این رفتارهای خصمانه طرفهای

۳۶- واقع در غرب استان نینوا و در فاصله هفتاد کیلومتری شهر موصل و شصت کیلومتری مرز سوریه و اکثر ساکنین این شهر ترکمن هستند.

۳۷- چهل و هشت کیلومتر از جنوب غربی شهر کرکوک فاصله دارد و اکثریت ساکنان آن عرب می‌باشند.

شیعی در حکومت عراق، ما از جانب خودمان مطمئن بودیم که مردم کردستان به هیچ وجه درگیر مسایل و گرایشهای فرقه‌ای نیستند و به بخشی از این اختلافات عمیق موجود در عراق تبدیل نخواهند شد.

حقیقت اینست که کردستان عناصر اصلی شکل دهنده کشور را داراست و حق مسلم مردم کردستان است که خواسته حقیقی خود را رسماً و قانوناً بیان کند. قانون اساسی عراق که مبنای وحدت مؤلفه‌ها و اقلیت‌های عراقی به شمار می‌رفت، نقض شده بود. در مقدمه قانون اساسی نیز به وضوح بیان شده‌است که پابندی به این قانون اساسی، بقای وحدت عراق را تضمین می‌کند.

طی سالهای گذشته، دولت عراق ۵۵ ماده قانون اساسی را نقض کرده بود. اصول مشارکت در حاکمیت و تعادل در نهادهای دولتی، ارتش، اقتصاد و توافق در قانونگذاری به طور کامل نقض شده بود. منطق و سیاست تحمیل کردن نظر اکثریت، جایگزین آن اصولی شده بود که عراق جدید بر اساس آنها بنا نهاده شده بود. طبق منطق مذکور، هیچ عرصه‌ای برای کردها و سایر اقلیت‌ها باقی نمانده بود و بطور مستمر و مداوم توافق‌ها زیر پا گذاشته شده بودند. حکومت‌های متوالی عراق، طی سالیان متمادی سعی کردند که در قانون بودجه سالیانه کشور، از حقوق مالی اقلیم بکاهند و سرانجام کار به جایی رسید که آن را بطور کامل قطع کردند. بنابراین هیچ انگیزه‌ای برای ما باقی نماند تا بتوانیم با منطق و ذهنیتی که هیچگونه اعتقادی به شراکت نداشت مدارا کنیم. در این میان سؤال اساسی این بود: حال که مجال و حق شراکت در این کشور به ما داده نمی‌شود، به چه امیدی در آن بمانیم و بخشی از آن باشیم؟ پیشتر هم در مراحل مختلف به خاطر امیدی که به تحقق مفهوم عراق جدید داشتیم و بر اساس وعده‌های آمریکا، از حقوق خود و اجحاف و تخطیهای حکومت عراق چشم پوشی کرده بودیم.

همه این عوامل منجر شد که با احزاب و نیروهای سیاسی کردستان به این نتیجه کلی برسیم که یا بایستی در کشور عراق مشارکت واقعی داشته باشیم و یا همانند صد سال گذشته بدون هیچ دستاوردی تنها به این دور باطل ادامه دهیم. حال که بغداد نمی تواند ما را به عنوان شریک بپذیرد، ما باید مسیر دیگری برای خود انتخاب کنیم.

بحران‌های سیاسی و داخلی نیز گریبان اقلیم را گرفته بود و برخی از احزاب به جبهه ضدیت با استقلال پیوسته بودند. اما وقت آن فرا رسیده بود که به رأی مردم کردستان رجوع کنیم و همه بدانند که خواسته واقعی مردم کردستان چیست. همچنین برای از میان برداشتن تمامی بهانه تراشیها و حرف و حدیثهایی که فراندم را امری شخصی دانسته یا از آن به عنوان خواسته یک حزب مشخص یاد می‌شد، لازم بود که به بالاترین مرجع مشروعیت یعنی همان خواست و اراده مردم برگردیم.

روز چهارشنبه ۷ ژوئن سال ۲۰۱۷ طی نشست با حضور ریاست اقلیم، احزاب سیاسی اقلیم کردستان و نمایندگان اقلیت‌های مختلف کردستان، در یک اقدام هماهنگ و تاریخی، شرکت کنندگان در این جلسه روز ۲۵ سپتامبر سال ۲۰۱۷ را به عنوان تاریخ برگزاری فراندم تعیین کردند. در واقع، تا قبل از این جلسه، مشخص نبود تاریخ برگزاری فراندم چه روزی خواهد بود. مشخص شدن روز برگزاری فراندم بر اساس پیشنهاد احزاب سیاسی و با مشورت کمیسیون عالی انتخابات و همه‌پرسی اقلیم کردستان صورت گرفت. با در نظر گرفتن جوانب مختلف این مسأله و اقدامات و تدابیر لازم برای انجام فرآیندی به وسعت همه‌پرسی، کمیسیون مستقل انتخابات به زمان کافی نیاز داشت و نمایندگان کمیسیون که در جلسه شرکت داشتند اعلام کردند که می‌توانند فراندم را در روزهای بین بیست تا سی ام ماه سپتامبر انجام دهند. بنابراین، در این جلسه تصمیم گرفته شد که ۲۵ سپتامبر به عنوان تاریخ برگزاری فراندم

در اقلیم کردستان و مناطق کردستانی خارج از اداره اقلیم تعیین گردد. شایان ذکر است که احزاب سیاسی حاضر در این جلسه، بر لزوم برگزاری رفراندوم در کرکوک و سایر مناطق تحت پوشش ماده ۱۴۰ هم تأکید و پافشاری کردند.

در همان جلسه و پس از مشخص کردن تاریخ برگزاری رفراندوم، به منظور حصول اجماع ملی، حاضران توافق کردند که پارلمان را دوباره فعال کرده (که به دلیل بحران سیاسی به تعلیق درآمده بود) و برای پایان دادن به اختلافات سیاسی داخلی تلاش کنند و همزمان، تلاش برای بهبود معیشت مردم، کارمندان و سایر اقشار جامعه، در سرلوحه برنامه های دولت قرار بگیرد. در این جلسه همچنین مقرر شد که شورای عالی همه‌پرسی، به ریاست رئیس اقلیم تشکیل شود و احزاب سیاسی موظف شدند در مدت پنج روز نمایندگان خود را برای شرکت در کمیته‌های مختلف رفراندوم معرفی کنند.

احزابی که پیش‌نویس این جلسه را امضا کردند، عبارت بودند از:

حزب دمکرات کردستان، اتحادیه میهنی کردستان، اتحاد اسلامی کردستان، جنبش اسلامی کردستان، حزب کمونیست کردستان، حزب سوسیال دمکرات کردستان، حزب زحمتکشان کردستان، حزب کارگران و مستضعفان کردستان، حزب اصلاح ترکمن، لیست ترکمن‌های اربیل، جبهه ترکمن عراق، حزب توسعه ترکمن، لیست ارامنه در پارلمان کردستان، جنبش دموکراتیک آشوری، مجلس خلق کلدان سریان آشور. پس از پایان جلسه، طی بیانیه‌ای مردم کردستان از این تصمیم تاریخی مطلع گشتند که متن آن به شرح زیر است:

روز چهارشنبه ۷ ژوئن ۲۰۱۷، نمایندگان احزاب سیاسی پارلمان کردستان و حکومت اقلیم، با حضور معاون رئیس اقلیم کردستان و نخست وزیر اقلیم، رئیس و نایب رئیس کمیسیون عالی انتخابات با رئیس اقلیم کردستان در صلاح الدین، دیدار و گفتگو کردند.

در این جلسه، موضوع رفراندم، انتخابات پارلمان کردستان، مشکلات سیاسی داخلی اقلیم و همچنین شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار گرفت و حاضران در این نشست نظرات خود را در مورد ضرورت برگزاری رفراندم و پرداختن به مسائل داخلی و شرایط پیرامونی اقلیم کردستان مطرح کردند.

طی این دیدار، حاضران در جلسه به اتفاق آرا در مورد موارد زیر به توافق رسیدند:

اول: تعیین تاریخ ۲۵ سپتامبر سال ۲۰۱۷ به عنوان تاریخ برگزاری رفراندم در اقلیم کردستان عراق و مناطق کردستانی خارج از اداره اقلیم.

دوم: بمنظور اطمینان از اجماع ملی، احزاب کرد از روز پایان جلسه تا روز برگزاری رفراندم، در جهت فعال‌سازی پارلمان و رسیدگی به مشکلات سیاسی و حل آنها اقدام خواهند کرد.

سوم: تأکید بر بهبود وضعیت معیشتی شهروندان و توجه به مشکلات اقتصادی شهروندان کردستانی، کارمندان و اقشار کم درآمد جامعه.

چهارم: اتخاذ تصمیم برای تشکیل شورای عالی همه‌پرسی به ریاست رئیس اقلیم کردستان و همچنین مقرر شد که احزاب سیاسی، نمایندگان خود را برای عضویت و شرکت در کمیته‌های قبل و بعد از رفراندم، حداکثر تا ۱۲ ژوئن سال ۲۰۱۷ معرفی کنند.

حزب دمکرات کردستان
 اتحادیه میهنی کردستان
 اتحاد اسلامی کردستان
 جنبش اسلامی کردستان
 حزب کمونیست کردستان
 حزب سوسیال دموکرات کردستان
 حزب زحمتکشان کردستان
 حزب کارگران و زحمتکشان کردستان
 حزب کارگران و مستضعفان کردستان
 حزب اصلاح ترکمنی کردستان
 لیست ترکمن اربیل
 جبهه ترکمن عراق
 حزب توسعه ترکمن
 لیست ارامنه در پارلمان کردستان
 جنبش دمکراتیک آشوری
 مجلس خلق کلدانی سریانی آشوری

روز بعد طی حکم اقلیمی به شماره ۱۰۶ در تاریخ ۸ ژوئن سال ۲۰۱۷ دستور
 برگزاری referendum را در تاریخ ۲۵ سپتامبر سال ۲۰۱۷ صادر کردم و کمیسیون
 عالی انتخابات و همه‌پرسی اقلیم را مأمور اجرای آن ساختم.

در این حکم، مرزهای تحت پوشش referendum در کردستان و مناطق اداری
 خارج از اداره اقلیم نیز مشخص شده بود. سؤال مندرج در برگه اخذ رأی
 referendum به شرح زیر بود: "آیا می‌خواهید اقلیم کردستان و مناطق کردنشین
 خارج از اقلیم به یک کشور مستقل تبدیل شوند؟". پاسخ آن توسط
 شهروندان با آری یا خیر داده می‌شد. این حکم همچنین کمیسیون را موظف
 ساخته بود تا زمینه حضور شهروندان کردستانی خارج از کشور را نیز در

فرایند رفراندوم فراهم سازد. همچنین در حکم مذکور آمده بود که نهادهای دولتی و حزبی به هیچ وجه حق دخالت در امور دست اندرکاران و ناظران و کسانی که روند همه‌پرسی را اجرا می‌کنند، ندارند. این حکم اقلیمی شامل مقدمه و سیزده ماده بود که در مقدمه آن، دلایل صدور حکم اقلیمی برای انجام رفراندوم توضیح داده شده بود.^{۲۸}

پس از آن، در تاریخ ۱۰ ژوئن سال ۲۰۱۷، در صلاح‌الدین، با حضور ۱۹ حزب و جناح سیاسی خارج از دولت اقلیم کردستان و پارلمان، جلسه مشترکی ترتیب دادم و پس از توضیح دلایل لزوم برگزاری رفراندوم، حاضران در جلسه خواستند که به آنها اجازه داده شود تا در روند زمینه‌سازی برای برگزاری رفراندوم مشارکت داشته باشند و آنها بر استفاده از تمام توانایی سیاسی و مردمی خود برای خدمت به تحقق پروسه رفراندوم مردم کردستان و هرچه بهتر برگزارکردن آن تأکید کردند. احزاب سیاسی شرکت‌کننده در این نشست عبارت بودند از:

اتحادیه دمکراتیک ملی کردستان، جنبش دمکراتیک خلق کردستان، حزب ملی کردستان، جنبش صلح طلبان کردستان، حزب دمکراتیک مترقی کردستان، جنبش آزادی دمکراتیک کردستان، حزب دمکراتیک بیت‌نهرین، حزب اتحاد دمکراتیک کلدانی، مجلس ملی کلدان، حزب میهنی آشوری، اتحادیه ملی بیت‌نهرین، منبر دمکراتیک کلدان، جنبش دمکراتیک ترکمن، جنبش مستقل ترکمن، حزب دمکرات ترکمن کردستان، انجمن فرهنگی ترکمن در کردستان، حزب خلق ترکمن، انجمن لیبرال ترکمن، حزب رستگاری ملی ترکمن.

به منظور تسریع اقدامات عملی لازم و سازماندهی و تسهیل پوشش خبری برای رسانه‌ها و امور اجرایی شورای عالی همه‌پرسی و اجرای توصیه‌های آن، در تاریخ ۱۱ ماه سپتامبر سال ۲۰۱۷ حکم اقلیمی شماره ۴ را امضا کردم

که مفاد آن شامل شش ماده بود.^{۳۹} بر اساس این حکم، دبیرخانه شورای عالی همه‌پرسی تشکیل شد که وظیفه آن سازماندهی و مستندسازی جلسات شورای عالی همه‌پرسی، تهیه دستورالعمل جلسات و پیگیری تصمیمات شورا و ابلاغ نتایج به اعضای شورای عالی همه‌پرسی بود. علاوه بر آن سازماندهی سفرهای هیأت‌ها برای گفتگو و هماهنگی با دولت عراق و کشورهای همسایه و جامعه جهانی از وظایف دبیرخانه به شمار می‌رفت.

یکی دیگر از بندهای این حکم، مربوط به تشکیل کمیته ویژه تسهیلات و هماهنگی با رسانه‌ها بود. طبق این حکم، کمیته مزبور سه وظیفه اصلی تهیه برنامه و فعالیتهای رسانه‌های داخلی و عربی و جهانی، اطلاع‌رسانی و آشناکردن شهروندان کردستان با روند برگزاری رفراندوم و همچنین ترغیب و تشویق شهروندان کردستان برای شرکت در روند رفراندوم را بر عهده داشت.

بند سوم این حکم، مربوط به انتصاب سخنگوی شورای عالی همه‌پرسی بود و بدین منظور دکتر فؤاد حسین به عنوان سخنگوی شورای عالی رفراندوم معرفی شد. بند چهارم حکم، شامل تهیه پیش‌نویس‌ها و اسناد مربوط به حقوق اقلیتها در کشور آینده کردستان بود و برای این منظور کمیته ویژه‌ای تحت نظارت دکتر خلیل ابراهیم تشکیل شد.^{۴۰} بند پنجم این حکم، مربوط به تهیه پیش‌نویس اعلامیه اصول اساسی، در کشور آینده کردستان بود و دکتر کاوه محمود مأمور تهیه پیش‌نویس مذکور شد.^{۴۱} ششمین بند حکم، راجع به تشکیل و اعزام هیأتی برای دیدار و گفتگو با نیروهای سیاسی عربی در کرکوک بود.

مطابق تصمیمات گرفته‌شده در جلسه ۸ ژوئیه سال ۲۰۱۷ ترکیب شورای عالی همه‌پرسی و نمایندگان احزاب سیاسی به منظور انجام اقدامات لازم جهت تدارکات، ساختار و کارکرد شورا و کمیته‌های فرعی مشخص شدند.

۳۹- برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به سند شماره ۲- صفحه ۲۴۰.

۴۰- برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به ضمیمه سند سیاسی تضمین حقوق مؤلفه‌های قومی و مذهبی در کردستان - صفحه ۲۰۷.

۴۱- برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به ضمیمه اعلامیه مبانی اساسی کشور - صفحه ۲۱۴.

بر طبق مصوبات این جلسه ریاست شورای عالی همه‌پرسی به بنده محول شده بود و دیگر اعضای شورای عالی عبارت بودند از: ملا بختیار، دکتر روز نوری شاویس، هوشیار زبیری، سعدی احمد پیره، دکتر فؤاد حسین، دکتر خلیل ابراهیم، نمایندگان اقلیتهای ترکمن و نمایندگان اقلیتهای مسیحی. در برخی از جلسات و با توجه به تحولات سیاسی روز و لزوم مشورت برای موارد ویژه، کوسرت رسول معاون رئیس اقلیم، نجیروان بارزانی رئیس حکومت اقلیم، مسرور بارزانی مشاور شورای امنیت اقلیم، اعضای دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان، اتحادیه میهنی کردستان، اتحادیه اسلامی، حزب کمونیست، حزب سوسیال دمکرات، حزب زحمتکش و سایر احزاب نیز در این جلسات شرکت می‌کردند.

همچنین مقرر شد که شورای عالی همه‌پرسی، دبیرخانه ویژه‌ای برای پیگیری وظایف روزمره شورا و هماهنگی‌های مشترک تأسیس کند. در جلسات دیگر، حکم انتخاب سخنگوی همه‌پرسی نیز صادر گردید. مقر اصلی دبیرخانه شورای عالی همه‌پرسی در دفتر ریاست اقلیم در شهر اربیل بود.

همچنین در جلسه ۸ ژوئیه سال ۲۰۱۷ شورای عالی همه‌پرسی و احزاب سیاسی، توافق کردند که هفت کمیته فرعی برای انجام وظایف مربوطه تشکیل شود که عبارت بودند از: کمیته حقوقی و کمیسیون انتخابات، کمیته گفتگو با اقلیت‌های کرکوک و دشت نینوا، کمیته هماهنگی و امور رسانه‌ها، کمیته سیاسی و اقتصادی برای جلب حمایت مردمی در داخل اقلیم، کمیته روابط دیپلماتیک با ایالات متحده، اتحادیه اروپا، روسیه، بریتانیا، چین و سایر کشورها، کمیته روابط دیپلماتیک با دولتهای عربی و اسلامی و ایران و ترکیه و همچنین کمیته گفتگو با حکومت و احزاب سیاسی عراق.



هفتم ژوئن ۲۰۱۷

صلاح الدین - دفتر ریاست اقلیم کردستان - تعیین تاریخ اجرای همه پرسی
اعضای شورای عالی همه پرسی.



Photo: Adnan Muhammed

واکنش‌ها و فشارهای بین‌المللی

پس از آنکه اقلیم کردستان ۲۵ سپتامبر را به عنوان تاریخ برگزاری رفراندوم تعیین کرد، سعی کردیم پیام مردم کردستان و دلایل اتخاذ این تصمیم را به جناح‌های عراقی، نمایندگان و سفرای کشورهای مختلف، جامعه جهانی و کشورهای همسایه توضیح دهیم. در ماه‌های ژوئن، جولای و آگوست سال ۲۰۱۷، با تعداد زیادی از سفرا، سرپرست و اعضای کنسولگریهای کشورهای میهمانان خارجی دیدارهای مفصلی داشتم. در اواسط ماه آگوست، هیأت مذاکره‌کننده اقلیم به بغداد سفر کردند و در طی نشست‌های مختلف با نخست‌وزیر و احزاب شیعه و سنی درباره دلایل و انگیزه‌هایی که مردم کردستان را به تصمیم برای برگزاری رفراندوم ترغیب کرد، گفتگو کردند.

من شخصاً به همین منظور چندین سفر به اروپا و چند کشور عربی انجام دادم و در تاریخ ۱۱ ژوئیه سال ۲۰۱۷ در پارلمان اروپا هم یک سخنرانی

به این منظور ایراد کردم. در این سخنرانی پس از معرفی هیأت همراه خود در ابتدا به این نکته اشاره کردم که این هیأت حامل پیام مردم کردستان است. هیأت همراه متشکل بود از: هوشیار زیبایی (عضو دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان)، نجم الدین کریم (عضو دفتر سیاسی اتحادیه میهنی کردستان)، محمد هاویدیانی (عضو رهبری اتحادیه اسلامی)، محمد سعدالدین (نماینده ترکمن ها)، وحیده یاقو هرمز (نماینده مسیحیان) و شیخ شامو (نماینده ایزدی ها).

سپس خطاب به نمایندگان اروپا گفتم که از شما اجازه می خواهم نظر خود را در مورد دو موضوع با شما مطرح کنیم. موضوع اول مربوط به برگزاری فرماندم می باشد که درباره آن تصمیم گرفته شده است و موضوع دوم تروریسم است. ما مردم کردستان با همه اقلیتها و گروههای قومی و مذهبی آن طی صد سال گذشته تمام تلاش خود را کرده ایم تا بتوانیم در حکومت و مراکز قدرت کشور عراق مشارکت واقعی داشته باشیم و از گذشته دور تا به امروز، تمام تلاشمان بر این بوده است که عراقی دمکراتیک و فدرال بنا نهیم اما متأسفانه این تلاشها نتیجه ای در بر نداشت.

طی سخنرانی خود، در مورد تاریخ زندگی مشترک مردم کردستان و کشور عراق صحبت کردم و از خواست و آرمانهای واقعی کردها سخن گفتم و اظهار داشتم که: ما می توانیم روابط خود با بغداد را به دو دوره تقسیم کنیم، مرحله نخست که از جنگ جهانی اول شروع و تا سال ۲۰۰۳ ادامه داشته و مرحله دوم نیز بعد از سال ۲۰۰۳ تا هم اکنون. در دوره نخست، سنیها حاکمان کشور عراق بودند و در مرحله دوم شیعیان بر عراق حکومت کردند. احتمالاً اغلب جامعه جهانی اینگونه تصور می کند که در صورت انجام فرماندم امنیت منطقه به هم میخورد، اما برعکس باید گفت که در صورت عدم برگزاری فرماندم این خطر وجود دارد که منطقه با مشکلات بزرگی مواجه شود و ثبات و امنیت از بین برود.

در ادامه سخنرانیم در پارلمان اتحادیه اروپا این نکته را متذکر شدم که در قانون اساسی عراق که در سال ۲۰۰۵ به رأی گذاشته شد و درصد بسیار زیادی از کردها در تدوین آن مشارکت داشتند و به آن رأی دادند، ذکر شده است که وحدت و تمامیت ارضی عراق در گرو پایداری به قانون اساسی میباشد. متأسفانه، می‌خواهم به شما بگویم حکومت عراق هیچ تعهدی نسبت به اجرای قانون اساسی نداشته است و خود قانون اساسی نیز این اجازه را به ما می‌دهد که نسبت به برگزاری رفراندوم اقدام کنیم. ما به فرهنگ مردم خود که فرهنگ همزیستی مسالمت‌آمیز و مدارا و پذیرش دیگری است، افتخار می‌کنیم.

در کردستان ادیان و اقلیتهای مختلف در کنار هم زندگی می‌کنند و رفراندوم هم تصمیم مردم کردستان و تمام اقلیتهای آن است و در آینده نیز ما متعهد خواهیم شد که از حقوق همه اقلیتهای ملی و مذهبی کردستان حمایت کنیم تا از شراکت خود راضی باشند. همچنین نمی‌خواهیم فجایع و بلایایی را که نسل ما و نسل قبل از ما شاهد آن بوده‌اند، به نسلهای آینده انتقال بدهیم و دوست داریم فرزندانمان در کشور مستقل و آزاد خود تحصیل کنند و به رشد و بالندگی برسند. ما نیز مانند همه مردم جهان از این حق برخورداریم و نمی‌دانم چرا همه ملت‌های دنیا سزاوار آزادی هستند ولی ملت ما باید از این حق طبیعی خود محروم باشد. ما از دوستان خود درخواست پشتیبانی و مساعدت داریم و اگر هم آنها به هر دلیلی نتوانند از ما حمایت کنند از آنها می‌خواهیم که حداقل برعلیه ما موضع‌گیری نکنند و از هم اکنون و همینجا از شما پارلمان اروپا دعوت میکنم تا نمایندگانمان را برای شرکت در روند برگزاری رفراندوم و نظارت بر صحت اجرای آن به اقلیم کردستان بفرستید.

طی دو سه ماه نخست پس از اخذ تصمیم برای برگزاری رفراندوم، بیشتر کشورها و جامعه بین‌المللی و حتی بغداد نیز به این موضوع توجهی نمی‌کردند و حتی در

بعضی محافل شنیده می‌شد که اقلیم کردستان در روند اجرای رفراندوم جدی نیست و فقط از آن به عنوان کارت فشار علیه بغداد استفاده می‌کند.

موضعگیری اکثر کشورها در این باره این بود که آنها هیچ مشکلی با مردم کردستان در استفاده از حقوق خود ندارند، اما با زمان برگزاری رفراندوم مشکل دارند. بیشتر آنها در مورد حل مشکلات با بغداد از طریق گفتگو و مذاکره صحبت می‌کردند. در نهایت، وقتی کشورها و نیروهای منطقه‌ای و بین‌المللی از جدیت رهبری سیاسی اقلیم کردستان در اجرای رفراندوم اطمینان حاصل کردند، فشارهای سیاسی و دیپلماسی بی‌سابقه‌ای را با هدف لغو رفراندوم و عدم اجرای آن بر اقلیم اعمال کردند. البته، در مقابل درخواست برای تعویق و یا عدم اجرای آن هیچگونه پیشنهاد آلترناتیو یا جایگزینی را هم ارائه نکردند تا مردم کردستان در ازای آن از حق مسلم خود که برگزاری رفراندوم بود، صرف‌نظر کنند. این فشارها در حالی اعمال می‌شد که رفراندوم از یک مسأله سیاسی به یک مسأله میهنی و ملی تبدیل شده بود و در دست‌ان آحاد مردم کردستان بود و آنها تصمیم‌گیرندگان اصلی بودند. چرا که موضوع رفراندوم، دیگر یک موضوع و تصمیم یک حزب سیاسی یا شخص خاصی به‌شمار نمی‌رفت تا بتوان به راحتی تصمیم به عدم اجرا و یا لغو آن گرفت.

نشست سحیلا

نشست سحیلا^{۴۲} و تماس‌های تلفنی و نامه تیلرسن، وزیر خارجه آمریکا، تماس تلفنی وزیر خارجه بریتانیا و تماس تلفنی مکرون، رئیس جمهور فرانسه، از جمله مهمترین رویدادهای دیپلماتیک سپتامبر سال ۲۰۱۷ در ارتباط با موضوع برگزاری رفراندوم بودند.

به منظور شرکت در کمپین‌های تبلیغاتی و گره‌مایه‌های مردمی برای حمایت از رفراندوم، بازدیدی از استان دهوک داشتم. همزمان هیأت عالی‌رتبه‌ای از ائتلاف بین‌المللی و سازمان ملل نیز تقاضای ملاقات کرده بودند. بهمین منظور در روز پنجشنبه ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۷، در قرارگاه فرماندهی جنگ با داعش در سحیلا، واقع در غرب دجله، با هیأتی که مرکب از برت مک گورک (نماینده ویژه رئیس جمهور آمریکا در ائتلاف جهانی علیه داعش)، یان کوبیش (نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل) و داگلاس سلیمان (سفیر آمریکا در عراق) و فرانک بیکر (سفیر بریتانیا در عراق) بود، دیدار کردم.

۴۲ - منطقه‌ای مرزی در کناره غربی رود دجله و نزدیک مرز سوریه-پیشخابور.

محل برگزاری جلسه در ساحل رود دجله و نزدیک مرز سوریه بود. همان نقطه‌ای که سال ۲۰۱۴ نیروهای پیشمرگه کردستان حملات خود را علیه داعش از آنجا آغاز کرده بودند. در طی آن نشست، هیأت مذکور اعلام کرد که خواست و تمایل مردم کردستان را برای استقلال درک می‌کنند، اما ترجیح می‌دهند کردستان به مسیر گفتگو بازگردد و اگر مسیر مذاکره و گفتگو به نتیجه‌ای نرسید، آنها متعهد میشوند که نامه‌ای از طرف وزیر امور خارجه آمریکا به رهبری سیاسی اقلیم کردستان فرستاده شود و در آن تأیید آمریکا درباره ضرورت برگزاری فراندم درج شده باشد. در حقیقت هدف اصلی هیأت بین‌المللی از ارائه این پیشنهاد به تعویق انداختن فراندم بود. در پاسخ پیشنهاد هیأت مذکور به آنها گفتم که تصمیم برای برگزاری فراندم، تصمیمی یکجانبه و فردی نبوده، بلکه این تصمیم همه احزاب و گروه‌های کردی است که در صدور آن مشارکت داشته‌اند و من به تنهایی نمی‌توانم در این زمینه حکمی صادر کنم. همچنین اعلام کردم که ما هرگز راه‌های گفتگو با بغداد را نمی‌بندیم، اما این عراقیها هستند که ما را شرکای واقعی خود نمی‌دانند و مردم کردستان را فقط به چشم تابع و دنباله‌رو خود می‌بینند و البته ما نیز بعد از این همه آزار و فحاکت، تابع بودن را نمی‌پذیریم.

به هیأت مهمان صریحاً ابراز داشتم که هدف ما این است که با عراق به طور مسالمت آمیز، تبدیل به همسایگان خوبی برای یکدیگر شویم و فراندم هم راهی برای رسیدن به این هدف می‌باشد لذا اگر آمریکا یا جامعه بین‌المللی راهی دیگر برای تحقق این هدف سراغ دارند، دیگر نیازی به برگزاری فراندم نیست. اما پیشنهاد شما عاری از تعهد و تضمین است، هر وقت گزینه دیگری داشتید که همان هدف فراندم را برآورده سازد، ما هم به فراندم نیازی نخواهیم داشت.

موضوعی که طی روزهای قبل و بعد از فراندم بحث و جدلهای زیادی را در رسانه‌ها و مراکز سیاسی به دنبال داشت، نامه وزیر امور خارجه آمریکا خطاب به من بود. نامه وزیر خارجه آمریکا حاوی چند ایده و پیشنهاد در ازای عدم برگزاری فراندم بود. در واقع، نامه مذکور یک نامه رسمی نبود، بلکه پیش نویس نامه‌ای بود که توسط برت مک گورک، نماینده ویژه رئیس جمهور آمریکا در ائتلاف بین‌المللی علیه داعش (همان شخصی که بعدها پرزیدنت ترامپ در توئیتی اعلام کرد که وی را نمی‌شناسد) و داگلاس سلیمان، سفیر آمریکا در عراق و تعدادی دیگر تهیه شده بود. همچنین مشخص نبود آیا این نامه توسط وزیر خارجه تأیید و امضاء خواهد شد یا خیر.

دیپلمات‌های آمریکایی اینگونه تلقی می‌کردند که وزیر خارجه آمریکا پس از به تعویق انداختن یا لغو فراندم، نامه را امضاء خواهد کرد. از نظر ما نامه از لحاظ نگارش و محتوا مناسب بود، اما فاقد ضمانت اجرایی لازم برای اعتماد و تکیه کردن بر آن بود و ما نمی‌توانستیم با اتکا به یک نامه بدون تضمین از ملت خود بخواهیم که از حق مسلم و طبیعی خود دست بکشند. گزینه پیشنهادی موجود در نامه تیلرسن بیشتر حول موضوع مذاکرات با دولت عراق بود و موضع آمریکا نیز حمایت از این مذاکرات بود. ما تجربه و سابقه‌ای طولانی در مورد مذاکره و توافق با عراقی‌ها داریم اما در پایان، آنها به آسانی قولها و وعده‌هایشان را به دست فراموشی می‌سپارند. با این حال، تصمیم بر این گرفته شد که نامه پیشنهادی تیلرسن و سایر گزینه‌ها توسط شورای عالی همه‌پرسی مورد ارزیابی قرار بگیرد. همه این فشارها و پیشنهادات تنها چند روز قبل از برگزاری فراندم ارائه شدند و این در حالی بود که سرنوشت فراندم از دست اشخاص و احزاب سیاسی خارج شده بود و در دستان مردم کردستان قرار گرفته بود.

نامه تیلرسن می توانست زمینه‌ای باشد برای اینکه آنچنان تضمینی را برای مردم کردستان با خود به‌مراه داشته باشد که مردم کردستان به دست کشیدن از رفراندم راضی شوند. در قسمتی از نامه آمده بود که رفراندم به مدت دو سال به تعویق بیفتد، و در صورت به نتیجه نرسیدن مذاکرات با عراق، مردم کردستان میتوانند رفراندم را برگزار کنند و آنگاه آمریکا به نتایج آن احترام می‌گذارد. بنابراین، از دولت آمریکا خواستم به جای کلمه احترام در نامه، کلمه پشتیبانی قرار داده شود، اما آمریکایی‌ها از قبول این درخواست سر باز زدند و اظهار داشتند که نمی‌توانند کلمه پشتیبانی را در این نامه بگنجانند. من نیز به نوبه خود در پاسخ به آنها گفتم، اگر شما نمی‌توانید یک کلمه را تغییر دهید، چگونه انتظار دارید که بتوانیم مردم کردستان را متقاعد کنیم دست از رفراندم بکشند؟

همه این فشارها همزمان بود با تهدیدها و جنگ روانی و تبلیغاتی متعصبانه و نژادپرستانه کشورهای همسایه و نیروهای سیاسی عراقی و تلاششان برای درهم شکستن اراده مردم کردستان. در آن زمان، سؤال اصلی این بود که آیا ما ملتی هستیم دارای اراده‌ای مستقل؟ یا اینکه دیگران بایستی سرنوشت ما را تعیین کنند؟ بدون شک، این ظلم بزرگی در حق مردم کردستان بود. اگر معادلات بین‌المللی به مردم کردستان اجازه تصمیم‌گیری در مورد حق تعیین سرنوشت خود را نمی‌دهند، آیا رواست که حتی حق سخن گفتن در این باره را نیز از ما سلب کنند و اجازه ندهند حتی مردم کردستان آنچه را که می‌خواهند بیان کنند؟ در روزهای آخر، کار را به جنگ با اراده مردم کردستان و نادیده گرفتن خواست مشروع مردم کردستان کشاندند. آن موقع بود که دیگر تصمیم گرفتیم به هر قیمتی که شده رفراندم را در موعد مقرر شده برگزار کنیم، و اجازه ندهیم که کوچکترین خدشه‌ای به اراده ملت ما وارد شود.

از طرف دیگر، گره‌زدن خواسته مردم کردستان به پیروزی یا باخت یک شخص در انتخابات عراق، توهین به ملت کردستان بود. آمریکایی‌ها معتقد بودند که برگزاری رفراندم باعث تضعیف عبادی خواهد شد و عدم برگزاری آن باعث قدرتمند شدن وی می‌شود، چرا که به زعم آنان در صورت پیروزی عبادی در انتخابات، وی از قدرت و توانایی لازم برای بیرون راندن ایرانیان از خاک عراق برخوردار خواهد بود. یکی دو روز مانده به برگزاری رفراندم، تماس‌ها و فشارهای همه جانبه (آمریکا و جناح‌های منطقه‌ای) برای لغو برگزاری رفراندم بر ما افزایش یافت. آنچه که ما را متعجب می‌ساخت، این بود که درخواست و نظر همه آنها یکی بود. آمریکا، بریتانیا، ایران، ترکیه و عراق در زمینه خصومت با حقوق مشروع مردم کردستان همصدا شده بودند و در زمینه اعمال فشارهای دیپلماتیک و سیاسی باهم متحد شده بودند. سخنان آنها بسیار شبیه به هم بود و همه آنها خواستار عقب‌نشینی بودند و در کمال تعجب این عقب‌نشینی فقط و فقط به قیمت از دست دادن حقوق مردم کردستان تمام می‌شد. از طرف دیگر، اگر از تصمیم برگزاری رفراندم منصرف می‌شدیم، مخالفان داخلی و دشمنان رفراندم حرف‌های دیگری می‌زدند و این تهمت را به ما می‌زدند که یک فرصت تاریخی برای مردم کردستان مهیا شد اما آنها این فرصت را از دست دادند و عقب‌نشینی کردند.

دو روز قبل از برگزاری رفراندم، نیروهای منطقه‌ای و بین‌المللی تلاش داشتند که روند رفراندم کرکوک را در بر نگیرد. در واقع قبل از ۷ ژوئن سال ۲۰۱۷ رویکردی نزد رهبری سیاسی کردستان وجود داشت که متمایل به عدم برگزاری رفراندم در کرکوک و مناطق تحت پوشش ماده ۱۴۰ بود. به این دلیل که، هیچ‌گونه بهانه‌ای به دشمنان و بدخواهان ملت کرد برای دست درازی داده نشود و معتقد بودند که بهتر است که موضوع کرکوک و مناطق مورد مناقشه برای گفتگو و مذاکره با حکومت عراق باقی بماند. قراردادن کرکوک در

برای تاریخ.. ۹۷

ضمن طرح برگزاری رفراندم، زیر فشارها و خواسته‌ها و اصرارهای حزبی انجام می‌یافت که بعدها همین حزب وقایع شوم شانزده اکتبر را رقم زد؛ یعنی آنهایی که کرکوک را تسلیم کردند و این افراد همانهایی بودند که در تاریخ ۷ ژوئن سال ۲۰۱۷ بر ضرورت انجام رفراندم در کرکوک نیز پافشاری میکردند.



بیست و دوم سپتامبر ۲۰۱۷

اربیل - استادیوم ورزشی شهید فرانسوا هریری -
گردهمایی مردمی شهروندان اربیل برای حمایت از همه‌پرسی.



برای تاریخ ۹۹

Photo: Adnan Muhammed

ملت رأی داد

طی روندی طولانی مدت قریب به صد سال، مردم کردستان در کشور عراق مورد ظلم و بیدادگری و آوارگی و نسل‌کشی زیادی قرار گرفته بودند. کردها به شرط برخورداری از سهم و مشارکت حقیقی در حکمرانی، در تأسیس کشور عراق شرکت کردند، اما تمام رویه‌ها و تصمیمات دولت‌های متوالی عراق در جهت تثبیت مرکزگرایی، به حاشیه‌راندن کردها و نادیده گرفتن خواسته‌های قانونی آنها بود. علاوه بر این، مقامات عراقی مسیر امحاء، نسل‌کشی و پاکسازی قومی^{۴۳} علیه کردها را دنبال کردند. پس از سال ۲۰۰۳، هرچند کردها با حسن نیت، مشارکت فعالی در بازسازی عراقی دموکراتیک و فدرال داشتند و قانون اساسی هم ضامن و حافظ این سیستم جدید محسوب میشد، اما این بار نیز تلاششان برای داشتن یک حیات عادی و مسالمت آمیز و دموکراتیک با عراق فرجامی نداشت.

۴۳- به کوششی قهرآمیز جهت یکدست‌سازی منطقه‌ای از لحاظ قومی اطلاق می‌شود که معمولاً با تبعید، مهاجرت و جایگزینی اجباری و کشتار صورت می‌گیرد. پاک‌سازی قومی، معمولاً با نابودی بخش بزرگی از آثار تاریخی، گورستان‌ها، خانه‌ها و دیگر مظاهر تمدنی قوم مورد هدف همراه است.

برای تاریخ.. ۱۰۱

لذا زمان آن فرا رسیده بود که شهروندان و ساکنان اقلیم کردستان، در فضایی آزاد و طی روندی صلح آمیز و دمکراتیک، نظر خود را در مورد ماندن یا نماندن در عراق بیان کنند. وقت آن فرا رسیده بود که از مردم کردستان پرسیده شود، که آیا کشوری مستقل می خواهید یا اینکه می خواهید همچنان به این تجربه شکست خورده صد ساله ادامه دهید. از هفتم ژوئن سال ۲۰۱۷، که حکم انجام همه پرسی صادر شد تا بیست و پنجم سپتامبر سال ۲۰۱۷، اقلیم کردستان مشغول زمینه سازی برای روند برگزاری referendum بود. زمان آن فرا رسیده بود که در یک روز تاریخی پرشکوه، عدالت اجرا شود و شهروندان کردستان خواسته و سخن خود را بیان کنند و ندای خود را به گوش جهانیان برسانند. مشروعیت این تصمیم بالاتر از هر نوع مشروعیت دیگری و بالاتر از رأی و نظر هر فردی و هر جناح و حزبی بود. این تصمیم، نه جرم و نه عملی خلاف قانون تلقی میشد و نه نشانه جنگ افروزی و اشغالگری یا ترور بود بلکه تنها و تنها اعمال حق قانونی و طبیعی شهروندان کردستان به روشی مسالمت آمیز بود.

سرانجام، آن روز بزرگ فرا رسید و در ۲۵ سپتامبر سال ۲۰۱۷، شهروندان اقلیم کردستان و مناطق کردستانی خارج از اداره اقلیم، برای اولین بار در تاریخ، در فضایی آزاد و مستقر و صلح آمیز و به دور از خشونت، به پای صندوق های رأی رفتند و رأی خود را به صندوق انداختند. روز برگزاری referendum بیشتر به یک جشن و کارناوال ملی شبیه بود. جشنی که در آن همه شهروندان کردستان اختلافات و تضادهایشان را کنار گذاشتند و در روندی مشروع و قانونی و تاریخی شرکت کردند. روز referendum، روز همه ملت و شهروندان کردستان و روز تک تک آحاد مردم بود. در آن روز، هیچ کس به شخص یا حزب خاصی رأی نداد، بلکه همگی به خودشان و کشورشان رأی دادند، به یکدیگر، به نسل های

آینده و به سرنوشت خودشان رأی دادند. این در حقیقت همان خلق روح ملی مشترک و وحدت و یکصدایی میان شهروندان کردستان بود. همچنین، درخواست حقوق و اعمال حق و اراده بود و من با تمام وجود معتقدم که در زندگی سیاسی مردم چیزی بالاتر و مقدستر از اعمال حق رأی مردم و پیروزی اراده مردم وجود ندارد. بنابراین، می‌توانم بگویم که روز برگزاری رفراندوم یک روز مقدس بود.

هدف از برگزاری رفراندوم مطلع‌ساختن دولت عراق، کشورهای منطقه و جامعه جهانی از خواست واقعی مردم کردستان بود. هیچ کس در نظر نداشت روز بعد از رفراندوم یک کشور مستقل را اعلام کند، بلکه منظور از برگزاری رفراندوم این بود که رهبری سیاسی اقلیم در مرحله بعد، اختیارات و مجوز لازم از طرف مردم را در اختیار داشته باشد که در این زمینه با دولت عراق وارد مذاکره و گفتگو شود. ما به صراحت و شفافیت تمام این موضوع را با بغداد، آمریکا و سایر کشورها در میان گذاشته بودیم و گفته بودیم که هدف از برگزاری رفراندوم این است که به مردم کردستان فرصتی داده شود تا نظر و خواست واقعی خود را بیان کنند.

دو روز پس از برگزاری رفراندوم، کمیسیون عالی انتخابات و همه‌پرسی اقلیم، نتایج اولیه رفراندوم را اعلام کرد که حاکی از این بود که ۹۲،۷۳٪ از رأی دهندگان به این رفراندوم رأی "آری" داده بودند. در حقیقت این نشان دهنده پیروزی اراده مردم برای رسیدن به استقلال بود. اکثریت قریب به اتفاق مردم کردستان نمی‌خواستند تجارب شکست خورده و رنج و بلاها و ظلم سابق بیش از این ادامه یابد، بلکه آنها خواهان کشور مستقل خود بودند. این پیروزی بزرگ نتیجه واقعی روند رفراندوم بود و در حقیقت بر خلاف نظر و ادعای دشمنان ملت کرد، تنها زمانی می‌توانستند بگویند که رفراندوم شکست خورده است که رأی "خیر" اکثریت را بدست می‌آورد.

برای تاریخ.. ۱۰۳

رفراندم برای کرکوک و مناطق خارج از اداره اقلیم نیز پیروزی و دستاورد بزرگی به شمار می‌آید. اهمیت برگزاری و موفقیت رفراندم در این مناطق به این دلیل بود که علیرغم چندین دهه تعریب، ارباب و سرکوب و نقض مکرر مواد قانون اساسی مصوب سال ۲۰۰۵، کردها، عربها، ترکمنها و مسیحیان ساکن این مناطق ندای مشروع و راستین خود را به گوش جهانیان رساندند و به همه دنیا اعلام کردند که می‌خواهند در کشور مستقل کردستان زندگی کنند. در روز رفراندم، خواست واقعی اقلیتها و مؤلفه‌های قومی و مذهبی نیز برای همگان نمایان شد که آنها نیز خواستار زندگی در کشوری معتقد به همزیستی مذهبی و قومی هستند که شوونیسم و فرقه‌گرایی در آن جایی نداشته باشد.

واکنش‌های دولت عراق

متأسفانه در پاسخ پیام صلح طلبانه ملت کردستان، شاهد واکنش‌های نابجایی از طرف نخست وزیر و مقامات دولت مرکزی عراقی بودیم که ردپای شوونیسم و مشی انکار در آن کاملاً مشهود بود. این واکنشها ماهیت واقعی آنان را آشکار ساخت که اساساً با حقوق ملت کردستان ضدیت داشتند و تنها زبان زور و تهدید و تحمیل را میشناختند.

دو روز پس از رفتنم، پارلمان عراق در طی نشست بدون حضور نمایندگان کردستان، سیزده حکم غیرقانونی و مخالف قانون اساسی را بر علیه اقلیم و به منظور مجازات دسته جمعی مردم کردستان صادر کرد. این احکام دست عبادی را باز میگذاشت تا هر روز با لحن تهدید و تمسخر درباره کردستان سخن بگوید و همچنین، این زمینه را برایش فراهم میساخت که از نیروی نظامی بر ضد اقلیم و مناطق کردستانی خارج از اداره اقلیم استفاده کند. در یکی از احکام پارلمان آمده بود که فرمانده نیروهای مسلح مکلف به استقرار

نیروی نظامی در مناطق مورد مناقشه و کرکوک است. این در حقیقت دادن چراغ سبزی به عبادی برای جنگ و استفاده از نیروهای مسلح برای حل و فصل اختلافات سیاسی بود. در حالیکه این اقدام، نقض فاحش قانون اساسی دائمی عراق بود که استفاده از نیروهای مسلح به منظور قلع و قمع مردم را ممنوع کرده است. در دستور دیگری که پارلمان عراق پس از فرماندم صادر کرد، اصل تفکیک قوا بوضوح زیر پا گذاشته شد و پارلمان با استفاده از اختیارات قوه قضائیه، برگزاری فرماندم را جرم تلقی مینمود. همان روز و در همان نشست، پارلمان همچنین در طی حکم دیگری دستورالعمل بستن مرزها و تحریم و جلوگیری از دسترسی مردم کردستان به مواد غذایی و دارو و مایحتاج زندگی مردم کردستان را صادر کرد.^{۴۴}

این نخستین بار بود که پارلمان عراق بتواند طی یک جلسه، این تعداد حکم را صادر کند، البته بدون در نظر گرفتن اصل اجماع و بدون حضور نمایندگان کرد در پارلمان. از آنجا که تمام این تصمیمات بر علیه مردم کردستان بود و با انگیزه انتقامجویی و تحت تأثیر روحیه و مشی شوونیستی گرفته شده بودند، بسیار سریع و به اتفاق آرا توسط حاضران در جلسه پارلمان مورد تصویب قرار گرفت. بیشتر هم، در تاریخ ۱۲ سپتامبر سال ۲۰۱۷ و بدون در نظر گرفتن اصل اجماع، پارلمان عراق مجموعه‌ای از لوایح را که با هدف ضدیت با فرماندم تدوین شده بودند، به تصویب رسانده بود.

در حقیقت، پس از ده‌ها سال، ذهنیت و مشی شوونیستی در بغداد تغییری نیافته بود. به خوبی بر این امر واقف بودم که در بغداد فقط چهره‌ها عوض میشوند و ذهنیت شوونیستی اقتدارگرا در بغداد، هیچ اعتقادی به مشارکت و

۴۴- برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به ضمیمه فرماندم اقلیم کردستان از منظر قانون اساسی و ابعاد حقوقی آن -

ندای حق طلبی و عدالت ندارد. این مصوبات و احکام و تصمیمات پارلمان عراق و طرز رفتار ظالمانه و خلاف قانون اساسی نخست وزیر وقت عراق، ثابت کرد که عدم اعتماد ما به وعده‌ها و ضمانت‌های توخالی آمریکا و دولت عراق قبل از برگزاری رفراندوم، کاملاً صحیح و بجا بوده است. تعرض و حدشکنی‌های عبادی به جایی رسید که فرودگاه‌های اقلیم را بر روی پروازهای هوایی بست و در سخنرانی‌های خود (همانند دوره بعثیها) از اصطلاح شمال عراق به جای اسم قانونی اقلیم کردستان استفاده میکرد. وی همچنین لاف این را می‌زد که مثلاً دارد قانون را در اقلیم کردستان اجرا می‌کند در حالی که قادر به اجرای قانون حتی در منطقه سبز بغداد هم نبود!

تمام این اقدامات خلاف قانون اساسی، به بهانه برقراری و اعمال حاکمیت بود. این در حالی بود که همین اقدامات، نقض حاکمیت ملی عراق به‌شمار می‌رفت، به ویژه هنگامی که تهدید به استفاده از نیروی نظامی وجود داشت و البته آن هم با همدستی کشورهای همسایه. دولت عراق با کمک نیروهای بیگانه، مردم کردستان را در معرض تهدید و تحت محاصره ناعادلانه‌ای قرار داد.

واکنش‌های شرم‌آور دولت عراق نشان داد که مقامات عراقی از تاریخ درس عبرت نگرفته‌اند و هیچوقت نیت روبروشدن با مشکلات و حل آنها را نداشته‌اند. فضایی را به وجود آورده بودند که در آن همگی بر خصومت با حقوق مردم کردستان متفق و همصدا شده بودند و کلیه نهادهای قانونگذاری، قضایی، امنیتی و اقتصادی کشور را در خدمت این خصومت قرار داده بودند. طی صد سال گذشته، رژیم‌های پی در پی عراق استفاده از زور و اسلحه و نیروی نظامی را برای درهم شکستن اراده ملت کردستان امتحان کرده بودند و پس از آن همگیشان دچار شکست و فروپاشی شدند. موضع ما در برابر این واکنش‌ها، رد و عدم پذیرش زبان تهدید و یا بکارگیری نیروی نظامی و اسلحه بود و از

برای تاریخ.. ۱۰۷

نظر اقلیم کردستان، تمام این تصمیمات غیرقانونی و خصمانه، مغایر قانون اساسی و اصول حاکمیت و همزیستی و صلح تلقی می‌شدند. آری، پاسخ آنها به پیام صلح آمیز مردم کردستان، شوونیسم و بکارگیری زور و نیروی نظامی و اسلحه بود و این موضوعی بود که از زمان تأسیس دولت عراق همیشه وجود داشته است و در کلیه دیدارهای دیپلماتیک و ملاقاتها و نشستها و سخنرانیهایی که طی سالهای قبل از فراندم داشته‌ام، به آن اشاره کرده بودم.

متأسفانه بخش عمده‌ای از این اقدامات خشونت آمیز و خصمانه علیه اقلیم، توسط شیعیانی صورت گرفت که پیشتر با ما در یک سنگر بودند و با کمک کردها، به بغداد رفتند و قدرت را در دست گرفتند. پس از سال ۲۰۰۳، احزاب شیعی، مشتاق و خواهان آن بودند که عراق به کشوری فدرال تبدیل شود تا بتوانند جایی در عراق داشته باشند. در آن هنگام سنی‌ها مخالف سیستم فدرالی بودند و خواهان دولتی مرکزگرا همانند دوره‌های پیشین بودند. ولی از همان هنگامیکه احزاب شیعی قدرت را به چنگ آوردند، همان سیاست غلطی را دنبال کردند که در گذشته اعمال میشد. با این تفاوت که این بار فرقه‌گرایی هم به آن اضافه شده بود و این خیال را در سر می‌پروراندند که پس از اتمام جنگ با داعش، کنترل کل منطقه را در دست بگیرند. آنها بدون در نظر گرفتن حاکمیت عراق، قانون اساسی و ماهیت جدید کشور عراق، به بخشی از یک برنامه و استراتژی کلی فرامرزی و فرقه‌ای منطقه‌ای تبدیل شدند.

قطع بودجه و تحریم کردستان در زمان جنگ با داعش، مجازات مردم کردستان و اقدامات خلاف قانون اساسی که پس از برگزاری فراندم شاهد آن بودیم، همه و همه در راستای خدمت به استراتژی مذکور بود. ما مدتها بود که از این تباری و دسایس آگاه بودیم و می‌دانستیم که پس از پایان یافتن

جنگ با داعش، آنها طرح و نقشه‌شان برای در تنگنا قراردادن مردم اقلیم کردستان و حمله به کردستان را عملی خواهند کرد.

پس از برگزاری فرماندم، درخواست دولت عراق، لغو نتایج فرماندم بود و این درخواست بیشتر به منظور افزایش فشار و پیچیده‌تر کردن شرایط بود، زیرا آنها به خوبی می‌دانستند که هیچ شخص، حزب و یا نهادی، قدرت و صلاحیت لازم برای لغو نتایج فرماندم را ندارد. چگونه می‌توان رأی سه ملیون شهروند را الغاء کرد؟

برگزاری فرماندم، بر خلاف آنچه که توسط مخالفان و دشمنان فرماندم توصیف می‌شد، اقدامی غیرقانونی نبود، بلکه بیانگر تمایل و خواست و نظر مردم کردستان در مورد موضوعی بود که به سرنوشت آنها گره خورده بود. چرا که ابراز نظر و عقیده مردم در مورد موضوعی به این مهمی حق مسلم و قانونی هر انسانی در تمام جهان است. از طرف دیگر، مردم کردستان فقط رأی دادند و اقلیم کردستان در فردای برگزاری فرماندم اعلام استقلال نکرده بود تا دولت عراق و دیگران بدین شکل و با اقدام به زور و اسلحه به کردستان حمله‌ور شوند. اقلیم کردستان هنوز بخشی از خاک عراق به شمار می‌رفت و به کاربردن نیروی نظامی عملی خلاف قانون اساسی و کاملاً غیرقانونی بود. ولی بسبب تنهایی و بی‌پناهی کردها و همچنین به دلیل نادیده گرفتن حقوق مسلم و قانونی ملت‌ها (که در میثاق ملل متحد نیز آمده است)، دولت‌های مصلحت طلب از عراق جانبداری کردند و این اجازه را به بغداد دادند که بطور غیرقانونی، نیروی نظامی را علیه مردم کردستان بکار بگیرد.

شانزدهم اکتبر

پس از عملیات آزادسازی موصل از دست داعش و پیش از آنکه مردم کردستان تصمیم به برگزاری رفراندوم بگیرند، یک سری نشانه‌های منفی و مشکوک در حرکات و تدارکات دولت عراق مشاهده می‌شد. حرکاتی که نشان‌دهنده سوء نیت آنان نسبت به مناطق مورد مناقشه و اقلیم کردستان در مرحله بعد از جنگ داعش بود. نقض توافق‌نامه مربوط به آزادسازی شهر موصل توسط عراق، به تعویق انداختن عملیات آزادسازی حویجه، خروج بدون جنگ داعش از حویجه که مرکز قدرتمندی برای داعش به شمار می‌رفت، و ترک تلعفر از طرف داعش بدون جنگ و درگیری، همه و همه مواردی مشکوک و سؤال برانگیز بودند. همه اینها نشانگر این بود که یک نوع هماهنگی میان قدرتهای منطقه‌ای به منظور کنترل مجدد مناطق مورد مناقشه و فضا سازی برای اعمال فشار بر کردستان وجود دارد. ورود نیروهای حشد به تلعفر و دشت

نینوا، که خلاف توافقنامه‌ها بود و ادامه قطع بودجه اقلیم کردستان توسط دولت عراق و همچنین اظهارات نژادپرستانه و تهدیدهای فرماندهان نظامی حشد، نشانگر این بود که عراق برنامه دیگری بر علیه کردستان در دست اجرا دارد. این در حالی بود که طی جنگ با داعش، اقلیم کردستان بیشترین همکاری و هماهنگی را با دولت عراق به عمل آورد. به وضوح مشخص بود که طرح دسیسه‌ای برای حمله به کردستان در دست اجرا می‌باشد، حتی اگر فرماندم نیز برگزار نمی‌شد، این توطئه باز هم اجرا می‌شد. اما فرماندم تنها بهانه‌ای بود برای انجام سریعتر این طرح که با همکاری یک نیروی داخلی کردستان و دخالت آشکار قدرت‌های منطقه‌ای و خارجی صورت پذیرفت.

پس از برگزاری موفقیت آمیز فرماندم، برخی گزارش‌ها حاکی از آن بود که جناحی از اتحادیه میهنی کردستان به منظور تسلیم کرکوک به حشد شعبی مشغول زدوبند و معاملاتی مخفیانه است. در ۱۲ اکتبر سال ۲۰۱۷، آنها (بخشی از اتحادیه میهنی کردستان) بخشی از نیروهای خود را به بهانه عدم نیاز به وجود این نیروها در آن مناطق پس از جنگ با داعش و بدون هماهنگی با وزارت پیشمرگه از جنوب کرکوک خارج کردند. همان روز، یک واحد نظامی نیروهای حشد سعی کرد از محور جنوب و غرب کرکوک پیشروی کند، اما نیروهای پیشمرگه با آن مقابله کردند و جلوی پیشروی آنها را گرفت. در ۱۳ اکتبر سال ۲۰۱۷ نیز به دستور یک مقام نظامی وابسته به اتحادیه میهنی کردستان، نیروهای پشتیبانی دوم، روستای استراتژیک عبادات واقع در حد فاصل بین کرکوک و خرماتو را تخلیه کردند. بنابراین جاده اصلی بین کرکوک و خرماتو به کنترل نیروهای حشد شعبی درآمد و پیشمرگه‌هایی هم که در منطقه بین داقوق و خرماتو بودند، به محاصره افتاده و ارتباطشان با مناطق مذکور قطع شد. در روزهای ۱۲ و ۱۳ اکتبر تا

برای تاریخ... III

۱۵ اکتبر، در امتداد جبهه‌های آن محور، همه مناطق سبع نیسان، داقوق، دوزخورماتو و مریم بگ طی توافقنامه‌ای سری به نیروهای ایرانی و نیروهای حشد شعبی واگذار شدند.

در روز ۱۵ اکتبر سال ۲۰۱۷ در منزل مرحوم مام جلال در شهرک بیلاقی دوکان، در جلسه مشترکی متشکل از دفاتر سیاسی حزب دموکرات کردستان و اتحادیه میهنی کردستان شرکت کردم. در جلسه مذکور، دوستان در اتحادیه میهنی پیشنهادی را به هدف ایجاد هماهنگی سه جانبه برای تشکیل نیرویی مشترک متشکل از نیروهای پیشمرگه، آمریکایی و عراقی و در قرارگاه (K۱) کرکوک ارائه کردند تا به گفته آنها کرکوک از هر گونه نزاعی دور نگه داشته شود. در آن پیشنهاد همچنین آمده بود که گارد ریاست جمهوری، عهده‌دار حفاظت از شهر کرکوک خواهد شد. کاملاً مشخص بود که این پیشنهاد صحت چندانی ندارد، زیرا هماهنگی بین نیروهای آمریکایی، پیشمرگه‌ها و نیروهای عراقی امری عادی بود و قبلاً نیز در جاهای بسیاری مراکز هماهنگی بین این نیروها وجود داشت. همچنین امکان اینکه اجازه دهند تیپ گارد رئیس جمهوری در کرکوک مستقرشود، تقریباً غیر ممکن بود.

از همان ابتدای جلسه مشخص بود که جو حاکم بر جلسه خصوصاً برای دوستان شرکت کننده از طرف اتحادیه میهنی طبیعی نیست. در همان حین نچيروان بارزانی که در آن زمان نخست وزیر اقلیم کردستان بود، از آنها پرسید: آیا شما هیچگونه توافقی را با طرفهای عراقی انجام داده‌اید؟ چه آنهایی که توافق‌نامه را امضاء کرده بودند، و چه آنهایی که از آن اطلاع نداشتند، جواب دادند که هیچ اطلاعی از چنین توافقنامه‌ای ندارند. اما بعداً مشخص شد که تعدادی از اعضای اتحادیه میهنی بدون اطلاع نهادها، شورای عالی سیاسی و رهبری کردستان، توافقنامه‌ای را منعقد کرده‌اند. توافقنامه‌ای که حتی تعدادی

از خود اعضای دفتر سیاسی اتحادیه میهنی نیز از آن اطلاعی نداشتند و به موجب آن کرکوک به نیروهای حشد شعبی، نیروهای ایرانی و عراقی تحویل داده شد. در پایان نشست دوکان، تصمیم بر این گرفته شد که رئیس جمهور، به منظور هماهنگی و گفتگوی سازنده میان اقلیم و بغداد، در اسرع وقت به بغداد بازگردد. رئیس جمهور به بغداد بازگشت اما هیچ کس آماده گفتگو و نشست با او نشد. در پایان جلسه دوکان، بیانیه مشترکی از طرف دو حزب صادر شد که متن آن به شرح زیر است:

بیانیه جلسه دوکان

در تاریخ ۱۵ اکتبر سال ۲۰۱۷ جلسه مشترکی در دوکان و در استراحتگاه تابستانی رئیس جمهور جلال طالبانی، با حضور اعضای هر دو دفتر سیاسی (اتحادیه میهنی و حزب دمکرات کردستان) برگزار شد که طی آن اوضاع عراق، منطقه و کردستان مورد ارزیابی قرار گرفت و جلسه به نتایج زیر رسید:

- ۱- تأکید بر وحدت مردم و نیروهای سیاسی در کردستان، که مکلف به اجرای وظایف مشترک در این برهه از زمان هستند.
- ۲- جلسه، عزم خود را برای حل همه مشکلات از طریق گفتگوی سازنده و بدون پیش شرط، میان اربیل و بغداد ابراز داشت.
- ۳- احزاب کردستان در هر زمان آماده انجام مذاکرات سازنده و بدون پیش شرط و بر اساس منافع اربیل و بغداد و بر طبق اصول قانون اساسی هستند.
- ۴- جلسه معتقد است که به نفع همه طرف‌ها است که احزاب اصلی سیاسی عراق و کردستان در مذاکرات اربیل و بغداد شرکت کنند و همچنین جناح‌ها و طرفهای بین‌المللی نیز ناظر این گفتگوها باشند.

۵- در مورد مشکلات نظامی و امنیتی در مناطق کردستانی خارج از اداره اقلیم کردستان یا هر منطقه دیگر، هرگونه مداخله نظامی یا ارسال نیروها و هر نوع تهدیدی علاوه بر تأثیرات منفی اش بر روابط میان بغداد و اربیل، تهدیدی برای همه تلاشهای صادقانه به شمار می‌رود که هدفشان حل مشکلات به شیوه‌ای مسالمت‌آمیز است، و همچنین دستورالعمل استفاده از نیروهای مسلح عراق برای حل مسائل سیاسی داخلی بطور مستقیم نقض صریح قانون اساسی تلقی می‌شود.

در پایان، دو طرف از نقش پیشمرگه‌های قهرمان، که در نبرد با داعش عنوان نگهبانان آزادی جهانی را کسب کردند و اکنون نیز در خط مقدم تحقق یافتن اهداف و آرمانهایمان هستند، تجلیل و قدردانی کردند.

در روز نشست ۱۵ اکتبر سال ۲۰۱۷ در دوکان، در اثنای جلسه، ملک عبدالله پادشاه اردن طی تماس تلفنی که با من داشتند اظهار داشتند که می‌خواهند از من و عبادی دعوت کنند که به اردن سفر کنیم تا در طی این سفر من و عبادی در مورد مشکلات موجود میان کردستان به بحث و گفتگو بپردازیم با این امید که به درک و تفاهم مشترکی برسیم. ایاد علاوی هم از این دعوت پادشاه اردن برای میانجیگری برای گفتگو و مذاکره مطلع بود. در پاسخ به ایشان گفتم که "من آماده‌ام، اما دولت عراق فرودگاه‌های اقلیم کردستان را بسته است". ایشان اظهار داشتند که یک هواپیمای خصوصی برایم خواهند فرستاد. عبادی در پاسخ به دعوت پادشاه اردن گفته بود، حضور من در آن جلسه تنها به شرطی ممکن است که مسعود بارزانی در مقابل دوربینهای تلویزیون، لغو کامل نتایج رفتارندم را اعلام کند. این پیش شرط عبادی برای نشست و مذاکره بسیار نابجا بود و خودش هم به خوبی این را می‌دانست که هیچ‌کسی صلاحیت لغو رأی ملیونها شهروند را ندارد و این

درخواست نابجا تنها و تنها نشان از غرور و طرز فکر خودبرتربینانه او میداد.

مدت‌ها قبل از رفتارم، من این واقعیت را می‌دانستم که نیروهای عراقی اگر شرایط و زمینه مناسب برایشان مهیا شود، به مناطق مورد مناقشه و اقلیم کردستان حمله خواهند کرد و این مسأله را چندین بار با آمریکایی‌ها، اروپایی‌ها و احزاب کرد در میان گذاشتم. رفتارم راهی بود برای ارائه یک راه‌حل مناسب و جلوگیری از بروز جنگ و خونریزی. اما همانطور که شاهد بودیم، فردای نشست دوکان در ۱۶ اکتبر سال ۲۰۱۷ در هجوم و تسانی و توطئه دسته‌جمعی قدرتهای منطقه‌ای و با تسهیلات و کمک خیانتکارانه داخلی و در مقابل چشمان آمریکایی‌ها، نیروهای حشد با سلاح و تانک آمریکایی، با همکاری تعداد زیادی از نیروهای سپاه پاسداران ایران به فرماندهی پاسداری به نام اقبال پور به کرکوک و مناطق مورد مناقشه حمله کردند. ما هرگز انتظار نداشتیم که با نظارت آمریکایی‌ها و با سلاح‌های آمریکایی به نیروهای پیشمرگه حمله شود، همانطور که انتظار نداشتیم که یک نیروی داخلی اینگونه پا بر روی تمام معیارها و ثوابت ملی و میهنی خود گذاشته و اینچنین به رأی و اراده ملت خود و نهادهای قانونی اقلیم کردستان خیانت کند و به منظور اشغال شدن سرزمین کردستان با فرماندهان حشد و دشمنان دست به یکی کند و بر سر چنان توطئه شومی با آنها توافق کند (نقشه شماره ۷ و شماره ۸).

از لحاظ روانی، این خیانت ضربه بزرگی به پیشمرگه وارد آورد و هماهنگی و ارتباطات نظامی بین صفوف پیشمرگه در جبهه‌های نبرد قطع شد و در برخی مناطق پیشمرگه‌ها بدون دستور عقب نشینی کرده بودند. همگی به خوبی به این نکته واقفیم که خیانت در جبهه‌های جنگ چه تأثیر مخربی بر

روحیه رزمندگی جنگجویان میگذارد. پیشمرگه‌هایی که اسطوره داعش را در هم شکستند مجبور شدند اشک ناامیدی بریزند، در آن زمان تمام تلاش‌ها این بود که این خیانت باعث نشود خون زیادی در درگیری برخورد با عراقی‌ها ریخته شود و یا نیروهای پیشمرگه دچار جنگ داخلی شوند.

پس از اینکه در نوامبر ۲۰۱۵ پیشمرگه‌ها توانستند شنگال را از اشغال داعشها خارج کنند، حکومت عراق به منظور ایجاد شکاف بین ایزیدیان و پراکنده کردن آنها در شنگال نیروی حشد ایزدی را تشکیل داده بود. در شانزدهم اکتبر، منطقه شنگال نیز در معرض موج ظالمانه و دسیسه شوم شانزدهم اکتبر قرار گرفت. در این میان، شخصیت‌ها و افراد برجسته شنگال از بیم وقوع درگیری داخلی میان ایزیدیان، خواستار عقب‌نشینی پیشمرگه‌ها از شنگال شدند و معتقد بودند که جامعه ایزدیها تحمل مصیبت و درگیری دیگری را ندارد. در پاسخ به این خواست ایزدیها و مشروط بر اینکه شنگال به مردم شنگال و ایزیدیان سپرده شود و همچنین به منظور جلوگیری از بروز هرگونه جنگ و ریخته شدن خون ایزیدیان، دستور عقب‌نشینی پیشمرگه‌ها را از آن منطقه صادر کردم. اما هنوز منطقه شنگال به ایزیدیان بازگردانده نشده است و کماکان بیگانگان و اغیار در آنجا حاکمند و مردم شنگال نیز به خانه و کاشانه خود باز نگشته‌اند.

در اینجا می‌خواهم برای تاریخ، به نقش مخرب و منفی دو دیپلمات بریتانیایی و آمریکایی اشاره کنم. بعد از (۷ / ژوئن / ۲۰۱۷) و پس از صدور دستور برگزاری فرماندم فرانک بیکر (سفیر بریتانیا در عراق)، که در ابتدا نظر مساعدی نسبت به موضوع فرماندم داشت و در مورد هماهنگی و همکاری میان کشورش و کردستان در مراحل آینده صحبت می‌کرد، در نهایت نقش بسیار مخربی را علیه اقلیم کردستان ایفا کرد و معلوم شد که از بسیاری از

فتنه‌ها و توطئه‌های مخفی علیه کردستان آگاه بود و خودش هم در آنها دست داشت. به همان صورت داگلاس سلیمان (سفیر ایالات متحده در عراق) نیز نقشی بسیار منفی در تشویق دشمنان کردستان و همچنین ارسال گزارش‌های غلط و اطلاعات گمراه کننده درباره کردستان به واشنگتن داشت. ژنرال پل فانک (فرمانده عملیات نظامی ایالات متحده در عراق) که به تازگی در عراق شروع به کار کرده بود، یکی دیگر از کسانی بود که نقشی غیرسازنده و منفی بر علیه فرماندم قانونی مردم کردستان ایفا کرد.

درست است که آمریکایی‌ها به ما اعلام داشتند که برگزاری فرماندم از نظر آنان بهترین گزینه موجود نیست و معتقد بودند که ترجیح می‌دهند که فرماندم برگزار نشود، اما در عین حال هرگز این را نیز به ما نگفتند که برای جنگیدن با پیشمرگه‌ها اسلحه و تانک آبرامز را در اختیار نیروهای حشد قرار خواهند داد. این در حالی بود که سلاح‌ها و تانک‌های آمریکایی در اصل برای جنگ با داعش به ارتش عراق تحویل داده شده بودند، نه اینکه در اختیار حشد قرار بگیرند. آمریکایی‌ها می‌توانستند جلو این خصومت و درگیری‌ها را بگیرند و یا حداقل آبرامزها را به دست حشد نسپارند تا از آنها در برابر پیشمرگه‌ها استفاده کنند اما این کار را نکردند. مواضع آمریکایی‌ها و به ویژه مواضع سفیر آمریکا در بغداد، دشمنان کردستان را بیشتر ترغیب کرد تا به خودشان جرأت بدهند و اقدامات همه جانبه‌ای را بر علیه اقلیم کردستان به انجام دهند.

روز هفدهم اکتبر، داگلاس سلیمان، سفیر ایالات متحده در بغداد، پیامی به این مضمون برای ما فرستاد: "جهان تغییر کرده است، امروز مثل دیروز نیست، شما باید در تصمیمات خود تجدید نظر کنید." پس از اشغال کرکوک و مناطق دیگر و آوارگی دهها هزار نفر از شهروندان و ارتکاب بسیاری از جنایات و

تخلفات توسط نیروهای حشد علیه مردم کرکوک و دوز، عبادی و سران حشد آنچنان دچار تکبر و خودبرتربینی شدند که شرایط پیش آمده را به مثابه فرصتی مناسب میدانند که به اقلیم کردستان هجوم بیاورند و طبق محاسبات خودشان اربیل و دهوک را نیز تصرف کرده و رهبران رفراندم را به دار بیاویزند و پس از آن خائنین و دست‌نشانندگان خود را بعنوان نماینده ملت کرد و طرف معامله خودشان منصوب کنند. در آن هنگام من اساساً مخالف جنگ بودم اما هنگامی که قصد و نیت آنها برای شکستن اراده مردم کردستان برایمان مسجل شد، بایستی با تمام وجود از اراده ملتمان دفاع می‌کردیم. در بیستم اکتبر سال ۲۰۱۷ حشد و عبادی شانس خود را برای اشغال اقلیم امتحان کردند و قصد پیشروی به سمت اربیل را داشتند. هنگامیکه برایمان روشن شد که آنها نقشه محو اقلیم و اشغال آن را دارند، دستور مقاومت سراسری را صادر کردیم و در بیستم اکتبر، در منطقه پردی (آلتون کوپری)، نیروهای پیشمرگه حماسه بزرگی در حراست از اقلیم آفریدند و حمله حشد و نیروهای عراقی را درهم شکستند.

برای اولین بار در تاریخ، تانک ابرامز آمریکایی که توسط حشد مورد استفاده قرار می‌گرفت توسط نیروهای پیشمرگه کردستان منهدم شد. پس از آن پیروزی بزرگ، به پیغام چند روز پیشتر سفیر آمریکا، داگلاس سلیمان پاسخ دادم و گفتم به جناب سفیر بگویید: "امروز مثل دیروز نیست و فردا هم مثل امروز نخواهد بود." مقاومت پیشمرگه‌ها در همه جبهه‌ها ادامه داشت و در تاریخ ۲۶ اکتبر، در جبهه محمودیه و سحیلا، نیروهای عراقی و حشد قصد داشتند با همکاری نیروهای ایرانی و حزب‌الله لبنان و تحت فرماندهی مستقیم یکی از افسران سپاه پاسداران ایران به نام سید مختار (که در آن جنگ مجروح شد) پیش‌خابور را اشغال کنند و به این منظور به سنگرهای پیشمرگه‌ها در

آن مناطق حمله ور شدند. اما در جریان این حمله دچار شکست سنگینی شده و خسارات بسیار زیادی را متحمل شدند. در حقیقت جنگ سحیلا یکی از بزرگترین حماسه‌های تاریخ معاصر مردم کردستان به شمار می‌رود. شکست آنها در این جنگ، معادلات را تغییر داد و موجب آتش‌بس و آغاز مذاکرات شد. با این وجود، عبادی همچنان خود بزرگ‌بین و متکبر بود و حاضر به پذیرش مذاکرات سیاسی نبود و بجای آن خواهان برگزاری مذاکره و نشست کمیته‌های فنی نظامی بود.

در اولین دور از مذاکرات، علاوه بر عراقی‌ها، نمایندگان سپاه پاسداران و حزب الله لبنان نیز حضور داشتند. در آن جلسات، عراقی‌ها طبق دستورالعمل‌ها و اوامر فرستادگان ایران و حزب‌الله حرکت می‌کردند. بدون شک دخالت بیگانگان برای تصمیم‌گیری در مورد تعیین خطوط مرزی و نقاط تماس، نشانه اوج خفت و خواری عبادی و توهین به اصل حاکمیت ملی عراق بود. بعد از آن بود که تصمیم گرفتیم که تیم مذاکره‌کننده ما دیگر با آنها گفتگو و مذاکره نکنند.

سخن پایانی

در شانزدهم اکتبر سال ۲۰۱۷، قصد و نیت دشمنان و بدخواهان ملت کرد این بود که اگر در توانشان باشد به وجود اقلیم کردستان خاتمه دهند. اما پایداری مردم کردستان و پیشمرگه‌ها مانع از آن شد که این نقشه توفیقی حاصل نماید. بدون شک تا زمانی که طرز فکر و ذهنیت انکار و شوونیسم در عراق جای پای داشته باشد، تهدید علیه حقوق و آرمانهای مشروع مردم کردستان نیز ادامه خواهد یافت. مسأله مردم کردستان مسأله‌ای ملی تاریخی و مطابق با قانون اساسی است. هیچ رویداد و مانعی نمی‌تواند از مشروعیت این قضیه بکاهد و ملت کردستان همچنان قدرتمندانه و سرشار امید برحقوق خود پافشاری خواهد کرد.

با وجود جنایات دولتهای عراق علیه کردها، جنبش آزادیخواهی کرد در طول تاریخ مبارزات خود، همیشه مانع از آن شده است که اختلافات سیاسی اش با

نظام سیاسی و کشورعراق به اختلافات ملی و فرقه‌ای بین ملت‌ها و توده‌های مردم کردستان و عراق تبدیل شود. این دیدگاه جنبش آزادیخواه کرد در همه مراحل مبارزه وجود داشته است و هم اکنون و چه بسا در آینده نیز وجود خواهد داشت و درهر شرایطی روابط دوستانه و برادرانه میان کردها و اعراب نباید خدشه‌دار شود.

پس از سال ۲۰۰۳، حکام جدید عراق تاریخ خونین و سراسرانکارعراق را به فراموشی سپردند. آن همه تاریخ طولانی لبریز از اشک و خون مردم عراق، می‌توانست پس از سال ۲۰۰۳، درس عبرتی بسیار ارزشمند برای مقامات عراق باشد تا از آن برای اعمال اصول مشارکت و همزیستی و پیشرفت میان اقلیتهای عراق سود جویند، اما آنها نه تنها از آن پندی نگرفتند، بلکه بدتر از قبل عمل کردند. متأسفانه آنها سعی کردند نزاع و اختلافات سیاسی خود را به سطح توده‌های مردم و افکار عمومی جامعه بکشانند تا این اختلافات، چهره‌ای ملی و فرقه‌ای به خود بگیرد. این اشتباهی فاحش و خطرناک بود که باعث تفرقه میان گروهها و مؤلفه‌های مختلف عراق شد و ضربه بزرگی بر اصول همزیستی مسالمت‌آمیز وارد آورد و زخمی عمیق بر پیکره عراق به جا گذاشت، زخمی که بهبودی آن دشوار و زمان‌بر خواهد بود. رژیم‌های پیشین عراق در تبدیل اختلافات سیاسی به اختلافات توده‌ای و ملی و فرقه‌ای توفیقی نیافتند، اما پس از سال ۲۰۰۳ حاکمان جدید عراق توانستند این کار را انجام دهند.

جای بسی تأسف است که اکنون حکام جدید عراق، به جای التیام زخمهای مردم کردستان، فضایی را ایجاد کرده‌اند که هرکسی بیشتر با حقوق مردم کردستان ضدیت داشته باشد، جایگاه و موقعیت سیاسی بهتری به دست می‌آورد و خصومت با حقوق مشروع مردم کردستان را به وسیله‌ای برای

تبلیغات سیاسی و کسب آرا انتخاباتی تبدیل کرده‌اند. هر روز مسأله بودجه را به رخ مردم کردستان می‌کشند و با منت گذاشتن بر مردم کردستان ادعا می‌کنند که اقلیم کردستان سهم زیادی از بودجه عراق را برای خود می‌برد، این در حالیست که دولت عراق با نفت و ثروت و سرمایه کردستان به یک کشور تبدیل شده است. کشور عراق ملزم است خسارتهای وارده به مردم کردستان را جبران کرده و بودجه را ارسال کند، چرا که مرتکب نسل‌کشی و جنایات گوناگون جنگی بر علیه مردم این سرزمین شده است. همچنین در این میان به خوبی به این امر هم واقفیم که اشخاص زیادی در میان سیاستمداران عراقی وجود دارند که طرفدار بکارگیری خشونت و زورگویی و سلطه‌طلبی دولت عراق بر علیه مردم کردستان نبوده‌اند و درک صحیحی از مسائل و حقوق مشروع ملت کردستان دارند.

علیرغم تمام این نواقص و کمبودها، اقلیم کردستان گامهای بسیار بزرگی را در راستای تأمین ثبات و امنیت و رشد و توسعه و عمران برداشته است. بغداد نتوانست موفقیتی مشابه اقلیم بدست آورد و حکام بغداد از آنجایی که نتوانستند هیچ پیشرفت و توسعه‌ای برای مردم عراق ایجاد کنند و به مردم کردستان رشک میبردند و لذا درصد این برآمدند که جلوی پیشرفت و شکوفایی اقلیم را بگیرند. سهم اقلیم از بودجه سالانه عراق ۱۷٪ بود، ولی هیچگاه این بودجه، بصورت کامل به اقلیم کردستان داده نشد و تنها ۱۰٪ یا ۱۲٪ بودجه را برای اقلیم ارسال می‌کردند و به تدریج کار را به جایی کشاندند که کل بودجه را قطع کردند. در حالیکه اقلیم کردستان به دلیل قطع بودجه سالانه توسط بغداد، هزینه‌های جنگ با داعش و کاهش قیمت نفت با مشکلات بزرگ اقتصادی دست و پنجه نرم میکرد، در همان حال بنا به گفته خود مقامات دولت عراق درآمد دولت

مرکزی عراق از فروش نفت طی سال های گذشته بیش از ۸۰۰ میلیارد دلار بوده است.

اینک پرسش این است: آن همه درآمدها کجا رفت و چگونه و در چه مواردی هزینه شده است؟ ۶۰ میلیارد دلار برای بهبود و ترمیم وضعیت برق در عراق اختصاص یافته است در حالیکه سرنوشت این مقدار سرمایه مشخص نیست و معلوم نیست صرف چه اموری شده است. این درآمد هنگفت به جای اینکه صرف خدمات، توسعه و بازسازی شود، به سرقت رفته و تمامی آن را در فساد و نابسامانی به هدر داده اند. متأسفانه، برخی از سیاستمداران عراقی می خواهند با متهم ساختن اقلیم کردستان، بی کفایتی خود در اداره کشور را از اذهان عمومی مخفی سازند. در سال ۲۰۱۹، هیأتی از نمایندگان استانهای مثنی و بصره به ملاقات من آمدند و در مورد کمبود خدمات، محرومیتشان و میزان بالای فقر در میان ساکنان استانهای نامبرده و دیگر استانهای جنوبی عراق صحبت کردند. از این بابت بسیار متأثر شدم که حکومت عراق، این همه درآمد را در اختیار دارد و با این وجود مردم عراق باید زندگیشان را در فقر و کمبود خدمات به سر ببرند. این نابسامانیها و بی عدالتیها بیشتر ما را تشویق می کند تا با برادران عراقی خود در مرکز و جنوب کشور احساس همدردی بیشتری کنیم و برای ادامه روابط برادرانه بین دو ملت تلاش کنیم. قطعاً اختلافات سیاسی و عملکرد ضعیف و غیرسازنده حاکمان عراق بر برادری و روابط میان مردم کردستان و مردم عراق تأثیری نخواهد داشت.

به گمان من تنها راه حل برای پایان دادن به مشکلات عراق و خاتمه دادن به اختلافات میان اقلیم و بغداد و دستیابی به صلح و پیشرفت، کنار گذاشتن ذهنیت و مشی شوونیستی و در پیش گرفتن فرهنگ احترام متقابل و پذیرش

دیگری است. اگر مقامات عراقی همانند گذشته خواهان محوساختن ملت کردستان باشند، بدون شک مشکلات عمیقتر خواهند شد و این وضعیت نابسامان ادامه خواهد یافت و کشور همچنان در بحران باقی خواهد ماند. بدون شک تحت هر شرایطی مردم کردستان، مانند همیشه، با روحیه‌ای دوستانه و برادرانه خواستار حل مسالمت‌آمیز همه مشکلات هستند.

رفراندم کردستان دستاورد ملی بزرگی برای مردمش به ارمغان آورد. رفراندم به پیروزی رسید، چرا که اکثریت مردم کردستان به نفع استقلال رأی مثبت دادند و روند رفراندم زمانی شکست می‌خورد که مردم کردستان خواستار استقلال نبوده و رأی "نه" بیش از "آری" می‌بود. ندای حقوقی و عدالت خواهی مردم کردستان پیروز شد و اکنون همه دنیا از خواست واقعی مردم کردستان آگاهی دارند. در عین حال، رفراندم درسهای زیادی به همراه داشت که برای مردم کردستان و نسلهای آینده با ارزش است. یکی از این درسها این بود که اگر به خود واقعیات تکیه نکنی و به تواناییها و ظرفیتهای داخلی مردم و ملت خود پشت نبندی، هیچوقت هویت و موجودیت مستقلی نخواهی داشت.

از رفتار و موضع‌گیریهای جامعه جهانی نسبت به همه‌پرسی اقلیم کردستان، کاملاً روشن شد که در روابط بین الملل، بجای ارزشها و اصول حقوقی و عدالت، این منطق قدرت و منافع است که به تغییر و جابجایی معادلات می‌انجامد. در آن روزها ما شاهد آن بودیم که کشورها بر ضد ندا و رأی مشروع ملت کرد ایستادند و هیچکدام از آنها مانع استفاده از سلاح، خشونت و تحریم علیه مردم کردستان نشدند. مواضع بسیاری از کشورهای موسوم به جهان آزاد، ضعیف و متزلزل بود. آنها یا سکوت اختیار کردند و موضعی نداشتند، یا اینکه موضعگیری خجولانه و بی ثبات و بدون تأثیری اتخاذ کردند و تنها شمار کمی از آنها موضع‌گیری معتدل و متوازنی در پیش گرفتند.

در اینجا لازم میدانم که از عموم مردم و کردهای بخشهای دیگر و کردهای خارج از کردستان بخاطر مواضع شرافتمندانه و اشتیاق و حمایتشان از مطالبات مشروع مردم کردستان در جریان رفراندم تشکر کنم. توصیه من به هر فرد کرد و هر سیاستمدار کرد در مورد مسأله حقوق مشروع مردمان این است که هرگز به هیچ کس و یا جناحی اعتماد نکنید و به هیچ کسی غیر از خودتان و اراده و تواناییهایتان اتکا نکنید. چراکه جهان، جهان منافع است و اگر قدرتها و کشورهای دیگر منافعشان با کردها همخوانی داشته باشد، از در دوستی وارد میشوند و اگر منافعشان با کردها یکی نباشد، به شما پشت کرده و شما را نادیده می گیرند. لذا، تنها به خدای خود و خودتان و اتحاد و وحدت صفوف ملی خودتان متکی باشید. تا زمانی که ما پیشمرگه و نیروی نظامی خود را داشته باشیم، کردستان می تواند از خود دفاع و محافظت کند، اما اگر ضعیف شویم، نه تنها کسی از ما محافظت نمی کند، بلکه ما را از بین می برند. طی روند رفراندم میزان نفرت و کینه و خصومت دشمنان کردستان و بدطینتی شوونیستها آشکارتر شد و معلوم شد که آنها هرگز از تاریخ پند نگرفته اند.

احتمالاً بعضی جناحها در خارج از اقلیم کردستان به این دل خوش کرده باشند که از طریق دسیسه چینی و کارشکنی و رسانه ها و تسلیح و تطمیع و تمویل افراد نانجیب و خائن میان کردها، می توانند مردم کردستان را مجبور کنند که از ارزشها و آرمانهای خودشان عقب نشینی کنند، اما باید بدانند که اشتباه می کنند. چراکه در برابر آنها ملیون ها جوان کرد ایستاده اند که به بالاترین ارزشها و آرمانها اعتقاد دارند و نگهبان کرامت و سرافرازی ملتشان هستند.

بدون شک نه رفراندم جرم بود و نه مردم کردستان با رأی دادن به استقلال کردستان، مرتکب هیچ گونه جرمی شدند. آنچه کردها انجام دادند

کاملاً مطابق با قانون اساسی عراق بود، زیرا در مقدمه قانون اساسی این حق به مردم ما اعطا شده است و در آن به صراحت بیان شده که: "پایبندی به قانون اساسی ضامن وحدت اختیاری عراق و مردم و سرزمین و حاکمیتش است." کسانی مجرم به حساب می‌آیند که قانون اساسی را نقض کرده و ندای حق خواهانه و صلح طلبانه ملتی مظلوم را با زور و اسلحه و خیانت پاسخ دادند. بدون شک زبان اسلحه، زورگویی و خیانت هرگز پیروز نمی‌شود. حوادث و اتفاقات بعد از رفراندم روشن ساخت که کسانی که درمقابل صدای مسالمت‌آمیز مردم کردستان همانند اسلاف خود به اسلحه، جنگ و خشونت دست بردند، هیچ درسی از تاریخ نگرفته‌اند.

آنها قبل از اینکه به مردم کردستان ظلم کنند، به خودشان و کشورشان ظلم کرده‌اند. مسأله مردم کردستان، مسأله‌ای سیاسی، جغرافیایی، ملی، تاریخی و حقوقی است و آنها به مدت صد سال از راهها و روشهای مختلف برای نابودی و از بین بردن اراده مردم کردستان و محو قضیه مشروع ملت کرد استفاده کرده‌اند، اما مردم کردستان هنوز استوار، پابرجا و سربلند باقی مانده‌اند.

ما خواهان راه‌حل‌های صلح‌آمیز و برادرانه بوده‌ایم و می‌خواهیم به مشکلات خاتمه دهیم تا همه ملتها و مردم منطقه در صلح و دوستی به سوی پیشرفت و شکوفایی گام بردارند. ما معتقدیم که مشی انکار حقوق مردم کردستان و جنگ افروزی، مشکلی را حل نمی‌کند چه با هم باشیم و چه از هم جدا، بایستی تفاهم و احترام و درک متقابل میان ما حاکم باشد. ولی برعکس آنها نه تنها مشکلات را حل نمی‌کنند، بلکه آنها را عمیقتر کرده و بدون هیچ راه‌حلی، مشکلات را به نسل‌های آینده منتقل میکنند. این اشتباه، اجحاف بزرگی است که در حق صلح، همزیستی مسالمت‌آمیز و ثبات منطقه روا داشته

می‌شود. با این وجود، در زندگی همه ملتها، فراز و نشیب و شکست و پیروزی وجود دارد، اما موضوع مهم این است که مبارزه و قیام علیه بیدادگری و شوونیسم و نژادپرستی ادامه خواهد یافت، زیرا همه اینها خلاف سرشت و ماهیت انسان است. مردم کردستان می‌خواهند در بسط و گسترش تمدن بشری سهم باشند، نه اینکه تحت ظلم و بیدادگری باقی بمانند.

ضمائم

- ۱۲۸ ● فراندم اقلیم کردستان
از منظر قانون اساسی و ابعاد حقوقی آن
- ۱۹۱ ● متن بیانیه پایانی
اپوزسیون عراقی در لندن
- ۲۰۹ ● سند سیاسی تضمین حقوق
مؤلفه‌های قومی و مذهبی در کردستان
- ۲۱۴ ● اعلامیه مبانی اساسی کشور

رفراندوم اقلیم کردستان از منظر قانون اساسی و ابعاد حقوقی آن

نویسندگان:

شورای مشاوران اداره حقوقی حزب دموکرات کردستان عراق

دکتر چواس حسن
دکتر عبدالحکیم خسرو

بختیار حیدر
دکتر عبدالفتاح عبدالرزاق
دکتر کاوان اسماعیل

مقدمه

رفراندومی که ملت کردستان عراق در تاریخ ۲۵/۹/۲۰۱۷ در مورد حق تعیین سرنوشت برگزار کرد، اقدامی بزرگ و تاریخی برای همه کردستانیان در سراسر جهان بشمار میرود. این اقدام انعکاس گسترده‌ای را در منطقه و جهان در سطوح بالای سیاسی و دیپلماسی به دنبال داشت. به طوریکه بحث و جدلهای آکادمیک و فکری تازه‌ای را در مورد اصول و موازین حق تعیین سرنوشت ملتها باعث شد. پرسشهایی مانند اینکه: چه کسانی حق اعمال تعیین سرنوشت را دارند؟ آیا این اصول و حقوق برای همه ملتهای دنیاست یا فقط برای ملت‌هایی که تحت سلطه استعمار بوده‌اند؟ چه زمانی میتوان این حق را اعمال کرد؟ و بسیاری پرسشهای از این دست. از طرف دیگر در سطوح داخلی عراق و از منظر قانون اساسی، بار دیگر بحث و جدلهای مربوط به موضوع قانونی بودن یا نبودن رفراندوم را تشدید کرد، اینکه آیا این رفراندوم هیچگونه پشتوانه‌ای در قانون اساسی داشت؟ و آیا پایبندی و عدم پایبندی به قانون اساسی چه ارتباطی با این حق دارد؟ ضمن اینکه اتفاقات و رویدادها و واکنشهای نهادهای دولت فدرال عراق در سطوح مختلف قوای مقننه و مجریه و

قضائیه در برخورد با مسأله رفراندم و ملت کردستان در ایام بعد از رفراندم (مخصوصاً که در روز ۱۶ اکتبر همان سال حمله‌ای نظامی را به دنبال داشت)، به حدی بود که می‌طلبید این مسأله مورد بررسی حقوقی قرار بگیرد تا معلوم شود که آیا این گونه حوادث، واکنشها و اتفاقاتی عادی و قابل پیش بینی بوده‌اند یا واکنشها و عکس‌العملهایی افراطی و بی‌دلیل بوده‌اند؟

از همین رو گزارش پیش رو می‌کوشد که این سه بعد اصلی که در بالا به آنها اشاره شد را از جوانب مختلف زیر مورد بررسی و مطالعه قرار دهد:

بخش اول

حق تعیین سرنوشت ملت کرد در چارچوب حقوق بین‌الملل عمومی

محور اول: بسط و گسترش مفهوم حق تعیین سرنوشت

در طول قرون هجده و نوزده میلادی، حق تعیین سرنوشت به عنوان یکی از حقوق ملتها که از طریق آن ملت‌ها بتوانند به شیوه‌ای آزادانه نوع و چارچوب سیاسی مورد نظر و مطلوبشان را رقم بزنند، نقش برجسته و مؤثری را در صحنه بین‌المللی ایفا کرده است. در همین راستا، سند استقلال آمریکا اشاره مستقیمی به این اصل داشته است و همچنین در بجه‌انقلاب فرانسه در اعلامیه حقوق بشر و حقوق شهروندی فرانسه در سال ۱۷۸۹ بر اصل حق تعیین سرنوشت اشاره و تأکید شده است.^۱

۱- نگاه کنید به د.مسعد عبدالرحمن زیدان قاسم: تدخل الأمم المتحدة في النزاعات المسلحة غير ذات الطابع الدولي، دار الجامعة الجديدة للنشر: الاسكندرية، ۲۰۰۳، صفحه ۳۰۱.

در ابتدای قرن نوزدهم بسیاری از نویسندگان آلمانی بر این نکته تأکید می کردند که هر ملتی یک اتحادیه یا یک واحد سیاسی طبیعی است و حق دارد سیستم های سیاسی (نهادهای) خود را توسعه دهد بدون اینکه تحت تأثیر دیگران قرار بگیرد و یا بالعکس مانع اعمال این حق از طرف آنها شود. در دنیای سیاست هم این حق بیانگر شخصیت ملی منحصر به فرد یک ملت است و بنابراین، هر ملتی می تواند دولت-ملت (Nation-State) مستقل خود را داشته باشد.^۲

لکن در سطح روابط بین الملل، اصل تعیین سرنوشت برای اولین بار توسط رئیس جمهور آمریکا وودرو ویلسون (Woodrow Wilson) در قالب چهارده اصل در ژانویه ۱۹۱۸ مورد اشاره قرار گرفته شد. در معاهدات پس از جنگ جهانی اول جایی برای اصل حق تعیین سرنوشت به شکلی مستقیم در نظر گرفته نشده بود. بعد از جنگ جهانی دوم، برای اولین بار در یک سند بین المللی در منشور ملل متحد در بند دوم ماده (۱)، ماده (۵۵) و ماده (۵۶) بخش اهداف سازمان ملل جایگاهی برای این اصل مهم در نظر گرفته شد. لازم به ذکر است که این اصل به مرور زمان از طریق چندین مصوبه و اعلامیه بین المللی دیگر تثبیت شد، مانند مصوبه (XV) ۱۵۱۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۰ که در طی آن مصوبه استعمارزدایی تصویب شد. ضمن اینکه این حق همچنین در ماده اول میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) (xe) و ماده اول میثاق بین المللی حقوق فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی (ICESCR) هم جایگاه ویژه ای را به خود اختصاص داده شده است.

از این رو اصل حق تعیین سرنوشت ملتها (بعد از سال ۱۹۴۵) از تنها یک اصل سیاسی، به یک اصل و پرنسپ دارای بعد حقوقی ارتقا یافت و در این

2- See: Thomas D. Musgrave, *Self Determination and National Minorities*. Oxford University Press: New York. First Published 1997, First Issued In Paperback: 2000. p. 5.

رابطه اغلب متخصصین این امر بر این عقیده‌اند که حق تعیین سرنوشت به یکی از قواعد و مقررات آمره تبدیل شده است، به طوریکه استناد کردن به آن، خواسته‌ها و تعهدات قانونی داخلی و بین‌المللی را به‌همراه می‌آورد و لذا نظر به آمره بودن آن، تخطی کردن از آن تنها با اتکا با یک توافق ممکن نیست، مگر با قاعده دیگری از همین ماهیت.^۲

در مورد ماهیت حق تعیین سرنوشت، باید گفت که با گذشت زمان تغییر زیادی از لحاظ مفهوم و محتوا یافته است که برخی از آنها عبارتند از: امکان انتخاب استقلال یا انضمام ملت یا اقلیتی به دولت دیگر و یا حق شهروندان کشوری در مشارکت در امر سیاستگذاری و تصمیمات سیاسی کشورشان.

آیا حق تعیین سرنوشت تنها برای یک بار از طرف ملتی قابل اعمال است؟

لازم است به این مسأله واقف باشیم زمانیکه ملتی حق تعیین سرنوشت خود را اعمال می‌کند و در خلال آن رای به ماندن در چارچوب یک دولت می‌دهد این بدان معنا نیست که در آینده از انتخاب شیوه دیگری از حق تعیین سرنوشت به عنوان مثال تصمیم به استقلال و جدایی محروم می‌گردد زیرا این حق با گذشت زمان و اعمال و درخواست آن از طرف ملتها از بین نرفته و این حق از آنها سلب نمی‌شود. به عنوان مثال اعمال حق تعیین سرنوشت از طرف ساکنان تیمور شرقی در سال ۱۹۷۴ از طریق رفتارندم که تحت سرپرستی سازمان ملل متحد انجام شد و در طی آن ملت تیمور شرقی تصمیم الحاق به اندونزی را گرفت، باعث نشد که این حقشان برای درخواست دوباره از بین برود بلکه در سال ۱۹۹۹ و از طریق درخواست دوباره

۲- نگاه کنید به دکتر ابراهیم محمد العناني، القانون الدولي العام، ط ۵، دار النهضة العربية: القاهرة، ۲۰۰۴-۲۰۰۵، ص ۴۱۴.

این حق، این بار تصمیم به جدایی از اندونزی گرفتند.^۴ به همین ترتیب، مردم کرد در عراق، در آغاز انقلاب شکوهمند سپتامبر ۱۹۶۱، فرمول خودمختاری در چارچوب یک کشور دموکراتیک عراق را برگزید، اما به دلیل عدم موفقیت این فرمول در تحقق حقوق و خواسته‌های آنها، بار دیگر خواسته‌شان تغییر یافته و در فرمول فدرالیسم مصوب پارلمان منتخب کردستان در سال ۱۹۹۲ تجلی پیدا کرد.

محور دوم: چه کسانی مشمول حق تعیین سرنوشت می‌شوند؟

در اسنادی که پیشتر به آنها اشاره گردید، به طور دقیق مشخص نشده است که چه کسانی (گروه، ملت، امت) حق تعیین سرنوشت را دارند؟ زیرا این اصل تنها اشاره به حق ملل را دارد به این معنی که تنها ملتها حق اعمال این حق و تعیین سرنوشتشان را دارند. به همین سبب لازم است مشخص کنیم که منظور از کلمه (ملل) چیست؟

حقوقدانان و کارشناسان در مورد تبیین مفهوم (ملل) که در اصل نامبرده به آن استناد شده است، هم‌رأی و متفق نیستند و در این مورد سه نوع نگرش و رویکرد فکری متفاوت وجود دارد:

رویکرد اول: معتقد است که مفهوم ملل (Peoples) که در منشور سازمان ملل متحد آمده است، بیشتر ناظر بر کلمه دولتها (States) می‌باشد، لذا کلمه (ملل) بر همان معنای (دولتها) دلالت می‌کند.^۵ اما این نگرش با جوهره اصلی حق تعیین سرنوشت مغایرت دارد و آن را از محتوا خالی می‌کند و با روح منشور موافق نیست بهمین خاطر مورد انتقاد اکثریت حقوقدانان است.

۴- نگاه کنید به دکتره بدریه عبدالله العوضی: موقف القانون من الاحداث المحلية والدولية، جامعة الكويت: الكويت، ۱۹۸۰، صص ۱۱۸-۱۱۹.

5- See: Thomas D. Musgrave. Op. Cit. p. 148.

برای اثبات نظرشان، آنها به این نکته استناد می‌کنند که هنگام تدوین بند دوم ماده (۱) منشور ملل متحد، نماینده بلژیک پیشنهاد کرد که کلمه (دولتها) به جای کلمه (ملل یا مردم) استفاده شود چرا که مناسبتر است، اما کمیته تدوین، پیشنهاد وی را رد کرد. همچنین در بند اول مصوبه مجمع عمومی سازمان ملل متحد شماره ۲۶۲۵ (XXV) آمده است که همه (ملل) (All Peoples) حق تعیین سرنوشتشان را دارند و همه دولتها (Every State) مکلف هستند که به این حق احترام بگذارند.^۶ از طرف دیگر، مشاهده می‌کنیم که منشور ملل متحد چندین مصطلح مختلف را در معانی متفاوت بکار می‌برد مانند: ملتها، مردم، کشورها، اعضای سازمان ملل، کشورهای غیر عضو، مناطق غیر خودگردان و غیره.

رویکرد دوم: طرفداران این گرایش معتقدند که مفهوم و منظور از کلمه (ملل) که در اصل حق ملل آمده است، اشاره به مناطق تحت سلطه استعمار دارد و این شامل ملت‌هایی نمی‌شود که سرنوشت نهایی‌شان مشخص شده است بدین معنا که جزء ساکنان یکی از دولتهای مستقل هستند.^۷ اما با تأمل در مصوبات سازمان ملل متحد به‌ویژه در دو دهه آخر قرن گذشته می‌توان فهمید که بر خلاف ادعای طرفداران این رویکرد، هر چند که این مصوبات در چارچوب تلاش برای استعمارزدایی تصویب شده‌اند، اما با این حال مفاد و مضمون آن طوری تدوین شده است که همه ملت‌ها را دربر بگیرد. علاوه بر این برخی از مصوبات سازمان ملل متحد درباره حق تعیین سرنوشت برای ملت‌هایی بوده است که تحت سیطره استعمارگران نبوده‌اند مانند مصوبات

6- See: Thomas D. Musgrave, Op. Cit. p. 149.

۷- نگاه کنید به ادمون جوف: علاقات دولية، ترجمة: منصور القاضي، ط ۱، المؤسسة الجامعية: بيروت، ۱۹۹۳،

مربوط به ملت فلسطین یا مورد قبول کردن استقلال بنگلادش یا به رسمیت شناختن کشورهای جدیدی که در نتیجه تجزیه اتحاد جماهیر شوروی و یوگسلاوی در پایان قرن گذشته پدید آمدند^۸.

رویکرد سوم: طرفداران این رویکرد معتقدند که مشمولین (مخاطبین) اصل حق ملل در تعیین سرنوشت، ملت‌ها هستند نه دولت‌ها و از طرف دیگر، هم ملل تحت سطره استعمار و هم ملت‌هایی که زیر سلطه استعمار نیستند از این حق قانونی برخوردار هستند که به طور آزادانه آینده سیاسی خود را رقم بزنند و دولت مستقل خود را تأسیس کنند. این رویکرد، رویکرد درستی است و برخلاف رویکرد اول و دوم با ماهیت منشور ملل متحد و منطق حاکم بر حق تعیین سرنوشت و موضع‌گیری‌های سازمان ملل متحد و رویه‌های موجود در روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل منطبق است.^۹

محور سوم: حق اقلیت‌های ملی برای جدا شدن از کشور مادر.

آیا واژه ملل اقلیت‌ها را شامل می‌شود، به این معنی که به آنها حقی بدهد که در چارچوب اصل حق ملل در تعیین سرنوشت، از دولت مادر جدا شده و دولت خاص خودشان را تأسیس کنند؟

واژه (امت یا مردم) مجموعه‌ای از افراد را شامل می‌شود که دارای صفات مشترک هستند مانند: ریشه اتنیک، دین، طرز تفکر سیاسی، ترس از دشمن مشترک. از همین رو حقوقدانان رفته‌رفته به این نتیجه رسیدند که تفاوتی

8- See: Michael Akehurst. A Modern Introduction to International Law, London: The ACADEMIC Di-vision of Unwin Hyman Ltd. Sixth Edition, Second Impression, 1988, p. 300.

۹- نگاه کنید به د. حکمت شبر: الجوانب القانونية لنضال الشعب العربي من أجل الإستقلال، اصدارات وزارة الاعلام، بغداد، ۱۹۷۴، ص ۳۴-۳۵.

میان مفاهیم ملل (Nations)، ملیت‌ها (Nationalities)، ملل (Peoples)، ملل اصیل یا بومی (Indigenous Peoples) وجود ندارد، و همه آنها یک صفت ماهیتی را در برمی‌گیرند^{۱۰}. ضمن اینکه واقعیتهای موجود در سطح بین‌الملل بر این نکته تأکید دارد که اقلیت‌ها را با عنوان ملل توصیف کند و بر این مسأله اذعان دارد که آنها این حق را دارند که سرنوشت خودشان را رقم بزنند و از دولت مادر جدا شوند اما مشروط بر موارد ذیل^{۱۱}:

الف: لازم است که صفات ملت را دارا باشند و خودشان را به عنوان یک ملت مستقل معرفی کنند.

ب: خواست مشترکی در میان افراد این اقلیت برای تشکیل یک کیان سیاسی مستقل وجود داشته باشد.

ج: این اقلیت منطقه مشخصی داشته باشد.

د: یکی از اسباب و موجبات اعمال حق تعیین سرنوشت را داشته باشند.

محور چهارم: حق اقلیم‌ها (ایالت‌ها)ی دولت فدرال برای جدایی.

یکی از نمونه‌هایی که در این رابطه مشاهده شده است مورد قانون اساسی برخی از دولت‌های فدرال مثل اتحاد جماهیر شوروی و یوگسلاوی سابق است که به وضوح این حق را برای اقلیم یا مناطق فدرال قائل شده بود که سرنوشتشان را تعیین کرده و جدا شوند. همچنین قانون اساسی اتیوپی در سال ۱۹۹۴ این حق را نه تنها به گروه‌های مختلف منطقه‌ای (ترکیبات جغرافیایی) اش داده بود، بلکه این حق را برای اقلیتهای اتنیک‌اش هم تثبیت

10-Thomas D. Musgrave. Op. Cit P.169.

۱۱- نگاه کنید به د. عبدالفتاح عبدالرزاق محمود، الإعلان عن الدولة، دار الکتب القانونية و دار شتات للنشر: القاهرة، ۲۰۰۹، ص ۴۴۴.

کرده بود.^{۱۲} در شماری از دولتهای دیگر فدرال، برخی از گروههای اتنیکیتی توانسته‌اند حق تعیین سرنوشتشان را اعمال کنند و از کشور اصلی جدا شوند. به عنوان مثال در اوایل دهه ۱۹۳۰ در قرن گذشته و نزولایی‌ها توانسته‌اند از کلمبیای بزرگ جدا شوند و سنگاپور هم در سال ۱۹۶۵ توانست به شیوه‌ای مسالمت‌آمیز از کشور مالزی جدا شود، اما در این بین بنگلادش با توسل به نیروی نظامی توانست از پاکستان جدا شود.

در حقیقت هرچند عدم تصریح این حق در قانون اساسی فدرال، اقلیم‌ها را از دسترسی به مبانی قانونی برای جدایی در سطوح داخلی باز می‌دارد ولی این بدان معنی نیست که این مناطق از حق تعیین سرنوشت و جدایی شان در چارچوب حقوق بین‌الملل محروم می‌شوند. چرا که اگر اقلیم‌یادشده بایسته‌های تشکیل یک ملت را داشته باشند و شروط و مستلزمات قانونی و حقوقی مربوطه را دارا باشند، در چنین حالتی حقوق بین‌الملل جدایی را منع نمی‌کند زیرا هیچ نمونه‌ای در مقررات بین‌المللی وجود ندارد که جدایی از یک دولت را ممنوع کند. به این معنا که حقوق بین‌الملل مانعی بر سر راه جدایی اقلیم از دولت‌های فدرال نیست. همچنین، تلاش‌ها و تجارب جدایی تأیید می‌کنند که مسئله جدایی ایالات از ایالت فدرال موضوعی داخلی است و می‌توان به شیوه‌ای مسالمت‌آمیز به آن اقرار کرد به عنوان مثال میتوان به متن قانون اساسی مراجعه کرد و یا میتوان به حکم دیوان عالی دادگستری یک دولت استناد کرد و یا به آرای ملت از طریق همه‌پرسی مراجعه کرد و یا امکان دارد که به طریقه‌ای نامسالمت‌آمیز انجام شود مثل توسل به نیروی قهریه (نیروی نظامی) که در این حالت نتیجه هر چه که باشد بر طبق حقوق بین‌الملل مشروعیت دارد.^{۱۳}

۱۲- نگاه کنید به الدكتور فلاح إسماعیل حاجم: مبدأ السيادة وحق انفصال الاقاليم في الدولة الفيدرالية، مقال منشور في: <http://www.iraqcp.org/members4/0061022wwz18.htm>

لذا از جهت حقوقی آن گروهی که اقلیم فدرال را تشکیل می‌دهد، حق اعمال تعیین سرنوشتش را دارد به شرطی که صفت ملت بر آنها انطباق یابد و مستلزمات اعمال چنین حقی را هم دارا باشند.

محور پنجم: شروط و سازوکارهای اعمال حق تعیین سرنوشت.

لازم به ذکر است که حق تعیین سرنوشت برای تمامی ملتها و اقلیتهایی که خود را به عنوان ملت شناسانده‌اند تثبیت شده است، و لکن اعمال این حق به طور مطلق و بدون لحاظ کردن شروط و سازوکارهای درست حقوق بین الملل به احتمال زیاد نه تنها تبعات مختلفی مانند ناآرامی و بی‌ثباتی در روابط بین‌الملل به دنبال خواهد داشت، بلکه گمان می‌رود که در مواردی حتی باعث نقض خود این حق تعیین سرنوشت نیز بشود.

به همین خاطر حقوقدانان معتقدند که باید در اعمال این حق مجموعه‌ای از شروط و مستلزمات زیرنظر سازمان ملل متحد لحاظ گردند. به همین منظور در گزارش کریتسکو (Critescu Report) سازمان ملل متحد که در سال ۱۹۸۱ منتشر گردیده است، مجموعه‌ای از شروط در نظر گرفته شده‌اند که باید هر ملتی آنها را دارا باشد تا بتوانند از طریق آنها درخواست اعمال حق تعیین سرنوشت را بکنند. این شروط و الزامات عبارتند از مواردی که در زیر آمده‌اند:^{۱۴}

الف: این گروه زبان یا فرهنگ یا دین متفاوتی داشته باشد.

ب: احساس تعلق به تاریخ مشترک در میان اعضای این گروه وجود داشته باشد.

ج: پیمان یا توافقی در میان اعضای این گروه برای صیانت از هویتشان وجود داشته باشد.

د _ اعضای این گروه تعلق و وابستگی به منطقه مشخصی را داشته باشند.

اطمینان یافتن از این شروط در بسیاری از موارد امر دشواری نیست، برای مثال در مورد کردها و تبتی‌ها، یا اینکه این امکان وجود دارد که تعیین یا تمایز ملت از طریق برخی مدارک و اسناد عمومی یا اداری دولت باشد، همانند اسلواکیها که از طریق قانون اساسی، به عنوان حالتی ویژه و استثنائی قلمداد شدند، همچنین در مورد اسکاتلند نیز این حالت به سبب وجود یک سیستم قضایی و آموزشی متمایز از انگلستان محرز می‌باشد. همچنین شیوه برخورد دولت با گروههای مشخص (قومی یا اتنیک) هم عامل مساعدی برای شناسایی یک ملت به شمار می‌آید.^{۱۵}

دسته‌ای دیگر از کارشناسان معتقدند که در حالت درخواست غیرمسالمت‌آمیز برای اعمال این حق یا در زمان مبارزه مسلحانه، باید شروط دیگری نیز در میان جنبش‌های آزادیخواه مهیا باشد تا بتوانند این حق را مطالبه کنند. این شروط عبارتند از موارد زیر:^{۱۶}

الف: وجود نزاع و مبارزه بر ضد اشغالگر داخلی یا بیگانه یا بر ضد یک سیستم حاکم نژادپرست.

ب: باید این جنبش آزادیخواه دارای یک نیروی منظم تحت فرماندهی یک کادر مسئول و دارای دیسپلین و اساسنامه

۱۵- نگاه کنید به روبرت ماک کورکودیل: حقوق الانسان وتقرير المصير، بحث منشور في مؤلف: مورتمر سيلرز: النظام العالمي الجديد، حدود السيادة، حقوق الانسان، تقرير مصاير الشعوب، ترجمة: صادق ابراهيم عودة، چاپ اول، دار الفارس للنشر: الاردن، ۲۰۰۱، صفحه ۳۴.

۱۶- مورتمر سيلرز: همان مأخذ پیشین، صفحه ۱۸۹.

داخلی باشد و پایبند و مکلف به اجرای قوانین رایج انسان مدارانه باشد.

ج - این جنبش آزادیخواه توانسته باشد بخشی از خاک میهنش را به تصرف خود درآورده باشد.

برخی از حقوقدانان بر این باورند که ضروریست که مکانیزمها و سازوکارهای لازم برای تحقق و اعمال حق تعیین سرنوشت مشخص گردیده و در سیستم حقوقی سازمان ملل متحد تثبیت شوند و کمیته مخصوصی هم برای تصمیم‌گیری در این مورد تشکیل شود.

محور ششم: محدودیت‌ها و موانع پیش‌روی اعمال حق تعیین سرنوشت.

هر چند که حق تعیین سرنوشت، با استناد به شروطی که در بالا به آنها اشاره کردیم، حقی جهانی و به رسمیت شناخته شده برای همه ملل دنیاست، اما در برخی مواقع اعمال این حق به سبب تعارض و مغایرت با برخی از اصول و مقررات پذیرفته شده و شناخته شده بین المللی با مشکلات و موانعی مواجه می‌شود و در برخی موارد این اعمال حق همچنین در تضارب و تداخل با موانع سیاسی و تاریخی و جغرافیایی و حرص و آزمندی سیاستهای توسعه طلبانه برخی از دولتها قرار می‌گیرد. برای مثال می‌توان به مشکلاتی که در این باره در کشمیر، کردستان، فلسطین، قبرس، کبک کانادا، ویتنام، صحرای غربی و رخ دادند، اشاره نمود.^{۱۷}

۱۷- نگاه کنید به زهیر شکر، الوسيط في القانون الدستوري، ج ۱، القانون الدستوري والمؤسسات السياسية، ط ۳، المؤسسة الجامعية للدراسات والنشر والتوزيع: بيروت، ۱۹۹۴، ص ۴۰.

مقصود از موانع و محدودیتهای احتمالی بر سر راه اعمال حق تعیین سرنوشت، این است که در بعضی از موارد احتمالاً اعمال این حق میتواند باعث نقض یک اصل حقوقی بین المللی شود که دارای خصوصیت آمره است. در چنین مواردی باید سعی شود که این دو با همدیگر سازگاری یابند و اگر ممکن نشد، از یکی به نفع دیگری عدول کرد، اما اینکه کدامیک باید فدای دیگری شود مسأله‌ای است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت:

الف - مانع تمامیت ارضی منطقه‌ای بر سر راه اعمال حق تعیین سرنوشت.

اولین مشکلی که گروههای نامبرده در زمان اعمال حق تعیین سرنوشت در حالت‌های جدایی و تجزیه با آن مواجه میشوند عبارت است از مشکل تعیین قلمروی که میخواهند دولت مستقلشان را بر روی آن بنیاد نهند.^{۱۸} زیرا از نظر حقوقی این قلمرو و سرزمین، قلمرو یک دولت است و پیش از این به صورت رسمی به عنوان جزئی از سرزمین و خاک این دولت به رسمیت شناخته شده است و بخاطر اینکه سازمان ملل متحد با استناد به ماده ۱۰ منشور جامعه ملل و بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد اصل تمامیت ارضی و استقلال سیاسی همه دولت‌ها را به رسمیت شناخته شده است، لذا همه دولت‌ها را متعهد به رعایت این اصل ساخته است. اما همه واقعیتهای موجود جهانی به ما میگویند که اصل تمامیت ارضی کشورها به طور کامل و مطلق رعایت نشده است. ظهور و تأسیس شمار زیادی از دولت‌ها در نتیجه جدایی و یا تجزیه و فروپاشی دولت‌ها بعد از تأسیس سازمان ملل متحد و به رسمیت شناخته شدنشان از طرف جامعه بین المللی و به عضویت درآمدنشان در سازمان ملل متحد (مانند فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و یوگسلاوی، جدایی اریتره از اتیوپی، جدایی تیمور شرقی از

۱۸ - نگاه کنید به الدكتور مسعد عبدالرحمن زیدان قاسم: مصدر سابق، ص ۲۷۳.

اندونزی و جدایی جنوب سودان از سودان و ... شاهدی بر این مدعاست که این اصل، مانعی حقیقی بر سر راه اعمال حق ملتها در تعیین سرنوشتشان به حساب نمی‌آید.

(ب) مانع اصل ثبات مرزها بر سر راه اعمال حق تعیین سرنوشت.

له‌وانه‌یه احتمال دارد که اعمال اصل حق تعیین سرنوشت به منظور رهایی از دست اشغالگر و یا با هدف استقلال، با مانع اصل ثبات مرزها (Uti Possideti) مواجه شود که منظور از آن حفاظت از مرزهاییست که اشغالگر ترسیم کرده است. چرا که به گفته طرفداران این نظریه ظاهراً این امر باعث بی‌ثباتی منطقه‌ای و متعاقباً تهدیدی بر صلح و امنیت بین‌المللی خواهد شد.^{۱۹}

اما باید تأکید کنیم که این اصل یکی از پیامدها و عواقب حضور استعمارگران و اشغالگران است که در جهت منافع خودشان و بدون در نظرگرفتن منافع و مصالح ملت‌های ساکن در مناطق محصور در این مرزها تصویب کرده‌اند،^{۲۰} جدای از این، محروم کردن ملتی از حق تصمیم‌گیری برای سرنوشتش به بهانه رعایت کردن اصل ثبات مرزهایی که به حکم واقعیت‌های موجود به آنها تحمیل شده است نمی‌تواند مانعی بر سر راه اعمال اصل حق تعیین سرنوشت باشد که اصل و پرنسپیی حقوقی و قانونی است و به‌مثابه یکی از مقررات حقوقی قواعد آمره شناخته می‌شود. لذا نمی‌توان واقعیتی را که بر خلاف یک اصل حقوقی پذیرفته شده و شناخته شده است و مخصوصاً که در تضاد و تعارض با

19- See: Uti possideti. From Wikipedia, the free encyclopedia. Available at: http://www.Wikipedia.org/wiki/Uti_-_possideti.

20- See: Raul R. Hensel, Michael E. Allison and Ahmed Khanani: The Colonial Legacy and Border Stability: Uti Possideti and Territorial Claims in the Americas. p. 7.

اراده و خواسته‌های برحق ساکنان موجود در درون این مرزها است، به آنها تحمیل کرد.^{۲۱}

ج) مانع اصل ممنوعیت توسل به زور در روابط خارجی بر سر راه اعمال اصل حق تعیین سرنوشت.

در برخی مواقع دولت در نتیجه استفاده از زور مثل جدایی یک منطقه از دولت مادر (دولت والد) از طریق توسل به زور و خشونت و یا به کمک دخالت نظامی خارجی و یا از طریق اشغال نظامی تشکیل می‌شود و در برخی مواقع هم از طریق ادغام و اتحاد دو دولت از طریق توسل به زور و یا از طریق انعقاد یک معاهده بین‌المللی در سایه تهدید به توسل به نیروی نظامی، به وجود می‌آید. در چنین مواردی مکانیزم یا روش به‌کارگرفته شده برای تشکیل این دولت به‌مثابه تخطی از اصول ثابت حقوق بین‌الملل (که عبارتند از ممنوعیت به‌کارگیری زور در روابط بین‌الملل مندرج در بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد) به حساب می‌آید.

اکثریت حقوقدانان بر سر غیر قانونی بودن بوجود آوردن شرایط جدید منطقه‌ای از طریق توسل به زور اتفاق نظر دارند^{۲۲}، با این حال نباید چنین برداشت کرد که استفاده از نیروی نظامی، محدودیتی مطلق بر سر راه تحقق حق تعیین سرنوشت است. لذا باید میان توسل به زور در سطح داخلی کشورها و به‌کارگیری زور در سطح روابط بین‌الملل تفاوت قائل شد.^{۲۳}

در حقیقت بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد که در رابطه با ممنوعیت استفاده از زور است، تنها مختص روابط بین‌الملل و موارد استفاده

۲۱- نگاه کنید به د. عبدالفتاح عبدالرزاق محمود: مصدر سابق، ص ۴۶۴.

۲۲- نگاه کنید به د. محمد عزیز شکری: المدخل الى القانون الدولي العام وقت السلم، ط ۲، دار الفکر، دمشق، ۱۹۷۳، ص ۱۳۲.

۲۳- نگاه کنید به د. عبدالفتاح عبدالرزاق محمود: مصدر سابق، ص ۴۷۰.

از زور میان دولت مادر و منطقه جدا شده نیست،^{۲۴} زیرا مورد دوم در قالب مفهوم (جنگ داخلی) به عنوان محدوده امور داخلی کشورها حساب می شود و هیچگونه مقررات بین المللی در این رابطه وجود ندارد که آن را ممنوع سازد، همچنان که بسیاری از احکام بین المللی و مصوبات و لوایح مجمع عمومی سازمان ملل متحد به حق مبارزه مسلحانه ملت‌های تحت سلطه اشغالگر مشروعیت داده‌اند. مثال بارز آن بند ۱۰ مصوبه مجمع عمومی به شماره ۲۱۰۵ (xx) سال ۱۹۶۵ و ماده ۷ از تعریف سازمان ملل برای (خصومت - دشمنی: عدوان) می باشد.^{۲۵}

د) مانع حقوق بشر (فردی و جمعی) بر سر راه اعمال اصل حق تعیین سرنوشت.

نمی شود به حق تعیین سرنوشت به مثابه اصلی برای جدایی و تأسیس دولت استناد کرد اگر تأسیس این دولت جدید باعث نقض فاحش حقوق بشر به صورت عمومی و فردی و همچنین نقض حق جمعی انسانها برای تعیین سرنوشتشان بشود^{۲۶}، زیرا تأسیس دولت بر مبنای تخطی و نقض حق تعیین سرنوشت به عنوان امری ناروا در حقوق بین الملل محسوب می شود. در همین راستا جامعه ملل در زمان فعالیتش مجموعه‌ای از شروط را برای محافظت از حقوق اقلیت‌ها در حالت اعمال حق تعیین سرنوشت در کشورهایی که دارای تنوع قومی و مذهبی و فرقه‌ای بودند، تصویب کرد. مانند تصویب عضویت عراق در جامعه ملل مشروط به اینکه دولتش تعهد بدهد که به حقوق ملت کرد و دیگر ملت‌های ساکن عراق احترام بگذارد.^{۲۷}

24- See: Thomas D. Musgrave. Op. Cit. P. 282.

۲۵- نگاه کنید به د. عبدالفتاح عبدالرزاق محمود: مصدر سابق، ص ۴۷۰.

26- Michael Akehurst. Op. Cit. p. 298.

۲۷- نگاه کنید به د. عبدالفتاح عبدالرزاق محمود: مصدر سابق، ص ۴۷۳.

محور هفتم: انگیزه‌ها و توجیحات اعمال حق تعیین سرنوشت.
 که در ذیل می‌آیند میتوانند علل و انگیزه‌هایی باشند که هر ملتی به
 واسطه داشتن این انگیزه‌ها حق تعیین سرنوشت خود را اعمال کنند.

الف - محافظت از صلح و امنیت بین‌المللی

حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به‌عنوان یکی از اهداف بزرگ و مهم سازمان
 ملل شناخته می‌شود. از همین رو اگر نزاع و کشمکش مرتب با حق تعیین
 سرنوشت باعث بشود که نظم و آرامش و صلح بین‌المللی را به مخاطره
 بیندازد، سازمان ملل متحد وظیفه دارد که برای حل و فصل این مسأله وارد
 عمل شود و در این راستا میتواند از همه راهها و ابزارهای موجود استفاده
 کند. به‌عنوان مثال میتواند برای تسهیل اعمال حق تعیین سرنوشت لایحه‌ای
 را تصویب کند.^{۲۸}

ب- مقابله با سلطه‌جویی:

نظریه سلطه‌جویی (The Oppression Theory) یکی از نظریات مشهور
 درباره توجیه جدایی از طریق اعمال حق تعیین سرنوشت به شمار می
 آید. برطبق این تئوری، جدایی بخشی از ساکنان یک دولت و یا اقلیتی و
 درخواست استقلالشان از دولت مادر به‌سبب اینکه مورد ظلم و سلطه اکثریت
 قرار گرفته‌اند، دلیل موجهی خواهد بود.^{۲۹}

این نظریه از جمله نظریه‌های جدایی چاره‌ساز (Remedial Theory of
 secession) است که از منطق زیر سرچشمه می‌گیرد:

۲۸- نگاه کنید به د. عبدالفتاح عبدالرزاق محمود: مصدر سابق، ص ۴۷۷.

29- See: Y. N. Kly and D. Kly: In Pursuit of The Right to Self-Determination. Collected
 Papers & Pro-ceedings of the FIRST International Conference on the Right to Self-
 Determination & the United Nation , Geneva 2000. P. 1.

این وظیفه دولت است که از حقوق اساسی شهروندان خود محافظت کند و تا زمانی که این کار را انجام می‌دهد، سزاوار پیروی از جانب آنها است. اما اگر دولت به طور سیستماتیک و مداوم این حقوق را نقض کند و هیچ راه چاره‌ای برای شهروندانش باقی نگذارد، شهروندانش برای پایان دادن به این وضع ناهموار، میتوانند از این نوع حکومت تبری جسته و درصدد جدایی از این دولت برآیند. در چنین حالتی دولت مربوطه نمیتواند به اصل تمامیت ارضی و استقلال سیاسی برای ضدیت با درخواست جدایی از طریق حق تعیین سرنوشت متوسل شود.^{۳۰} زیرا در چنین حالتی جدایی طلبان به این فرضیه استناد میکنند که می‌گوید: "اگر چه دولتی میتواند تحت لوای حقوق بین‌الملل از مشروعیت برخوردار باشد و حتی این امکان وجود دارد که درخواستها و ادعاهای ارضیش هم صحیح باشد، اما همچنین این امکان هم وجود دارد که درخواستها و ادعاهای این دولت نادیده گرفته شده و منسوخ گردند اگر این دولت به‌طور پیویسته و مداوم شهروندانش را مورد ظلم و ستم و بی‌عدالتی سیستماتیک و سازمان‌یافته قرار دهد."^{۳۱}

سلطه جویی به‌مثابه توجیهی برای درخواست یا اعمال حق تعیین سرنوشت، معانی و تفسیرهای زیادی دارد مانند تحت‌انقیاد درآوردن یا محهورکردن (Subjugation)، تسلط و چیرگی (Domination)، استثمار (Exploitation). این در حالیست که بعضی از کارشناسان عقیده دارند که حتی محروم‌کردن گروه‌های قومی از مشارکت در ساختار دولت و ایفای نقش در دولت متبوعشان هم جزء مصادیق استفاده از این حق به حساب می‌آید.^{۳۲}

۳۰- الحاکم عبدالرحمن سلیمان الزیباري: الوضع القانوني لإقليم كردستان العراق في ظل قواعد القانون الدولي العام، ۱، مؤسسة موکریانی للطباعة: اربیل، ۲۰۰۲، ص ۲۵۵.

31- See: Brilmayer, L. 1991, "Secession And Self-Determination. A Territorial Interpretation. Yale Journal of International Law 16. 177202-. And Moore, m. 1998, Introduction in Secession and National Self-Determination. M. Moore (ed) oxford: oxford university press. Quoted from: Stanford Encyclopedia of Philosophy. <http://plato.stanford.edu/entries/secession/>.

32- Thomas D. Musgrave. Op. Cit. P. 182.

همانطور که دیوان عالی کانادا در زمان وقوع مشکل درخواست منطقه کبک برای حق استقلال با استناد به حق تعیین سرنوشت، بر این نظریه صحه گذاشت و بر دو مورد تأکید ورزید که می‌شود که در چارچوب حق تعیین سرنوشت به‌عنوان مبنایی برای حق جدایی مورد استناد قرار بگیرند. یکی حالتی‌ست که در آن جمعیت یک دولت مورد ظلم و تعدی قرار بگیرند، و دومی حالتی‌ست که گروهی نتوانند در فرایند حکمرانی برای تداوم بخشیدن به رشد اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی مشارکت کنند.

در همین راستا کمیته‌ای فرعی برای ممنوع کردن تبعیض نژادی و محافظت از اقلیت‌ها در سال ۱۹۸۱ از طرف سازمان ملل تشکیل شد و این کمیته تأکید کرد که استقلال و حاکمیت ملی دولتها نباید مانعی بر سر جدایی منطقه‌ای یا بخشی از یک دولت باشند اگرکه موارد نقض حقوق بشر در این دولت وجود داشته باشد و جدایی این منطقه باعث توقف نقض حقوق بشر یا مانعی بر سر راه نقض این حقوق باشد. لذا برای اثبات مصداق این نظریه سلطه‌جویی و برای استناد به آن برای اعمال حق تعیین سرنوشت باید گروهی که درخواست جدایی را دارد ثابت کند که این دو طرف دیگر نمیتوانند با امنیت و صلح در کنار هم زندگی کنند و یا گروه درخواست کننده جدایی نمیتواند مطالبات مشروعش را در چارچوب سیستم موجود سیاسی این کشور بدست بیاورد. همچنین باید بتوانند ثابت کنند که هیچ یک از راهها و سازوکارهای سیاسی دیگری که بتوانند حقوق آنها را تضمین کند مورد قبول اکثریت حاکم این کشور (دولت) قرار گرفته نشده است. این شروط و زمینه‌ها عبارتند از موارد زیر:^{۳۲}

۳۲- نگاه کنید به د. عبدالفتاح عبدالرزاق محمود: مصدر سابق، ص ۴۸۴.

۱- این گروه ثابت کند که یک (ملت) را تشکیل می‌دهند، زیرا فقط ملت‌ها می‌توانند این اصل را اعمال کنند.

۲ - باید تحت ستم و سلطه‌جویی یک اکثریتی (به معنای تحت انقیاد درآوردن و تسلط و چیرگی و استثمار) قرار گرفته شده باشند، به‌طوری که از حق مشارکت و فعالیت و داشتن نمایندگانی در حکومت محروم شده باشند.

۳ - ثابت کنند که دیگر نمیتوانند با امنیت و آرامش و صلح در چارچوب دولت متبوعشان زندگی کنند.

۴ - دولت متبوعشان آمادگی استفاده از ابزار و روشهای دیگری برای تضمین حقوق این گروه را ندارد و یا اساساً مسئولیت انجام چنین کاری را به عهده نمی‌گیرد.

حقیقت موقعیت و شرایط ملت کرد بعد از آوارگی دسته‌جمعی در سال ۱۹۹۱، بعد از ۷ دهه ظلم و سرکوب و خفقان و آوارگی و به‌حاشیه رانده شدن از طرف یکایک دولتهای متوالی عراق و استفاده‌نکردن از هیچ یک از روشها و مجاری قانونی‌ای که بتواند حقوق کردها را به‌عنوان یک ملت آزاد و متمایز تضمین کند، دلایل کافی و محکمی بود که آن زمان ملت کرد با استناد به آنها اعلام استقلال کند و یک دولت کردی مستقل تأسیس کند زیرا این موارد، شرایط ویژه و بی سابقه‌ای را بوجود آورده بود که در مصوبه معروف شورای امنیت سازمان ملل به شماره ۶۸۸ در ۵ ماه می سال ۱۹۹۱ به روشنی به رسمیت شناخته شده و پذیرفته شده است.

نه و که حکومت‌های متوالی عراق مرتکب شده‌اند و در بیانیه اعلام فدرالیسم هم به آن اشاره شده و از طرف پارلمان کردستان در تاریخ ۴ اکتبر سال ۱۹۹۲ به‌عنوان جرائم جنگی شناخته شده‌اند، عبارتند از:

- کشتن و مفقودالاثر کردن بیش از هشت هزار نفر از افراد عشیره بارزانی در سال ۱۹۸۳ که هنوز هم از سرنوشتشان و مقابرتشان اطلاعی در دست نیست.

- پاکسازی نژادی بیش از ۵۰۰۰ زن و کودک و افراد سالخورده و مردم غیرنظامی از طریق بمباران شیمیایی و استفاده از گازهای سمی در شهر حلبچه در روز ۱۶ ماه مارس سال ۱۹۸۸ و شماری دیگر از ساکنان مناطق بادینان و گرمیان و باليسان و دیگر مناطق کردستان.

- انجام دادن حملات وحشیانه‌ای تحت نام پروسه انفال علیه ملت کردستان که طی آن در نهایت سبوعیت و بربریت بیش از ۱۸۲۰۰۰ شهروند بیگناه کرد زنده به گور شده و تا همین الان هم از محل دفن بیشترشان نشانی در دست نیست.

- به‌قتل رساندن و آواره‌کردن و تبعید هزاران کرد فیلی، ضبط و مصادره اموالشان و باطل‌کردن تابعیت و شناسنامه‌های عراقیشان ببا اتکا به مقاصد سیاسی و نژادپرستانه.

ج - دشواربودن همزیستی مسالمت‌آمیز در چارچوب یک دولت.

در برخی از موارد به‌سبب اتفاقات ناگوار و خونینی که در طول تاریخ سیاسی یک دولت مشخص رخ داده است، باعث می‌شود که روا داشتن ظلم و اذیت و آزارها نسبت به گروه‌های مختلف، حس دشمنی و کینه و انتقام را به

قدری در آنها تشدید کرده که دیگر هیچ یک از طرفین نمیتوانند به آسانی و به طور مسالمت آمیز در کنار یکدیگر زندگی کنند. در چنین مواردی معیارها و موازین بین المللی ویژه حقوق بشر مرتبط با حقوق اقلیتها و افراد که در معاهده‌های بین المللی بر آنها تأکید شده و حتی راه‌حلهای دیگر پیش‌بینی شده در قانون های اساسی کشورها مانند خودمختاری و فدرالیسم هم نمیتوانند جوابگو و کارساز باشند، بهمین خاطر در چنین شرایطی اعمال حق تعیین سرنوشت به تنها راه‌حل باقیمانده برای تضمین حقوق اقلیتها و گروههای مختلف بدل می شود.^{۳۴}

د - حقوق تاریخی

مهم‌ست منظور از حقوق تاریخی گروهها به‌عنوان سندی برای درخواست اعمال حق تعیین سرنوشت، حقوقی است که به شکل تاریخی ثابت میکنند که گروهی در گذشته، خودشان بر خودشان حکمرانی میکردند. اما به هر دلیلی اکنون در چارچوب مرزهای جغرافیایی دولتی دیگر زندگی میکنند. برخی از بررسی‌ها نشان میدهند که بیشتر از نیمی از گروههایی که در دهه ۸۰ قرن بیستم درخواست استقلال داشتند بر این باور بوده‌اند که زمانی در گذشته خودشان سیستم حکمرانی مخصوص به خود را داشته‌اند.^{۳۵}

لازم به ذکر است که ملت کرد در گذشته نوعی از استقلال را داشته است و جزو نوادگان نیاکانی هستند که خودشان دارای سیستم مستقل فرمانروایی

34- See: David A. Lake And Donald Rothchild. The International Spread of Ethnic Conflict, Fear, Dif-fusion, And Escalation. Princeton University Press: Princeton, Newjersey, 1998. P. 315.

۳۵- نگاه کنید به تید روبرت جار: اقلیات فی خطر - ۲۲۰ اقلیة فی دراسة إحصائیة و سیاسیة و اجتماعیة، مراجعة و تقدیم: د. رفعت سید أحمد، تعریب: مجدی عبدالحکیم و سامیة الشامی، ط ۱، مکتبة مدبولی: القاهرة، ۱۹۹۵، ص ۱۱۹.

خود بوده‌اند. بهمین خاطر در خیلی از موارد و پروژه‌های تأسیس دولت مستقل خود، به عنوان سندی برای درخواستهایشان برای اعمال حق تعیین سرنوشت به اینگونه موارد به مثابه حقوق تاریخی استناد کرده‌اند. برای مثال زمانی که شریف‌پاشا در سال ۱۹۱۹ می‌خواست مطالباتش را جمع به کردستان را به متفقین ارائه دهد، تأکید کرده است که ولایت موصل از عراق جدا بوده است و ساکنان آن هم هیچگاه خودشان را به عنوان بخشی از عراق محسوب نکرده و در زیر سلطه و تحت حاکمیت عراق نبوده‌اند.^{۳۶}

در میان اسناد و مدارک مربوط به کمیته بین‌المللی مخصوصی که جامعه ملل آن را برای حل و فصل مسأله موصل مأمور کرده بود، میتوان به روشنی دریافت که کمیته مذکور بر این حقیقت مهم صحه گذاشته و اذعان کرده است که بعد از تحقیق و تفحص در میان بسیاری از کتب و متون تاریخی و جغرافیایی و کتب باستانی و شمار زیادی از نقشه‌های عربی و صدها نقشه اروپایی که در سده‌های ۱۶ تا ۲۰ ترسیم شده‌اند و همچنین در میان سفرنامه‌های قرون گذشته و منابع و کتب درسی جغرافیایی دبیرستانهای مصر (آن زمان)، کمیته مذکور به این نتیجه رسیده است که در آنجا سه منطقه جداگانه وجود داشته است: عراق عربی، جزیره و کردستان و عراق از طرف شمال از هیت - تکریت یا جبل حمیرین فراتر نرفته است. همچنین کمیته نامبرده بر این نکته تأکید کرده است که در کل ادبیات جغرافیایی عصر فتوحات اسلامی عربی تا سال ۱۹۲۵، هیچگاه منطقه ولایت موصل چنین انگاشته نشده و یا هیچوقت چنین تعریف نشده است که بخشی از عراق بوده باشد و ساکنان ولایت موصل با نام عراق به‌عنوان نام کشورشان هیچگونه آشنایی نداشته‌اند.^{۳۷}

۳۶- نگاه کنید به حول هذه المطالب: الدكتور فاضل حسين: مشكلة الموصل، دراسة في الدبلوماسية العراقية - الانكليزية - التركية وفي الرأي العام، ط ۳، مطبعة أشبيلية: بغداد، ۱۹۷۷، ص ۷۶-۷۷.

۳۷- الدكتور فاضل حسين ، المصدر السابق، ص ۷۸.

لذا کاملاً محرز می‌گردد که حکم کمیته بین‌المللی مخصوص حل مسأله موصل برای الحاق موصل به عراق، حکمی بر اساس یک دیدگاه اقتصادی صرف بوده است و بس، زیرا این کمیته با صراحت بیان داشته است که از دیدگاه اقتصادی بهترین راه‌چاره این است که موصل به عراق ملحق شود، اما همین کمیته اعتقاد داشت که اگر منظر و دیدگاه نژادی به عنوان مبنا در نظر گرفته شود باید برای حل این مسأله یک دولت کردی تأسیس شود. آن هم به این دلیل که کردها پنج هشتم ساکنان این ولایت را تشکیل می‌دادند. و از این میتوان نتیجه گرفت که این کمیته حتی بعد از الحاق ولایت موصل به عراق هم نتواسته است منکر این حقیقت شود که این منطقه از نقطه نظر جغرافیایی و نژادی از عراق متمایز و متفاوت بوده است. در لایحه پیشنهادی که جامعه ملل آن را تصویب کرده است بر این نکته تأکید کرده است که بعد از اینکه ولایت موصل به عراق ضمیمه شد دولت بریتانیا باید تعهد بدهد که محافظت از حقوق کردها را در عراق جدید تضمین می‌کند.^{۳۸}

ه - انجام ندادن همه‌پرسی در زمان الحاق یک منطقه به دولتی دیگر.
بر اساس اصل حق تعیین سرنوشت، نمیتوان قلمرو ملتی را بر قلمرو دولتی دیگر بدون انجام دادن همه‌پرسی از ساکنان آن منطقه ضمیمه کرد،^{۳۹} در چنین حالتی این فرایند بطور کامل باطل می‌شود زیرا جزء مصادیق نقض اصل حق تعیین سرنوشت به شمار میرود. بهمین سبب انجام ندادن همه‌پرسی در زمان انضمام ملتی به دولت دیگر، میتواند دلیل موجه و قانونی برای درخواست اعمال حق تعیین سرنوشت به حساب بیاید.^{۴۰}

۳۸- نگاه کنید به المصدر السابق، ص ۱۷۳-۱۷۴.

۳۹- نگاه کنید به د. عصام العطیة: القانون الدولي العام، ط ۶، وزارة التعليم العالي والبحث العلمي: بغداد، ۲۰۰۱، ص ۳۰۳.

۴۰- نگاه کنید به د. عبدالفتاح عبدالرزاق محمود: مصدر سابق، ص ۴۹۲.

بر همین اساس میتوان گفت کردستان جنوبی (ولایت موصل) هم که بر مبنای مصوبه کمیته بین‌المللی جامعه ملل در سال ۱۹۲۶ و بدون مراجعه به آرای مردم این منطقه و بدون برگزارکردن هیچگونه همه‌پرسی به عراق ضمیمه شده بود، میتواند دلیلی قانونی در کنار دیگر دلایل باشد که ملت کرد با استناد به آنها میتواند درخواست اعمال حق تعیین سرنوشت خودش را داشته باشد.

و - نقض سند (قانون اساسی) تأسیس اتحادیه فدرال.

فدرالیسم عبارتست از اتحاد آزادانه بین دولتها یا مناطق بر اساس مبانی و پیش‌شرطهایی که بر روی آنها توافق می‌شود و در سند یا قانون اساسی تأسیس این اتحادیه ثبت و درج میگردد. بر همین اساس نقض آشکار و مخاطره‌آمیز این مبانی و پیش‌شرطها، ادله قانونی محکمی را فراهم می‌کند که مناطق فدرالی با استناد به آنها میتوانند از ادامه شرکت در این اتحادیه دست کشیده و از آن جدا شوند.

در اینجا لازم به یادآوریست که در دیباچه قانون اساسی عراق فدرال که در سال ۲۰۰۵ در طی یک همه‌پرسی مورد تصویب قرار گرفت در یکی از احکام آن به‌طور ضمنی اشاره شده است که اتحاد ملت و حاکمیت ملی عراق در گرو احترام و پایبندی به قانون اساسی و تعهد به احکام و مواد مندرج در آنست: "تعهد و پایبندی به این قانون اساسی ضامن اتحاد آزادانه و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی آن است". به این معنی که پایبند نبودن به قانون اساسی و یا نقض آشکار و مخاطره‌آمیز آن، دلیلیست بر نقض قانون اساسی و کسانی که بدین سبب متضرر میشوند میتوانند بر اساس آن درخواست انحلال و فروپاشی این اتحادیه را داشته باشند.

به جز این موارد از نقض‌ها، در گزارشی تخصصی دیگری که از طرف شماری از کارشناسان حقوقی و متخصصین قانون اساسی در سال ۲۰۱۷ ارائه شده است، ثابت شده است که حکومت و هیأت حاکمه عراق تاکنون بیش از ۶۰ مورد از مواد قانون اساسی را به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در ارتباط با حقوق ملت کرده نقض کرده و یا نادیده گرفته و یا اصلاً به آن عمل نکرده‌اند. در همین چارچوب، رهبری سیاسی اقلیم کردستان در مناسبت‌ها و موارد بسیاری این موارد نقض و نادیده‌گرفتن حقوق ملت کرد را علناً به مقامات دولت فدرال یادآوری و گوشزد کرده‌اند.

در پایان لازم میدانیم که به رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در مورخه ۲۲ ژوئیه سال ۲۰۱۰ هم که در رابطه با اعلام استقلال یکجانبه کوزوو از صربستان در ۱۷ فوریه سال ۲۰۰۸ صادر شده است، اشاره کنیم که به مثابه یکی از سوابق مهم بین‌المللی در این زمینه تلقی می‌شود و یکی از نمونه‌های موفقیت‌آمیز و برجسته در رابطه با موضوع حق تعیین سرنوشت به حساب می‌آید که توانست به بسیاری از اختلاف‌نظرها در مورد تصمیم‌گیری برای حق تعیین سرنوشت خاتمه دهد. در این رأی مشورتی، دیوان بین‌المللی دادگستری در مورد استقلال یکجانبه کوزوو، حقایق زیر را پذیرفته و به رسمیت شناخته است:

۱ - اعلام استقلال یکجانبه کوزوو از صربستان، نقض احکام دیوان بین‌المللی دادگستری به حساب نمی‌آید.

۲ - تصمیم‌گیری برای تعیین سرنوشت یک ملت به‌عنوان یک اصل، حق همه ملت‌هاست و تنها مختص ملت‌های تحت سلطه دولتهای استعمارگر نیست.

۳ - اعمال و تصمیم‌گیری برای حق تعیین سرنوشت، بالاتر از اصل تمامیت ارضی (سرزمینی) است.

۴ - به نظر این دادگاه، اصل تمامیت ارضی که به عنوان دلیلی برای ممانعت از جدایی بکار گرفته می‌شود، تنها معطوف به روابط بین دولتهاست، نه مابین یک دولت و بخشی از ملتش (یا بخشی از ساکنان آن دولت).

۵ - اعلام استقلال و جدایی از یک دولت فدرال به‌طور یکجانبه و بدون رضایت حکومت فدرال (مرکزی) امری امکان‌پذیر است.

۶ - دادگاه، رأی به اصل جدایی چاره‌ساز (Remedial Theory of secession) می‌دهد چرا که در این مورد، همزیستی مسالمت‌آمیز سخت و دشوار است.

بخش دوم

موارد نقض قانون اساسی دائمی عراق (ماده ۱۴۰ قانون اساسی، قطع بودجه اقلیم کردستان، مسأله نفت و گاز)

محور اول: ماده ۱۴۰ قانون اساسی

در اینجا نگاهی می‌اندازیم به مناطق کردستانی خارج از اداره اقلیم کردستان و ماده ۱۴۰ قانون اساسی مرتبط با این مناطق و اقدامات کمیته اجرایی ماده ۱۴۰ قانون اساسی دائمی عراق از بدو تشکیل تا پایان سال

۲۰۱۲ و در ادامه علل و عواملی را که باعث اخلال و توقف در اجرای وظائف کمیته ماده ۱۴۰ شدند را برمی‌شماریم که به عنوان یکی از بارزترین مصادیق نقض فاحش قانون اساسی دائمی عراق شمرده میشوند و باعث شدند که مشارکت حقیقی در عراق جدید از اهمیت و اعتبار ساقط گردد.

۱ - تشکیل کمیته اجرایی ماده ۱۴۰ قانون اساسی.

• این کمیته با حکم شماره ۴۶ در مورخه ۲۰۰۶/۸/۹ به ریاست آقای (هاشم الشبلی) تشکیل شد و بعداً ایشان برکنار شده و ریاست این کمیته به آقای (رائد فهمی) واگذار شد. در این کمیته همچنین نمایندگان از حکومت اقلیم کردستان هم در آن عضویت داشتند که این اعضاء عبارت بودند از: آقای (دکتر محمد احسان) وزیر امور مناطق مورد منازعه (که سابق بر آن این وزارت در چارچوب شورای مناطق کردستانی فعالیت میکرد و این شورا بعداً به شکل وزارت درآمد و در آنزمان هم دکتر محمد احسان رئیس آن شورا بود) و همچنین سرکار خانم (نرمین عثمان) که در آنزمان وزیر محیط زیست عراق و معاون رئیس کمیته اجرایی ماده ۱۴۰ قانون اساسی و همزمان رئیس بخش مالی این کمیته هم بودند.

• کمیته اجرایی ماده ۱۴۰ قانون اساسی در طول مدت فعالیتش ۷ لایحه را به تصویب رساند که ۴ مورد از این مصوبات برای حل و فصل مسائل مناطق مورد منازعه بسیار مهم و سرنوشت‌ساز بودند. عمده‌ترین و مهمترین لوایحی که برای عادی سازی اوضاع مناطق کردستانی مورد منازعه تصویب شدند، مصوباتی بودند که از طرف کمیته اجرایی ماده ۱۴۰ تدوین شده و در مورخه ۲۰۰۷/۴/۱۹ به شماره (ق ۱/۲ / ۲۷ / ۶۷۵۶) مورد تصویب نخست وزیری عراق قرار گرفتند، عبارتند از:

۱) همه کارمندانی که در فاصله ژوئیه ۱۹۶۸ تا تاریخ ۲۰۰۳/۴/۹ اخراج شده یا از ادامه فعالیت بازداشته شده و یا به جاهای دیگری انتقال داده شده‌اند باید بر سر کارها و مناصب و مشاغل اصلی خود در مناطق اصلی سکونت خود و یا مناطق نزدیک به محل سکونت خود بازگردانده شوند.

۲) همه خانواده‌هایی که در فاصله ۱۹۶۸/۷/۱۷ تا تاریخ ۲۰۰۳/۴/۹ به سبب سیاستهای رژیم سابق به زور از موطن و سکونتگاههای اصلی خود کنده شده و به مناطق دیگر رانده شده‌اند (کوچ اجباری) باید به مناطق و سرزمینهای اصلی خود بازگردانده شوند و در مقابل خسارتهای وارده به آنها غرامت پرداخت شود.

۳) بازگرداندن خانواده‌های عرب اسکان داده شده در فاصله ۱۹۶۸/۷/۱۷ تا ۲۰۰۳/۴/۹ به مناطق اصلی خودشان و همچنین پرداخت غرامت به آنها.

۴) الغا و ابطال همه قراردادهای کشاورزی که با هدف تغییر ترکیب جمعیتی مناطق موردنازعه منعقد شده بودند و بازگشت اوضاع به حالت قبل از انعقاد این قراردادها.

• بعد از اتمام مهلتی (تاریخ ۲۰۰۷/۱۲/۳۱) که در قانون اساسی برای اجرای ماده ۱۴۰ قانون اساسی در نظر گرفته شده بود، UNAMI به عنوان بخشی یا طرف سوم ناظر برای حل اختلافات این مناطق مابین بغداد و اربیل بر اساس مصوبه شماره ۱۷۷۰ سال ۲۰۰۷ شورای امنیت کمیته‌ای به سرپرستی استفان دمستورا برای کار روی این پرونده تشکیل داد. UNAMI برای حل این مسأله به چهار اصل و منبع استناد کرد (دفاتر و مدارک ثبت

احوال سال ۱۹۵۷، مصوبات شورای رهبری انقلاب (منحله)، دفتر الغاء شده امور شمال، نتیجه انتخابات سال ۲۰۰۵). این کمیته نتیجه کارهایش را در قالب سه گزارش ارائه داد که مورد رضایت طرفین واقع شد.

• در سال ۲۰۱۱ اما ترکیب این کمیته تغییر پیدا کرد، این بار وزیر امور ارتباطات عراق (هادی عامری) با حکم شماره ۷۸ به ریاست این کمیته انتخاب شد و متعاقب این تغییر، رئیس جدید این کمیته از همه کارهایی که قبلاً انجام شده بودند فاصله گرفته و این کمیته را به سمت و سوی دیگری برد.

وظائف کمیته اجرایی ماده ۱۴۰

مرحله اول: عادی سازی (طبیعی سازی یا التطبیع).

حوزه فعالیت‌های این مرحله، تمامی مردمی را که به‌طور اجباری از زادگاه و سرزمین اصلی خودشان کوچ داده شده‌اند اعم از تبعیدشدگان، رانده‌شدگان، آوارگان و مهاجران و همچنین اعراب اسکان داده‌شده در سرزمین‌هایی غیر از محل سکونت اصلی خودشان (الوافدین) را در بر می‌گرفت.

برنامه‌های از پیش تعیین شده این مرحله و میزان و نوع کارهایی که در طی این مرحله به انجام رسید، به شرح زیر می‌باشند:

• ۱ - بازگرداندن مردمی که به‌طور اجباری از محل سکونت اصلی خودشان کوچ داده شده بودند به سرزمین‌های اصلی خودشان و همچنین بازگرداندن اعراب قبلاً اسکان داده‌شده در مناطق مورد منازعه به سکونتگاه‌های اصلی خودشان و پرداخت غرامت به هر دو گروه به مبلغی که در ماده ۱۴۰ به آن اشاره شده بود و لازم بود برای این منظور بودجه‌ای به مبلغ ۲ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار اختصاص داده شود.

در فاصله سالهای ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۲ بودجه‌ای که برای این منظور پرداخت شد بسیار کمتر بود از بودجه‌ای که قبلاً بر سر آن توافق شده و برای اجرای مرحله عادی‌سازی در نظر گرفته شده بود و همین امر باعث شد که این مرحله به پایان نرسد.

در کرکوک:

الف - مجموع کل خانوارهایی که شناسنامه و برگه خواروبارشان به کرکوک انتقال داده شد تنها ۸۹۶۳۴ خانوار بود.

ب - خانواده‌های عربی که قرار بود از کرکوک به مناطق خودشان بازگردانده شوند و باید برای این منظور، شناسنامه برگه‌های خواروبارشان به سکونتگاههای اصلی آنها انتقال داده شود، بالغ بر ۲۵۶۳۴ خانوار بودند.

در خانقین:

الف - مجموع کل خانوارهایی که شناسنامه‌ها و برگه‌های خواروبارشان به خانقین انتقال و بازگردانده شد، تنها ۱۵۷۹۲ خانوار بود.

ب - تنها ۱۵۴۷ خانوار از مجموع کلی خانوارهای عرب توانستند شناسنامه‌ها و برگه‌های خواروبارشان را به مناطق اصلی خودشان انتقال دهند.

در شنگال:

الف - مجموع کلی خانوارهای حوزه شنگال (حوزه شنگال همه مناطق کردستانی مرزی استان موصل را شامل می‌شود) که به عنوان انتقال داده‌شده حوزه مرزی خودشان حساب میشدند، ۹۱۹۷۷ خانوار بودند.

ب - مجموع کلی خانوارهای اسکان داده شده از مناطق دیگر به شنگال، ۱۳۸۶ خانوار بود.

• ۲ - موضوع قراردادهای کشاورزی و منحل کردن مصوبات شورای رهبری انقلاب رژیم سابق عراق و همه مصوباتی که در کمیته منحل شده امور شمال تصویب شده بودند. در رابطه با مصوبه شماره ۳۵۸ سال ۲۰۱۱، ریاست هیأت وزیران عراق در جلسه شماره ۴۷ مورخه ۲۷/۹/۲۰۱۱ کمیته ماده ۱۴۰ قانون اساسی را مأمور کرد که با همکاری دبیرخانه عمومی هیأت دولت و هر یک از نمایندگان وزارت‌های (دفاع و نفت و کشور و اقتصادی و دارایی و کشاورزی و سازمان مطالبات املاک) متن گزارشی را برای چگونگی حل و فصل مسأله ماده ۱۴۰ قانون اساسی دائمی عراق فدرال تدوین و ارائه کند. بعد از تصویب این ابلاغیه این کمیته بعد از برگزاری چندین جلسه با مشارکت دستگاه‌های ذیربط توانست متن گزارش ویژه‌ای را راجع به چگونگی حل و فصل مسائل یادشده تدوین و به هیأت دولت ارائه دهد.

نتایج این گزارش ویژه به شرح زیر است:

• الف - طبق مصوبه شماره ۲۹ سال ۲۰۱۲، تمامی مصوبات صادرشده از طرف کمیته منحل امور شمال که مربوط به زمینهای کشاورزی مردم غیرعرب و حق خریدوفروش آنها بود، همچنین قراردادهای کشاورزی مربوطه منحل و ملغی اعلام میگردند.

• ب - طبق مصوبه شماره ۳۰ سال ۲۰۱۲ که به هیأت دولت ارائه شده است، درخواست شده است که تمامی مصوبات شورای منحل رهبری انقلاب رژیم سابق منحل اعلام شده و این وظیفه به هیأت دولت محول شود تا قوانین و مقررات لازم برای حل و فصل این مسائل را تهیه و تدوین کند.

۲ - ۱. مصوبات کمیته منحل امور شمال.

در چهارمین جلسه عادی هیأت وزیران عراق در مورخه ۲۴/۱/۲۰۱۲ لایحه

شماره ۲۹ سال ۲۰۱۲ که ویژه انحلال و الغاء کردن تمامی مصوبات کمیته منحل امور شمال بود، تصویب شد و همچنین مصوبه شماره ۳۱۲۹ مورخه ۲۰۱۲/۱/۲۵ ستاد دبیرخانه عمومی هیأت وزیران حکومت عراق فدرال برای اجرای مفاد این مصوبه به مؤسسات و وزارتخانه‌های مربوطه ابلاغ گردید.

۲ - ۲. مصوبات شورای منحل رهبری انقلاب رژیم سابق.

در چهارمین جلسه عادی هیأت وزیران دولت عراق در مورخه ۲۰۱۲/۱/۲۴، لایحه شماره ۳۰ سال ۲۰۱۲ که مربوط به ابطال و انحلال مصوبات شورای منحل رهبری انقلاب رژیم سابق بود، تصویب شد و همچنین شورای مشاوران دولت مأمور گردید که برای تهیه و تنظیم پیش‌نویس قانونی در این زمینه اقدام کند. بدین منظور نامه ابلاغیه‌ای به شماره ۳۱۰۱ در ۲۰۱۲/۱/۲۵ از طرف دبیرخانه عمومی هیأت وزیران حکومت عراق فدرال به وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های ذیربط ارسال گردید.

۲ - ۳. همچنین در طی این مرحله عادی‌سازی ۱،۲۵۰،۰۰۰ دونم (هر دونم در عراق معادل ۲۵۰۰ متر مربع می‌باشد) از زمینهای کشاورزی این مناطق به مالکان اصلی‌شان بازگردانده شد ولی به علت کامل نشدن همه جزئیات و طی نشدن مراحل قانونی و اداری بازگشت این زمینها از طرف حکومت عراق بنا به دلایل و اغراض سیاسی از طرف وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های مربوطه، این اقدام هم با تأخیر مواجه شد و به طور کامل انجام نگرفت و تا به امروز هم مالکان این زمینهای کشاورزی بدنبال یافتن راه‌حلی برای رفع مشکلات حقوقی این زمینها هستند و تاکنون هم نتوانسته‌اند این مراحل را به انجام برسانند.

● ۳ - انتقال و بازگرداندن همه کارمندان که از کارهایشان برکنار و یا به مناطق دوردست فرستاده شده بودند.

برای تاریخ.. ۱۶۱

۳ - ۱. در مرحله اول حکم اداری برای بازگشت بیش از ۱۶۲۶ کارمند منتقل شده به مناطق دیگر برای بازگشت به مناطق اصلی خودشان صادر شد.

۳ - ۲. تعداد کلی همه کارمندانی که باید به مناطق کردستانی بازگردانده شوند بالغ بر ۲۲۶۲ کارمند است.

۳ - ۳. از این تعداد ۱۶۲۶ نفر درخواست انتقالشان (بازگشتشان) به هیأت وزیران عراق فرستاده شده است.

۳ - ۴. از این تعداد برای ۵۱۸ کارمند حکم انتقال صادر شده است.

۳ - ۵. تعداد کسانی که پرونده انتقالشان آماده و تنظیم شده است، ۶۳۴ کارمند میباشد.

این فرایند به طور کامل به مرحله اجرا درنیامد زیرا دولت مرکزی عراق حاضر نشد حقوق آن کارمندان را پرداخت کند. ولی موافق بود که در مناطق کردستانی خارج از اداره اقلیم کار کنند و حقوقشان از بودجه حکومت اقلیم کردستان پرداخت شود. برای رفع این مشکل کمیته اجرایی ماده ۱۴۰ قانون اساسی دائمی عراق از هیأت وزیران درخواست کرد که این مشکل را حل کند.

● ۴ - زمینه‌های مربوط به الغاء و ابطال عزل و نصبهای اداری که در محدوده مناطق موردنازعه با گرایشها و اغراض سیاسی جانبدارانه انجام شده‌اند.

در سال ۲۰۰۷ پیش‌نویس قانونی از طرف کمیته اجرای ماده ۱۴۰ قانون اساسی دائمی عراق در قالب دو نامه رسمی محرمانه و ویژه به شماره‌های ۳۶۲ در ۲۰۰۷/۱۲/۳۱ و ۳۱۲ در ۲۰۱۱/۶/۱۶ به ریاست جمهوری عراق فرستاده

شد که بعداً ریاست جمهوری هم متن این لایحه یا پیش‌نویس قانونی را در قالب نامه‌ای به شماره ۲۳۷۹ در تاریخ ۲۰۱۱/۱۱/۳ برای تصویب به پارلمان عراق ارسال کرد.

کمیته اجرایی ماده ۱۴۰ قانون اساسی دائمی عراق در سال ۲۰۱۱ از پارلمان عراق درخواست کرد که متن لایحه پیشنهادی رئیس‌جمهور برای الغاء و ابطال تغییرات (عزل و نصبهای) اداری با گرایشهای سیاسی و جانبدارانه در مناطق مورد‌منازعه را به بحث و گفتگو بگذارد، ولی تاکنون هیچ اقدام عملی در این مورد صورت نگرفته است.

مرحله دوم: سرشماری در مناطق مورد منازعه.

طبق برنامه موافقت شده، مقرر شده بود که بعد از مرحله عادی‌سازی، سرشماری عمومی از ساکنان این مناطق بعمل بیاید و زمینه برای اجرای مرحله سوم که همه‌پرسی بود، فراهم گردد. (جهت اطلاع باید گفت که این سرشماری ارتباطی به سرشماری عمومی در کل عراق ندارد و بمنظور کمک به حل مسأله مناطق مورد‌منازعه در نظر گرفته شده بود). لیکن حکومت عراق تاکنون به بهانه تکمیل نشدن مرحله عادی‌سازی (که قرار بود تا سال ۲۰۱۲ مراحل قابل‌قبولی را طی کرده باشد)، هیچ اقدام عملی برای انجام دادن سرشماری در این مناطق انجام نداده است. در آخرین گزارش کمیته اجرایی ماده ۱۴۰ قانون اساسی دائمی عراق فدرال در سال ۲۰۱۱، از ریاست هیأت وزیران و پارلمان عراق خواسته شده است که:

۱ - تدوین و تصویب قوانین و مقررات لازم در این زمینه از طرف ریاست هیأت دولت و پارلمان عراق و تخصیص بودجه لازم برای برگزاری همه‌پرسی در کرکوک و مناطق مورد‌منازعه.

۲ - اجرای سرشماری در کرکوک و مناطق موردمنزاعه برای اجرای ماده ۱۴۰ قانون اساسی و همچنین زمینه‌سازی برای برگزاری رفراندوم در این مناطق.

مرحله سوم:

۱- همه‌پرسی در مناطق موردمنزاعه.

در اواخر سال ۲۰۰۷ از طرف کمیته اجرایی ماده ۱۴۰ قانون اساسی دائمی عراق و با ترغیب و پیگیری نمایندگان کرد عضو این کمیته با این هدف که بستر و زمینه لازم برای برگزاری رفراندوم در مناطق خارج از اداره حکومت اقلیم فراهم شود، سازوکار و اقدامات اداری این پروسه با فرستادن نامه درخواست رسمی دوباره از سر گرفته شد، ولی این روند بار دیگر بدلیل سیاسی متوقف شد.

در ادامه این تلاشها، کمیته اجرایی ماده ۱۴۰ قانون اساسی دائمی عراق در سال ۲۰۱۱ از ریاست هیأت وزیران عراق و پارلمان عراق درخواست کرد که پیش‌نویس لایحه‌ای را تنظیم و همچنین اقدامات لازم را برای برگزاری همه‌پرسی در کرکوک و مناطق موردمنزاعه را انجام دهند ولی تاکنون هیچ اقدام عملی در این زمینه صورت نگرفته است.

۲ - سطح تعهد و پایبندی هر یک از حکومت‌های عراق از سال ۲۰۰۳ تاکنون در مورد حل مسأله مناطق کردستانی مورد منازعه.

دوره اول: حکومت ایاد علاوی

در این دوره طی حکمی به شماره ۱۵ سال ۲۰۰۵ دستور تشکیل کمیته بلندپایه‌ای به منظور اتخاذ تدابیر لازم برای عادی‌سازی اوضاع کرکوک و

دیگر مناطق کردستانی صادر شد. ولی بدلیل اینکه دوره این حکومت بسیار کوتاه بود، اقدام خاصی در این زمینه انجام نگرفت و در نهایت و در طی اقدامی شتابزده، کمیته‌ای بدون حضور نمایندگان کردستان تشکیل شد.

دوره دوم: حکومت ابراهیم جعفری

تنها کار این حکومت در این زمینه سنگ‌اندازی و مانع‌تراشی بر سر راه اجرای ماده ۱۴۰ بود و همچنین دخالت‌های منطقه‌ای هم مانعی دیگر بر سر راه عملی‌نشدن اهداف و وظائف پیش‌بینی شده در این ماده قانون اساسی بود. اما در همین دوره، ماده ۵۸ از قانون اداره دولت برای دوره انتقالی تثبیت شد که قبلاً در قالب ماده (۱۴۰) قانون اساسی دائمی عراق در سال ۲۰۰۵ ادغام و تصویب شده بود.

دوره سوم: حکومت اول نوری مالکی از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰.

در بند ۲۲ از برنامه کار این حکومت در سال ۲۰۰۶، حکومت متعهد می‌گردد به اجرای ماده ۱۴۰ قانون اساسی برگرفته از ماده ۵۸ قانون موقت اداره دولت که آن هم شامل سه مرحله می‌باشد: عادی‌سازی، سرشماری و برگزاری فرماندم در کرکوک و مناطق موردمنازعه. همچنین در این برنامه کاری آمده بود که هر حکومت جدیدی که بر سر کار بیاید باید اقدامات عملی و سازوکارهای عملی لازم برای عادی‌سازی و بازگرداندن مناطق اداری شهرستانها و نواحی را که در اصل تابع کرکوک بوده‌اند، را انجام دهد. طبق این برنامه، این مرحله (عادی‌سازی) باید در تاریخ ۲۰۰۷/۳/۲۹ به اتمام می‌رسید و مرحله سرشماری باید در مورخه ۲۰۰۷/۷/۳۱ شروع شده و مرحله پایانی که شامل همه‌پرسی است باید در تاریخ ۲۰۰۷/۱۱/۱۵ برگزار می‌شد.

دوره چهارم: دوره دوم حکومت نوری مالکی از سال ۲۰۱۰ تا سال ۲۰۱۴. در بند اول برنامه حکومت معروف به شراکت ملی به ریاست نوری مالکی در ۲۰۱۰/۱۲/۲۲ بر محافظت از قانون اساسی و پایبندی به آن و تلاش برای تحقق اهداف مندرج در آن تأکید شده بود و همچنین در این بند ذکر شده بود که هرگونه اصلاحیه و تعدیلی در آینده تنها و تنها در صورت مطابقت با ماده ۱۴۲ قانون اساسی صورت خواهد گرفت. تمامی ماده‌ها و بنود آن هم بدون هیچ کم و زیاد و دخل و تصرفی فعال خواهند شد و نظارت بر کار کمیته‌های مربوطه بخصوص کمیته اجرای ماده ۱۴۰ مطابق با قانون اساسی دائمی عراق پیش خواهد رفت. اتکا به قانون اساسی جزو مبانی و چارچوبهای اصلی کار و وظائف دولت خواهد بود و حل و فصل اختلافات و مسائل معوقه بر اساس همین اصول و مبانی صورت خواهد گرفت؛ باید نیروها و جناحهای سیاسی و اعضای هیأت وزیران هم به عنوان یک میثاق مشترک برای مشارکت همه جناحها و احزاب سهیم در پروسه سیاسی، متعهد و پایبند به قانون اساسی و اجرای دستورات و برنامه‌های حکومت باشند.

نقش هادی عامری به عنوان رئیس کمیته اجرایی ماده ۱۴۰ در دوره دوم حکومت نوری مالکی:

- ایجاد تغییر و تعدیل در همه مقرراتی که احکام ماده ۱۴۰ شامل آنها میشود و مربوط به پرداخت غرامت به متضررین مناطق وسط و جنوب عراق میشدند، و برای این منظور مقررات تازه‌ای را در سال ۲۰۱۱ وضع کرد. نظر به اینکه متضررین و قربانیان جنایات رژیم سابق عراق در فاصله سالهای ۱۹۶۸ تا ۲۰۰۳ (تبعیدشدگان، اخراج‌شدگان، کوچ‌داده‌شدگان، آوارگان و...) شامل اقلیم کردستان هم میشود، در ابتدای سال ۲۰۱۱ و بر همین اساس و بر طبق مقررات جدید در تمامی استانهای اربیل و دهوک و سلیمانیه کمیته ماده ۱۴۰ شروع به جمع‌آوری

دادخواست‌ها و پرونده‌های درخواست غرامت شهروندان متضرر و خانواده‌های قربانیان این جنایات کرد. در اربیل حدود ۱۳۰۰۰۰ پرونده و در سلیمانیه بالغ بر ۲۵۰۰۰۰ و در استان دهوک نزدیک به ۱۳۹۰۰۰ پرونده که مجموعاً عددی بالغ بر ۵۱۹۰۰ پرونده درخواست غرامت میشد، از این سه استان گردآوری و تنظیم شد، اما نوری مالکی رئیس وقت حکومت عراق با پرداخت غرامت به قربانیان این جنایات در اقلیم کردستان موافقت نکرد و در یک ابلاغیه رسمی اعلام کرد که چنین جنایاتی در مناطق اربیل و سلیمانیه و دهوک رخ نداده است. لذا رئیس کمیته اجرایی ماده ۱۴۰ هم به پیروی از این نظر نخست‌وزیر، مانع از اجرای مفاد این ماده قانون اساسی در اقلیم کردستان شد.

- هادی عامری با صدور یک حکم فردی و بدون مشورت با افراد و نهادهای دست‌اندرکار، دفاتر مرتبط با کمیته اجرایی ماده ۱۴۰ قانون اساسی را در اربیل (که در قالب کمیته حسابرسی، بازبینی و بایگانی و بانک اطلاعات فعالیت میکردند) تعطیل کرد و همه کارمندان این کمیته را که در اربیل مشغول به فعالیت بودند، اخراج کرد و همه پرونده‌ها و اطلاعات و مدارک و اسناد مربوطه را هم به بغداد منتقل کرد.

- اختیارات نمایندگان کرد عضو کمیته اجرایی ماده ۱۴۰ را محدود کرده و خود اختیار کامل را در دست گرفت و بیشتر امور را که قبلاً با اجماع تصویب میشدند از آن زمان به بعد با تکروری به پیش میبرد و عملاً به تنها تصمیم گیرنده این کمیته تبدیل شده بود.

دوره پنجم: سیاستهای دوره حکومت حیدر عبادی در فاصله سالهای ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸.

أ- الف - در میانه تدوین برنامه کاری کابینه حیدر عبادی توافقنامه‌ای به نام (سند توافق سیاسی گروههای سیاسی) تصویب شد که در بند ۱۸ این توافق نامه آمده بود که "یافتن راه‌حل سیاسی مناسب برای مسأله کرکوک و همه مناطق موردمنازعه در چارچوب ماده ۱۴۰ قانون اساسی، بطوریکه موجبات حفاظت از مصالحه اجتماعی و توافق میان گروههای مختلف ساکن این مناطق را فراهم آورد".

ب - بر طبق این بند از برنامه کاری کابینه حیدر عبادی، باید در مدت یکسال و طائف محوله و کارهای پیش‌بینی شده در ماده ۱۴۰ به پایان میرسید، اما این بار هم هیچ اقدامی عملی در این راستا صورت نگرفت.

ج - حملات داعش به مناطق کردستانی خارج از اداره اقلیم در سال ۲۰۱۴ خسارات بسیاری از جمله آواره شدن دوباره هزاران تن از مردم این مناطق، جرائم جنوساید و جنایات ضدبشری و جنگ و تخریب و سوزاندن و غصب اموال مردم اصیل این مناطق را مخصوصاً در شنگال و دشت نینوا به دنبال داشت.

د - دوباره اوضاع مناطق کردستانی خارج از اداره اقلیم کردستان دستخوش تغییر شد، به‌ویژه که در نتیجه حملات حشد شعبی و ارتش عراق در چارچوب شبیه‌خون و خیانت معروف به خیانت ۱۶ اکتبر ۲۰۱۷، باعث آواره شدن دوباره مردم این مناطق و وقوع جنایات ضدبشری و جنگ و ویرانی و سوزاندن و غصب خانه و کاشانه مردم اصلی این مناطق، مخصوصاً در شهر دوزخورماتو و کرکوک شد. و در اقدامی دوباره تغییر دموگرافیکی (تغییر ترکیب جمعیتی)

این منطقه و آوردن مردم عرب غیربومی و اسکان دادنشان در این مناطق از سر گرفته شد.

محور دوم: قطع بودجه اقلیم کردستان.

تعهدات قانون اساسی یک دولت به معنای مدرنش، عبارتست از تأمین یک زندگی مناسب و معقول و بدون محرومیت برای همه شهروندان بطور یکسان، از راه تأمین منابع و اعتبار لازم برای تأمین هزینه‌ها و مصارف در چارچوب یک بودجه عمومی که در ابتدای سال مالی، حکومت آن را تهیه و تنظیم می‌کند و قوه مقننه به‌عنوان نماینده ملت که منشأ مشروعیت حکومت و مراکز قدرت است، آن را تصویب می‌کند. نظر به اینکه واحدهای تشکیل‌دهنده دولت فدرال (مناطق، اقلیم‌ها، کانتون‌ها) از لحاظ مالی مستقل هستند، لذا بخشی از منابع درآمد عمومی دولت فدرال به این مناطق اختصاص داده می‌شود. از زمان اجرای قانون اساسی جمهوری فدرال عراق در سال ۲۰۰۵، توافق شده است که سهمی برای اقلیم کردستان با احتساب (۱۷٪) هفده درصد از کل هزینه‌های واقعی از بودجه عمومی کشور اختصاص یابد. این (۱۷٪) پس از کسر هزینه‌های دولتی (نفقات الحاکمه یا معروف به نفقات السیادیه) از کل هزینه‌های واقعی (هزینه‌های جاری (هزینه‌های عملیاتی) و هزینه‌های پروژه‌های سرمایه‌گذاری) به‌عنوان بودجه مصوب فدرال جمهوری عراق برای اقلیم کردستان در نظر گرفته شده بود. تمام قوانین بودجه فدرال سالانه این درصد را تعیین کرده و دولت فدرال (وزارت دارایی عراق) موظف به صرف آن بود. اما کابینه‌های حکومت عراق از سال ۲۰۰۵ به بعد یکی پس از دیگری این اصل و تعهد قانون اساسی را زیرپا گذاشته و سیاست اقتصادی سنگدلانه و بیرحمانه‌ای را در قبال اقلیم کردستان و با هدف به ستوه آوردن اقلیم کردستان از طرق مختلف در پیش گرفته‌اند که در زیر به برخی از آنها اشاره میکنیم:

۱- اختصاص بودجه‌ای کمتر از بودجه توافق شده بر سر آن که در بهترین حالتها از ۱۱ الی ۱۲٪ فراتر نرفته است (بودجه مورد موافقت قرار گرفته شده برای کردستان ۱۷٪ بود).

۲- کسر کردن بودجه هزینه‌های دولتی (معروف به نفقات الحاکمه) از سهم اقلیم در بودجه عمومی و افراط کردن در درصد اختصاص داده شده به این ردیف بودجه، اضافه کردن بنود و مصارف غیرضروری و غیرمتعارف به این ردیف بودجه‌ای با هدف کم شدن درصد بودجه اقلیم که بعد از احتساب همه این موارد محاسبه می‌شود. تا حدی که در سال ۲۰۰۶، (۱۶) بند و فصل دیگر به ردیف بودجه‌ای هزینه‌های دولتی اضافه کردند و برهمین اساس و برطبق بند (ب) ماده ۱۳ قانون بودجه عمومی فدرال به شماره ۱ سال ۲۰۰۶، بطور مداوم و هر ساله نوع و مبالغ این نوع هزینه‌ها افزایش یافت تا اینکه مقدارشان به ۳۳ نوع هزینه دولتی رسید، به غیر از سود بانکی و وامها و اوراق قرضه و قسط بازپرداخت وامها که تعدادشان را به ۴۴ (بر طبق بند دوم ماده ۱۸ قانون بودجه عمومی جمهوری فدرال عراق به شماره ۴۴ سال ۲۰۱۷) میرساند.

۳- محروم کردن ملت کردستان از فعالیت‌های اقتصادی از طریق قطع بودجه اقلیم از بودجه عمومی در ماه فوریه سال ۲۰۱۴.

۴- کاهش دادن سهم اقلیم از دارو در سال ۲۰۰۵ بطوریکه در بهترین حالت سهم اقلیم از دارو ۶۰ - ۶۵٪ نیز نرسیده است و از ابتدای نوامبر سال ۲۰۱۶ به ۲۵ - ۳۰٪ تقلیل یافت.

۵- عدم پرداخت سهم اقلیم کردستان از هزینه های دولتی که این منطقه مستحق آن است و به هر یک از این موارد اختصاص

داده شده است: وزارت دفاع و پروژه‌های عمرانی. در نتیجه عدم پرداخت سهم اقلیم از نهادهای ذکر شده، نیروهای پیشمرگه از دریافت حقوقهایشان که در بودجه وزارت دفاع از سهم هزینه‌های دولتی (نفقات السیادیه) برای آنها در نظر گرفته شده بود، محروم شدند و حکومت اقلیم و مردم کردستان از دریافت اعتبار لازم (از زیر مجموعه هزینه‌های دولتی) برای پروژه‌های عمرانی از جمله برای راه و پل‌سازی و خدمات عام‌المنفعه محروم گردیدند.

قطع بودجه اقلیم از کل بودجه عمومی عراق فدرال و سیاستهایی اینچنینی که جزو مصادیق بارز نقض بنود و مواد مندرج در قانون اساسی هستند، باعث ضایع شدن حقوق اقتصادی و اجتماعی شهروندان اقلیم کردستان شده است، حقوقی که در قانون اساسی عراق به صراحت بر آنها تأکید شده است. این سیاستها تا به اکنون نیز دلیل اصلی ناامیدی شهروندان اقلیم از ماندن و ادامه دادن در چارچوب دولت عراق بشمار میروند. بخصوص که دولت عراق نتوانسته است از قانون اساسی همانند وسیله‌ای برای تقویت اتحاد ملی و صیانت از حقوق شهروندان اصیل عراق استفاده کرده و این حقوق را تثبیت و تضمین کند.

مهمترین بنود قانون اساسی که در نتیجه سیاستهای حکومتهای عراق زیر پا گذاشته شده‌اند را میتوان به این ترتیب خلاصه کرد:

۱- ماده ۵: این ماده قانون اساسی بر حاکمیت قانون اساسی تأکید می‌کند که حکومت عراق بواسطه عدم تعهد به ماده‌های مربوط به پرداخت سهم اقلیم کردستان از بودجه عمومی در قانونهای بودجه عمومی فدرال از سال ۲۰۱۴ به بعد آن را بطور پیوسته نقض کرده است.

لازم به ذکر است که مسأله قطع بودجه اقلیم کردستان تصمیم یکجانبه و شخصی نخست وزیران این کابینه‌ها بوده است.

۲ - ماده ۱۴: حکومت عراق همچنین ماده ۱۴ قانون اساسی را هم نقض کرده است. این ماده تصریح می‌کند که "همه عراقیها یکسانند و نباید برپایه جنس، نژاد، ملیت، دین و نسب، تبعیضی میان آنها قائل شد". حکومت عراق با قطع بودجه و منبع درآمد و معیشت مردم کردستان، بین مردم اقلیم کردستان و بقیه عراق تبعیض قائل شده و این بند قانون اساسی را بطور آشکار نقض کرده است.

۳ - ماده‌های ۲۵ و ۲۶: بر طبق این دو ماده قانون اساسی، حکومت عراق مکلف است که امور اقتصادی را بر اساس مبانی نوین اقتصاد اصلاح و سامان دهد، به طوریکه باعث رونق بخشیدن به سرمایه‌گذاری در تمامی زمینه‌ها و همچنین متنوع ساختن منابع اقتصادی و درآمدها و تشویق بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری و توسعه شود. اما حکومت عراق با قطع بودجه اقلیم کردستان باعث ضربه‌زدن به اقتصاد اقلیم کردستان در هر دو بخش عمومی و خصوصی شد. از طرفی باعث اختلال در کار و فعالیت‌های بخش خصوصی اقلیم کردستان شد، چرا که بیشتر معاملات تجاری در اقلیم کردستان بصورت اقساط ماهیانه انجام میگیرند و این اقساط، موتور محرکه اغلب پروژه‌های عمرانی و تجاری و بانکها (اعم از دولتی، بازرگانی و خصوصی) میباشد و همین امر موجب اختلال در فعالیت‌های بازار در هر دو سطح عمده‌فروشی و خرده‌فروشی شد. در نتیجه این اقدامات بیشتر پروژه‌های عمرانی متوقف شدند و ضربه بزرگی به پیکره بازار در اقلیم کردستان وارد آمد.

از طرف دیگر به علت اینکه بیشتر شهروندان اقلیم برای گذران معاش و زندگی به کار در بخش عمومی و دولتی وابسته بودند، قطع بودجه اقلیم کردستان باعث وارد آمدن ضربه بزرگی بر معیشت این طیف از مردم و متعاقباً به بازار مصرف و سرمایه‌گذاری شد و در مجموع باعث دورشدن و خروج سرمایه‌های داخلی و خارجی از حوزه فعالیت‌های اقتصادی اقلیم کردستان شد.

لذا بنا به دلایل یادشده میتوان گفت که دولت عراق از این طریق باعث نقض ماده‌های ۲۵ و ۲۶ قانون اساسی عراق فدرال شده است.

۴- بند اول ماده ۲۹ و بندهای اول و دوم ماده ۳۰ قانون اساسی. این بندها دولت را ملزم به انجام وظیفه خود در قبال خانواده می‌کند و نظر به اینکه خانواده جزء ارکان اساسی جامعه است، دولت مکلف است برای حفظ موجودیت خود و ارزش‌های دینی، اخلاقی و میهن پرستی از نقش مادر، کودک، پیر و جوان و نوجوانان محافظت و از طریق فراهم کردن شرایط مناسب برای رشد و پرورش و بالا بردن ظرفیت‌ها و توانایی‌های آنها اقدام کند. همچنین دولت موظف است برای هر فرد و خانواده عراقی، درآمد و مسکن مناسب، تأمین اجتماعی و بیمه درمانی مناسب فراهم کند. البته این تعهداتش در قبال حقوق فردی و اقتصادی و اجتماعی شامل تمامی افراد و خانواده‌های عراقی می‌شود و لیکن دولت عراق با قطع بودجه اقلیم کردستان باعث زیرپا گذاشتن این حقوق شده و نقض این حقوق هم به نوبه خود نتایج و پیامدهای زیانباری را به دنبال داشته است که در زیر به شماری از آنها اشاره میکنیم:

الف - بیشتر خانواده‌ها در تأمین معاش و منبع درآمدشان دچار مشکل شده‌اند زیرا که بیشتر آنها در بخش دولتی

برای تاریخ.. ۱۷۳

شاغل هستند، که این هم نقض آشکار بند اول ماده ۳۰ قانون اساسی است که حکومت را مکلف به تأمین منبع درآمد و مسکن مناسب برای افراد و خانواده‌ها کرده است.

ب- قطع بودجه و متعاقب آن وقفه و اختلال در منابع درآمدی خانواده‌ها، باعث مشکلات اجتماعی بسیاری از قبیل طلاق و مهاجرت بعضی از خانواده‌ها و یا سرپرست خانواده‌ها به خارج از کشور و در بعضی موارد حتی وقوع نمونه‌های خودکشی و توسل به راههای غیرقانونی برای تأمین معاش خانواده‌ها شده است.

ج - افزایش نرخ بیکاری در میان افراد و سرپرست خانواده‌ها بدلیل وقفه در پروژه‌های بازرگانی و کار شرکت‌ها و اختلال در دادوستد و معاملات بازرگانی به سبب رکود اقتصادی. این حالت بویژه در میان فارغ‌التحصیلان دانشگاهها و مراکز آموزش عالی بیشتر دیده می‌شود. بر طبق آمارهای حکومت اقلیم کردستان، نرخ بیکاری در سال ۲۰۱۴ کمتر از ۷٪ بود ولی این رقم در سال ۲۰۱۷ به بیشتر از ۱۵٪ رسید.

د - دشواری و بوجود آمدن موانع زیادی بر سر راه ازدواج جوانان و تشکیل خانواده به سبب اوضاع سخت اقتصادی که از عوارض قطع بودجه بود. چرا که دولت اقلیم به دلیل قطع بودجه‌اش از طرف بغداد، دیگر توانایی تأمین منابع لازم برای پرداخت وام ازدواج به جوانان را نداشت.

ه - محروم شدن افراد دارای معلولیت‌های جسمی و افراد دارای بیماریهای خاص و افراد کم‌درآمد از بیمه اجتماعی و بیمه درمان که این هم مغایر با بند ۲ ماده ۳۰ قانون اساسی عراق می‌باشد.

۵- بند اول ماده ۳۱ قانون اساسی. این بند قانون اساسی که راجع به نظارت بر بیمه درمانی و اهمیت دادن به بهداشت عمومی جامعه است، حقیقتی است که در قانون اساسی درج شده است و این ماده حکومت را برای نظارت بر بخش درمان و همچنین تأمین بیمه بهداشت و درمان مکلف کرده است.

وزارت بهداشت حکومت عراق فدرال با قطع سهم اقلیم کردستان از بودجه و کاهش سهم اقلیم از دارو باعث شده است که اقلیم کردستان نتواند لوازم و تجهیزات پزشکی و دارویی را تأمین کند، بطوریکه سهم اقلیم از دارو و تجهیزات پزشکی در بهترین حالت تنها ۶۵٪ (از کل نیازهای تجهیزات پزشکی و اقلام دارویی اش) بوده است. این در حالیست که اقلیم در طی این مدت با آغوش باز پذیرای یک میلیون و هشت صد هزار آواره و پناهجو از دیگر مناطق عراق بوده است و آنها را در شهرهای مختلف اقلیم کردستان اسکان داده است. در چنین وضعیتی انتظار میرفت که حکومت عراق درصدی به بودجه اقلیم کردستان برای تأمین هزینه‌های اسکان آوارگان و دیگر نیازمندیهای آنها اضافه کند. اما در کمال شگفتی حکومت عراق حتی سهم معمول اقلیم کردستان از دارو و تجهیزات پزشکی را هم فراهم نکرد و حتی آن را کاهش داد. وزارت بهداشت حکومت اقلیم کردستان از ماه نوامبر سال ۲۰۱۶ تا ژوئن ۲۰۱۷ هزینه‌های درمانی و جراحیهای بیمارستانی و معالجه بیش از ۳۵۰۰۰ آواره و پناهجو و اعضای ارتش عراق را از بودجه اقلیم کردستان تأمین کرد. در ماه نوامبر سال ۲۰۱۶ حکومت عراق سهم دارو و تجهیزات پزشکی اقلیم را به ۲۵ - ۳۰٪ کاهش داد. نشانه‌های یک بحران بشری و بهداشتی زمانی بیشتر هویدا شد که در ماه مارس ۲۰۱۷ وزیر بهداشت و درمان حکومت عراق فدرال در طی یک نامه رسمی از هیأت وزیران دولت عراق

درخواست کرد که سهم اقلیم از دارو و درمان و تجهیزات پزشکی را قطع کند. این در حالیست که هزینه‌ها و مخارج دارو جزو هزینه‌های دولتی (نفقات الحاکمه) در عراق به حساب می‌آیند.

۶ - نقض ماده ۳۲ قانون اساسی. عراق تعهدات خود به این ماده از قانون اساسی را که مربوط به حقوق افراد دارای معلولیت جسمی و ذهنی و لزوم بازپروری شان و بازگرداندنشان به جامعه میباشد را نیز زیرپا گذاشت. به سبب قطع بودجه از طرف دولت عراق، حکومت اقلیم ناچار شد که حقوق این بخش از حقوق‌بگیران را هم کم کند و این هم به نوبه خود باعث شد که حکومت اقلیم کردستان به علت در دسترس نبودن اعتبار بودجه‌ای لازم، نتواند تجهیزات و وسایل پزشکی موردنیاز این قشر را فراهم کند.

۷ - نقض ماده ۱۰۶ قانون اساسی. (حکومت عراق هر سه بند این ماده را نقض کرده است). طبق این ماده لازم بود که یک هیأت تشکیل شود برای نظارت بر چگونگی تخصیص درآمدهای دولت فدرال تشکیل شود و این امر باید بر اساس اصل عدالت در مورد بخشودگی قروض، کمکهای مالی و وامهای بین‌المللی مطابق با سهم اقلیم‌ها (منظور اقلیم کردستان است به اعتبار اینکه تنها اقلیم قانونی موجود در عراق میباشد) و مناطق و همچنین استانهایی که در خارج از چارچوب اقلیم‌ها هستند (بند اول) و همچنین تحقیق و تفحص در مورد چگونگی بکارگیری و توزیع منابع مالی به بهترین شکل ممکن (بند دوم)، بطوریکه اصل شفافیت و عدالت را در تخصیص منابع پولی و اعتبارات مالی لازم برای حکومت‌های منطقه‌ای (اقلیم کردستان) و استانهایی که در چارچوب اقلیم‌ها نیستند را طبق بنود مذکور

فراهم سازد (بند سوم). اما هیچ یک از این سه بند اشاره شده در بالا رعایت نشده و در عرصه عمل هم هیچکدام تحقق پیدا نکردند و هیچگونه لایحه قانونی هم برای تشکیل چنین هیأتی تصویب نشد.

۸- در مجموع، در نتیجه کاهش سهم اقلیم کردستان از بودجه عمومی عراق فدرال شهروندان اقلیم کردستان از بسیاری از حقوق خود که در قانون اساسی عراق فدرال بر آنها تأکید شده است محروم شدند که این حالت طبیعتاً ایجاب می کند که حکومت اقلیم کردستان خودش هزینه های لازم را برای استفاده یا اعمال آن حقوق تأمین کند. از جمله این حقوق مندرج در ماده های مختلف قانون اساسی عبارتند از:

الف - ماده ۳۳. حق افراد برای زندگی در یک محیط سالم (بند اول). طبق این ماده دولت مکلف به حراست و محافظت از محیط زیست و تنوع زیستی و اکولوژیکی آن است (بند دوم از ماده ۳۳).

ب - ماده ۳۴. که ویژه حق یادگیری و مبارزه با بیسوادی و تشویق تحقیق و پژوهش علمی و فراهم ساختن بستر و زمینه رشد و ترغیب نوآوری و ابداع و اختراع و تمامی جنبه های نبوغ و پیشرفت علمی میباشند.

ج - ماده ۳۶. مربوط به حق افراد برای ورزش کردن و تعهد دولت به پشتیبانی از فعالیتهای ورزشی و فراهم ساختن بستر و زمینه های لازم و تأمین وسایل و امکانات مورد نیاز این بخش ها.

د - ماده ۱۳۲. حق حمایت از خانواده های شهیدان و زندانیان سیاسی و قربانیان جنایات رژیم بعث سابق. بر طبق بند اول ماده

برای تاریخ.. ivv

۱۳۲ قانون اساسی، دولت مکلف به مراقبت و حمایت از خانواده شهدا و ایثارگران و همچنین پرداخت غرامت برای جبران خسارات وارده به خانواده‌های آسیب‌دیده و قربانیان اقدامات تروریستی می‌باشد (طبق بند دوم ماده ۱۳۲).

محور سوم: شکست حکومت مرکزی عراق در مدیریت مسأله نفت و گاز.

نفت و گاز و منابع طبیعی جایگاه مهمی در اقتصاد عراق دارند. در قانون اساسی دائمی عراق در سال ۲۰۰۵، دو ماده ۱۱۱ و ۱۱۲ به این موضوعات اختصاص داده شده است. ماده ۱۱۱ قانون اساسی دائمی عراق تصریح می‌کند که نفت و گاز جزو اموال و داراییهای همه مردم عراق در تمامی اقلیم‌ها و استانها و مناطق عراق می‌باشند. ماده ۱۱۲ مختص مدیریت و استخراج و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز می‌باشد. طبق این ماده قانون اساسی، حکومت اتحادی عراق باید با مشارکت و همیاری حکومت‌های اقلیم‌ها (منظور حکومت اقلیم کردستان است به اعتبار اینکه تنها حکومت اقلیمی موجود در عراق است) و استانها به شیوه‌ای عادلانه و بر اساس اصل توزیع جغرافیایی جمعیت و با استناد به اصل شراکت در قدرت این بخش را اداره کنند. زیرا که این امر یکی از مبانی و اصول مهم تأسیس دولت فدرال عراق است. اما این ماده قانون اساسی به ویژه بند اول آن تأکید ویژه‌ای بر شراکت در قدرت مابین حکومت مرکزی عراق و اقلیم‌ها و استانهای عراق دارد، آنطور که باید تحقق پیدا نکرد. آنها هم به سه دلیل که عبارتند از:

دلیل اول: از مرحله قبل از سقوط رژیم بعث (قبل از سال ۲۰۰۳)، عراق دارای قانون واحدی در زمینه امور نفت و گاز نبود و بهمین منوال بعد از

تأسیس دولت جدید عراق و بعد از سال ۲۰۰۳ هم حکومت اتحادی عراق مانع از این شده است که قانونی در این زمینه بر مبنای اصل شراکت میان حکومت مرکزی و حکومت اقلیم کردستان تصویب شود.

دلیل دوم: سیستم اقتصادی رژیم سابق باعث بر اساس فلسفه اقتصادی برنامه‌ریزی هدایت شده (اقتصاد دولتی یا اقتصاد دستوری) بود. به عبارت دیگر اقتصاد تحت کنترل و فرمان یک سیستم حکمرانی توتالیتر بوده است و همه قوانینی که درباره نفت و گاز تصویب و اجرا شده‌اند برگرفته از همان سیستم توتالیتر بوده‌اند، اما در سیستم اقتصادی جدید عراق بعد از سال ۲۰۰۳، اقتصاد بر مبنای بازار آزاد و تشویق و جذب سرمایه‌گذاری خارجی بنیان نهاده شده است. بدین معنی که قوانین سابق با اوضاع و شرایط تازه اقتصادی تناسب و همخوانی ندارند و این مسأله ضرورت وضع و تصویب قوانین تازه‌ای منطبق با ضروریات و اقتضائات موجود در بخش نفت و گاز را ضروری میسازد.

دلیل سوم: در قانون اساسی تصریح شده است که "مسأله نفت و گاز باید با هماهنگی و شراکت دوطرفه حکومت اتحادی و حکومت‌های اقلیم‌ها و استانها مدیریت شود و درآمدهای حاصله از آنها هم به‌طور عادلانه‌ای تقسیم شود و سهم اقلیم‌ها به‌طور جداگانه پرداخت شود". این موضوع در قوانین قدیم گنجانده نشده بود، لذا لازم بود که قوانین جدیدی برای آن وضع شود. بهمین منظور پیش‌نویس یک لایحه قانونی که با استناد به مفاد این بند از قانون اساسی تهیه و تدوین شده بود و حق و صلاحیت اقلیم‌ها را در مدیریت و توسعه بخش نفت و گاز به رسمیت می‌شناخت، تحت عنوان پروژه قانون نفت و گاز در مورخه ۲۰۰۷/۷/۴ برای تصویب به پارلمان عراق فرستاده شد که حکومت‌های متوالی عراق مانع از تصویب آن شدند.

این لایحه قبل از اینکه برای تصویب به پارلمان عراق در تاریخ ۲۶/۲/۲۰۰۷ فرستاده شود، در اختیار شورای مشاوران دولت عراق قرار داده شده بود و بر خلاف مقررات و موازین مرسوم سازمانی، به آنها اجازه مداخله و دخل و تصرف در مفاد این قانون داده شده بود، آنها هم بند اول ماده ۱۱۲ قانون اساسی دائمی عراق را که بر مبدأ شراکت و هماهنگی میان حکومت مرکزی عراق و حکومت اقلیم کردستان در مورد چگونگی مدیریت نفت و گاز تأکید می کند، را به حالت تعلیق درآوردند. این در حالیست که همانطور که پیشتر هم اشاره شد شورای مشاوران دولت تنها صلاحیت ارائه پیشنهاد برای نگارش و ویرایش قوانین و مقررات را دارد و اجازه دخل و تصرف را تنها از نقطه نظر قواعدی و نگارشی دارد و نه بیشتر.

اکنون و بعد از گذشت ۱۵ سال از تصویب قانون دائمی عراق، مهمترین بخش از بخشهای اقتصاد ملی عراق به دلیل کارشکنی و تعلل حکومتهای عراق یکی پس از دیگری و به خاطر به رسمیت نشناختن و عمل نکردن به مبدأ شراکت حکومت اقلیم کردستان از طرف حکومت مرکزی عراق و تصویب نکردن قانونی جدید در رابطه با صنعت نفت و گاز عراق از طریق سازوکارهای قانونی اتحادی، تا به امروز حکومت اتحادی عراق در یک خلأ قانونی به سر میبرد. این هم به نوبه خود مؤید این واقعیت است که حکومتهای متوالی عراق مسئول اصلی مشکلات و اختلافات قانونی است که بر سر راه انعقاد قراردادهای نفتی و مسائل مرتبط با کشف و استخراج و فروش نفت بوجود می آیند. چرا که هیچ قانون مدونی در این زمینه وجود ندارد که محدوده اختیارات و حقوق قانونی طرفین درگیر در مسائل کشف و استخراج و انعقاد قراردادهای نفتی و گازی را مشخص کرده باشد. ریشه همه این نابسامانیها در این حقیقت تلخ نهفته است که حکومت اتحادی عراق نمی خواهد حقوق و

اختیارات حکومت اقلیم کردستان را در رابطه با مبدأ اشتراک و سهم بودن در سرمایه‌های ملی که حق همه شهروندان اقلیم کردستان است، را به رسمیت بشناسد (حقی که با استناد بر اصل تعهد مالکیت که در متن قانون اساسی در ماده ۱۱۱ آمده، به آن اشاره و تأکید شده است).

بخش سوم

ارزیابی مصوبه‌های پارلمان عراق و دیوان عالی فدرال درباره فراندم استقلال کردستان

محور اول: ارزیابی حکم پارلمان

مردم کردستان در تاریخ ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ به فراندم استقلال کردستان با اکثریت آرا ۹۲ درصدی رأی آری دادند. در نتیجه این فراندم پارلمان عراق در یک نشست عادی در روز چهارشنبه ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۷ حکمی را به شماره ۲۳ در این رابطه تصویب کرد که شماری از بنود و فقره‌های آن احکام و دستوراتی را شامل می‌شد و با اشاره به ماده اول قانون اساسی آن را اقدامی مغایر با قانون اساسی توصیف کرده است. اما اگر با دقت این حکم و مفاد آن را بررسی کنیم، درمی‌یابیم که این حکم چه به لحاظ نوع نگارش آن و چه به لحاظ جوهر و محتوای آن کاملاً جانبدارانه و به دور از اصل بی‌طرفی نگاشته و صادر شده است و چنین حکمی در شأن پارلمانی نیست که ادعای نمایندگی مردم و گروه‌های مختلف یک کشوری را دارد که سیستم حکمرانی در آن یک سیستم فدرالی است. بعلاوه، این حکم و مفاد آن با یک منش و رویه شوونیستی و نژادپرستانه متعصبانه نوشته شده است. اگر کل حکم صادرشده در ۲۷ سپتامبر را از نقطه‌نظر حقوقی و از منظر قانون اساسی بررسی کنیم، می‌بینیم که به هیچ وجهی در ماده (۶۱)

قانون اساسی دائمی عراق و در هیچ یک از ۹ بند این ماده که شامل صلاحیات و اختیارات و تخصصهای پارلمان می شود، بطور مستقیم و غیرمستقیم اشاره‌ای به این امر نشده است که پارلمان عراق صلاحیت صادر کردن احکامی را داشته باشد، علاوه بر این پارلمان عراق نمیتواند هویت قانونی جدیدی یا تغییری قانونی برای حالتی یا نهادی قانونی قائل شود که قبلاً تثبیت شده و نمیتواند درصدد بازتعریف یک نهاد و واقعیت حقوقی آن (منظور تعریف قانونی حکومت اقلیم کردستان در قانون اساسی عراق فدرال که در این حکم آن را به عنوان "طرف کردی" مورد مخاطبه قرار داده است) برپیاورد که در دوره های زمانی قبلی رخ داده و تثبیت شده است.^{۴۱} با مطالعه دقیق این تصمیم پارلمان و مفاد و توصیه‌هایی که در برگرفته است، نتیجه می گیریم که این حکم و آنچه در آن آمده است، مغایر با مفاد قانون اساسی دائمی عراق است، به دلایل زیر:

اول: در بند اول این حکم پارلمان عراق آمده است که "فرمانده کل نیروهای مسلح مکلف است که همه راههای ممکن و اقدامات لازم را برای حفظ و صیانت از یکپارچگی خاک عراق انجام دهد"، و این هم بطور آشکار چراغ سبزی است برای توسل به نیروی نظامی بر ضد کردستان. بدلیل اینکه در طی حوادث و اتفاقات معروف به ۱۶ اکتبر سال ۲۰۱۷، واحدهای نظامی ارتش عراق و میلیشیاهاى حشد شعبی به طرف کرکوک و مناطق دیگر حمله ور شدند و بدتر اینکه تنها به حمله مناطق کردستانی که در قانون اساسی "مناطق موردمنازعه" لقب گرفته‌اند، بسنده نکرده بلکه شروع به یورش به طرف شهر اربیل پایتخت اقلیم کردستان و مناطق اطراف دهوک کردند (که در شهرستان آلتون کوپری و سحیلا با مقاومت و هجوم متقابل و

۴۱- منظور نویسندگان این متن اینست که حکومت اقلیم کردستان که قبلاً بطور رسمی و قانونی در قانون اساسی عراق فدرال به عنوان یک اقلیم در چارچوب سیستم فدرال عراق به رسمیت شناخته شده است، پارلمان عراق نمیتواند جایگاه قانونی این حکومت مشروع و قانونی در یک سیستم فدرال را زیر سؤال برده و یا نادیده بگیرد و آن را با اصطلاح "طرف کردی" مورد خطاب قرار دهد. مترجم

قهرمانانه نیروهای مبارز پیشمرگه مواجه شدند، که این هم نقض فاحش و آشکار فقره الف از بند اول ماده نهم قانون اساسی دائمی عراق است که در آن توسل به زور و نیروی نظامی به عنوان ابزاری برای سرکوب ملت عراق تماماً ممنوع و محکوم شده است.

دوم: در سومین بند این حکم، یک از اصول مهم قانون اساسی معروف به اصل (تفکیک قوا) که یک اصل جهانی قانونهای اساسی ست، نقض شده است. زیرا وقتی مرجع قانونگذاری با تقاضای محاکمه مقامات اقلیم کردستان خود را جای مقام قضایی قرار میدهد، فراموش می‌کند که انجام همه‌پرسی عملی مجرمانه نیست و با استناد به این دلیل، نمی‌توان کسی را در دادگاه‌های کیفری محاکمه کرد. زیرا این خودش نقض اصل قانونی بودن تعریف جرایم و مجازات‌ها معروف به (هیچ جرمی و مجازاتی جز با متن قانونی) محسوب می‌شود، چونکه انجام همه‌پرسی جرم محسوب نمی‌شود و در هیچ متن قانونی‌ای، مجازاتی برای آن در قوانین عراق فدرال ذکر نشده است.

سوم: این واقعیت که آنچه در بند چهارم این حکم آمده است به دور از تمامی اصولی است که ادیان و اصول انسانی و اخلاقی بر اساس آن بنا نهاده شده‌اند. چرا که بند چهارم آن بر بستن گذرگاه‌های مرزی، ممنوعیت غذا و دارو برای کودکان، زنان و بیماران تأکید دارد و کالاهایی را که از این منطقه به اقلیم وارد می‌شوند را به عنوان کالای "قاچاق" به شمار می‌آورد. سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چگونه پارلمان یک کشور می‌تواند مردم کشور خود را تحریم و محاصره کند؟ و آیا افرادی که این حکم را صادر کرده‌اند با چه وجدان و یا منطقی می‌توانند اینچنین با هموطنان خود مقابله کرده و چنین اقدام غیرانسانی‌ای را علیه هم‌میهنان و ملت خود انجام دهند.

چهارم: بند هفتم این قطعنامه، پارلمان، حکومت عراق را موظف می‌کند که سفرا و نمایندگان کشورهای را که در اقلیم کردستان دارای کنسولگری و دفاتر نمایندگی هستند را احضار کند تا تعطیلی این نمایندگی‌ها و کنسولگری‌ها را به اطلاع آنها برساند و آنها را به استانهای خارج از منطقه کردستان منتقل کند. با این توصیه، پارلمان عراق بدترین سابقه در تاریخ روابط دیپلماتیک را برای خود رقم زد، زیرا که این موضع‌گیری به دور از همه‌هنجارها و اصول مرسوم دیپلماتیک می‌باشد. علاوه بر این، این توصیه زندگی کارکنان دیپلماتیک کشورهای خارجی را که دارای کنسولگری و نمایندگی در اربیل هستند را در معرض خطر قرار می‌دهد، زیرا اقلیم کردستان یکی از امن‌ترین و باثبات‌ترین مناطق عراق به حساب می‌آید و انتقال این تعداد از دفاتر دیپلماتیک به خارج از اقلیم، امنیت مقامات و پرسنل این سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌ها و دفاتر نمایندگی را با خطرات بالقوه مواجه می‌سازد.

پنجم: در بند دهم این حکم، پارلمان عراق از دولت فدرال می‌خواهد که (آوارگان ساکن اقلیم کردستان را به مناطق خود برگرداند). این بند، نشانه هشدار و اشاره ضمنی و غیرمستقیمی به استفاده از زور برای انجام این کار را به همراه دارد. این در حالیست که اقلیم کردستان به گواهی بسیاری از سازمانها و نهادهای بین‌المللی و سازمان‌های جامعه مدنی امن‌ترین منطقه عراق است و آوارگان از دیگر مناطق عراق آنجا را به عنوان پناهگاهی امن و الگویی برای همزیستی و پذیرش دیگران انتخاب کرده‌اند، چرا که اقلیم کردستان مکان و نمونه‌ای مثال‌زدنی برای همزیستی و با‌آغوش‌باز پذیرفتن همه ادیان و نژادها و ملیت‌ها بوده است. بعد از اینکه حکومت اتحادی عراق نتوانست زمینه یک زندگی امن و توأم با آرامش را در طی این مدت طولانی برای شهروندانش فراهم سازد، لذا این مردم به مناطق تحت حاکمیت اقلیم کردستان به عنوان پناهگاهی امن پناه آوردند. این روند به خصوص بعد از

بهم خوردن اوضاع عراق و ظهور جنگهای فرقه‌ای و مذهبی و شروع حملات تروریستی القاعده و سازمان تروریستی داعش شدت گرفت و در نتیجه آن صدها هزار تن از افراد و خانواده‌های عراقی از پیر و جوان به اقلیم کردستان پناه آوردند. اجرای این حکم پارلمان و مجبور کردن این شهروندان آواره که قبلاً در استانهای تحت اختیار دولت فدرال می‌زیسته‌اند به بازگشت به مناطق خود بدون تأمین معاش و امنیت مناسب برای آنها، با ابتدایی‌ترین اصول شهروندی و اصول حقوق بشر مغایرت دارد.

ششم: در بند سیزدهم این حکم، اساسی‌ترین پایه‌های تابعیت نقض شده است، چرا که مفاد این بند با کلیه حقوق مدنی و سیاسی مندرج در ماده (چهارده) قانون اساسی دائمی عراق مغایرت دارد. زیرا که این حکم صادر شده توسط پارلمان، هر نوع گفتگو با آنچه که آن را "طرف کردی" توصیف می‌کند، رد می‌کند. اینگونه مورد خطاب قرار دادن حکومت رسمی و مشروع اقلیم کردستان، خارج شدن آشکار پارلمان عراق از ماده (صد و هفده) قانون اساسی است و آن را بطور کامل نقض می‌کند، زیرا که این ماده قانون اساسی، حکومت اقلیم کردستان و اختیارات آن را در عراق فدرال به رسمیت می‌شناسد.

علاوه بر موارد فوق، در خلال این حکم، پارلمان عراق صلاحیتی را برای خود قائل شده است که در اصل جزو صلاحیتهای این نهاد نیست چه رسد به اینکه بتواند به پشتوانه آن اصل یا صلاحیت قانونی، اختیاری یا صلاحیت قانونی دیگری را به حکومت و یا قوه مجریه تفویض کند (فاقد الشيء لا يعطيه) و لذا نمیتواند با استناد به چنین سازوکار غیرقانونی، چنین حکمی را بر علیه حکومت اقلیم کردستان صادر کند. همچنین مطابق حکم صادره از دادگاه عالی فدرال به شماره ۱۴۱/۱۴۰ سال ۲۰۱۸، بطور واضح و مبرهن بر این نکته مهم تأکید شده است که پارلمان عراق صلاحیت صدور "احکام" را ندارد.

محور دوم: ارزیابی حکم دادگاه عالی فدرال

بعد از اینکه رفراندم استقلال کردستان در روز ۲۵ سپتامبر سال ۲۰۱۷ انجام شد و با اکثریت قاطع آرا مشروعیت مردمی را بدست آورد، مشروعیتی که برگرفته از اراده ملتی بود که فقط درخواست حق تعیین سرنوشتش را داشت، حقی که تمام عهدنامه‌ها و میثاق‌ها و منشورهای جهانی آن را تأیید کرده‌اند، دادگاه عالی اتحادی عراق در طی یک واکنش شوونیستی و متعصبانه چهار دادخواست قضایی را بر علیه حکومت اقلیم کردستان تنظیم کرد و در تاریخ ۲۰/۱۱/۲۰۱۷، این دادگاه متن حکمی را به شماره‌های ۸۹ و ۹۱ و ۹۲ و ۹۳ سال ۲۰۱۷ اتحادی در این زمینه صادر کرد که در آن آمده است:

"حکم شماره ۱۰۶ اقلیم کردستان در مورخه ۲۰۱۷/۶/۹ که حکمی ست ویژه برگزاری رفراندم در روز ۲۰۱۷/۹/۲۵ در اقلیم کردستان و مناطق کردستانی خارج از اداره اقلیم کردستان برای جدایی از عراق و تأسیس یک دولت مستقل در اقلیم کردستان و مناطق دیگری که رفراندم شامل آنها می‌شود، هیچ مبنایی در قانون اساسی ندارد و نقض ماده اول قانون اساسی دائمی عراق تلقی می‌شود".

همچنین در آخر این حکم دادگاه عالی اتحادی آمده است که "در خصوص رفراندمی که در اقلیم کردستان و مناطق دیگری که رفراندم شامل آن مناطق هم می‌شود، برگزار شده است، حکم به غیرقانونی بودن و مغایرت آن با قانون اساسی (که در تاریخ ۲۰۱۷/۹/۲۵ در اقلیم کردستان و مناطق دیگر دربرگیرنده رفراندم برگزار شده) داده شد و نتایج این رفراندم ملغی و باطل اعلام می‌گردد".

با نگاهی دقیق به حکم صادر شده توسط دادگاه عالی فدرال، و مطالعه و تحلیل آن از جوانب مختلف، در می‌یابیم که این حکم به ماده (۱) و ماده (۱۰۹) قانون اساسی دائمی به عنوان مدرک قانونی استناد کرده است. با بازگشت به محتوای این دو ماده قانون اساسی در می‌یابیم که این دو ماده، مربوط به حاکمیت عراق و تمامیت ارضی کشور عراق هستند. بنابراین، استدلال قانونی این حکم قضایی به طور ضمنی و غیرمستقیم به این دو ماده قانون اساسی بوده است و این روند بازگشت به مفهوم و محتوای دو ماده است (البته با توجه به دیدگاه و قرائت رئیس و اعضای دادگاه عالی فدرال از این دو ماده). این مفهوم بدین معناست که جدا شدن بخشی از سرزمینهای کشور عراق که در داخل مرزهای تعیین شده در زمان تأسیس کشور عراق مشخص شده است، مجاز نیست.

اما با توجه با اینکه به صراحت در ماده ۱ یا ماده ۱۰۹ قید نشده است که جدا شدن از عراق یا تقسیم اراضی عراق عملی ممنوع است، بنابراین نتیجه می‌گیریم که دادگاه فدرال به معنا و مفهومی (تنگ‌نظرانه و دستکاری شده) از این دو ماده استناد کرده است، معنا و مفهومی که در دو ماده فوق ذکر نشده است، بلکه بیشتر در ذهن رئیس و اعضای دادگاه فدرال وجود دارد. آنهم بدون وجود عباراتی که از این مفهوم در دو ماده ذکر شده پشتیبانی کنند. بر این اساس، می‌توان گفت که اگر احکام دادگاه عالی فدرال قطعی نبود و به روال فعلی نبود، این حکم می‌توانست مورد اعتراض و تجدیدنظر قرار بگیرد، چراکه مواد قانون اساسی که دیوان عالی فدرال به آنها استناد کرده، مانع برگزاری رفراندم نیستند. زیرا آنچه در حکم فوق الذکر به آن استناد شده است تنها یکی از تفسیرهای ممکن در مجموعه مفاهیم و معانی مندرج در ماده ۱ و ماده ۱۰۹ قانون اساسی دائمی عراق است و لیکن این ماده‌ها تفاسیر و مفاهیم و معانی مختلف و متعدد دیگری را هم در برمیگیرند. علاوه

بر این، در مقدمه یا همان دیباچه قانون اساسی دائمی عراق آمده است که تمامیت ارضی عراق منوط به اجرای مفاد این قانون اساسی است. اما همانطور که بر همگان معلوم شده است، مقامات حکومت فدرال عراق در تمام این سالها بطور مداوم و پیوسته با استدلالهای غلط و غیرواقعی از اجرای مفاد قانون اساسی عراق طفره رفته و از اجرای مفاد آن سر باز می-زنند. بر همین اساس حکومت اقلیم کردستان از طریق یک گزارش حقوقی راجع به قانون اساسی، به طور مشخص (۶۳) ماده از مواد قانون اساسی دائمی عراق را که مقامات فدرال عراق در مورد حقوق مردم کردستان اجرا نکرده و یا نقض کرده‌اند، در دسترس مقامات دولت فدرال عراق، و همچنین تمامی سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های کشورهای خارجی در عراق، قرار داده است. همچنین باید در نظر داشت که این حکم دادگاه عالی فدرال در نتیجه فشارها و تأثیرات سیاسی دولت فدرال در آن زمان و به صورتی کاملاً شتابزده صادر شده است. این در حالیست که انتظار می‌رود دادگاه عالی فدرال برای حفظ وجهه بی طرفی خود و اثبات عادلانه بودن احکام خود باید با همه گروهها و جناحها بطور مساوی و بدون هیچ تبعیضی رفتار کرده و به طور قطع از صدور چنین حکمی اجتناب می‌کرد.

نتیجه:

از مطالب گفته شده میتوان نتیجه گرفت که حق تعیین سرنوشت حقیست که برای هر ملتی که شروط تشکیل دهنده یک ملت را دارا باشند، تثبیت شده است. خواه این ملت در حال حاضر به استقلال در چارچوب یک دولت رسیده باشد یا خیر. همچنین مناطق و اقلیم‌های موجود در درون یک دولت فدرال هم این حق را دارند که در صورت داشتن شرایط تشکیل دهنده یک ملت، حق تعیین سرنوشت خود را اعمال کرده و از دولت مادر جدا شوند.

ملت‌ها می‌توانند از حق تعیین سرنوشت به صورت مسالمت‌آمیز استفاده کنند و در این مورد همه‌پرسی بهترین شکل آن محسوب می‌شود و به همین ترتیب، مردم ممکن است در صورت عدم آمادگی برای انجام همه‌پرسی و یا میسرنشدن انجام صلح‌آمیز همه‌پرسی، برای تأمین حق تعیین سرنوشت خود به استفاده از زور و یا مبارزه مسلحانه متوسل شوند. همچنین برای ما روشن شد که حق تعیین سرنوشت در حال حاضر به یک قاعده‌آمره بین‌المللی تبدیل شده است و نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در تاریخ ۲۲/۷/۲۰۱۰ درباره اعلام استقلال یکجانبه کوزوو از صربستان در تاریخ ۱۷ فوریه ۲۰۰۸، یکی از نمونه‌های مهم و موفق بین‌المللی و یک پیروزی بزرگ برای حق تعیین سرنوشت ملت‌ها محسوب می‌شود، زیرا این واقعیت مهم را نمایان ساخت که اعلام یک‌جانبه استقلال ملت‌ها نقض احکام و مقررات حقوق بین‌الملل نیست و همچنین حق تعیین سرنوشت، به عنوان یک اصل، حق همه ملت‌هاست و تنها منحصر به ملت‌هایی نیست که توسط رژیم‌های استعماری استعمار شده‌اند. در ضمن تأییدکننده این واقعیت است که حق تعیین سرنوشت، مهم‌تر و بالاتر از اصل تمامیت ارضی است، چرا که در اکثر موارد اصل تمامیت ارضی بیشتر به عنوان توجیه و دستاویزی برای ایستادن در مقابل جدایی استفاده می‌شود.

مطابق نظر دادگاه فوق‌الذکر، اصل تمامیت ارضی فقط برای تنظیم روابط بین دولت‌ها است و نه برای رابطه بین یک دولت و بخشی از مردم آن. لذا مطابق رأی دیوان عالی بین‌المللی، اعلام استقلال ممکن است به صورت یک‌جانبه و بدون تصویب دولت فدرال یا دولت مرکزی صورت پذیرد و دیوان عالی بین‌المللی اصل جدایی چاره‌ساز (Remedial Secession) را در زمانی که همزیستی مسالمت‌آمیز غیرممکن باشد، به رسمیت شناخته است.

تا آنجا که مربوط به قانون اساسی می‌شود، دیدیم که ماده ۱۴۰ قانون اساسی عراق برای حل مسأله مناطق کردنشین خارج از اداره اقلیم در قانون اساسی گنجانده شده بود و این ماده مسئولیت اجرای مراحل عادی‌سازی و سرشماری و رفراندوم را بر عهده حکومت فدرال اتحادی عراق گذاشته بود. علیرغم شروع مرحله اول، که مرحله عادی‌سازی و تلاش برای رسیدگی به اثرات تعریب (Arabization) و تغییرات جمعیتی، تغییر مرزهای اداری مناطق کردنشین و بازگرداندن اخراج شدگان به مناطق اصلی خودشان بود، با این حال به ناگاه و با یک فرمان سیاسی در سال ۲۰۱۲، کار کمیته اجرایی ماده ۱۴۰ به حالت تعلیق درآمد. نه تنها این، بلکه کار به جایی رسید که پس از (حوادث معروف به ۱۶ اکتبر) دوباره روندهای تعریب و اخراج شهروندان کرد و آوردن اعراب غیربومی به جای آنها و اشغال اراضی کشاورزی شهروندان اصلی در مناطقی که توسط ارتش عراق و نیروهای حشد شعبی اشغال شده بود، دوباره آغاز شد. علاوه بر موارد ذکر شده در بالا، در سال (۲۰۱۴) و با یک تصمیم سیاسی، پرداخت سهم بودجه اقلیم کردستان متوقف شد، و تحریم و محاصره و فشار سیاسی بر مردم کردستان اعمال شد. ضمناً باید به این نکته مهم هم اشاره کرد که یکی از فاکتورهای مهم برای تحقق ثبات و همزیستی و سازندگی یک کشور، مسأله بازتوزیع عادلانه ثروت و درآمدهای یک مملکت است، اما با این وجود دولت عراق هرگز تلاش نکرده است که این مسأله را جزء اولویتهای خود قرار داده و بکوشد که جایگاه و مبنایی قانونی برای آن در چارچوب سیستم فدرالی بیابد. بالاخص در مورد مسأله نفت و گاز و سهم اقلیم و استانها از شراکت حقیقی در مراکز قدرت و مناصب حکومت فدرال اتحادی عراق.

درباره موضوع هر دو حکم صادرشده از طرف پارلمان عراق و دیوان عالی فدرال در خصوص رفراندوم اقلیم کردستان، می‌بینیم که هیچ یک از این دو

حکم خالی از ایراد و اشکال قانونی و حقوقی نیستند و در صورت وجود نهادی قانونی و حقوقی برای درخواست تجدیدنظر در این دو حکم، چه بسا به احتمال زیاد هر دو حکم به سبب وجود ایرادات حقوقی ملغی و باطل اعلام خواهند شد. علاوه بر وارد بودن ایراد بر جوانب حقوقی این مسأله، این دو تصمیم به صورت کاملاً مغرضانه گرفته شده‌اند و از اصل بی طرفی در رسیدگی به مسأله همه‌پرسی برخوردار نیستند و از همینرو، جهت‌گیری سیاسی و عدم بی طرفی دو نهاد صادر کننده را به وضوح نشان می‌دهند.

متن بیانیه پایانی اپوزسیون عراقی در لندن

کنگره اپوزسیون عراقی که امروز سه‌شنبه ۱۵ دسامبر سال ۲۰۰۲ در لندن به کارهایش خاتمه داد، سندی ۱۰ صفحه‌ای را تحت عنوان (بیانیه سیاسی کنگره اپوزسیون عراقی) منتشر کرد که متن کامل آن به شرح زیر است:

به نام خداوند بخشنده مهربان

بیانیه سیاسی کنگره اپوزسیون عراقی

۱۴-۱۵ دسامبر سال ۲۰۰۲

به دلیل سلطه رژیم دیکتاتوری فرقه‌ای و سرکوبگر، اقدامات سرکوبگرانه و تروریستی، ماجراها و جنگ طلبی‌هایش در داخل و خارج از کشور، بیش از سه دهه، عراق بدترین دوران تاریخ سیاسی معاصر خود را تجربه کرده است. در تمامی آن دوران، مردم عراق هرگز دست از تلاش و مبارزه برنداشتند و یک سری تلاش‌های جسورانه را برای پایان دادن به ناهنجاریها و مرارت‌هایی که این رژیم ستمگر بر مردم ما تحمیل کرده است، را انجام دادند. در این مبارزه بخش‌های بزرگی از نیروهای مسلح شریف، نیروهای سیاسی و مردمی از تمام بخش‌های ملی، مذهبی و فرقه‌ای در آن شرکت داشتند. مبارزه و مقاومتی مشروع به تمام معنا، از جمله مقاومت مسلحانه، که با قیام باشکوه ماه مارس در سال ۱۹۹۱ به اوج خود رسید، و ملیون‌ها عراقی، از جمله غیرنظامیان و

پرسنل نظامی از اعراب، کردها، ترکمن‌ها، آشوری‌ها، شیعیان و سنی‌ها، در آن مشارکت کردند و تقریباً چیزی نمانده بود که رژیم را به سقوطی تاریخی که سزاوار آن بود، بیندازند. اما علی‌رغم عظمت و بزرگی میزان فداکاری‌ها و خون‌های ریخته‌شده، شرایط فراتر از اراده مردم صبور ما بود و مانع از تحقق آرزوها و آمال عراقی‌ها برای بازسازی سرزمین خود بر اساس دموکراسی، عدالت و صلح شد.

امروز، بار دیگر فرصتی دوباره برای مردم عراق فراهم شده تا با استفاده از کمک و سرمایه‌گذاری برخی از عوامل بین‌المللی، رژیم فاشیستی را سرنگون کرده و روند تغییر را تکمیل کنیم. افق‌های جدید و مشترکی بر اساس ضرورت پایبندی به لزوم دستیابی به این دستاورد ملی و پشتیبانی از روند تغییر در جهت منافع مردم ما به طور عمده و با در نظر گرفتن منافع مشروع کشورهای عرب و اسلامی، همسایگان منطقه‌ای و جامعه بین‌المللی ایجاد شده‌اند. به همین منظور، کنگره اپوزسیون عراق با مشارکت اکثریت نیروها، جریان‌ها و چهره‌های مخالف ملی و با شعار "به خاطر نجات عراق و دستیابی به دموکراسی" از ۱۴-۱۵ دسامبر ۲۰۰۲ در لندن برگزار شد. این کنگره بر اصول اساسی کنفرانس‌ها و جلسات قبلی برگزار شده توسط اپوزسیون عراقی، به ویژه کنفرانس صلاح الدین در سال ۱۹۹۲ و بیانیه سیاسی شورای اپوزسیون عراقی در واشنگتن در آگوست ۲۰۰۲ تأکید می‌ورزند.

از این منظر، کنگره تصمیمات و توصیه‌های زیر را اتخاذ کرد:

۱ - نقش اپوزسیون عراقی در روند تغییر:

در این نشست بر اولویت نقش اپوزسیون ملی با همه جریان‌ها و سازمانهای مختلف آن و توده‌های مردم ما در سراسر صحنه جغرافیایی عراق، و اهمیت

آن در کلیه مراحل روند پیش بینی شده تأکید شد، به گونه‌ای که با ماهیت شرایط میدانی و توانایی‌های آن سازگار باشد.

۲ - آینده عراق و دموکراسی:

عراق کشوری دموکراتیک، پارلمانی، کثرت‌گرا، فدرال (برای همه عراقی‌ها) و مبتنی بر اتخاذ مفهوم انسانی و متمدن شهروندی در عراق و متکی بر عدم تبعیض نژادی، دینی، جنسیتی یا فرقه‌ای است. این کنگره بر ضرورت تدوین قانون اساسی دائمی برای کشور تأکید می‌کند و ترکیب مردم عراق (طیف‌های مختلف ملیتی، نژادی، مذهبی، فرقه‌ای) را برای این منظور مد نظر قرار می‌دهد. همچنین به اصل تفکیک قوای مقننه، اجرایی و قضایی تأکید می‌کند و به رعایت اصل حاکمیت قانون متعهد بوده، از حقوق بشر و آزادی‌های عمومی و خصوصی محافظت کرده و به نهادهای جامعه مدنی احترام می‌گذارد.

۳ - اسلام دین دولت است:

دین اسلام یکی از ثوابت کشور عراق است و احکام و قوانین اسلامی، منبع اساسی قانونگذاری می‌باشند. این کنگره بر ضرورت اتکا به ارزشهای والای اسلامی و مبانی مدارا و اصول خیرخواهانه آن و همچنین در نظر گرفتن رویکرد و آموزه‌های آن در پیشبرد فرهنگ، رسانه‌ها و برنامه‌های آموزشی تأکید می‌کند، ضمن اینکه سایر ادیان و مذاهب آسمانی و عقاید دینی را هم محترم می‌شمارد.

۴ - دولت قانون:

در این کنگره، شرکت‌کنندگان بر این امر مهم تأکید ورزیدند که در عراق آینده جایی برای هرج و مرج، انتقام‌جویی و اقدامات تلافی‌جویانه و خارج از

قانون، تجاوز و تعدی به حقوق قانونی دیگران با هر انگیزه و توجیهی وجود نخواهد داشت. همچنین مقامات دادگستری و قضایی باید عدالت و قانون را در رسیدگی به تمامی پرونده‌هایی که توسط مقامات قضایی ذیصلاح محلی یا بین‌المللی صورت می‌گیرد، اتخاذ کنند و ضمناً مقامات قضایی یادشده، تحقیق در مورد همه موارد نقض حقوق مدنی مانند ضبط حقوق، وجوه، جنایات کیفری و سیاسی را که وقوع آنها با ارائه شواهد اثبات شده است، از جمله جرایم پاکسازی قومی، نسل‌کشی و جنایات جنگی را در دستور کار خود قرار خواهند داد.

۵ - تصمیم سیاسی:

شرکت‌کنندگان در کنگره همگی بر مشارکت و سهیم بودن همه مردم عراق از کلیه جناحها و مؤلفه‌های جمعیتی عراق اعم از اعراب، کردها، مسلمانان شیعه و سنی و مسیحیان و ایزدی‌ها و سایر ادیان در فرایند تصمیم‌گیریهای سیاسی متفق بودند و بر آن تأکید کردند.

۶ - رد هرگونه مداخله‌ای که هدف از آن عدول از خواست و اراده مردم عراق

در روند تغییر باشد:

این کنگره از جامعه بین‌المللی می‌خواهد که از مردم عراق برای رهایی از دست رژیم دیکتاتوری موجود حمایت کند و این کنگره هرگونه اشغالگری، حکومت نظامی محلی یا خارجی، قیمومیت خارجی یا مداخله منطقه‌ای را رد می‌کند و بر ضرورت احترام به حاکمیت عراق و استقلال کشورهای همسایه تأکید می‌ورزد. همچنین بر اصول حسن همجواری، همکاریهای منطقه‌ای و عدم دخالت در امور یکدیگر تأکید می‌کند. علاوه بر این خود را بر رعایت و پایبندی به همه میثاق‌ها و منشورهای مورد تأیید جامعه

جهانی از جمله منشور سازمان ملل و اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر توافقنامه‌ها و معاهده‌های بین‌المللی ویژه این حقوق و همچنین منشور اتحادیه عرب و سازمان کنفرانس اسلامی متعهد می‌داند.

۷ - مسائل فرقه‌ای و زدودن آثار منفی آن:

شیعیان در عراق مانند دیگر فرقه‌ها در طی مراحل گذشته به‌ویژه در سایه رژیم موجود، مورد آزار و اذیت و ظلم و ستم و زندان و تبعید بسیاری قرار گرفته‌اند که همه ابعاد زندگی و حقوق اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و دینی آنها را تحت تأثیر قرار داده است که این هم به‌نوبه خود تعادل اجتماعی و وحدت ملی و روحیه اخوت و برادری و مدارا را به شدت در معرض خطر قرار داده است. همچنین این رژیم با اعمال سیاستهای سرکوب و فشار و ارباب از طریق دستگاهها و مراکز ارباب و سرکوب و ترویج شیوه‌های فریبکارانه و تزویر و مانورهای دروغین با هدف کنترل بیشتر بر جامعه عراق با همه گروهها و جناحهای مختلف آن از جمله شیعیان عراق، مردم عراق را وادار کرده که مهمترین ابزارهای پیشگیری و دفاع و مقاومت خود را از دست بدهند تا بتواند هر چه بیشتر از طریق سیاستهای دیکتاتوری و نژادپرستانه و فرقه‌ای بر آنها تأثیر بگذارد.

لذا این کنگره نیاز به تسریع در انحلال و منع همه سیاستهای فرقه‌ای و محافظت از کلیه حقوق مشروع شیعیان را ضروری میدانند و همچنین کنگره سیاستهای رقت‌برانگیز نقض حرمت مرجعیت و حوزه‌های علمیه و دخالت در امور آنها و تحریم و محاصره آنها و تحمیل افراد و دست‌نشانده‌های رژیم بر آنها را قویاً محکوم می‌کند. کنگره همچنین ترور عالمان بزرگ دینی، خانواده‌های آنها و علما و روحانیون و دستگیری و شکنجه هزاران تن دیگر از مردم عراق را محکوم می‌کند که در اینجا مجال پرداختن به آن وجود

ندارد. این کنگره همچنین سیاستهای مداخله‌جویانه رژیم و تضعیف حقوق حوزه علمیه نجف و دیگر شهرهای مقدس و تخریب مساجد و حسینیه‌ها و مراکز و کتابخانه‌های اسلامی را نکوهش می‌کند. این کنگره همچنین تحریم چاپ و نشر کتب و دیگر محصولات فرهنگی و تحمیل سانسور بر آنها و جلوگیری از برگزاری آیینها و مراسم مذهبی و تخریب شهرها و روستاها و مناطق سکونت شیعیان و تخریب خانه‌های آنها و خشک کردن مناطق آنها و آواره کردن آنها و آوردن شهروندان از کشورها و مناطق دیگر برای اسکان آنها در این سرزمینها و همچنین زیر سؤال بردن وابستگی شیعیان عرب عراق به ریشه‌های عربی و عراقی‌شان را شدیداً محکوم می‌کند.

۸- درباره‌ی نسل‌کشی و عملیات انفال:

این کنگره تبعیض و آزار و ظلم و ستم سیستماتیک و سازمان‌یافته رژیم نژادپرست عراق علیه مردم کردستان عراق را محکوم می‌کند بالاخص اقدامات نسل‌کشی و عملیات شوم انفال که باعث شد بیش از ۱۸۰۰۰۰ تن از شهروندان کردستان عراق در طی این عملیات ضد بشری به قتل برسند علاوه بر کشته شدن هشت هزار بارزانی، پنج هزار کرد فیلی* و پنج هزار تن از ساکنان حلبچه و تخریب هزاران روستا و دهات. اقداماتی که وجدان جهانیان را به لرزه درآورد. در حالیکه این کنگره خواستار پایان دادن به این سیاستهای وحشیانه است، در عین حال بر لزوم آشکارساختن سرنوشت قربانیان، گرامیداشت یاد و خاطره آنها و جبران خسارات سنگین واردآمده به خانواده‌های آنها و همچنین بازسازی آنچه که توسط این رژیم نابود شده است و تلاش برای دستگیری و ارجاع عاملان این جنایتهای وحشتناک به دادگاهها و محاکم و مراجع قانونی بین‌المللی تأکید می‌کند.

* لازم به ذکر است که تعداد حقیقی ضحایای نسل‌کشی کردهای فیلی ۱۲۰۰۰ نفر می‌باشد.

۹- موضوع آوارگی، پاکسازی قومی و تغییر واقعیت‌های قومی و نژادی: این کنگره آوارگی اجباری، پاکسازی قومی، استفاده از سلاح‌های شیمیایی، تغییر هویت ملی و تغییر در هویت و واقعیت‌های ملی و قومی مناطق کرکوک، مخمور، خانقین، شنگال، شیخان، زمار، مندلی و دیگر مناطق مشابه را محکوم می‌کند. لذا این کنگره خواهان از بین بردن آثار و پیامدهای اینگونه اقدامات از طریق اجرای اعمال و اقدامات زیر است:

الف - بازگشت آوارگان به خانه‌هایشان، بازگرداندن اموالشان به آنها و جبران خساراتی که متحمل شده‌اند.

ب - بازگرداندن مهاجران خارج شده توسط رژیم موجود برای اسکان در مناطق ذکر شده در بالا به سکونتگاه‌های قبلی خودشان.

ج - بازگشت کردهای فیلی و همه عراقی‌های آواره دیگر که به بهانه داشتن ریشه‌های ایرانی از کشور اخراج شده‌اند، و همچنین بازگرداندن همه افرادی که به طور غیرقانونی تابعیت عراقی از آنها سلب شده است به عراق و همچنین اطمینان حاصل شود که آنها از تابعیت عراقی برخوردار خواهند شد و بازگرداندن اموالشان به آنها، جبران خسارات وارده به آنها و آشکار ساختن سرنوشت کردهای فیلی که بعد از آوریل ۱۹۸۰ بازداشت شده‌اند.

د - لغو کلیه اقدامات و مقررات اداری اعمال شده توسط رژیم از سال ۱۹۶۸ به بعد که هدف از آنها تغییر واقعیت‌های جمعیتی در کردستان عراق بود.

۱۰ - فدرالیسم و حل مسأله کردها:

هنگام مطالعه و تحلیل مسأله کرد و راه حل مطلوب برای آن، این کنگره بر واقعیت تنوع و تعدد در ترکیب ملی، فرقه‌ای و سیاسی جامعه عراق تأکید دارد و به اتفاق آرا در مورد اهمیت تقویت و تحکیم وحدت ملی داوطلبانه با دستیابی به برابری کامل بین شهروندان با در نظرگرفتن تصمیمات کنفرانس شهر صلاح الدین و نشستهای دیگر اپوزسیون عراق و بیانیه رهبری سیاسی اپوزسیون عراقی در واشنگتن در ماه اوت سال ۲۰۰۲، و همچنین پروژه جامع فدرالیسم که در مورخه ۷ نوامبر سال ۲۰۰۲ مورد تصویب پارلمان کردستان عراق قرار گرفته است، تأکید می کند.

این کنگره به خواست و اراده آزادانه مردم کرد در انتخاب فرمول و چارچوب مناسب برای مشارکت در قدرت با مردم همان میهن، احترام می گذارد. این کنگره در مورد تجربیات سیستم فدرال مطالعه و تحقیق کرده و آن را یک فرمول مناسب برای اداره عراق میداند و معتقد است که باید بعد از حذف دیکتاتوری صدام و تحقق تغییرات مطلوب و پیش بینی شده، به عنوان مبنایی برای حل مسأله کردها در چارچوب نهادهای نشأت گرفته از قانون اساسی مورد استناد قرار بگیرد.

در همین راستا این کنگره اشتیاق وافر خود را برای حفظ وحدت عراق و همزیستی ملت های مختلف آن بر اساس اتحاد اختیاری اعلام می کند و در این نشست بر تحقق آرمانهای مشروع و عادلانه مردم کردستان و زدودن و از بین بردن همه آثار و پیامدهای ظلم و ستم های تحمیل شده بر این ملت بر اساس اصول حقوقی بین المللی که حق تعیین سرنوشت آنها را به رسمیت می شناسد و بر حفظ روحیه برادری، اتحاد و مشارکت و برابری در میهن، تأکید می کند.

۱۱ - حقوق ترکمنها:

این کنگره به تبعیض، آزار و اذیت‌های نژادی، فرقه‌ای و آوارگی ترکمنها پرداخت و بر اهمیت اطمینان یافتن از برابری آنها با سایر اقوام و گروهها و به رسمیت شناختن حقوق قانونی ملی و فرهنگی و اداری آنها در قالب یک چارچوب قانونی و حقوقی ویژه و محافظت و صیانت از آن از طریق گنجاندن این حقوق در قانون اساسی تأکید کرد.

۱۲ - حقوق آشوریهها:

در این کنگره همچنین آزار و اذیت و ظلم و ستمهای رواداشته شده بر آشوریان عراق مورد بررسی قرار گرفت و بر ضرورت اطمینان حاصل کردن از برابری آنها با دیگر شهروندان عراق و ضرورت برخورداری آنها از حقوق ملی، فرهنگی و اداری در قالب یک فرمول قانونی خاص خودشان و درج این حقوق در قانون اساسی تأکید کرد.

۱۳ - فاجعه تالابهای عراق (اهوار):

تالابهای عراق دچار فاجعه زیست محیطی شده‌اند که پیامد آن مناطق وسیعی دچار تخریب شده و ساکنان آن ناچار به تخلیه آن مناطق شده‌اند. اینهم باعث خشک شدن کامل این تالابها و در واقع خشک شدن منابع معیشتی ساکنان آن مناطق و آواره شدن دهها هزار نفر از مردم این مناطق شده است. در نظام جدید عراق باید به این امر توجه ویژه‌ای شود، آنهم از راه پرداخت خسارات وارده و کمک‌های مالی لازم به مردم این مناطق و اقدام به بازسازی این مناطق و تأمین معیشت مناسب برای ساکنان مناطق یادشده بمنظور ترغیب آنها به بازگشت به مناطق و سرزمینهای اصلی خودشان.

۱۴ - موضوع قوانین و احکام نا عادلانه:

این کنگره خواستار متوقف شدن و لغو کامل کلیه قوانین، احکام و مقررات نا عادلانه صادر شده از طرف رژیم نژادپرست صدام علیه کردها، آشوریها، ترکمنها و همچنین احکام فرقه‌گرایانه علیه شیعیان می‌باشد.

۱۵ - موضوع تجربه اقلیم کردستان عراق:

این کنگره تجربه اقلیم کردستان را در زمینه‌های آزادی و دموکراسی و عمران و بازسازی مورد تقدیر و ستایش قرار می‌دهد و خاطرنشان می‌سازد که این دلیل و گواه روشنیست بر این مدعا که اگر عراقی‌ها از دیکتاتوری رهایی یابند، چه اقدامات سازنده‌ای میتوانند انجام دهند و این کنگره معتقد است که میتوان از این تجربه موفقیت‌آمیز و ارزشمند بهره جست چراکه گامی پیشرفته در جهت تغییر دموکراتیک مطلوب در عراق و مبنایی برای حل اختلافات از طریق گفتگوی سازنده و صمیمانه بر اساس اصل برادری و به‌دور از افراط و تعصب در امور سیاسی به حساب می‌آید.

لذا این کنگره خواستار حفظ و حمایت از این تجربه و همکاری و هماهنگی با نهادهای قانونی منتخب در کردستان عراق برای تدوین و تصویب یک قانون اساسی جدید و دموکراتیک و فدرال برای این کشور که اقلیم کردستان را هم در بر میگیرد و همچنین انجام دادن اقدامات و هماهنگی‌های لازم برای ادغام نیروهای پیشمرگه در نیروهای مسلح عراق، میباشد.

۱۶ - نهادهای امنیتی:

این کنگره سیاستهای رژیم در کشتار دسته‌جمعی دهها هزار عراقی و حذف و تصفیه فیزیکی هزاران شهروند، کادر سیاسی و نیروهای علمی و افسران ارتش

را محکوم می کند. همچنین این کنگره بر ضرورت آشکارساختن حقایق در مورد همه این جنایتها و پیگرد قانونی عاملان این جنایتها تأکید می کند. ضمناً این کنگره انحلال این دستگاههای سرکوبگر رژیم که آن را به عنوان وسیله‌ای برای ایجاد رعب و وحشت و سرکوب مردم و شهروندان خودش بکار میگیرد، ضروری میدانند و معتقد است که باید نهادهای امنیتی جدیدی بر اساس احترام به قوانین، حقوق شهروندی مردم و امنیت کشور مطابق با قانون اساسی جدید ایجاد شوند.

۱۷- ارتش و نیروهای مسلح:

شرکت کنندگان در این کنگره بر اهمیت بازسازی نهادهای نظامی و نیروهای مسلح عراق به شیوه‌ای حرفه‌ای و ملی و به دور از امنیتی کردن فضای جامعه و اختلافات و درگیریهای داخلی و سیاسی و به دور از سیاستهای تبعیض آمیز قومی و فرقه‌ای تأکید کردند و همچنین بر رد پروژه‌های تولید سلاحهای کشتار جمعی و کلیه سلاحهای ممنوعه بین المللی و دور کردن ارتش از اقدامات سرکوبگرانه و خشونت آمیز داخلی و جلوگیری از رویکرد تهاجمی خارجی تأکید کرد و همچنین این کنگره معتقد است که مأموریت ارتش، دفاع از میهن و بازسازی آن میباشد.

۱۸- شرایط اقتصادی و زدودن آثار و پیامدهای دو جنگ ویرانگر:

این کنگره رژیم کنونی را مسئول اوضاع نابسامان کنونی در بخشهای مختلف اقتصادی، معیشتی، امنیتی و اجتماعی مردم عراق میدانند و همچنین معتقد است که دولت عراق ملیونها نفر از مردم خود را از محل زندگی خود به خارج آواره کرده و باعث نابودی زندگی و معیشت این مردم شده است و اینجا این کنگره لازم میدانند که مراتب قدردانی خود را

به کشورهای دوست و همسایه عراق بخاطر حسن میزبانی و پناه‌دادن این آوارگان ابراز بدارد. ضمناً این کنگره معتقد است که از نظر اخلاقی، قانونی و تاریخی رژیم کنونی مسئول افروختن آتش جنگ علیه کشورهای همسایه ایران و کویت میباشد و در این زمینه خواستار همکاری نزدیک با این دو کشور همسایه برای آزادی زندانیان و پایان دادن به اثرات و پیامدهای زیانبار این دوران و شرایط غیرعادی بوجود آمده میباشد. این کنگره همچنین تضمین میدهد که از سرزمین‌ها و خاک این کشور برای تجاوز به خاک کشورهای همسایه استفاده نخواهد شد.

این کنگره مسئول اصلی اعمال تحریم‌ها و مجازاتهای اقتصادی علیه عراق را رژیم فعلی آن میداند و از جامعه جهانی و کشورهای همجوار میخواهد که با نظام آینده عراق با احساس مسئولیت بیشتری همکاری کنند تا بتوانیم هرچه زودتر به ناهمواریهای موجود پایان دهیم و بتوانیم کلیه آثار عملی و قانونی و اجرایی این ناهمواریها و مشکلات را بر طبق قطعنامه‌های سازمان ملل متحد از بین ببریم تا عراق دوباره به آغوش جامعه بین‌المللی و حوزه‌های همکاری منطقه‌ای بازگردد و مردم عراق بتوانند در صلح و امنیت زندگی کنند. همچنین این کنگره از جامعه بین‌المللی و کشورهای دوست و برادر، نهادها و سازمانهای بین‌المللی میخواهد که در دوره انتقالی کشور عراق را یاری دهند تا مردم بتوانند از طریق یک پروژه تلفیقی که شمار زیادی از جناحها و طیفهای مختلف عراق در آن سهم هستند، اوضاع و شرایط فاجعه‌باری که در آن به سر میبرند، را پشت سر گذاشته و بر مشکلات موجود فائق آیند. لذا برای تحقق اهداف نامبرده، کنگره بر ضرورت اتخاذ اقدامات فوری زیر تأکید می‌ورزد:

الف - جمع آوری منابع درآمدی از عراق و مراجع بین‌المللی و منطقه‌ای.

ب - اجازه‌دادن به عراق برای رسیدن به حداکثر ظرفیت صادرات نفت خود.

ج - گفتگو و مذاکره برای تسویه بدهی‌های دولت عراق و پرداخت غرامت به کشورهای طلبکار از عراق.

د - درخواست از جامعه بین‌المللی به‌ویژه کشورهای دوست برای آزادسازی دارایی‌های بلوکه شده عراق در خارج از کشور و کمک و همکاری با دولت جدید برای آشکار ساختن ثروت و داراییهای صدام حسین و نزدیکانش و همچنین شرکتهای ساختگی و صوری و یا حسابهای واقعی و حسابهایی که به نام آنها در کشورهای مختلف افتتاح شده است و تلاش برای مصادره‌کردن این پولها و داراییها برای اینکه به‌عنوان بخشی از پول و ثروت ملی عراق به حکومت و مردم این کشور بازگردانده شود.

و - این کنگره خواستار تصویب لایحه‌ای راجع به تجدیدنظر و بررسی مجدد کلیه موافقت‌نامه‌های تجاری، اقتصادی و نفتی است که از اوت ۱۹۹۰ به بعد، از طرف دولت عراق با کشور و شرکت‌های داخلی و خارجی منعقد شده است. باید قانونی بودن و مطابقت آنها با منافع مردم عراق مورد حسابرسی و بررسی مجدد قرار بگیرد.

ه - این کنگره خواستار تصویب موافقت‌نامه جدیدی به‌ویژه برای همکاری با دولت ایران و کویت برای آزادی زندانیان و تبادل اسرا و پایان دادن به همه آثار و پیامدهای منفی آن است.

۱۹ - برنامه نفت در برابر غذا:

این کنگره حفظ و ادامه برنامه نفت در برابر غذا که منبع تأمین غذا و دارو برای مردم عراق است را ضروری می‌داند و معتقد است که باید زیرساخت های عراق بازسازی شوند و باید بدین منظور تلاش شود که تجدیدنظر در قطعنامه‌های سازمان ملل متحد صورت بگیرد تا دولت جدید عراق بتواند برنامه و پروژه‌های مدونی را برای احیا زیرساخت‌های اقتصادی و احیای زندگی و معیشت مردم تهیه و تدوین کند بخصوص برای اqtشار آسیب پذیر و کم درآمد. همچنین برای تحقق این اهداف باید برنامه‌ها و پروژه‌هایی برای توسعه اقتصادی و بازتوزیع عادلانه درآمد برای شهرها و مناطق مختلف کشور تهیه و تدوین شوند.

۲۰ - وضع قوانین جدید برای تابعیت:

شرکت کنندگان در این کنفرانس توافق کردند که یک قانون مترقی و جدید بر اساس موازین و معیارهای حقوق بشری تهیه و تنظیم کنند بطوریکه همه قوانینی را که بر اساس آنها هزاران شهروند حق تابعیت و هویت عراقی‌شان از آنها سلب شده بود، از بین ببرد و تلاش کند که همه این افراد به عراق بازگردانده شوند تا پیامدهای منفی اینگونه اقدامات تحمیلی و غیرانسانی از بین برود.

۲۱ - تسهیل بازگشت آوارگان عراقی و مهاجران و پناهندگان:

شرکت کنندگان در این کنگره بر سر ضرورت بازگشت ملیونها آواره عراقی و مهاجران و پناهندگان و تبعیدشدگان به خانه و کاشانه خود توافق کردند و همچنین این کنگره بر تأمین مایحتاج اولیه و ضروری برای این افراد که بازگشت سریع آنها را تسهیل می‌کند و همچنین کمک به بازسازی و تسریع در اجرای پروژه‌های عمرانی و بازگرداندن اموال مردم به آنها و پرداخت غرامت برای جبران خسارات وارده به آنها تأکید کرد.

۲۲ - نقش اساتید دانشگاهها و ظرفیت‌ها و توانمندیهای علمی و آکادمیک آنها:

این کنگره ضرورت نقش‌دهی به جوامع دانشگاهی و تخصصی و کلیه دانشمندان عراقی را قویا توصیه می‌کند تا توانایی‌ها و شایستگی‌ها و تجربیات آنها در پیشبرد و شروع فوری برنامه‌های توسعه در آینده در زمینه‌ها و عرصه‌های مختلف در مرحله بعد از سقوط رژیم به کار گرفته شوند.

این کنگره ضمن ادای احترام به شهدای راه آزادی عراق، همبستگی خود را با ده‌ها هزار زندانی سیاسی که در پشت میله‌های زندان هستند و همچنین ابراز همدردی با خانواده‌های آنها را اعلام می‌کند و همچنین این کنگره به تمامی هم‌میهنمان در هر گوشه از خاک عراق ادای احترام می‌کند و به روحیه ایستادگی و مقاومت ملت‌مان در برابر سیاستهای فریبکارانه رژیم که پر از همه‌پرسی‌های ساختگی و نمایش دروغین آزادکردن زندانیان و اقدامات دغلكارانه دیگری از این نوع است، می‌بالد و معتقد است که زمان پیروزی و آزادی همیشگی ملت‌مان نزدیک است. در زیر لیست اسامی کمیته پیگیری و هماهنگی تأییدشده توسط کنگره اپوزسیون عراقی در پایان کار جلسه امروز سه‌شنبه آمده است که شامل ۶۵ شخصیت سیاسی میباشد که بعداً ۱۰ نفر دیگر به این لیست اضافه خواهد شد:

۱ - ابراهیم حمودی

۲ - احمد الجلبی

۳ - سرهنگ احمد علی محسن

۴ - اکرم الحکیم

۵ - آلبرت یلدا

- ٦ - اياد السامرائى
- ٧- اياد علاوى
- ٨- ايهم السامرائى
- ٩ - سركارخانم بيان الأعرجى
- ١٠ - بيان جبر
- ١١ - توفيق الياسرى
- ١٢ - جلال طالبانى
- ١٣ - جنيد منكو
- ١٤ - جواد العطار
- ١٥ - جوهر نامق
- ١٦ - حاتم مخلص
- ١٧ - حاتم شعلان ابو الجون
- ١٨ - حاجم الحسينى
- ١٩ - حامد البياتى
- ٢٠ - حسين الجبورى
- ٢١ - حسين الشعلان
- ٢٢ - حسين الشامى
- ٢٣ - رضا جواد تقى
- ٢٤ - سركارخانم سعاد الكريماوى
- ٢٥ - سعد البزاز
- ٢٦ - سعد جواد
- ٢٧ - سعد صالح جبر

- ۲۸ - سعدون الدلیمی
- ۲۹ - سنان الشیبی
- ۳۰ - صادق الموسوی
- ۳۱ - سرکارخانم صفیه السهیل
- ۳۲ - صلاح الدین بهاء الدین
- ۳۳ - صلاح الشیخلی
- ۳۴ - صنعان احمد آغا
- ۳۵ - طارق الأعظمی
- ۳۶ - عادل عبد المهدی
- ۳۷ - عباس البیاتی
- ۳۸ - عبد العزیز الحکیم
- ۳۹ - عبدالستار الجمیلی
- ۴۰ - عبدالمجید الخوئی
- ۴۱ - عزالدین سلیم
- ۴۲ - علی بن الحسین
- ۴۳ - غسان العطیه
- ۴۴ - فاروق رضاعه
- ۴۵ - فؤاد معصوم
- ۴۶ - قادر عزیز
- ۴۷ - کریم أحمد
- ۴۸ - کنعان مکیه
- ۴۹ - کوسرت رسول علی

- ٥٠ - گوران طالبانی
٥١ - محمد بحر العلوم
٥٢ - محمد تقی المولی
٥٣ - محمد الحیدری
٥٤ - محمد عبد الجبار
٥٥ - محمد الحاج محمود
٥٦ - مسعود بارزانی
٥٧ - مشعان الجبوری
٥٨ - مضر شوکت
٥٩ - موفق الربیعی
٦٠ - ناجی حلمی
٦١ - نجم الدین کریم
٦٢ - هوشیار زیباری
٦٣ - سرلشکر و فیک السامرائی
٦٤ - ولید محمد صالح
٦٥ - یونادم یوسف کنا

سند سیاسی تضمین حقوق مؤلفه‌های قومی و مذهبی در کردستان

(این سند از طرف کمیته‌ای مخصوص، به سرپرستی دکتر خلیل ابراهیم و عضویت (رومیو هکاری، شیخ شامو، مونا قهوه‌چی، ویان دخیل، دکتر طالب کاکه‌یی، کریم سلیمان، هالان هرمز و محمد سعدالدین) تهیه و تدوین شده و در روز یکشنبه مورخه ۲۴ سپتامبر ۲۰۱۷ در آخرین نشست شورای عالی فرماندم با اکثریت آرا تصویب شد).

سند سیاسی تضمین حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی در کردستان

ما اعضای شورای عالی فرماندم در کردستان، با استناد به اینکه نماینده اکثریت احزاب و گروه‌های سیاسی کردستان هستیم و با اتکا به باور عمیقمان که کردستان سرزمین و وطن همه اقوام و نژادها و ادیان و مذاهب ساکن در آن از کرد و ترکمن گرفته تا کلدان سریان آشور و عرب و ارمن و مسلمان و ایزدی و مسیحی و کاکه‌یی و یهودی و زرتشتی و صابئین مندائی و شبک میباشند. در اینجا یاد میکنیم از همه مصائب و آلام و ظلم و ستم و مشقتها و جنایاتی که در طول دهه‌های گذشته بر همگی مان (همه گروه‌ها و اقلیت‌ها و ملیت‌های گوناگون

کردستان) گذشته است، و بر همین اساس معتقدیم که فائق آمدن بر همه این جنایات و سختیها و مشقتها، تنها و تنها از طریق غلبه کردن بر تبعیض و اجحاف و ستم‌های نژادی و دینی و فرقه‌ای و همچنین تثبیت مبانی حقوق بشر و احترام به آزادی‌های اساسی بدون رواداشتن تبعیض در رابطه با نژاد و زبان و دین و باور و احترام گذاشتن به خونهای به ناحق ریخته شده شهیدانمان در راه آزادی، ممکن است.

همچنین از راه الهام گرفتن از روحیه مدارا و برادری و قبول یکدیگر که از صفات بارز ملت کردستان است و همچنین اعتقاد داشتن به حقوق اساسی بشر و کرامت و ارزش‌های انسانی و در نظر گرفتن حقوق برابر برای همه ملت‌های کوچک و بزرگ در پرتو اصول و مبانی قطعنامه‌های حقوق بین‌الملل که حافظ و پشتیبان حقوق اقلیتهای نژادی و دینی و مذهبی میباشند و تلاش برای رشد و توسعه این حقوق با این هدف که گروههای مختلف نژادی و اقلیتهای دینی و مذهبی بتوانند به حقوق مشروعشان مطابق با مبانی دموکراسی و حاکمیت قانون و عدالت دست یابند، میسر خواهد شد. این هم به نوبه خود باعث برقراری صلح و ثبات نه تنها در کردستان بلکه در سراسر منطقه و جهان خواهد شد. بدین منظور تصمیم گرفتیم که حقوق و روابط بین این گروهها و طیف‌های مختلف جامعه کردستان و دولت را بر طبق اصول زیر تعریف و تنظیم کنیم:

ماده (۱):

تأیید و به رسمیت شناختن کثرت‌گرایی قومی، نژادی، مذهبی و فرهنگی جامعه کردستان و تأمین و تضمین حقوق همه مؤلفه‌ها بر اساس اصول شهروندی و برابری و مدنظر قراردادن و مراعات ویژگیهای مذهبی و عقیدتی این اقلیت‌ها در انجام آداب و رسوم و مناسک مخصوص مذهبی و حفظ و مراقبت از عبادتگاههای مخصوص مذاهب گوناگون در کردستان.

ماده (۲):

الف - تضمین حقوق ملی، فرهنگی، اداری ترکمنها، کلدانیها، آشوریها، اعراب و ارمنی ها که در همه توافقنامه های سیاسی از زمان تصویب خودگردانی و خودمختاری و حکومت های محلی گرفته تا توافقنامه سیاسی فدرالیسم برای مناطق تاریخی اقلیت ها و مؤلفه های کردستان بر طبق سرشماری سال ۱۹۵۷ آمده و بر آنها تأکید شده است.

ب - تضمین حقوق ایزدی ها که در همه موافقت نامه های سیاسی از خودگردانی و خودمختاری و حکومت ملی تا فدرالیسم به آنها اشاره شده است، به خصوص در مناطقی که آنها اکثریت جمعیت را تشکیل می دهند و تنظیم و سازماندهی این حقوق از راه مجاری قانونی.

ماده (۳):

تضمین و حصول اطمینان از اینکه مؤلفه ها و گروه های نژادی و مذهبی در تمام سطوح منتخب قانونگذاری و نهادها و دستگاه های اداری و دیپلماسی و نهادهای مستقل، نماینده داشته باشند و همه این موارد در چارچوب مجاری و اصول و قواعد قانونی تنظیم و تضمین می شود.

ماده (۴):

تضمین سهم مؤلفه های نژادی و دینی و مذهبی برای داشتن نمایندگی در دیوان عالی قانون اساسی بر طبق اصول و شروطی که از طریق قواعد و مقررات عمومی تعیین شده است.

ماده (۵):

تضمین سهم مؤلفه های نژادی و دینی و مذهبی در دستگاه های اجرایی و مناصب مهم مدیریتی و در سیستم و دستگاه های دفاع و امنیت و وزارت کشور و نیروهای پیشمرگه بر طبق اصول و قوانین جاری.

ماده (۶):

زبانهای کردی و ترکمنی و سریانی و ارمنی و عربی بر اساس قانون به عنوان زبانهای رسمی شمرده میشوند.

ماده (۷):

پرچم کردستان و نشان و سرود ملی باید نمادی از مؤلفه‌ها و گروههای مختلف نژادی و دینی و اقلیت‌ها را در خود داشته باشد و تنظیم این امر از طریق قانون انجام خواهد گرفت.

ماده (۸):

جشنها و اعیاد و مناسبت‌های دینی و ملی و تعطیلات رسمی از طریق قانون و مقررات تنظیم خواهند شد.

ماده (۹):

دولت، آزادی بیان و برگزاری آداب و رسوم و مناسک دینی و مذهبی همه اقلیت‌ها و گروههای قومی و مذهبی را تضمین خواهد کرد.

ماده (۱۰):

پیروان ادیان و مذاهب غیرمسلمان حق دارند در موارد مربوط به دادگاههای احوال شخصیه، به احکام دینی و آئینی خود استناد کنند و نباید احکام و تعالیم هیچ دینی بر پیروان دیگر ادیان تحمیل شود.

ماده (۱۱):

حذف و جلوگیری از تغییرات جمعیتی و دموگرافیکی در مناطقی که محل زندگی اقلیت‌های قومی و مذهبی است و این اقلیت‌ها از زمان تأسیس دولت در آنجا می‌زیسته‌اند و حضورشان در سرشماری سال ۱۹۵۷ تثبیت و تأیید شده است. همچنین رفع پیامدهای ظلم‌و ستم

برای تاریخ.. ۲۱۳

سازمان یافته و آثار نسل‌کشی که بر کردها، ایزدی‌ها، کلدان سریان آشوریها و ترکمنها و سایر اقلیت‌ها در طی دهه‌های پیشین گذشته است و تلاش برای بازسازی مناطق و سرزمینهای ویران شده آنها و پرداخت غرامت به زیان‌دیدگان این جنایتها.

ماده (۱۲):

تضمین حق تأسیس شوراهای، انجمن‌ها، جمعیت‌ها، سازمانها و مراکز فرهنگی و تفریحی ویژه اقلیت‌ها.

ماده (۱۳):

دولت خود را متعهد به محافظت و احیای اماکن باستانی، فرهنگی و مذهبی برای همه اقلیت‌ها و مؤلفه‌های نژادی و قومی و دینی و مذهبی میداند.

ماده (۱۴):

باید تاریخ اقلیت‌ها و مؤلفه‌های نژادی و قومی و دینی و مذهبی و مفاهیم مدارا و همزیستی و قبول یکدیگر در برنامه‌های درسی و آموزشی گنجانده شود و همچنین هرگونه فرهنگ‌کینه و انتقام‌جویی و نفرت پراکنی و تبعیض که منجر به گسترش خشونت در اندیشه و عمل خواهد شد، مردود و مرفوض اعلام گردد و باید مورد نكوهش قرار بگیرد.

ماده (۱۵):

باید در تهیه و تدوین قانون اساسی دولت، نمایندگانی از همه اقلیت‌ها و مؤلفه‌های نژادی و قومی و دینی و مذهبی حضور داشته باشند.

ماده (۱۶):

مفاد و مواد مندرج در این سند به محض برگزاری اولین دوره پارلمانی و صدور این سند لازم‌الاجرا خواهند بود.

اعلامیه مبانی اساسی کشور^۱

مقدمه

بر طبق بند دوم از ماده اول منشور سازمان ملل متحد که به اهداف این سازمان می‌پردازد، بر لزوم تلاش برای توسعه روابط بین‌المللی بین ملت‌ها بر اساس رعایت اصول مصالحه و فصل بین حقوق مردم با اتکا به حق تعیین سرنوشت تأکید می‌کند و همچنین ماده ۵۵ همان منشور سازمان ملل متحد بر ایجاد شرایط لازم برای ثبات و رفاه لازم برای برقراری روابط سالم بین ملت‌ها بر اساس اصل احترام به اصل فصل حقوق بین ملت‌ها و اینکه هر یک از این ملت‌ها حق تعیین سرنوشت خود را دارند، اشاره می‌کند. همچنین قطعنامه شماره ۱۵۱۴ مجمع عمومی سازمان ملل در دسامبر ۱۹۶۰ که راجع به اعطای استقلال به مردم کشورهای استعمارشده (مستعمره‌ها) بود، آمده است که همه ملت‌ها حق تعیین سرنوشت خود را دارند و این حق را دارند که بطور آزادانه موقعیت سیاسی خود را مشخص کنند و همچنین آزادانه به دنبال تحقق و توسعه امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود باشند. به‌علاوه با مراجعه به ماده اول هر دو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی که در سال ۱۹۶۶ مورد تصویب قرار گرفته‌اند و راجع به اعطای حق تعیین سرنوشت به همه ملت‌هاست، بر طبق همین حق، ملت‌ها میتوانند درباره وضعیت سیاسی خودشان تصمیم‌گیری کنند و به‌طور

۱- بنا به پیشنهاد مسعود بارزانی رئیس اقلیم کردستان و موافقت شورای عالی همه‌پرسی، د. کاوه محمود مأمور تدوین اعلامیه مبانی اساسی کشور گردید.

آزادانه به دنبال تحقق و توسعه امور اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی خود باشند. همچنین در قطعنامه ۲۶۱۵ سال ۱۹۷۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد تحت عنوان اعلامیه اصول حقوق بین الملل در مورد روابط و همکاری دوستانه بین ملت‌ها نیز که در پرتو اصل برابری حقوق بین ملت‌ها و حق تعیین سرنوشت تصویب شده است، تصریح شده است که: "تمامی ملت‌ها با استناد به اصل برابری ملت‌ها در حقوق و حق تعیین سرنوشت که در میثاق سازمان ملل هم آمده است، حق دارند به طور آزادانه و بدون دخالت دیگران، موقعیت سیاسی خود را تعیین کنند و به طور آزادانه به دنبال تحقق رشد اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی خود باشند و همه کشورها موظفند که مطابق مفاد این منشور به این حق احترام بگذارند".

با استناد به متن اعلامیه جهانی حقوق ملت‌ها در سال ۱۹۷۶ و همچنین ماده هشتم توافق نامه هلسینکی که در کنفرانس امنیت و همکاری اروپا در ماه اوت سال ۱۹۷۵ تصویب شده است و همچنین با استناد به بیانیه صادر شده در کنفرانس حقوق بشر وین در سال ۱۹۹۳ که تحت نظارت سازمان ملل برگزار شد و در آن بر این امر که "همه ملت‌ها حق تعیین سرنوشت دارند" تأکید شده است و همچنین بر طبق رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در مورد تعهد به حق تعیین سرنوشت که در آرا صادر شده از این دادگاه در مورد نامیبیا در ۲۱ ژوئن سال ۱۹۷۱ و صحرای غربی در ۱۶ اکتبر ۱۹۷۵ و تیمور شرقی در ۳۰ ژوئن سال ۱۹۹۳ و نظر این دادگاه در مورد استقلال کوزوو در سال ۲۰۰۸ بر لزوم اعمال این حق تأکید شده است. همچنین با استناد به پیشینه و سوابق ثبت شده در حقوق بین‌الملل که بر لزوم پایبندی به این حق اصرار و تأکید می‌ورزند مانند تأیید و به رسمیت شناختن جامعه جهانی در مورد جدایی سنگال از کشور مالی در سال ۱۹۶۰ و همچنین سنگاپور از

مالزی در سال ۱۹۶۰، و یا بنگلادش از پاکستان در سال ۱۹۷۴ و یا اریتره از اتیوپی در سال ۱۹۹۳ و ظهور کشورهای جدید در اروپای شرقی در اوایل دهه ۱۹۹۰ و جدایی جمهوریهای بالتیک و تأسیس جمهوریهای تازه استقلال یافته در نتیجه تجزیه شوروی سابق و همچنین تجزیه یوگسلاوی به چهار کشور، در تمامی این موارد جامعه جهانی اعمال حق تعیین سرنوشت از سوی این کشورهای جدا شده را به رسمیت شناخت و پذیرفت.

با استناد به همه موارد و نمونه‌هایی که در بالا ذکر شد و از همه مهمتر با استناد به قانون اساسی سال ۲۰۰۵ عراق که در دیباچه این قانون اساسی و در ماده اول آن بر این نکته تأکید و پافشاری کرده است که اجرای قانون اساسی حافظ یکپارچگی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملت عراق است و قانون اساسی ضامن وحدت عراق است و با توجه به اینکه بیشتر از ۱۵ سال از تصویب این قانون اساسی گذشته و در این مدت بیش از ۵۰ ماده آن اجرا نشده‌اند و با توجه به تشدید بحران ساختاری دولت عراق و ناتوانی این دولت در اجرای فدرالیسم در عمل که به معنای اتحاد داوطلبانه است و همچنین به دلیل اینکه برای همه مردم عراق مسجل شده است که نمیتوان دولت عراق را با زور و اجبار دوباره بنیاد نهاد و با توجه به خطرات ناشی از ادامه این وضعیت برای کردستان و با هدف تلاش برای جلوگیری از وقوع دوباره هرگونه درگیری نژادی، قومی و فرقه‌ای بین کردستان و عراق، ملت کردستان تصمیم گرفت برای تعیین نوع روابط خود با عراق بر اساس حق تعیین سرنوشت و رجوع به آرا و خواست و اراده ملت کردستان در این مورد یک همه‌پرسی برگزار کند.

تصمیم برای برگزاری رفراندوم مبنایی برای حل مشکلات و اختلافات بین کردستان و عراق با اتکا به موازین دموکراتیک و صلح طلبانه خواهد بود و

برای تاریخ.. PIV

همچنین فضایی مبتنی بر حسن همجواری و همکاریها و فعالیت‌های مشترک در تمامی زمینه‌های مفید برای مردم و ملت‌های عراق و کردستان در آینده فراهم خواهد کرد.

تصمیم برای برگزاری فرماندم که با حکم ریاست اقلیم کردستان مورد تصویب قرار گرفت، نتیجه مبارزات طولانی همه احاد ملت کردستان از همه اقوام و گروهها و مذاهب بوده و نتیجه مبارزات جنبش‌های آزادیخواهی کردستان و ثمره خونهای شهیدان و رشادتها و فداکاریهایی است که در طول عملیات انفال و بمباران شیمیایی و حملات پاکسازی قومی بر ملتمان گذشته است. در همین حال تصمیم به برگزاری فرماندم نشان افتخاریست بر مبارزه ملت کردستان در طول تاریخ برای آزادی، عدالت، برابری، حاکمیت ملی و صلح برای بشریت و دستاوردهایی که انسانها به تمدن بشری اهدا کرده‌اند. با علم به اینکه از موانع و سدهای پیش رو آگاه هستیم، تأکید می‌کنیم که ملت، منشأ و خاستگاه مشروعیت همه قدرتها و دولتهاست.

با توجه به اهمیت فرماندم و این گزینه‌ای که پیش روی مردم ما گذاشته می‌شود، تصمیم گرفتیم که اصول عمومی قانون اساسی را که مبنایی برای گزینه دولت ملی کردستان مستقل خواهد بود را تدوین و اعلام کنیم.

این اعلامیه یک خطاب و گفتمان سیاسی است که افکار عمومی داخلی و افکار عمومی منطقه‌ای و بین‌المللی و همه کشورها و دولت‌ها را مورد خطاب قرار خواهد داد. به اعتبار اینکه این سند، وثیقه‌ای علنی و تضمینی است که در آن با صراحت به اصول و مبانی عمومی در قانون اساسی کشور جدید اشاره شده است و بر ماهیت نظام سیاسی و تعهد به میثاق بین‌المللی صادرشده از سوی سازمان ملل متحد، به اصول و مبانی حقوق بشر و برقراری دولت قانون با همه اصول و نهادهای مدنی و دموکراسی مدرن وابسته به آن، تأکید شده است.

اعلامیه اصول و مبانی قانون اساسی، بدیل و جایگزین قانون اساسی نیست، چرا که در تدوین قانون اساسی همه مؤلفه‌های نژادی و دینی و مذهبی و قومی از طریق شورای مؤسسان قانون اساسی در آن مشارکت خواهند کرد و بعداً از طریق یک همه‌پرسی به رأی گذاشته خواهد شد.

در اینجا با الهام از مبارزات ملت‌مان و با احترام و وفاداری نسبت به روح شهیدانمان در طول مبارزات و جنبش‌ها و انقلاب‌های سالیان متمادیمان، اصول و مبانی عمومی قانون اساسی ملی مستقل کردستان را به شرح زیر اعلام میکنیم:

۱- جمهوری کردستان، کشوری دمکراتیک، مدنی و مبتنی بر حقوق شهروندی و حاکمیت قانون است که به کثرت‌گرایی احترام می‌گذارد و آزادی، عدالت، برابری و فرصتهای یکسان را برای تمامی شهروندان بدون هرگونه تبعیض نژادی و دینی و مذهبی تضمین می‌کند. همچنین جمهوری کردستان، دولتی ملی برای همه شهروندان کرد، عرب، ترکمن، آشوری کلدانی سریانی و ارمنی‌ست و دولت متعهد به محافظت از میراث ملی ویژه همه این اقوام و ادیان و گروههای مذهبی است و این نماد کثرت در پرچم و سرود ملی به شکلی نمایان می‌شود که منعکس‌کننده تنوع ملی و دینی و مذهبی باشد.

۲- ملت، منشأ و خاستگاه مشروعیت دولت است و این قدرت از طریق همه‌پرسی و انتخاباتی سالم اعمال می‌شود. پروسه انتخابات زیرنظر یک کمیسیون مستقل و تحت نظارت سیستم قضایی برگزار خواهد شد. این روند مطابق با یک سیستم انتخاباتی که متضمن نمایندگی عادلانه و بدون تبعیض همه شهروندان باشد، صورت خواهد گرفت. همچنین

قانون اساسی، حق داشتن نماینده و سهمیه انتخاباتی مخصوص (کوتا)* همه گروهها و اقلیت‌های قومی، دینی و مذهبی علاوه بر حق داشتن سهمیه در لیست‌های عمومی در انتخاباتها را تضمین می‌کند.

۳ - نظام سیاسی دولت، جمهوری پارلمانی دموکراتیک و متکی بر اصل توازن و اصل تفکیک بین قوای سه‌گانه قضائیه، مقننه و مجریه خواهد بود و همچنین متکی بر گردش مسالمت‌آمیز قدرت و تعددگرایی خواهد بود به‌گونه‌ای که با حقوق و آزادیهای اساسی مغایرت نداشته باشد.

۴ - دولت، حقوق همه ملیت‌ها و اقلیت‌های دینی و مذهبی و قومی را بر اساس اصل برابری بین افراد و اقلیت‌ها و گروههای مختلف قومی و مذهبی با در نظر گرفتن ویژگیهای این گروهها تضمین می‌کند که متکی بر دموکراسی و گسترش تمرکززدایی (Decentralization) و خودگردانی و خودمختاری خواهد بود که این هم از طریق ساختار و چارچوبهای مختلف و مناسب میسر خواهد بود بطوریکه پاسخگوی نیازها و مطالبات این گروهها و اقلیت‌های قومی و مذهبی باشد و تا حد فدرالیسم در سیستم اداری و سازماندهی قابل گسترش است.

* Quota: این لغت به دو معنای متفاوت به کار می‌رود: یک معنا تعداد آرایه‌های که تضمین می‌کند یک حزب یا کاندیدا، یک کرسی در حوزه انتخابیه خاص و در یک نظام تناسبی بدست آورده است و دیگری تعدادی از کرسی‌های یک نهاد انتخابی یا تعدادی از کاندیداها در لیست یک حزب یا گروه که حتما بایستی یک گروه خاص آن را پرکنند. مترجم

۵ - دولت، آزادی همه شهروندان را در انتخاب و پیروی از دین و اعتقادات و انجام آداب و مناسک دینی و مذهبی برای مسلمانان، ایزدی‌ها، مسیحیان، کاکه‌یی‌ها، یهودیان، زرتشتیان، صابئین مندائیان و پیروان سایر ادیان و مذاهب را تضمین می‌کند.

۶ - دولت کردستان بخشی از منطقه خاورمیانه است و خود را بخشی از جامعه بین‌المللی میداند و به دنبال برقراری روابط دوستانه با همه ملت‌ها و دولت‌های خاورمیانه و همه کشورهای جهان بر اساس رعایت اصل همزیستی مسالمت‌آمیز و صلح و ثبات و از بین بردن منابع تنش و خشونت و همچنین مبارزه با تروریسم و احترام گذاشتن به حاکمیت کشورها میباشد و همزمان برای برقراری روابط دوستانه بر اساس حسن همجواری و تقویت اصول عدالت و حقوق بشر و همکاری بین ملت‌ها و دولت‌ها تلاش می‌کند.

از طرف دیگر دولت کردستان خود را متعهد به رعایت معاهده‌نامه‌ها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی، بخصوص آنهایی که ویژه تعیین مرزهای یک کشور با کشورهای همسایه‌شان میباشد، می‌داند. همچنین دولت کردستان به مرزهای تاریخی و جغرافیایی کردستان جنوبی پایبند خواهد بود و برای حل مشکلاتش با دولت عراق از طریق گفتگو و دیالوگ به شکلی که صلح، امنیت و ثبات را تأمین و تحکیم کند، تلاش می‌کند و همزمان دولت کردستان در راستای کمک به پیشبرد تمدن بشری تلاش خواهد کرد.

۷ - نیروهای پیشمرگه، نیروی مسلح کردستان خواهند بود و نظریه اینکه یک سرمایه ملی و متعلق به همه آحاد این ملت میباشد، لذا باید در قالب یک نهاد ملی، ظرفیت جذب و پذیرش همه شهروندان کردستان از همه گروهها و اقلیت های مختلف نژادی، قومی، دینی و مذهبی را داشته باشد. همچنین از تأسیس میلیشیایها و هرگونه نیروی نظامی تحت هر عنوانی غیر از نیروی رسمی و قانونی مسلح کردستان ممانعت به عمل خواهد آمد.

۸ - دولت کردستان بر اساس اصل حاکمیت قانون و استقلال دادگستری (قضاء) به عنوان تضمینی اساسی جهت تحقق عدالت برای تمامی شهروندان بنیاد نهاده خواهد شد.

۹ - کلیه شهروندان از نظر حقوق، آزادیها و وظایف عمومی در برابر قانون آزاد و برابر هستند. کرامت انسانی یک حق ذاتی و نقض نشدنی است. تبعیض میان شهروندان بر اساس جنسیت، نژاد، زبان مذهب، عقیده، ثروت، موقعیت اجتماعی، موقعیت سیاسی، ازکارافتادگی، یا موارد دیگر ممنوع است. همچنین دولت، آزادی زنان و حق مشارکت آنها در مراکز تصمیم گیری را تضمین می کند و همزمان دولت، نیازها و امکانات اقشار و گروههایی که نیاز به حمایت دارند، را تضمین می کند.

۱۰ - هیچ جرمی و هیچ مجازاتی بدون تصریح قانونی وجود نخواهد داشت و متهم تا زمانیکه انجام فعل مجرمانه اش در یک دادگاه عادلانه اثبات نشود، بی گناه است و همچنین افراد غیرنظامی (شهروندان مدنی) نباید در دادگاه های ویژه

(استثنایی) یا دادگاههای نظامی محاکمه شوند. به علاوه بدون حکم قضایی قبلی نمیتوان کسی را بازرسی، بازداشت و یا زندانی نمود و همچنین دولت، حق آزادی انتخاب محل اقامت و آزادی رفت و آمد را برای تمامی شهروندان تضمین می کند.

۱۱ - تابعیت کردستان جزء حقوق ذاتی کلیه شهروندان این دولت است و لغو تابعیت و اخراج و تبعید شهروندان یا ممانعت از بازگشت شهروندان مجاز نخواهد بود.

۱۲ - دولت، آزادی عقیده و آزادی عمل به مناسک و آیینهای مذهبی را تضمین می کند و از عبادتگاهها محافظت خواهد کرد.

۱۳ - آزادی اندیشه و آزادی بیان و آزادی مطبوعات و رسانهها تضمین می شود به شرطی که مخل و مانع آزادی زندگی خصوصی و حقوق اقلیتها نشود. همچنین هرگونه سانسور، مصادره و یا تعلیق رسانهها ممنوع است مگر با حکم مسبوق دادگاه آنها برای مدت مشخص.

۱۴ - حق تأسیس احزاب، اتحادیهها و سندیکاها و فدراسیونها و انجمنها و نهادهای مدنی و سازمانهای غیرانتفاعی و خصوصی و همچنین حق برگزاری تظاهرات و راهپیماییهای مسالمت آمیز و حق اعمال اصول و مبانی آزادیهای اساسی بدون نقض و پایمال کردن حقوق دیگران، محفوظ است.

۱۵ - دولت در سیاستهای خود به توسعه پایدار و اصول حسن حکمرانی و شفافیت و زمینه‌سازی برای حضور فعال شهروندان اتکا می‌کند و برای محافظت از میراث ملی همه مردم و گروهها و اقوام و اقلیت‌ها کوشش می‌کند. همچنین دولت خود را متعهد به حفاظت از منابع طبیعی (نفت، گاز و منابع آب و مواد معدنی) میداند زیرا که این موارد جزو اموال عمومی ملت هستند و باعث تحقق رفاه اجتماعی و تأمین نیازهای اساسی مردم خواهند شد. همچنین دولت تشویق به جذب سرمایه و حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و حمایت از رقابت آزادانه و جلوگیری از انحصار و حفاظت از محیط زیست را جزء اهداف و برنامه‌های خود قرار داده است.

۱۶ - حقوق مالکیت خصوصی مصون و محفوظ است و نقض حقوق مالکیت خصوصی جز با حکم دادگاه و تنها در صورت جبران عادلانه خسارات، مجاز و ممکن نیست.

۱۷ - هر شهروندی حق تصدی پست‌های دولتی را دارد و حق کار و فعالیت اقتصادی تضمین می‌شود. همچنین دولت برای ایجاد فرصت‌های شغلی برای شهروندان تلاش خواهد کرد و همچنین متعهد به تعیین حداقل دستمزد است بطوریکه که حداقل استاندارد یک زندگی که متناسب با شأن انسانی شهروندان است، را داشته باشد.

۱۸ - آموزش مقدماتی اجباری است و دولت بر کلیه مؤسسات آموزش عمومی و خصوصی و غیر انتفاعی نظارت می‌کند، به گونه‌ای که محافظت از تعلق و وابستگی به میهن، هویت و

فرهنگ را تضمین می کند. همچنین دولت برای تضمین حق تحصیل، آزادیهای آکادمیک و دانشگاهی، تحقیقات علمی، خلاقیت، نوآوری، دسترسی به دانش، گردش و انتشار اطلاعات و مشارکت در عرصه های هنری و فرهنگی در انواع و اشکال مختلف آن تلاش می کند. به علاوه دولت، استقلال دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی و علمی را تضمین می کند و به فراهم کردن فرصت آموزش رایگان در مؤسسات آموزشی خود پایبند خواهد بود.

۱۹ - حریم زندگی خصوصی هر کسی، مکاتبات و مکالمات تلفنی، ارتباطات الکترونیکی و اطلاعات آنها و سایر وسایل ارتباطی اشخاص، محفوظ و خدشه ناپذیر است و تخلف و تجاوز به حریم خصوصی افراد یا جلوگیری از اعمال این حق از طرف افراد ممنوع است مگر با حکم قضایی آنها برای مدت معلوم.

۲۰ - حقوق شهروندان برای تأمین زندگی ایمن و محیطی پاک و عاری از آلودگی و حق تغذیه سالم و مسکن مناسب و مراقبت های بهداشتی و ورزش و حق داشتن بیمه در برابر بیکاری، بیماری و از کارافتادگی و پیری مطابق با الزامات عدالت و همبستگی اجتماعی محفوظ است.



اسناد

A large, stylized fingerprint pattern in a light beige color serves as the background for the entire page. The ridges are clearly defined and flow across the top and bottom sections.

سند شماره ۱

ریاست اقلیم کردستان

حکم ریاست اقلیم

شماره (۱۰۶)، سال ۲۰۱۷



جمهوری عراق
اقلیم کردستان
رئیس اقلیم کردستان

حکم ریاست اقلیم
ژماره (۱۰۶)

با استناد به قانون ریاست اقلیم کردستان شماره (۱) اصلاحیه سال ۲۰۰۵ و با توجه به منافع عمومی و با اتکا به اصول حق تعیین سرنوشت که توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد و دیگر قوانین برگرفته از حقوق بین الملل برای همه مردم و ملت های جهان تصویب شده است و به دلیل اینکه ملت کردستان نیز ملتی ست که از نظر سرزمین، زبان، فرهنگ، تاریخ و هویت با همه گروهها و اقلیت های نژادی و قومی و دینی و مذهبی اش، تمامی مؤلفه های لازم برای تعریف یک ملت را داراست، مطابق با تمام معیارها و موازین بشردوستانه بین المللی، حق تعیین سرنوشت و آینده خود را دارد.

ملت کردستان از زمان تأسیس کشور عراق برای تحکیم حقوق خود و در چارچوب همزیستی صلح آمیز با دیگر ملت های عراق، تلاش و مبارزه کرده است با این هدف که از وجود خود به عنوان یک ملت محافظت کند.

مبارزات طولانی و جنبش‌های آزادیخواهی ملت کردستان طی دهه‌های متمادی، در چندین مرحله برخی وعده‌ها و پروژه‌های سیاسی را از طرف حکام عراق به ملتمان به دنبال داشته است، هرچند این حقوق و وعده‌ها با اهداف و میزان ایثار و فداکاریها و قربانیان و مبارزات ملت کردستان متناسب نبوده است، به عنوان مثال نمونه‌هایی از این وعده‌ها و پروژه‌ها میتوان به بیانیه بریتانیایی - عراقی در سال ۱۹۲۲ درباره تأسیس یک دولت کردی، قانون زبانهای محلی شماره (۷۴) سال ۱۹۳۱، اعلامیه رسمی عراق درباره تعهداتش به جامعه ملل، تعهد عراق به آموزش به زبان کردی در کردستان، ماده (۳) از قانون اساسی موقت عراق در سال ۱۹۵۸، پروژه نظام غیر متمرکز اداری در سال ۱۹۶۳ و بیانیه ۲۹ ژوئن ۱۹۶۶ در همین رابطه، قانون خودمختاری به شماره ۲۳ برای کردستان عراق در سال ۱۹۷۴، ماده (۵۸) از قانون اداره دولت در دوران گذار (دولت انتقالی) در سال ۲۰۰۴ اشاره کرد. همانطور که گفته شده علی‌رغم متناسب نبودن و هم‌سطح نبودن این تعهدات و موافقت‌نامه‌ها با میزان قربانیها و مبارزات ملت کرد، ولیکن حکومت‌های متوالی عراق نه تنها این تعهدات و توافقات نامتناسب را هم نقض کرده و از تعهد و پایبندی به آنها سر باز می‌زدند بلکه در بسیاری از موارد مطالبات و خواسته‌های مشروع ملت کردستان را با داغ و درفش و کشتار و خشونت و قساوت پاسخ میدادند که منجر به نتایج فاجعه‌بار و ویرانیهای بسیاری برای مردم کردستان شده است از جمله نسل‌کشی کردها تحت عنوان عملیات ننگین انفال، کوچاندن و اسکان اجباری در سرزمینهای دیگر، تخریب روستاها و مناطق

کردنشین و از بین بردن زیرساخت‌های اقتصادی کردستان، استعمال گازه‌های شیمیایی ممنوع شده بین‌المللی علیه غیرنظامیان کردستان.

بعد از آزادسازی عراق در سال ۲۰۰۳ و سقوط رژیم بعث هم که فرصت جدیدی فراهم شد تا عراق بر پایه دموکراسی، نهادگرایی و حقوق شهروندی برای محافظت از حقوق همه گروه‌های مختلف قومی، نژادی و دینی و مذهبی بنا شود، ملت کردستان هم علیرغم تمامی مصائب و دشواریها و مرارت‌هایی که در طی سالیان دراز و در طول مبارزات متحمل شده بود، تصمیم گرفت که بطور فعال در تأسیس عراق جدید و تهیه پیش‌نویس قانون جدید در سال ۲۰۰۵ شرکت کند. قانون اساسی که مبنای ساخت یک دولت دموکراتیک فدرال بر پایه پارلمان کثرت‌گرا و بر اساس اصل اتحاد داوطلبانه و تهیه و تدوین مبانی حقوق گروه‌ها و اقلیت‌های گوناگون و مبنایی برای حل مشکلات تاریخی کشور گردید، اما با این وجود پس از گذشت چندین سال از تصویب این قانون اساسی، عراق همچنان آکنده از موارد نقض آشکار قوانین و همچنین نقض بندها و ماده‌های متعدد قانون اساسی است، آن قانون اساسی که بنیان تأسیس عراق جدید با هدف تقسیم حقوق و اختیارات بین مرکز و اقلیم، بر پایه آن بنا نهاده شده بود.

مهمترین مبانی و پایه‌های سیستم فدرالی، تقسیم و بازتوزیع درآمدها و تعیین مرزهای اقلیم کردستان است. اما در عمل در بعد مالی، بودجه اقلیم کردستان قطع شد و در موضوع تعیین مرزها هم با وجود اینکه مناطق کردستانی خارج از اداره اقلیم از نظر تاریخی و جغرافیایی و

جمعیتی جزئی از اقلیم کردستان محسوب میشوند، اما رهبری سیاسی کردستان برای نشان دادن حسن نیت خود و حل آشتی‌جویانه این مسأله، با تصویب و اجرای ماده ۱۴۰ قانون اساسی موافقت کرد. ماده ۱۴۰ قانون اساسی نقشه راهی را برای حل این مسأله تعیین کرده بود و می‌بایست تا سال ۲۰۰۷ و در آخرین مرحله با همه‌پرسی در مناطق مورد منازعه به پایان برسد تا ساکنان این مناطق بتوانند آزادانه در مورد آینده خود تصمیم‌گیری کنند. رهبری سیاسی اقلیم کردستان در چندین مناسبت جداگانه تأکید کرده‌اند که نتیجه این همه‌پرسی هر چه که باشد، آن را خواهند پذیرفت، اما دولت عراق آن را هم اجرا نکرد.

همچنین دولت عراق از تشکیل شورای فدرال که طبق ماده (۶۵) قانون اساسی باید تأسیس می‌شد، هم امتناع کرد. لذا همانطور که در دیباچه قانون اساسی آمده است ملت‌های عراق مشتمل بر تمام گروه‌ها و مؤلفه‌های مختلف قومی، دینی و مذهبی‌اش آزادانه و بطور اختیاری این اتحادیه را انتخاب کرده‌اند و "تعهد به قانون اساسی حافظ اتحادیه اختیاری (داوطلبانه) عراق و مردم و سرزمین و حاکمیت آن می‌باشد" و در مقابل نقض ماده‌ها و بندهای این قانون اساسی باعث دورشدن و جدایی از آن خواهد شد. استمرار وضع موجود و اصرار ورزیدن حکومت و رهبری سیاسی عراق بر عدم پایبندی به مفاد قانون اساسی و به حاشیه راندن حقوق و مطالبات ملت کردستان و نظر به شرایط حساس و ویژه منطقه و جهان بطور کلی و عراق بطور اخص، نیاز به یک تصمیم قاطع برای آینده این ملت را هر چه بیشتر ضروری و مبرم می‌سازد. لذا پس از

گفتگو و مشورت با احزاب و گروه‌های مختلف سیاسی کردستانی (از همه گروه‌ها و مؤلفه‌های قومی، نژادی و مذهبی) در تاریخ ۲۰۱۷/۶/۷ به این نتیجه رسیدیم که باید برای تعیین سرنوشت و آینده ملت‌مان به عقیده و آرا مردم و ملت‌مان مراجعه کنیم. و با استناد به این اصول و مبانی تصمیم گرفتیم که:

۱ - برگزاری رفراندم در تاریخ ۲۰۱۷/۹/۲۵ در سراسر اقلیم کردستان و کلیه مناطق کردستانی خارج از اداره اقلیم.

۲ - روند رفراندم در چارچوب یک رأی عمومی، آزاد، مستقیم و مخفی صورت خواهد گرفت. روند رأی‌گیری از ساعت هشت صبح شروع شده و در ساعت ۶ بعدازظهر به پایان خواهد رسید.

۳ - با هدف اعمال حق تعیین سرنوشت، شرکت‌کنندگان در فرایند رفراندم با علامت‌زدن در مقابل یکی از گزینه‌های آری یا خیر پاسخ این پرسش را خواهند داد که:

آیا می‌خواهید اقلیم کردستان و مناطق کردستانی خارج از اداره اقلیم کردستانی، یک کشور مستقل باشد؟

- آری

- خیر

۴ - رأی‌دهنده باید طبق قانون و مقررات مربوطه واجد شرایط رأی‌دادن باشد.

۵ - همه توضیحات لازم برای رأی دادن باید به طور واضح به تمامی زبانهای کردی، عربی، ترکمنی و سریانی در برگه اخذ رأی چاپ شده باشد.

۶ - گزینه‌ای که اکثریت آرا را به دست آورد، برنده محسوب می‌شود و به عنوان خواست و اراده همه مردم کردستان (از همه گروهها و مؤلفه‌های نژادی، قومی و مذهبی) اعلام خواهد شد.

۷ - ثبت نام رأی دهندگان و تبلیغات و روند رأی دهی و جرایم انتخاباتی، مطابق مفاد احکام تصویب شده در قانون اصلاحی انتخابات پارلمانی شماره (۱) سال ۱۹۹۲ و مقررات مربوطه تنظیم خواهند شد.

۸ - کمیسیون عالی مستقل انتخابات و فراندم، وظیفه پذیرش و نظارت بر تهیه فهرست رأی دهندگان و جداسازی و شمارش آرا و اعلام نتایج آنها را بر عهده خواهد داشت و تمامی این اقدامات مطابق اصول و موازین و قوانین و مقررات مربوطه و استانداردهای بین‌المللی خواهد بود.

۹ - جهت برگزاری این پروسه (فراندم)، کمیسیون عالی مستقل انتخابات و فراندم با شورای عالی فراندم در کردستان هماهنگی‌های لازم را به عمل خواهند آورد.

۱۰ - هیچ نهاد و سازمان دولتی یا حزبی حق دخالت در روند برگزاری فراندم و وظائف و مسئولیتهای مدیران و برگزارکنندگان فراندم را ندارد و به هیچ شخص یا گروهی اجازه داده نخواهد شد که در کارها و وظائف و اختیارات کمیسیون عالی مستقل انتخابات و فراندم که بر طبق قوانین مربوطه کارهایشان را با رعایت اصول استقلال، بی‌طرفی، عدالت و امانت‌داری و شفافیت انجام میدهند، دخالت کنند.

۱۱ - مقامات ذیصلاح و نهادهای مربوطه باید فضای لازم را برای مشارکت همه مردم و آزادی اجتماعات و رفت و آمد و رأی دهی بر طبق قوانین جاری فراهم کنند و با کمیسیون عالی مستقل انتخابات و رفراندم برای تسهیل روند رأی دهی هماهنگی های لازم را به عمل بیاورند.

۱۲ - زمینه لازم برای مشارکت ارگانهای رسمی و غیررسمی بین المللی، سازمانهای جامعه مدنی و رسانه ها برای نظارت بر کلیه مراحل تبلیغات و روند رأی گیری جداکردن و شمارش آرا و اعلام نتایج فراهم خواهد شد.

۱۳ - کمیسیون عالی مستقل انتخابات و رفراندم زمینه لازم برای مشارکت جامعه کردهای خارج از کشور برای شرکت در رفراندم را فراهم خواهد کرد.

مسعود بارزانی

رئیس اقلیم کردستان

اربیل

۲۰۱۷/۶/۸

جمهورية العراق
 إقليم كوردستان
 الرئيس



كۆماری عێراق
 هەرێمی كوردستان
 سەرۆك

فهرمانی هەرێمی

ژماره (۱۰۶)

پاڤڤشت به ياسای سەرۆكایهتی هەرێمی كوردستان ژماره (۱) ی سالی ۲۰۰۵ ی ههواركراو، و به لهههچاوكرتنی بهرژوههندی گشتی و پشت بهست به بنه‌مای مافی چاره‌ی خۆنووسین كه مافیکی دانپینراوه له‌لایهن كۆمه‌له‌ی گشتی نه‌توه به‌كگرتوه‌كان و ياسا نیوده‌وله‌تییه‌كان بۆ گه‌لانی جیهان و نه‌توه‌كان، و به‌و پێیه‌ی گه‌ل كوردستان گه‌لیکی خاوه‌ن هه‌موو تابه‌ته‌ندییه‌كانی خۆیه‌تی له‌ رووی خاك و زمان و كلتور و میژوو و شوناس و گشت بنه‌ماکانی پیناساندنی وه‌كو گه‌فێك به‌ هه‌موو پێگه‌اته‌كانییه‌وه، به‌ هه‌موو پێوه‌ره‌ مرۆیی و نیوده‌وله‌تییه‌كان مافی هه‌یه‌ به‌یار بدات له‌سه‌ر دیاریكردنی جۆری ژيان و داماتوری خۆی.

گه‌ل كوردستان هه‌ر له‌ دروستبوونی ده‌وله‌تی عێراقه‌وه‌ خه‌بات و تێكۆشانی كردووه بۆ چه‌سپاندنی مافه‌كانی و بۆ پێكه‌وه‌ ژيانیه‌کی ناشتیانه‌ له‌گه‌ل گه‌لانی تری عێراقی، بۆ ئه‌وه‌ی بوونی وه‌كو گه‌لیك پاریزرای بی‌ت. له‌ ئه‌نجامی خه‌باتی ده‌یان سه‌له‌ی پزوتسه‌وه‌ی رزگاریخوازی گه‌ل كوردستان، له‌ چه‌ندین قۆناغه‌دا هه‌ندێك پرۆژه و به‌لێنی پیندراون له‌لایهن ده‌سه‌لاتدارانی عێراقه‌وه، هه‌رچه‌نده‌ ئه‌و ماف و به‌لێنانه‌ به‌ ته‌واوی نه‌ده‌گونجان له‌گه‌ل ئامانجه‌كان و قوربانیدانی گه‌له‌كه‌مان. نموونه‌ بۆ ئه‌م پرۆژه و به‌لێنانه‌ ده‌كرێت ئاماژه‌ بدری به‌ به‌یانی به‌ریقانی - عێراقی له‌ سالی ۱۹۲۲ ده‌رباره‌ی دامه‌زراندنی كه‌ومه‌تیکی كوردی، ياسای زمانه‌ خۆجێیه‌كان ژماره (۷۴) ی سالی ۱۹۳۱، لیدوانی فه‌رمی عێراق ده‌رباره‌ی به‌لێنه‌كانی عێراق بۆ كۆمه‌له‌ی نه‌توه‌كان، په‌یوه‌ستیوونی عێراق به‌ جێبه‌جێكردنی خۆیندنی كوردی له‌ كوردستاندا، ماده‌ده‌ی (۲) له‌ ده‌ستووری كاتی عێراقی سالی ۱۹۵۸، پرۆژه‌ی لیداره‌ی لامه‌رگه‌زی له‌ عێراق له‌ سالی ۱۹۶۳، به‌یانی ۲۹ ی خوزه‌یرانی سالی ۱۹۶۶، رێككه‌وتنه‌مه‌ی ۱۱ ئازاری سالی ۱۹۷۰، ياسای نۆتۆنۆمی ژماره (۲۳) بۆ

جمهورية العراق
تقليم كوردستان
الرئيس



كوردستان عيراق
هه ريجي كوردستان
سه روك

كوردستان - عيراق سالی ۱۹۷۴ ، ماددهی ۵۸ له یاسای بهرپۆهبردنی دهولت له قۇناغی گواستنهوه سالی ۲۰۰۴ .

حكومهتە یەك له‌دوای یەكەكانی عیراق نەك هەر بەلگەنامەكانیان پیشیل كردوو و پشتگۆی خستوو، بەلكو وه‌لامی داواكارییەكانی گەلی كورد بۆ مافه ره‌واكانیان به ناگر و ناسن داوه‌توه ، و نه‌نجامه‌كە‌ی كاره‌سات و مالویرانی بووه بۆ كوردستان، وه‌ك جینۆسایدكردنی گەلی كورد له‌ژێر ناوی نه‌نفال، راگواستنه‌وه‌ی و نیشه‌ته‌جێكردنی ژۆره‌ملی، خاپووركردنی گوند و ناواییه‌كان و ژێرخانی ئابووری، و به‌كارهێنانی گازی ژه‌هراوی قه‌دهغه‌كراو له‌سه‌ر ئاستی نیۆدهولەتی له‌ دژی خەلكی سیفیل.

هه‌روه‌ها دوا‌به‌دوای پڕۆسه‌ی رزگارکردنی عیراق له‌ سالی ۲۰۰۲ و روخانی رژیمی پیشووی به‌عس، و ها‌ته‌هه‌ پێشه‌وه‌ی ده‌ره‌فتیکی نوێ بۆ بنیادنانی عیراق له‌سه‌ر بنه‌مای دیموکراتی و دامه‌زراوه‌یی و ها‌ولاتی‌بوون كه‌ مافی هه‌موو پێكهاته‌كان تێیدا پارێزراو بێت، گەلی كوردستان سه‌ره‌پای هه‌موو نه‌هه‌مەتی و قوربانیدانی، به‌شدارییەکی كارای كرد له‌ رێگه‌ی نوێنه‌ره‌كانییه‌وه‌ بۆ بنیادنانی عیراقي نوێ و دارشتتی ده‌ستووری عیراقي له‌ سالی ۲۰۰۵ كه‌ بووه‌ بناغه‌یه‌ك بۆ دروستکردنی ده‌ولەتی دیموکراتی فیدرالی په‌رله‌مانی فره‌حیزی له‌سه‌ر بنه‌مای پره‌نسیپی یه‌كێتی ئاره‌زومه‌ندان، و دیاریکردنی بنه‌ما‌كانی پاراستنی مافی پێكهاته‌كان و چاره‌سه‌ركردنی كیشه‌ میژووییە‌كانی وولات، به‌لام له‌دوای تێپه‌رپوونی چه‌ندین سال له‌ ته‌مه‌نی ئەم ده‌ستووره‌ ، عیراق هێشتا په‌ له‌ پیشیلکاری زه‌قی یاسایی و ده‌ستووری و ئەو بنه‌مایانه‌ی كه‌ ده‌ولەتی نوێی عیراقي له‌سه‌ری دامه‌زرا له‌ دابه‌شکردنی ماف و ده‌سه‌لاته‌كان له‌ نیوان ناوه‌ند و هه‌رێم.

گرنگترین پایه‌كانی سیسته‌می فیدرالی دابه‌شکردنی دا‌هات و دیاریکردنی سنووری هه‌رێمی كوردستانه‌ . له‌رووی داراییه‌وه‌ بودجه‌ی هه‌رێم به‌ردا. له‌رووی دیاریکردنی سنووره‌وه‌، هه‌رچه‌نده‌ ناوچه‌ كوردستانییه‌كانی ده‌ره‌وی ئیداره‌ی هه‌رێم له‌رووی میژوو و جوگرافیا و دیموگرافییه‌وه‌

جمهورية العراق
 إقليم كوردستان
 الرئيس



کۆماری عێراق
 هه‌ریعی کوردستان
 سه‌رۆک

به‌شێکن له کوردستان، به‌لام سه‌رکردایه‌تی سیاسی کوردستان بۆ سه‌لماندنی ئیه‌تپاکی و چاره‌سه‌رکردنی ناشتیانی پڕۆسه‌که‌ ره‌زامه‌ند بوون له‌سه‌ر ناوه‌رۆکی ماده‌ی (١٤٠) ی ده‌ستور که نه‌خشه‌ رێگایه‌کی دانا و ده‌بوايه تا کۆتایی سالی ٢٠٠٧ پڕۆسه‌ی راپرسی گشتی ئه‌نجام بدریت، تاوه‌کو دانیشتیوانی ئه‌و ده‌قهرانه به‌ ویستی نازادانه‌ی خۆیان بپار له‌سه‌ر داهااتوی خۆیان بدن. و سه‌رکردایه‌تی کوردستان چه‌ندین جار دووپاتیان کرده‌وه که پابه‌ندن به‌ نه‌نجامی راپرسیه‌که هه‌رچه‌یه‌ک بێت، به‌لام حکومه‌تی عێراقی جێبه‌جێی نه‌کرد. هه‌روه‌ها دروستکردنی ئه‌نجومه‌نی فیدرالی‌ش به‌پێی ماده‌ی (٦٥) ی ده‌ستور پشتگۆی خرا.

هه‌روه‌ک له‌ دیباچه‌ی ده‌ستوردا هااتوه‌وه که‌لانی عێراق به‌ نازادی و ئاره‌زوومه‌ندانه ئه‌م یه‌کێتییه‌یان هه‌لبژاردوه، و "پابه‌ندبوون به‌م ده‌ستوره‌ یه‌کێتی ئاره‌زوومه‌ندانه‌ی عێراق و گه‌له‌کی و خاکه‌کی و سه‌ره‌وه‌رییه‌کی ده‌پاریژی". به‌ پێچه‌وانه‌وه پێشێلکردنی به‌نده‌کانی ده‌بیته‌ هۆکاری لیک‌تازان.

به‌هۆی به‌رده‌وامبوونی حکومه‌ت و سه‌رکردایه‌تی سیاسی عێراقی له‌سه‌ر سیاسه‌تی پێشێلکردن و پابه‌ندنه‌بوون به‌ ناوه‌رۆکی ده‌ستور، و پشتگۆخستنی ماف و داواکارییه‌کانی گه‌لی کوردستان، و به‌ پێیه‌ی باروودۆخی ناوچه‌که و جیهان به‌ گشتی و عێراق به‌ تایبه‌تی واده‌خواریت بپاریژی یه‌کلاکه‌روه‌ه بدریت بۆ داهااتوی ئه‌م گه‌له، و دوابه‌دوای کۆبوونه‌وه و رابوێ له‌گه‌ڵ لایه‌نه‌ سیاسییه‌کانی کوردستان به‌ گشت پێکهاته‌کانیه‌وه له‌ رۆژی ٢٠١٧/٦/٧، گه‌یشتینه ئه‌و ده‌ره‌نجامه‌ی که پێویسته‌ بگه‌ڕێنه‌وه بۆ را و ئیراده‌ی گه‌له‌که‌مان بۆ بپاریدان له‌سه‌ر چاره‌نووس و داهااتوی خۆیان، و له‌سه‌ر ئه‌و بنه‌مایانه‌ بپاریماندا به‌:

١. ئه‌نجامدانی راپرسی گشتی له‌ رۆژی (٢٠١٧/٩/٢٥) له‌ سه‌رتاسه‌ری هه‌ریعی کوردستان و ناوچه‌ کوردستانیه‌کانی ده‌ره‌دی ئیاده‌ی هه‌ریعی.
٢. پڕۆسه‌ی راپرسی به‌ ده‌نگدانێکی گشتی نه‌هێنی راسته‌وخۆی نازاد ئه‌نجام ده‌دریت. پڕۆسه‌که له‌ کاتژمێر مه‌شتی به‌یانی ده‌ستپێده‌کات و تا شه‌شی ئیواره به‌رده‌وام ده‌بیت

جمهورية العراق
(قلم كورستان
الرئيس)



گۆماری عێراق
هه‌رێمی کورستان
سه‌رۆک

۲. به مه‌به‌ستی جێبه‌جێ کردنی مافی چاره‌نوس، به‌شداربوونی پرۆسه‌که به به‌ئێ یان نه‌خێر وه‌لامی ئهم پرسپاره‌ی لای خواره‌وه ده‌ده‌وه ، ئه‌ویش به دانانی هێمای راست به‌رامبه‌ری.
- ئایه ده‌توێ هه‌ریێمی کوردستان و ناوچه کوردستانییه‌کانی ده‌ره‌وه‌ی ئیداره‌ی هه‌ریێم بیه‌تته ده‌وله‌تیکی سه‌ربه‌خۆ؟

– به‌ئێ

– نه‌خێر

۴. پێویسته ده‌نگه‌ر شیای ده‌نگدانی تێدا بێت به‌پێی یاسا و رێنماییه‌ په‌یره‌وکه‌راوه‌کان.
۵. کارتێ ده‌نگدان به‌ زمانه‌کانی کوردی و عه‌ره‌بی و تورکمانی و سه‌ریانی به‌ شیوه‌ی چاپکه‌راو به‌ روونی ده‌نوسرێت.
۶. ئه‌و بژاره‌یه‌ی که زۆریه‌ی ده‌نگ وه‌رده‌گرێت به‌ براوه‌ ئه‌ژمار ده‌کرێت، و ده‌یه‌ته ئیرا ده‌ی گه‌شتی گه‌لی کوردستان به‌ گه‌شت پێکهاته‌کانیه‌وه.
۷. سه‌باره‌ت به‌ تۆماری ده‌نگه‌ران و ریکلام و ده‌نگدان و تاوانی هه‌لبژاردن ئه‌و ئه‌حکامانه‌ی له یاسای هه‌لبژاردنی په‌رله‌مانی کوردستان ژماره (۱) ی سالی ۱۹۹۲ ی هه‌مواره‌که‌راو و یاسا په‌یوه‌ندیاره‌کاندا هاتوون جێبه‌جێ ده‌کرێن.
۸. کۆمسیۆنی بالای سه‌ربه‌خۆی هه‌لبژاردن و پاپرسی له کوردستان هه‌نده‌ستیت به‌ ئه‌نجامدان و سه‌ره‌رشته‌ی کردنی پاپرسیه‌که و ئاماده‌کردنی تۆماری ده‌نگه‌ران و جیاکردنه‌وه و ژماردنی ده‌نگه‌کان و بلأوکردنه‌وه‌ی ئه‌نجامه‌کانی. له‌م باره‌یشه‌وه په‌یره‌وی رێنمایی و ئه‌حکامی یاسا په‌یوه‌ندیاره‌کان و ستانده‌ره جیهانییه‌کان ده‌کات.
۹. کۆمسیۆنی بالای سه‌ربه‌خۆی هه‌لبژاردن و پاپرسی هه‌ماهه‌نگی ده‌کات له‌گه‌ل ئه‌نجومه‌نی بالای پاپرسی له کوردستان بۆ جێبه‌جێکردنی پرۆسه‌که.
۱۰. دامه‌زراوه‌ حکومه‌یه‌کان و حیزبییه‌کان بۆیان ئییه به‌هیچ شیوه‌یه‌ک له شیوه‌یه‌کان ده‌ستیه‌وه‌ردان بکه‌ن له کاروباری به‌رپرسیان و سه‌ره‌رشته‌یاران و ئه‌نجامده‌رانی پرۆسه‌ی پاپرسی، و رینگا نادریت هیچ که‌س و لایه‌نێک ده‌ستبخته‌ ناو کاروبار و ده‌سه‌لاته‌کانی کۆمسیۆنی بالای

جمهورية العراق
 إقليم كوردستان
 الرئيس



كۆماری عێراق
 هه‌ڕه‌جی كوردستان
 سه‌رۆك

سه‌ربه‌خۆی هه‌لبژاردن و راپرسی له کاتی نه‌جامدانی نه‌رکه‌کانی به بێلایه‌تانه و سه‌ربه‌خۆیی و ده‌ستپاکی و ئاشکراییی ته‌واو به پێی یاساکان.

۱۱. لایه‌نه په‌یوه‌ندیداره‌کان باری پێویست ده‌رپه‌خسێنن بۆ به‌شداری کردنی تیکرای نه‌ندامانی گه‌ل و گه‌رمته‌ی ئازادی راده‌برپین و گه‌ردبو‌نه‌وه و هاتوچۆ و ده‌نگدان به پێی یاسا په‌یره‌وکراره‌کان ده‌کهن ، و ئاسانکاری و هه‌ماهه‌نگی ده‌کهن له‌گه‌ڵ کۆمسیۆنی بالایی سه‌ربه‌خۆی هه‌لبژاردن و راپرسی بۆ په‌ریوه‌چوونی پرۆسه‌که.

۱۲. مسۆگه‌رکردنی به‌شداریکردنی لایه‌نه په‌یوه‌ندیداره بیانییه فه‌رمی و ناهه‌رمیه‌کان و رێخه‌راوه‌کانی کۆمه‌نگه‌ی مه‌ده‌نی و میدیا له‌ چاودێریکردنی گه‌شت کاروباری ریکلام و په‌ریوه‌چوونی ده‌نگدان و جیاکردنه‌وه و ژماردنی ده‌نگه‌کان و بلۆکردنه‌وه‌ی نه‌تجاهه‌کان.

۱۳. کۆمسیۆنی بالایی سه‌ربه‌خۆی هه‌لبژاردن و راپرسی کار ده‌کات بۆ ره‌خساندنی بوار بۆ به‌شداری ره‌وه‌ندی کوردستانی له‌ ده‌روه‌ له‌م راپرسیه‌دا.


 مسعود بارزانی

سه‌رۆکی هه‌ریه‌می کوردستان

هه‌ریه‌ر

۲۰۱۷/۶/۸



سند شماره ۲



ریاست اقلیم کردستان



شماره (۴)، سال ۲۰۱۷



جمهوری عراق
 اقلیم کردستان
 رئیس اقلیم

حکم شماره ۴
 سال ۲۰۱۷

پیرو جلسات شورای عالی فرماندم در تاریخ ۲۰۱۷/۸/۲۳ و ۲۰۱۷/۸/۲۷ و با هدف سازماندهی بیشتر کار شورا، موارد زیر مورد تصویب قرار گرفته شدند:

اول: تشکیل دبیرخانه شورا:

الف - تشکیل دبیرخانه شورای عالی فرماندم به سرپرستی آقای (فؤاد حسین) رئیس دفتر ریاست اقلیم و عضویت آقایانی که اسامی آنها در زیر ذکر شده است:

- ۱ - هوشیار زیبایی
- ۲ - سعدی احمد پیره
- ۳ - خلیل ابراهیم
- ۴ - عبدالرحمن فارس (ابو کاروان)
- ۵ - بهمن حسین
- ۶ - نمایندگان اقلیتهای اقلیم کردستان
- ۷ - دلشاد شهاب (نماینده هیأت وزیران)
- ۸ - نماینده‌ای از پارلمان کردستان

ب - وظائف و مسئولیتهای دبیرخانه به شرح زیر میباشد:

- ۱ - تدوین و مستندسازی جلسات شورای عالی رفرا ند م.
- ۲ - تهیه دستور جلسه شورای عالی رفرا ند م.
- ۳ - تصمیمات شورای عالی رفرا ند م را پیگیری کرده و اعضای شورای عالی رفرا ند م را از نتایج کارهایش مطلع سازد.
- ۴ - هماهنگی با دولت فدرال عراق، کشورهای خارجی و کشورهای همجوار و کشورهای دیگر منطقه و سازماندهی سفرهای هیأت مذاکره کننده.

دووه م: تشکیل کمیته اطلاع رسانی.

الف - تشکیل کمیته اطلاع رسانی تحت نظارت آقای (ملا بختیار) و عضویت آقایانی که اسامی آنها در زیر آمده است:

- ۱ - محمود محمد / رئیس دفتر اطلاع رسانی حزب دمکرات کردستان عراق.
- ۲ - یحیی ریشاوهیی / رئیس دفتر اطلاع رسانی اتحادیه اسلامی کردستان عراق.
- ۳ - هندربین احمد / رئیس دفتر اطلاع رسانی حزب کمونیست کردستان عراق.
- ۴ - هیوا سید سلیم / رئیس دفتر اطلاع رسانی حزب زحمتکشان کردستان عراق.
- ۵ - نمایندگان اقلیت های کردستان عراق.
- ۶ - عبدالله انور عبدالله / ریاست اقلیم کردستان عراق.
- ۷ - زکری موسی وسو / ریاست اقلیم کردستان عراق.

ب. کمیته اطلاع رسانی وظائف و مسئولیتهای زیر را بر عهده خواهد داشت:

- ۱ - تهیه و تدوین برنامه ها و فعالیت های رسانه ای در سطوح داخلی، منطقه ای و بین المللی.

- ۲ - اطلاع‌رسانی به شهروندان در مورد روند و چگونگی برگزاری رفراندم.
 ۳ - تشویق و ترغیب شهروندان کردستان برای شرکت در روند رفراندم.

سوم: انتخاب آقای فؤاد حسین (رئیس دفتر ریاست اقلیم) به عنوان سخنگوی شورای عالی رفراندم.

چهارم: تهیه پیش‌نویس (سند ویژه) حقوق اقلیت‌ها در کشور آینده کردستان تحت نظارت و سرپرستی آقای خلیل ابراهیم.

پنجم: تهیه پیش‌نویس (اعلامیه مبانی اساسی کشور) در کشور آینده کردستان تحت نظارت و سرپرستی دکتر کاوه محمود.

ششم: اعزام هیأتی برای دیدار و گفتگو با احزاب عربی در کرکوک.

این حکم از تاریخ تصویب آن قابل اجراست.

مسعود بارزانی

رئیس شورای عالی رفراندم

اربیل

۲۰۱۷/۹/۱۱

جمهورية العراق
(تلیم کورستان
الرئیس



کۆماری عێراق
هه‌رێمی کورستان
سه‌رۆک

بـرـیـار

ژماره (٤) سانی ٢٠١٧

له‌سه‌ر رۆشتای کۆبوونه‌وه‌کانی ئه‌نجومه‌نی با‌لای ریفرا‌ندۆم له ٢٢/٨/٢٠١٧ و
له ٢٧/٨/٢٠١٧ و به‌مه‌بەستی زیاتر رێکخستنی کاروباری ئه‌نجومه‌ن ، بریاردره‌ به‌:

یه‌که‌م : پێکهێنانی سكرتاریه‌تی ئه‌نجومه‌ن

١. پێکهێنانی (سكرتاریه‌ت) بۆ ئه‌نجومه‌نی با‌لای ریفرا‌ندۆم به‌ سه‌رپه‌رشتی به‌پێز
(فؤاد حسین) سه‌رۆکی دیوانی سه‌رۆکایه‌تی هه‌رێم، و به‌شداری ئه‌م به‌رێزانه‌ی خواره‌وه

١. هوشیار زێباری

٢. سه‌عدی ئه‌حمه‌د پێره

٣. خلیل ابراهیم

٤. عبدالرحمن فارس (ابوکاروان)

٥. به‌همن حسین

٦. نوینه‌رانی پێکهاته‌کان له هه‌رێمی کوردستان

٧. دلشاد شه‌هاب/ نوینه‌ری ئه‌نجومه‌نی وه‌زیران

٨. نوینه‌ری په‌رله‌مانی کوردستان

ب. ئه‌رك و كاره‌کانی سكرتاریه‌ت به‌م شیوه‌ی خواره‌وه ده‌بێت

١. رێکخستنی کۆبوونه‌وه‌کانی ئه‌نجومه‌نی با‌لای ریفرا‌ندۆم و دۆکیۆمێنت کردنیان.

٢. ئاماده‌کردنی ئه‌جیندای کۆبوونه‌وه‌کانی ئه‌نجومه‌نی با‌لای ریفرا‌ندۆم.

جمهورية العراق
 إقليم كورستان
 الرئيس



گۆماری عێراق
 هه‌رحمی کورستان
 سه‌رۆک

٣. به‌دواداچوون بۆ بریاره‌کانی ئه‌نجومه‌نی باڵای ریفراندۆم و ئاگادارکردنی ئه‌ندامانی ئه‌نجومه‌نی بالا له‌ ده‌رئه‌نجامه‌کان.

٤. هه‌ماهه‌نگی له‌گه‌ڵ حکومه‌تی عێراقی فیدرالی، و وولاتانی بیانی و دراوسێی هه‌ریه‌می کوردستان و ریکخه‌ستی سه‌ردانه‌کانی شاندی دانوساندن.

دوهم : پێکهێنانی لیژنه‌ی راگه‌یاندن

١. پێکهێنانی (لیژنه‌ی راگه‌یاندن) به‌ سه‌رپه‌رشته‌ی به‌ پێز (هه‌لا به‌ خه‌یار) و به‌ شداری ئه‌م به‌ پێزانه‌ی خواره‌وه

١. محمود محمد/ به‌رپرسی مه‌کته‌بی راگه‌یاندنی پارته‌ی دیموکراتی کوردستان
٢. یه‌حیا رێشاهه‌یی/ به‌رپرسی راگه‌یاندنی یه‌کگرتووی ئیسلامی کوردستان
٣. هه‌ندریڤ ئه‌حمه‌د/ به‌رپرسی راگه‌یاندنی حیزبی شیوعی کوردستان
٤. هیوا سید سلیم/ به‌رپرسی راگه‌یاندنی حیزبی زه‌حمه‌تکێشانی کوردستان
٥. نوینه‌رانی پێکهاته‌کان له‌ هه‌ریه‌می کوردستان
٦. عبدالله انور عبدالله/ سه‌رۆکایه‌تی هه‌ریه‌می
٧. زکری موسی وسو/ سه‌رۆکایه‌تی هه‌ریه‌می

ب. لیژنه‌ی راگه‌یاندن هه‌لده‌ستت به‌م ئه‌رکانه‌ی خواره‌وه:

١. ئاماده‌کردنی پرۆگرام و چالاکیه‌کانی راگه‌یاندنی ناوخۆ و عه‌ره‌بی و جیهانی
٢. ئاشناکردنی هاولاتیان ده‌رباره‌ی پرۆسه‌ی ریفراندۆم.
٣. هاندانی هاولاتیانی کوردستان بۆ به‌شداریکردن له‌ پرۆسه‌ی ریفراندۆم

جمهورية العراق
تليم كورستان
الرئيس



كۆماری عێراق
هه‌ریه‌می كورستان
سه‌رۆك

سه‌یه‌م: هه‌لبژاردنی به‌پێژ (د.فؤاد حسێن) سه‌رۆکی دیوانی سه‌رۆکایه‌تی هه‌رێم به
(ووته‌بێژی ئه‌نجومه‌نی بالای رێفراندۆم.

چواره‌م: ئاماده‌کردنی ره‌شنووسی به‌لگه‌نامه‌ی (وشیقه) تاییه‌ت به‌ مافی پێکهاته‌کان له‌ ده‌وله‌تی
داهاتووی کوردستان به‌ سه‌رپه‌رشته‌ی به‌پێژ (خه‌لیل ئیبراهیم).

پێنجه‌م: ئاماده‌کردنی ره‌شنووسی (راگه‌یاندنی بنه‌ما سه‌ره‌کیه‌کانی ده‌وله‌ت) له‌ ده‌وله‌تی
داهاتووی کوردستان به‌ سه‌رپه‌رشته‌ی به‌پێژ (د.کاوه محمود).

شه‌شم : نارێنی شانده‌یک بۆ سه‌ردانه‌کردنی لایه‌نه‌ عه‌ره‌بیه‌کان له‌ که‌رکوک.

ئه‌م بڕیاره‌ جێبه‌جێ ده‌کرێت له‌ رۆژی ده‌رچوونیه‌وه‌.

مسعود بارزانی
سه‌رۆکی ئه‌نجومه‌نی بالای رێفراندۆم

هه‌ولیه‌ر
٢٠١٧/٩/١١

سند شماره ۳

کمیسیون عالی مستقل انتخابات و فراندنم
پاسخ حکم رئیس اقلیم کردستان

شماره (۶۹)، سال ۲۰۱۷



اقليم كردستان - عراق
کمیسیون عالی مستقل انتخابات و فراندنم
شورای کمیساران

شماره: ۶۹
مورخه: ۲۰۱۷/۸/۱۴

به / ریاست اقلیم كردستان / ریاست دیوان رئیس اقلیم
موضوع: پاسخ حکم رئیس اقلیم كردستان

با عرض صمیمانه‌ترین احترام‌ها از طرف شورای کمیساران
پیرو حکم شماره (۱۰۶) ریاست اقلیم كردستان در مورخه ۲۰۱۷/۶/۸ در مورد
برگزاری فراندنم بدینوسیله به اطلاع می‌رسانیم که این کمیسیون اقدامات لازم را
برای برگزاری فراندنم در تاریخ ۲۰۱۷/۹/۲۵ به عمل آورده است و امیدوار است
که پارلمان كردستان برای تصویب و حمایت از رویه‌های قانونی این پروسه
هرچه زودتر به جلسات عادی خود بازگردد تا فراندنم در موعد مقرر برگزار
شود.

هندرین محمد صالح
رئیس شورای کمیساران



Kurdistan Region - Iraq
The Independent High Elections and Referendum Commission
Board of Commissioners



هەریێ کوردستان - عێراق
کۆمیسۆنی باڵای سەرەڕێ هەڵبژاردن و راپرسی
بۆ هێڵبژاردنی کۆمیساریان

کۆمیسۆنی باڵای سەرەڕێ هەڵبژاردن و راپرسی
بۆ هێڵبژاردنی کۆمیساریان
کۆمیسۆنی باڵای سەرەڕێ هەڵبژاردن و راپرسی
بۆ هێڵبژاردنی کۆمیساریان

کۆمیسۆنی باڵای سەرەڕێ هەڵبژاردن و راپرسی
بۆ هێڵبژاردنی کۆمیساریان
کۆمیسۆنی باڵای سەرەڕێ هەڵبژاردن و راپرسی
بۆ هێڵبژاردنی کۆمیساریان

بەرێز/ سەرۆکایەتی هەرێمی کوردستان - سەرۆکایەتی هیوان

بەبەت/ وەلامی هەرمانی هەرێمی

ئەنجومەنی کۆمیساریان گەرمترین سڵاوێتان ئاراستە دەکات.
ئاماژە بە هەرمانی هەرێمی ژمارە (١٠٦) لە ٢٠١٧/٦/٨، سەبارەت بە ئەنجامدانی پرۆسەی راپرسی، کۆمیسۆن
ئامادەکاری کردووە بۆ ئەنجامدانی راپرسی لە ٢٠١٧/٩/٢٥، هەروەها هیواخوازە کەپەرلەمانی کوردستان
ئاسایی بکێتەوه بۆ پانچشتی پیکاره یاساییەکانی پرۆسەکه، بۆ بەرێوهچوونی راپرسی ئەکاتی خۆیدا.

لەگەڵ پێژدا...

هەڵبژاردن هەمد صالح
سەرۆکی ئەنجومەنی کۆمیساریان
٢٠١٧/ /

وێنە بۆ:

- بەرز سەرۆکایەتی پەرلەمانی کوردستان... بۆ ئاگاداریتان لەگەڵ پێژدا.
- دۆسیەی تاقیەت

برای تاریخ... ۲۴۹

سند شماره ۴

کمیسیون عالی مستقل انتخابات و فراندم
پاسخ به نامه پارلمان کردستان

شماره (۷۱)، سال ۲۰۱۷



اقلیم کردستان - عراق
 کمیسیون عالی مستقل انتخابات و فراندنم
 شورای کمیساران

شماره ۷۱
 مورخه: ۲۰۱۷/۸/۱۴

جناب رئیس پارلمان کردستان عراق
 موضوع: پاسخ نامه

با عرض صمیمانه‌ترین احترام‌ها از طرف شورای کمیساران در پاسخ نامه‌تان به شماره (۳۰) مورخ ۲۰۱۷/۵/۲۹ در مورد برگزاری فراندنم بدینوسیله به اطلاع میرسانیم که این کمیسیون تمامی آمادگیها و اقدامات لازم را برای برگزاری فراندنم در تاریخ ۲۰۱۷/۹/۲۵ به عمل آورده است و امیدوار است که پارلمان کردستان - عراق جهت تصویب و حمایت از رویه‌های قانونی برگزاری این پروسه در موعد مقرر هرچه زودتر به جلسات عادی خود بازگردد. همچنین آمادگیهای لازم برای برگزاری انتخابات ریاست اقلیم کردستان عراق و دوره پنجم پارلمان کردستان عراق در تاریخ ۲۰۱۷/۱۱/۱ نیز به عمل آمده است.

هندرین محمد صالح
 رئیس شورای کمیساران



Kurdistan Region - Iraq
The Independent High Elections and Referendum Commission
Board of Commissioners



هەرێمی کوردستان عێراق
کۆمسیۆنی باڵای سەرچۆنی هه‌ڵبژاردن و راپرسی
بۆ هه‌ڵبژاردنی کۆمسیاران

ژماره: ٧٨
په‌ڕاوه: ٢٠١٧/٨٨٤

کۆمسیۆنێکی باڵای سەرچۆنی هه‌ڵبژاردن و راپرسی
له ئێوهه‌ش کۆمسیاران
بۆ هه‌ڵبژاردنی
ژماره:
په‌ڕاوه: ٢٠١ / /


به‌ڕێژی / سه‌رۆکی په‌رله‌مانی کوردستان

بایه‌ت / وه‌لام

ئه‌نجه‌مه‌نی کۆمسیاران گه‌رمترین سائوتان ئاراسته‌ ده‌کات..

ئاماژه‌ به‌ نوسراوتان ژماره (٣٠) له ٢٠١٧/٥/٢٩، سه‌جارت به‌ ئه‌نجامدانی پرۆسه‌ی راپرسی، کۆمسیۆن ئاماژه‌کاری کردووه‌ بۆ ئه‌نجامدانی راپرسی له ٢٠١٧/٩/٢٥، هه‌روه‌ها هه‌واخوازه‌ که‌ په‌رله‌مانی کوردستان ئاسایی بکۆتێتوه‌ بۆ پالێشتی پێکاره‌ یاساییه‌کانی پرۆسه‌که‌، بۆ به‌رێوه‌چوونی راپرسی له‌کاتی خۆیدا. هه‌روه‌ها ئاماژه‌کاری کردووه‌ بۆ ئه‌نجامدانی پرۆسه‌ی هه‌ڵبژاردنی سه‌رۆکایه‌تی هه‌رمێ و خۆی پێنجه‌س په‌رله‌مانی کوردستان له ٢٠١٧/١١/١.

له‌گه‌ڵ پێژمه‌..


مه‌هدی هه‌مه‌د هه‌مه‌د
سه‌رۆکی له‌جۆره‌ده‌نی کۆمسیاران
٢٠١٧/ /

وه‌قه‌ بۆ:

- به‌رێژی سه‌رۆکایه‌تی په‌رله‌مانی کوردستان... بۆ ئاگاداریان له‌گه‌ڵ رۆژدا.
- دۆسه‌ی بایه‌ت

سند شماره ۵

اداره امور پارلمان و کمیسیونها

به ریاست اقلیم کردستان

شماره (۱۸۱۳/۳/۴)، سال ۲۰۱۷



اقلیم کردستان - عراق
کردستان - اربیل
اداره امور پارلمان و کمیسیونها

شماره: ۱۸۱۳/۳/۴

مورخه: ۲۰۱۷/۹/۱۷

به / ریاست اقلیم کردستان - عراق
موضوع / ارسال توصیه‌ها و تفویض اختیارات

پیوست به نامه ارسالی رونوشتی از توصیه‌های (پارلمان کردستان - عراق) که در نشست ویژه پارلمان مورخه ۲۰۱۷/۹/۱۵ مورد تصویب قرار گرفته شده است، را برایتان ارسال میکنیم، به منظور اجرای مفاد آن.

با احترام

جعفر ابراهیم ایمنکی

معاون رئیس پارلمان کردستان - عراق

واگذاری اختیارات و ارائه توصیه‌های لازم به کمیسیون مستقل انتخابات و فراندم جهت برگزاری فراندم استقلال کردستان.

اول:

پارلمان کردستان از کمیسیون مستقل انتخابات و فراندم می‌خواهد که روز دوشنبه مورخه ۲۰۱۷/۹/۲۵ فراندم استقلال کردستان را در اقلیم کردستان و تمامی مناطق کردستانی خارج از اداره اقلیم کردستان برگزار کند.

دوم:

پارلمان کردستان کلیه اقدامات انجام شده توسط کمیسیون عالی مستقل انتخابات و همه بررسی و کلیه مراجع ذیربط را برای موفقیت روند فراندم تصویب می‌کند.

سوم:

کمیسیون عالی مستقل انتخابات و فراندم در مورد سازوکارهای قانونی مدیریت فرآیند فراندم استقلال کردستان، باید به قانون اصلاحی انتخابات شماره ۱ پارلمان کردستان - عراق سال ۱۹۹۲ و همچنین قانون کمیسیون عالی مستقل انتخابات و فراندم شماره (۴) ۲۰۱۴ و هر قانون مربوطه دیگر استناد کند.

چهارم:

پارلمان کردستان به مقامات مربوطه این اختیار را می‌دهد که هرگونه اقدام و تصمیم دیگری را برای تضمین حق تعیین سرنوشت و کلیه حقوق مردم کردستان انجام دهند، مشروط بر اینکه آنها در مورد موضوعات مهم و سرنوشت‌ساز به رأی و نظر پارلمان کردستان مراجعه کنند و همچنین پارلمان کردستان به کمیسیون مستقل انتخابات عالی و رفاندم توصیه می‌کند که برای هرچه بهتر برگزارشدن این پروسه با مراجع ذیصلاح که در بالا به آنها اشاره شد، هماهنگی‌های لازم را به عمل آورد.

پنجم:

توصیه‌های ذکر شده در نکات فوق مربوط به رفاندم اعلام شده در ۲۰۱۷/۹/۲۵ می‌باشد.

Kurdistan parliament Iraq
Kurdistan - Erbil
Directorate Of
Parliament Affairs

NO:
DATE:



پەرلەمانی کوردستان - عێراق

کوردستان - هەولێر

بەرێوەبەرایەتی کاروباری پەرلەمان و لیژنەکان

ژماره: ١٨١٢ / ٢ / ٤
رۆژ: ٢٠١٧ / ٩ / ١٧



بۆ / سەرۆکایەتی هەرێمی کوردستان - عێراق

بایەت / ناردنی پاسپاردە

پەرلەمانی کوردستان - عێراق
ناردە
ژماره:
رۆژ: ٢٠١٧ / ٩ / ١٧

هاتووچوێ گەنێن نۆرسراوماندا و یتەبەک لە پاساردە (پەرلەمانی کوردستان - عێراق)، بۆ بەرێژ تان
پهوانه دهکەین که له دانیشتی ناسایی رۆژی ٢٠١٧/٩/١٥ دهنگی لهسەرداره، بۆ جێبەجێکردنی.

لهگهڵ رێژدا

جعفر ابراهيم ئهينكى

جێگری سەرۆکی پەرلەمانی کوردستان - عێراق

وتەبەك بۆ /

نووسینگەی بەرێژ جێگری سەرۆکی پەرلەمان.

نووسینگەی بەرێژ سکرێتێری پەرلەمان.

بەرێتو هەبەرایی کاروباری پەرلەمان و لیژنەکان / بەشی کاروباری پەرلەمان.

راسپاردنی کۆمسیۆنی بالای سەریه‌خۆی هەلبژاردن و راپرسی بۆ ئە نجامدانی راپرسی سەریه‌خۆیی کوردستان

په‌که‌م: په‌رله‌مانی کوردستان کۆمسیۆنی بالای سەریه‌خۆی هەلبژاردن و راپرسی راده‌سپێریت که رۆژی دووشه‌مه‌ به‌رواری (۲۵/۹/۲۰۱۷) له هەرمی کوردستان و سەرجه‌م ناوچه کوردستانه‌کانی دهره‌وی ئیداره‌ی هەرم راپرسی بۆ پرسى سەریه‌خۆیی کوردستان ئە‌نجام بدات.

دووم: په‌رله‌مانی کوردستان هه‌موو ئەو رێکارانه په‌سه‌ند ده‌کات که کۆمسیۆنی بالای سەریه‌خۆی هەلبژاردن و راپرسی و گشت لایه‌نه په‌یوه‌ندیده‌ره‌کان گرتوویانه به‌ر بۆ سەر‌خستنی پرۆسه‌ی ریفرا‌ندۆم.

سێهه‌م: کۆمسیۆنی سەریه‌خۆی هەلبژاردن و راپرسی، سه‌باره‌ت به‌ میکانیزمه‌ یاسایه‌کانی به‌رپه‌وه‌بردنی پرۆسه‌ی ریفرا‌ندۆم بۆ سەریه‌خۆیی کوردستان پشت ده‌به‌ستیت به‌ یاسای هەلبژاردنی په‌رله‌مانی کوردستان - عێراق ژماره (۱) ی سالی ۱۹۹۲ هه‌موارکراو، هه‌روه‌ها یاسای کۆمسیۆنی بالای سەریه‌خۆی هەلبژاردن و راپرسی ژماره (۴) ی سالی ۲۰۱۴ و، هه‌ر یاسایه‌کی دیکه‌ی په‌یوه‌ندیده‌ره‌.

چواره‌م: په‌رله‌مانی کوردستان لایه‌نه په‌یوه‌ندیده‌ره‌کان سه‌ر پشک ده‌کات بۆ گرتنه‌به‌ری هه‌ر رێکار و بریارێکی دیکه‌ بۆ ده‌سته‌به‌ری مافی چاره‌نوس و ته‌واوی مافه‌کانی گه‌لی کوردستان، به‌جۆرێک له‌ پرسه‌ چاره‌نوس‌سازه‌کاندا به‌گه‌رێته‌وه‌ بۆ په‌رله‌مانی کوردستان، کۆمسیۆنی بالای سەریه‌خۆی هەلبژاردن و راپرسیش راده‌سپێردیت بۆ هه‌ماهه‌نگی له‌گه‌ڵ ئەم لایه‌نانه‌.

پنجه‌م: ئەو راسپاردانه که له‌ خاڵه‌کانی سه‌ره‌وه‌دا هاتوون تاییه‌تن به‌ ریفرا‌ندۆمی راگه‌یاندراو له‌ ۲۵/۹/۲۰۱۷.

توصية المفوضية العليا المستقلة للانتخابات والاستفتاء

بإجراء استفتاء استقلال كردستان

أولاً: يوصي برلمان كردستان المفوضية العليا المستقلة للانتخابات والاستفتاء بإجراء الاستفتاء على مسألة استقلال كردستان في يوم الاثنين المصادف (٢٥/٩/٢٠١٧) في إقليم كردستان وجميع المناطق الكوردستانية خارج إدارة الإقليم.

ثانياً: يصادق برلمان كردستان على جميع الإجراءات المتخذة من قبل المفوضية العليا المستقلة للانتخابات والاستفتاء وكافة الجهات ذات العلاقة من أجل إنجاح عملية الاستفتاء.

ثالثاً: تستند المفوضية العليا المستقلة للانتخابات والاستفتاء، بخصوص الآليات القانونية لإدارة عملية الاستفتاء لاستقلال كردستان، إلى قانون انتخاب برلمان كردستان رقم (١) لسنة ١٩٩٢ المعدل، وكذلك قانون المفوضية العليا المستقلة للانتخابات والاستفتاء رقم (٤) لسنة ٢٠١٤، وأي قانون آخر معني.

رابعاً: يخير برلمان كردستان الجهات المعنية في اتخاذ أي إجراء وقرار آخر لضمان حق تقرير المصير وجميع حقوق شعب كردستان، على أن يرجعوا إلى برلمان كردستان في القضايا المصيرية، ويوصي المفوضية العليا المستقلة للانتخابات والاستفتاء بالتنسيق مع تلك الجهات.

خامساً: التوصيات الواردة في النقاط أعلاه خاصة بالاستفتاء المعلن في ٢٥/٩/٢٠١٧.

برای تاریخ.. ۲۵۹

سند شماره ۶

ریاست هیأت وزیران

برگزاری رفراندوم

شماره ۴۳۵ ، سال ۲۰۱۷



اقلیم کردستان - عراق

ریاست هیأت وزیران

ریاست دیوان

- امور اداری و مالی

- امور اداری

شماره ۴۳۵

مورخه ۲۰۱۷/۶/۱۸

**به / تمامی وزارتخانه‌ها
موضوع / برگزاری رفراندم**

به پیوست متن حکم ریاست اقلیم به شماره ۱۰۶ سال ۲۰۱۷ را برایتان ارسال میکنیم که از طرف جناب رئیس اقلیم کردستان صادر گردیده و از دیوان ریاست اقلیم به شماره ۳۶۹ در تاریخ ۲۰۱۷/۶/۱۱ برایمان ارسال شده است. این حکم مربوط است به برگزاری رفراندم در اقلیم کردستان و مناطق کردستانی خارج از اداره اقلیم کردستان در تاریخ ۲۰۱۷/۹/۲۵ برای ترتیب‌اثر دادن مطابق مقررات و آیین‌نامه‌های مربوطه.

با احترام

نجیروان احمد عبدالله

رئیس دیوان

إقليم كوردستان - العراق

رئاسة مجلس الوزراء
رئاسة الديوان
دائرة الشؤون الإدارية والمالية
مديرية الإدارة



Kurdistan Regional Government
Council of Ministers

هەریمی کوردستان - عێراق

سەرۆکایەتی ئەنجومەنی وەزیران
سەرۆکایەتی دیوان
فەرمانگە کەرۆباری کارگێڕی و دارایی
بەڕێوەبەرایەتی کارگێڕی

ژمارە ٤٣٥

تەگەوت ٤٨ / ٢٠١٩ / ٢٥ کوردی

٢٠١٩ / ٦ / ٢٨



بۆ / گشت وەزارەتەکان
ب/ئەنجامدانی راپرسی



هاوینچ وێنەبەگ لە فەرمانی هەریمی ژمارە (١٠٦) ی سالی ٢٠١٧ بۆتان دەئێتین ، کە لە لایەن ژێژار جەنابی سەرۆکی هەریمی کوردستان دەرکۆوە و بە نووسراوی دیوانی سەرۆکایەتی هەریم ژمارە (٢٣٩) لە ٢٠١٧/٦/١١ بۆمان هاتوو، تایبەت بە ئەنجامدانی راپرسی ئە هەریمی کوردستان و لۆجە کوردستانیەکانی دەرەودی ئیدارەیی هەریم ئە رۆژی ٢٥/٢٠١٧/٢٥، بۆ کاری ئۆبجەست بە هێی پەموادنی.

ئەگەڵ بێژد.

هاوینچ-

- وێنەبەگ ئەفرمانی سەرەووە

ئنجیرقان
سەرۆکی دیوان

وێنەبەگ بۆ:

- سەرۆکایەتی هەریمی کوردستان/دیوان نووسراوانی ئە سەرەووە بۆ ئاگاداری ئەگەڵ بێژد.
- بەرنامانی کوردستانی/ئەگەڵ بە نووسراوی دیوانی سەرۆکایەتی هەریم ژمارە ئە سەرەووە ئەگەڵ بێژد.
- ئەنجومەنی داووبی/ ئەگەڵ بە نووسراوی دیوانی سەرۆکایەتی هەریم ژمارە ئە سەرەووە ئەگەڵ بێژد.
- ئەنجومەنی ئاسایشی هەریمی کوردستان/ ئەگەڵ وێنەبەگ ئە فەرمانی هەریمی ژمارە ئە سەرەووە ئەگەڵ بێژد.
- گشت دەستە و فەرمانگە و داووبەزگاکانی ئەپەسوواری بە وەزارەت/ ئەگەڵ وێنەبەگ ئە فەرمانی سەرەووە ئەگەڵ بێژد.
- فەرمانگەیی میدیا و زانیاری/ ئەگەڵ وێنەبەگ ئە فەرمانی سەرەووە ئەگەڵ بێژد.
- فەرمانگە کەرۆباری کارگێڕی و دارایی
- هاجەتی ئۆبجەست

سند شماره ۷

کمیسیون عالی مستقل انتخابات و فراندم
اعلام نتایج نهایی فراندم

شماره (۱۱۶)، سال ۲۰۱۷



اقلیم کردستان - عراق
کمیسیون عالی مستقل انتخابات و فراندم

شماره ۱۱۶
مورخه: ۲۰۱۷/۱۰/۱۰

به / دیوان ریاست اقلیم کردستان عراق
موضوع / اعلام نتایج نهایی فراندم

با عرض صمیمانه‌ترین احترام‌ها از طرف شورای کمیساران
با استناد به بند نهم از ماده چهارم قانون شماره ۴ قانون کمیسیون عالی مستقل
انتخابات و فراندم، به پیوست متن اعلامیه نتایج نهایی تأییدشده پروسه فراندم استقلال
کردستان و مناطق کردستانی خارج از اداره اقلیم کردستان برگزارشده در ۲۰۱۷/۹/۲۵ را برایتان
ارسال میکنیم.

با احترام
هندرین محمد صالح
رئیس شورای کمیساران
۲۰۱۷/۱۰/۹

ژماره: ١١٦
 په‌ڕواره: ٢٠١٧/٢/٧



**به‌ڕێز/ دیوانی سەرۆکایه‌تی هه‌ریزی کوردستان
 بابه‌ت/ راگه‌یاندنی نه‌نجای کۆتایی راپرسی**

کۆمسیۆنی باڵای سەر بۆ تەنێ هەڵبژاردن و راپرسی
 له‌ ژماره‌ی کۆمسیاران
ده‌ر بۆ
 ژماره:
 په‌ڕواره: ٢٠١ / /

ئهنجومه‌نی کۆمسیاران گه‌رمترین سلۆتان ئاراسته‌ ده‌کات.

بانه‌شت به‌ بڕگه‌ی (نۆیهم) له‌ ماده‌ی (چوارهم) له‌ یاسای ژماره (٤)ی سالی (٢٠١٤)ی یاسای کۆمسیۆنی باڵای سهریبه‌خۆی هه‌ڵبژاردن و راپرسی، هاوێنێج ده‌قی راگه‌یاندنی نه‌نجای کۆتایی و په‌سه‌نکرای بڕۆسه‌ی راپرسی سهریبه‌خۆی هه‌ریزی کوردستان و ناوچه‌کوردستانیه‌کانی ده‌ره‌وی ئیبارهی هه‌ریزی کوردستان له ٢٠١٧/٩/٢٥ په‌وانه‌ ده‌کهن.

له‌گه‌ڵ پێژدا...

هاوینێج/

- ده‌قی په‌گه‌ننامه‌ی راگه‌یاندنی نه‌نجای کۆتایی و په‌سه‌نکرای بڕۆسه‌ی راپرسی.
- نوسراوی ژماره (١) به‌سته‌ی ده‌ره‌وی هه‌ڵبژاردن و راپرسی (٢٠١٧)


 هه‌نیه‌ی مه‌هد سه‌لخ
 سەرۆکی ئهنجومه‌نی کۆمسیاران
 ٢٠١٧/١٠/٩

وه‌یه‌ بۆ:

- له‌به‌رمانی ئهنجومه‌نی ده‌ره‌وی/سهرۆکایه‌تی دانگای پێنجاهونه‌می هه‌ریزی کوردستان/به‌سته‌ی ده‌ره‌وی هه‌ڵبژاردن و راپرسی. له‌گه‌ڵ پێژدا...
- تۆسه‌ی تابه‌ت.

اقلیم کردستان - عراق کمیسیون عالی مستقل انتخابات و فراندم

اعلامیه نتایج نهایی فراندم

اعلامیه نتایج نهایی تصدیق شده پروسه فراندم استقلال اقلیم کردستان
و مناطق کردستانی خارج از اداره اقلیم کردستان برگزار شده در تاریخ
۲۰۱۷/۹/۲۵

طبق بند نهم از ماده چهارم قانون شماره ۴ سال ۲۰۱۴ قانون کمیسیون عالی مستقل انتخابات و فراندم، شورای کمیساران در نامه شماره ۱۰۸ مورخه ۲۰۱۷/۹/۲۸، نتایج اولیه پروسه فراندم را به منظور تأیید به دیوان عالی دادگستری - ریاست دادگاه استیناف اقلیم کردستان - هیأت قضایی انتخابات و فراندم ارسال کرد.

نتایج انتخابات پروسه فراندم اقلیم کردستان و مناطق خارج از اقلیم کردستان مورد تأیید و تصویب هیأت نامبرده قرار گرفت و از طریق نامه رسمی شماره (۱ / کمیسیون قضایی انتخابات و فراندم ۲۰۱۷) در تاریخ ۲۰۱۷/۱۰/۴ به کمیسیون عالی مستقل انتخابات و فراندم ارسال شد.

شورای کمیساران بر اساس اصل (۶) بند اول (اول) ماده ششم قانون شماره ۴ سال ۲۰۱۴ کمیسیون عالی مستقل انتخابات و فراندم، نتایج نهایی رسمی و تأیید شده فراندم استقلال اقلیم کردستان و مناطق کردستانی خارج از اداره اقلیم را به شرح زیر اعلام می کند:

درصد شرکت‌کنندگان به نسبت کل جمعیت رأی‌دهندگان (۷۲,۱۶٪).

واجدین شرایط رأی‌دادن	تعداد کل شرکت‌کنندگان در فرایند رأی‌دهی	تعداد آرا باطله و آرا سفید	آرا صحیح
۴,۵۸۱,۲۵۵	۳,۳۰۵,۹۲۵	۲۱۹,۹۹۰	۳,۰۸۵,۹۳۵

آرا صحیح	رأی آری	رأی خیر	درصد آری	درصد خیر	مجموع
۳,۰۸۵,۹۳۵	۲,۸۶۱,۴۷۱	۲۲۴,۴۶۸	٪۹۲,۷۳	٪۷,۲۷	٪۱۰۰

این سند نتیجه فرایند در روز چهارشنبه ۲۰۱۷/۱۰/۴ در شهر اربیل صورت‌جلسه شده و به امضا اعضای کمیسیون انتخابات و فرایند که شامل اعضای زیر می‌باشد، رسیده است:

سلیمان مصطفی حسن
(نایب رئیس شورا)

اسماعیل حمه علی عبدالقادر
(منشی جلسه)

ریزان حمه رشید کریم
(رئیس بخش اداری انتخابات)

هندرین محمد صالح سعید
(رئیس شورا)

عبدالصمد خضر عبدالله
(عضو)

جوتیار عادل محمود
(عضو)

شیروان زرار نبی
(سخنگوی شورا)

سیاح عبدالله قاسم
(عضو)

نهر و سلیم حنا
(عضو)



هەریزیمی کوردستانی عێراق
 کۆمەسیۆنی باڵای سەرپەرێی خۆی هەڵبژاردن و ڕاپرسی
 المفوضية العليا المستقلة للانتخابات والاستفتاء
 The Independent High Elections and Referendum Commission

راگەیانندی ئه نجامی کۆتایی ڕاپرسی

ڤاگەیانندی ئه نجامی کۆتایی و پەسەنکرداری پڕۆسە ڕاپرسی سەرپەرێی هەریزیمی کوردستان و ناوچه کوردستانی هەر هەروە ئیدارە هەریزیمی کوردستان له ۲۰۱۷/۹/۲۵.

پاڤیشت به برگی (نۆیەم) له ماددهی (چوارەم) له یاسای ژماره (۴) ی سالی (۲۰۱۴) ی یاسای کۆمەسیۆنی باالی سەرپەرێی هەڵبژاردن و ڕاپرسی، ئه نجامی کۆمەسیاران به نوسراوی ژماره (۱۰۸) له رێکەوتی (۲۰۱۷/۹/۲۸) ئه نجامه به رایبەگانی پڕۆسە ڕاپرسی ئاراستە ئه نجامی دادوهری - سەرۆکایەتی دادگای پێداچوونەوهی هەریزیمی کوردستان - دهستە دادوهری هەڵبژاردن و ڕاپرسی کرد به مەبەستی پەسەنکردنێان.

ئەنجامەگانی پڕۆسە ڕاپرسی سەرپەرێی هەریزیمی کوردستان و ناوچه کوردستانی هەر هەروە ئیدارە هەریزیمی کوردستانی له لایەن به پێزێاتمهوه پەسەن کرد، به نوسراوی فەرەم ژماره (۱) دهستە دادوهری هەڵبژاردن و ڕاپرسی/ (۲۰۱۷) له (۲۰۱۷/۱۰/۴) ئاراستە کۆمەسیۆنی باالی سەرپەرێی هەڵبژاردن و ڕاپرسی کرد.

پاڤیشت به خالی (۶) له برگی (هەگەم) له ماددهی (شەشەم) ی یاسای ژماره (۴) ی سالی (۲۰۱۴) ی یاسای کۆمەسیۆنی باالی سەرپەرێی هەڵبژاردن و ڕاپرسی، ئه نجامی کۆمەسیاران ئه نجامی کۆتایی و فەرەم پەسەنکرداری ڕاپرسی سەرپەرێی هەریزیمی کوردستان و ناوچه کوردستانی هەر هەروە ئیدارە هەریزیمی کوردستان رادەگەپەنێت، که به م شۆهێ خوارهوهیه:

ژمارە دەنگدەران	ژمارە پەشداربووان	دەنگی سەپ و پۆشەن و دورخراوه	دەنگی دروست
۴,۵۱۱,۲۵۵	۲,۲۰۵,۹۲۵	۲۹,۹۹۰	۲,۰۸۵,۹۲۵

رێژە پەشداربووان له کۆی گشتی دەنگدەران (۲۲,۲۱٪)

دەنگە دروستەگان	پەش	ئەشپەر	رێژە پەش	رێژە ئەشپەر	کۆ
۲,۰۸۵,۹۲۵	۲,۸۱۱,۴۷۱	۲۴,۴۳۸	۶۹۲,۷۲	۶۷,۲۷	۲۱۰۰

ئەم بەگەنەمەیه له رۆژی چوارشەمە ۲۰۱۷/۱۰/۴ له هەولێر نوسراوه و وێژ کردوه.





 هانیان هەممەد سەرۆکی ئه نجامی
 سولیمان مەصفی حەسەن جێگاری سەرۆکی ئه نجامی
 اسماعیل هەممەد جێگاری سەرۆکی ئه نجامی
 ریزان حەزەزێ کەریم سەرۆکی کارگێڕی هەڵبژاردن




 سەجا عەبدولڵا کۆمەسیۆنەر
 نەهەرۆ مەلیم حەنا کۆمەسیۆنەر
 عەبدولمەسد خەزر عەبدولڵا کۆمەسیۆنەر
 جۆهەر عادل مەحمود کۆمەسیۆنەر
 شەروان زەرار نەبی وەزیری ئەنجامی

سندهای شماره ۸ و ۹

ریاست دادگاه استیناف اقلیم کردستان
پاسخ به کمیسیون عالی مستقل انتخابات و فراندنم
در اقلیم کردستان / ارسال حکم

شماره ۱ - مورخه ۲۰۱۷/۱۰/۴



اقلیم کردستان - عراق
دیوان دادگستری
ریاست دادگاه استیناف اقلیم کردستان
هیأت قضایی انتخابات و رفراندم

شماره ۱
مورخه ۲۰۱۷/۱۰/۴

به / کمیسیون عالی مستقل انتخابات و رفراندم در اقلیم کردستان
موضوع / ارسال حکم

با استناد به دو نامه ارسالی از طرف شما به شماره‌های ۱۰۸ مورخه ۲۰۱۷/۹/۲۸ و ۱۰۹ مورخه ۲۰۱۷/۱۰/۲ به پیوست متن حکم هیأت قضایی انتخابات و رفراندم در ریاست دادگاه استیناف اقلیم کردستان به شماره (۲۰۱۷/۱) مورخه ۲۰۱۷/۱۰/۴ را برایتان ارسال میکنیم برای اجرای مفاد مندرج در این حکم.

رئیس

اسعد حسین عزیز

<p>إقليم كوردستان / العراق مجلس القضاء رئاسة محكمة تمييز إقليم كوردستان «الهيئة القضائية للإنتخابات و لإستفتاء»</p>	 Kurdistan Region - Iraq Judicial Council	<p>هه‌ریمی کوردستان / عێراق نه‌نجومه‌نی دادوه‌ری سه‌رۆکابه‌تی دادگای پیداجوونه‌وه‌ی هه‌ریمی کوردستان «ده‌سته‌ی دادوه‌ری هه‌لبژاردن و راپرسی»</p>
---	---	--

ژماره‌/٧ ده‌سته‌ی دادوه‌ری هه‌لبژاردن و راپرسی/٢٠١٧ ٢٠١٧ /١٠/٤ به‌روار

بۆ/ کۆمسیۆنی بالای سه‌ربه‌خۆی هه‌لبژاردن و راپرسی له هه‌ریمی کوردستان
بابه‌ت/ ناردنی بپیار

نامازه به هه‌ردوو نوسراوتان به ژماره‌کانی (١٠٨) له (٢٠١٧/٩/٢٨) و (١٠٩) له (٢٠١٧/١٠/٢) هاویج بپاری ده‌سته‌ی دادوه‌ری هه‌لبژاردن و راپرسی له دادگای پیداجوونه‌وه‌ی هه‌ریمی کوردستان به ژماره (١/ده‌سته‌ی دادوه‌ری هه‌لبژاردن و راپرسی/٢٠١٧) له (٢٠١٧/١٠/٤) تان بۆ ده‌نیڕین بۆ جن به جن کردنی ناوه‌پۆکه‌که‌یله‌گه‌ڵ رێژدا .


سه‌رۆک
أسعد حسین عزیز

(پاڤان)

اقلیم کردستان - عراق

دیوان دادگستری

ریاست دادگاه استیناف اقلیم کردستان

هیأت قضایی انتخابات و فراندم

شماره ۱

مورخه ۲۰۱۷/۱۰/۴

در تاریخ ۲۰۱۷/۱۰/۴، هیأت قضایی انتخابات و فراندم در محل کار ریاست دادگاه استیناف اقلیم کردستان به ریاست معاون رئیس دادگاه قاضی اسعد حسین عزیز و عضویت هر یک از قضات حاجی محمد طاهر آکره‌یی و دکتر محمد عمر مولود که برگزیدگان ملت کردستان برای اتخاذ چنین تصمیماتی هستند، تشکیل جلسه داده و حکم زیر را تصویب کردند.

حکم

پس از بازبینی و بررسی نتایج اولیه فراندم استقلال کردستان که از طرف کمیسیون عالی مستقل انتخابات و فراندم اقلیم کردستان به دستمان رسیده است و با استناد به مفاد نامه ایشان به شماره ۱۰۹ در تاریخ ۲۰۱۷/۹/۲۸ و بعد از انتشار نتایج اولیه در سه روزنامه در تاریخ ۲۰۱۷/۹/۲۸، بر اساس بند سوم از ماده نهم قانون کمیسیون عالی مستقل انتخابات و فراندم کردستان شماره ۴ سال ۲۰۱۴ و با توجه به اینکه در طول مدت قانونی در نظر گرفته شده، هیچگونه تقاضای تجدیدنظری علیه این نتایج ثبت نگردیده است، لذا بر اساس اختیاراتی که بر طبق بندهای چهارم، پنجم و ششم ماده ۹ قانون فوق به ما واگذار شده است، اعلام می‌کنیم که نتایج این فراندم را تأیید و تصدیق می‌کنیم.

اسعد حسین عزیز
(رئیس)

حاجی محمد طاهر آکره‌یی
(عضو)

دکتر محمد عمر مولود
(عضو)

إقليم كوردستان / العراق

مجلس القضاء

رئاسة محكمة تمييز إقليم كوردستان

الهيئة القضائية للإنتخابات و لإستفتاء



Kurdistan Region - Iraq
Judicial Council

هه‌رێمی كوردستان / عێراق

ئهنجومه‌نی دادوه‌ری

سه‌رۆكایه‌تی دادگای پێداچوونه‌وه‌ی هه‌رێمی كوردستان

ده‌سته‌ی دادوه‌ری هه‌لبژاردن و راپرسی

٢٠١٧ / ١٠ / ٤

به‌روار

ژماره‌ / ١ ده‌سته‌ی دادوه‌ری هه‌لبژاردن و راپرسی / ٢٠١٧

له پۆڤی (٢٠١٧/١٠/٤) ده‌سته‌ی دادوه‌ری هه‌لبژاردن و راپرسی له دادگای پێداچوونه‌وه‌ی هه‌رێمی كوردستان پێكهات به سه‌رۆكایه‌تی چێگری سه‌رۆك به‌رێژ دادوه‌ر (أسعد حسین عزیز) و ئهندامه‌تی هه‌ریه‌ك له به‌رێژان دادوه‌ران (حاجی محمد طاهر ئاكره‌یی) و (د. محمد عمر مولود) كه رێبان پێدراوه به ناوی گه‌له‌وه حوكم بكهن و ئه‌و بریاره‌ی خواره‌وه‌یان ده‌ركرد .

بـرـیار /

پاش ووردبیتی و تیروانینی ئهنجامه به‌راییه‌كانی راپرسی بۆ سه‌ربه‌خۆیی كوردستان كه له‌لایهن كۆمسیۆنی بالای سه‌ربه‌خۆیی هه‌لبژاردن و راپرسی له هه‌رێمی كوردستان پێمان گه‌یشتوووه به پتی ناوه‌رۆکی نوسراویان ژماره (١٠٩) له (٢٠١٧/٩/٢٨) و دوا‌ی ئه‌وه‌ی كه ئه‌و ئهنجامه به‌راییه‌نه له سن رۆژنامه له به‌رواری (٢٠١٧/٩/٢٨) ب‌لاوكراوه‌وه به پتی برگه‌ی سێیه‌م له ماده‌ی نۆیه‌م له یاسای كۆمسیۆنی بالای سه‌ربه‌خۆیی هه‌لبژاردن و راپرسی له هه‌رێمی كوردستان ژماره چواری سالی (٢٠١٤) و له به‌رنه‌بوونی هێچ تانه‌یه‌ك له‌و ئهنجامانه له ماوه‌ی یاسایی خۆیدا بۆیه به پتی ئه‌و ده‌سه‌لاته‌ی كه به پتی برگه‌كانی چوارهم و پینجه‌م و شه‌شهم له ماده‌ی نۆیه‌م له یاسای سه‌ره‌وه پێمان دراوه بریارمان دا به په‌سه‌ندكردنی ئه‌و ئهنجامانه و ئه‌و بریاره‌ش به تێكراییی ده‌نگ له رۆژی (٢٠١٧/١٠/٤) ده‌رچوو .

سه‌رۆك

أسعد حسین عزیز

ئهندام

حاجی محمد طاهر ئاكره‌یی

ئهندام

د. محمد عمر مولود

(پاڤان)



■ نمایه

الف

۲۸	آر. اف. ژاردین
۶۵	آنکلا مرکل
۴۷	ابراهیم احمد
۱۶۴	ابراهیم جعفری
۳۵	ابراهیم داود
۲۴۰	ابو کاروان
۳۵	احمد حسن بکر
۲۷۱, ۲۶۹	اسعد حسین عزیز
۲۶۶	اسماعیل حمه علی عبدالقادر
۲۸	اینار آف ویرسن
۶۸, ۶۷, ۶۶, ۵۱	اوباما (باراک)
۱۶۳, ۱۱۳, ۵۰	ایاد علاوی
۷۲	ائتلاف عربی
۷۲	ائتلاف وطنی
۸۲, ۸۰	اتحاد اسلامی کردستان
۲۴۱, ۸۹, ۸۵	اتحادیه اسلامی
۸۳	اتحادیه دمکراتیک ملی کردستان
۸۳	اتحادیه ملی بیت نهرین
۱۱۱, ۱۱۰, ۸۹, ۸۵, ۸۲, ۸۰	اتحادیه میهنی کردستان
۸۳	انجمن فرهنگی ترکمن در کردستان
۸۳	انجمن لیبرال ترکمن
۳۲	انقلاب ژوئیه
۴۹	اصل ۱۴۰
۲۲۸, ۲۱۷, ۱۹۶, ۱۴۸, ۷۲, ۴۷, ۴۴, ۴۳, ۴۰	انفال
۲۰۹, ۸۰	آشور
۲۱۸, ۱۹۲, ۸۳, ۸۲, ۸۰, ۳۳, ۳۲	آشوری
۲۱۸, ۲۱۲, ۲۱۱, ۲۳	ارمنی

۶۵, ۶۲, ۲۴	آلمان
۶۲	آلمان شرقی
۶۲	آلمان غربی
۹۳, ۹۲, ۷۸, ۶۹, ۶۸, ۶۷, ۶۶, ۶۵, ۵۶, ۵۳, ۵۱, ۴۸, ۴۷, ۴۶, ۲۷, ۱۰	آمریکا
۱۳۰, ۱۲۹, ۱۱۷, ۱۱۶, ۱۰۶, ۱۰۲, ۹۶, ۹۵, ۹۴	
۱۴۰, ۱۳۵, ۱۳۴, ۳۲	اتحاد جماهیر شوروی
۹۰, ۸۵	اتحادیه اروپا
۲۱۶, ۱۴۰, ۱۳۵	اتیوپی
۱۱۳, ۲۵	اردن
۱۸۱, ۱۱۷	آلتون کوپری
۲۵	ارمنستان
۲۵	ارمنستان عثمانی
۲۱۵, ۹۰, ۸۹, ۸۸, ۸۵	اروپا
۲۱۶, ۱۴۰	اریتره
۶۲	اسلواکی
۶۰, ۵۹, ۵۸, ۵۶, ۵۵, ۵۲, ۵۱, ۵۰, ۴۸, ۴۷, ۴۵, ۴۴, ۲۳	اقلیم کردستان
۹۳, ۹۱, ۹۰, ۸۸, ۸۶, ۸۳, ۸۲, ۸۱, ۸۰, ۷۹, ۷۶, ۷۵, ۷۴, ۷۲, ۷۱, ۶۹	
۱۱۶, ۱۱۵, ۱۱۴, ۱۱۳, ۱۱۱, ۱۱۰, ۱۰۹, ۱۰۸, ۱۰۷, ۱۰۶, ۱۰۵, ۱۰۱	
۱۶۱, ۱۵۵, ۱۵۴, ۱۵۳, ۱۲۸, ۱۲۷, ۱۲۴, ۱۲۳, ۱۲۲, ۱۲۱, ۱۱۹, ۱۱۷	
۱۷۶, ۱۷۵, ۱۷۴, ۱۷۳, ۱۷۲, ۱۷۱, ۱۷۰, ۱۶۹, ۱۶۸, ۱۶۷, ۱۶۶, ۱۶۵	
۲۰۰, ۱۸۹, ۱۸۷, ۱۸۵, ۱۸۴, ۱۸۳, ۱۸۲, ۱۸۱, ۱۸۰, ۱۷۹, ۱۷۸, ۱۷۷	
۲۴۶, ۲۴۱, ۲۴۰, ۲۳۹, ۲۳۳, ۲۳۱, ۲۳۰, ۲۲۹, ۲۲۷, ۲۲۶, ۲۱۷, ۲۱۴	
۲۷۱, ۲۶۹, ۲۶۸, ۲۶۵, ۲۶۳, ۲۶۰, ۲۵۴, ۲۵۳, ۲۵۰, ۲۴۷	
۳۷	الجزایر
۲۷, ۲۵, ۲۴, ۲۲, ۲۱, ۲۰, ۱۵, ۷, ۵	امپراطوری عثمانی
۱۴۱, ۱۳۲, ۱۳۱	اندونزی
۱۱۶, ۸۵, ۶۷, ۲۵	ایالات متحده
۲۸, ۲۷, ۲۴	ایتالیا
۲۰۳, ۲۰۲, ۱۱۸, ۱۱۷, ۱۱۴, ۹۶, ۸۵, ۵۱, ۴۰, ۳۷, ۳۰, ۲۰	ایران

ارییل ۸، ۱۹، ۲۳، ۲۹، ۴۰، ۴۴، ۸۰، ۸۲، ۸۵، ۹۸، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۷، ۱۵۶، ۱۶۵،
۱۶۶، ۱۸۱، ۱۸۳، ۲۳۳، ۲۴۲، ۲۵۳، ۲۶۶

۲۵ ارزروم
۲۲ ارومیه
۳۰ اُشنویه
۳۰، ۲۹، ۲۷، ۲۶ ایالت موصل

ب

۶۶، ۵۱ باراک اوباما
۶۰ بان کی مون
۹۴، ۹۲ برت مک گورک
۵۱ برنارد تراینور
۲۴۰ بهمن حسین

۷۲ بلوک پارلمانی صدر
بودجه ۵۲، ۵۵، ۵۸، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۸، ۱۰۷، ۱۱۰، ۱۲۱، ۱۵۴، ۱۶۱، ۱۶۲،
۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۸۹، ۲۲۹

۲۵ بالفور
۱۵۱، ۱۱۵، ۹۶، ۹۲، ۸۵، ۳۱، ۳۰، ۲۹، ۲۸، ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۲۴، ۲۳ بریتانیا
۱۳۳، ۲۸ بلژیک
۲۱۶، ۱۳۶، ۱۳۴ بنگلادش

۲۲ باب سیوا
۱۴۸، ۴۰ بادینان
۴۰، ۳۹، ۲۹، ۲۲ بارزان
۳۰ بازیان
۳۹، ۲۹ بالک
۴۰ بحرکه
۶۲ برلین
۲۸ بروکسل

۲۱	بریفکان
۱۲۲, ۲۷	بصره
, ۶۷, ۶۴, ۶۱, ۵۹, ۵۴, ۵۳, ۵۲, ۴۹, ۴۷, ۴۴, ۴۳, ۴۲, ۳۹, ۳۶, ۳۳, ۲۸, ۱۰	بغداد
, ۱۰۷, ۱۰۶, ۱۰۵, ۱۰۲, ۹۳, ۹۱, ۹۰, ۸۹, ۸۸, ۷۹, ۷۴, ۷۳, ۷۲, ۷۱, ۶۸	
۱۷۳, ۱۶۶, ۱۵۶, ۱۵۱, ۱۵۰, ۱۳۴, ۱۲۲, ۱۲۱, ۱۱۶, ۱۱۳, ۱۱۲, ۱۰۸	
۳۹	بلدروز
۳۴	بنی حریر
۲۹	بیاو
۲۴	بیروت

پ

۲۳	پادشاه جورج
۴۸	پل برمر
۱۱۶	پل فانک
۱۱۷, ۱۱۵, ۱۱۱, ۱۱۰, ۷۷, ۶۹, ۶۵, ۵۹, ۵۸, ۵۷, ۵۶, ۵۴	پیشمرگه
۱۱۳	پادشاه اردن
۲۷, ۲۶	پادشاهی عراق
۲۹	پادشاهی کردستان
۹۰	پارلمان اتحادیه اروپا
۹۰, ۸۸	پارلمان اروپا
, ۱۸۳, ۱۸۱, ۱۸۰, ۱۷۹, ۱۷۸, ۱۶۳, ۱۶۲, ۱۰۶, ۱۰۵, ۱۰۴, ۵۰	پارلمان عراق
۱۸۹, ۱۸۴	
, ۲۵۳, ۲۵۰, ۲۴۷, ۲۴۰, ۱۹۸, ۱۴۸, ۸۲, ۸۱, ۸۰, ۷۵, ۶۹, ۴۷	پارلمان کردستان
۲۵۵, ۲۵۴	
۲۵	پیمان بالفور
۲۰	پیمان نامه زهاب
۲۷, ۲۶	پیمان نامه سور
۱۳۶	پاکستان

۲۵	پاریس
۱۱۷	پردی
۲۴	پی‌ره مگرون
۱۱۷,۹۲	پیشخابور

ت

۲۵,۲۳	تزار روسیه
۹۵,۹۴,۹۲	تیلرسن (رکس)
۳۷	توافق الجزائر
۳۷,۳۵	توافقنامه ۱۱ مارس
۳۶	توافقنامه یازدهم مارس
۱۱۷,۱۱۶	تانک آبرامز
۲۰۹,۴۹,۲۱۸,۱۹۲,۸۹,۸۵,۸۳,۸۲,۸۰,۷۷,۳۵	ترکمن
۱۴۰,۱۳۱	تیمور شرقی
۹۶,۸۵,۲۹,۲۸,۲۷	ترکیه
۲۵	ترابزون
۲۳	تفلیس
۱۰۹,۷۷	تلعفر

ج

۴۷	جرجیس فتح الله
۲۵۳	جعفر ابراهیم ایمنکی
۲۰۶,۱۱۲,۶۶	جلال طالبانی
۶۸,۶۷,۶۶,۶۵	جو بایدن
۲۶۶	جوتیار عادل محمود
۵۱,۴۸	جورج بوش
۲۲۸,۱۵۲,۱۵۱,۱۵۰,۱۴۳,۱۴۰,۳۱,۲۹,۲۸,۲۵	جامعه ملل
۸۲,۸۰	جبهه ترکمن عراق
۸۳	جنبش آزادی دموکراتیک کردستان

۸۲, ۸۰	جنبش اسلامی کردستان
۸۲	جنبش دمکراتیک آشوری
۸۳	جنبش دمکراتیک ترکمن
۸۳	جنبش دمکراتیک خلق کردستان
۸۳	جنبش صلح طلبان کردستان
۸۳	جنبش مستقل ترکمن

۳۹	جَلُولَا (گُلاله)
۱۴۱	جنوب سودان

چ

۶۲	چک
۶۲	چکسلواکی
۲۰	چالدران

ح

۲۷۱	حاجی محمد طاهر آکره‌یی
۱۶۷, ۷۱	حیدر عبادی
۸۳	حزب اتحاد دمکراتیک کلدانی
۸۲	حزب اصلاح ترکمنی کردستان
۱۱۸, ۱۱۷	حزب الله لبنان
۸۲, ۸۰	حزب توسعه ترکمن
۸۳	حزب خلق ترکمن
۷۲	حزب دعوه
۸۳	حزب دمکرات ترکمن کردستان
۳۶, ۸۰, ۸۲, ۸۵, ۸۹, ۱۱۲, ۲۴۱	حزب دمکرات کردستان
۸۳	حزب دمکراتیک بیت نهرین
۸۳	حزب دمکراتیک مترقی کردستان
۸۳	حزب رستگاری ملی ترکمن
۲۴۱, ۸۵, ۸۲, ۸۰	حزب زحمتکشان
۲۴۱, ۸۲, ۸۰	حزب زحمتکشان کردستان

۸۵, ۸۰	حزب سوسیال دمکرات
۸۲	حزب سوسیال دموکرات کردستان
۸۲	حزب کارگران و زحمتکشان کردستان
۸۲, ۸۰	حزب کارگران و مستضعفان کردستان
۲۴۱, ۸۵, ۸۲, ۸۰	حزب کمونیست
۲۴۱, ۸۲, ۸۰	حزب کمونیست کردستان
۸۳	حزب ملی کردستان
۸۳	حزب میهنی آشوری
۳۴	حماسه هندرین و زوزک
۱۸۹, ۱۸۱, ۱۶۷, ۱۱۲, ۱۱۱, ۱۱۰	حشد شعبی
۵۷	حردان
۴۰, ۳۴	حریر
۵۳	حزر
۱۹۶, ۱۴۸, ۴۱, ۴۰, ۳۹	حلیچه
۴۴	حلیچه
۱۰۹, ۷۷, ۳۹	حویجه

خ

۲۴۲, ۲۰۹, ۸۵, ۸۴	خلیل ابراهیم
۲۲۰, ۶۸, ۲۶, ۲۵	خاورمیانه
۱۹۷, ۱۵۸, ۴۷	خانقین
۱۱۰	خرماتو

د

۱۱۷, ۱۱۶, ۹۴, ۹۲	داگلاس سلیمان
۲۳, ۲۲	دبلیو. ای. ویگرام
۶۶	درباز کوسرت
۸۵, ۸۴	دکتر فؤاد حسین
۲۷۱	دکتر محمد عمر مولود
۲۴۰	دلشاد شهاب
۶۲	دیوار برلین

۱۱۱, ۱۱۰	داقوق
۹۳, ۹۲	دجله
۱۸۱, ۱۶۶, ۱۶۵, ۱۱۷, ۹۲	دهوک
۱۱۷, ۳۹	دوز
۱۶۷, ۱۱۱	دوزخورماتو
۴۰	دیانا

ر

۱۵۵	رائد فهمی
۵۳	رابرت استفن بیکروفت
۸۵, ۵۳, ۴۹	روژ نوری شاوایس
۲۰۹, ۴۹	رومیو هکاری
۲۶۶	ریزان حمه رشید کریم

۲۷	رشته کوه حمزین
۸۹, ۸۸, ۸۴, ۸۳, ۸۲, ۸۱, ۸۰, ۷۹, ۷۵, ۷۰, ۶۹, ۶۷, ۵۴, ۵۱	رفراندم
۱۰۶, ۱۰۵, ۱۰۴, ۱۰۳, ۱۰۲, ۱۰۱, ۹۷, ۹۶, ۹۵, ۹۴, ۹۳, ۹۲, ۹۱, ۹۰	
۱۲۵, ۱۲۴, ۱۲۳, ۱۱۷, ۱۱۶, ۱۱۵, ۱۱۴, ۱۱۳, ۱۱۰, ۱۰۹, ۱۰۸, ۱۰۷	
۲۱۶, ۲۰۹, ۱۸۹, ۱۸۶, ۱۸۵, ۱۸۰, ۱۶۴, ۱۶۳, ۱۳۱, ۱۲۹, ۱۲۸, ۱۲۷	
۲۵۴, ۲۵۰, ۲۴۹, ۲۴۷, ۲۴۶, ۲۴۲, ۲۴۱, ۲۴۰, ۲۳۳, ۲۳۲, ۲۳۱, ۲۱۷	
۲۷۱, ۲۶۹, ۲۶۸, ۲۶۶, ۲۶۵, ۲۶۳, ۲۶۲, ۲۶۰, ۲۵۹, ۲۵۵	

۸۵, ۲۷, ۲۵, ۲۴, ۲۳	روسیه
۲۵	روسیه تزاری
۲۷, ۲۴	رومانی

۲۳, ۲۲	راژان
۳۴	رانیه
۳۴, ۲۹	رواندز

ز

۵۱	زالمای خلیلزاد
۲۴۱	زکری موسی وسو

۲۲۸, ۲۸, ۲۱	زبان کردی
۳۴	زوزک
۱۹۷, ۵۷, ۴۷, ۳۹	زمار
۳۹	زاخو
۴۱	زیوه

ژ

۲۷	ژاپن
----	------

س

۲۸	سر پرسی کاکس
۲۴	سرگتی سازانوف
۲۳	سرگتی لاوروف
۳۵	سعدون غیدان
۲۴۰, ۸۵	سعدی احمد پیره
۲۶۶	سلیمان مصطفی حسن
۲۲	سلیمان نظیف پاشا
۲۶۶	سیاح عبدالله قاسم
۲۲	سید طه محمد صدیق نهري
۱۱۷	سید مختار
۲۹	سیسیل جی. ادموندز
۲۸	سینیور رودولو
۱۴۲, ۱۴۰, ۱۳۹, ۱۳۷, ۱۳۴, ۱۳۳, ۱۳۲, ۱۳۱, ۱۳۰, ۶۰	سازمان ملل متحد
۲۲۷, ۲۱۷, ۲۱۵, ۲۱۴, ۲۰۴, ۲۰۲, ۱۴۴, ۱۴۳	
۲۴	سایکس - پیکو
۲۱۳, ۲۰۹, ۸۰	سریان
۱۹۴, ۱۹۲, ۱۰۷, ۸۸, ۷۲, ۵۹, ۵۰, ۱۸	سنی

۳۴	سفین
۲۸	سوئد
۲۸, ۲۷	سوئیس
۱۴۱	سودان
۲۱۵, ۱۳۶	سنگاپور
۹۳, ۹۲, ۷۷, ۵۷, ۵۶, ۵۵, ۵۳, ۳۹, ۳۳, ۲۵	سوریه
۲۵	سان رمو
۱۱۱	سع نیسان
۱۸۱, ۱۱۸, ۱۱۷, ۹۲, ۵۷, ۱۰	سحیلا
۲۰	سرپل زهاب
۱۶۶, ۱۶۵, ۴۰, ۳۰, ۲۹	سلیمانیه
۲۴	سن پترزبورگ
۲۷, ۲۶, ۲۵	سور

ش

۳۰, ۲۹, ۲۴	شیخ احمد بارزانی
۲۰۹, ۸۹	شیخ شامو
۲۴, ۲۳, ۲۲, ۲۱	شیخ عبدالسلام بارزانی دوم
۴۳, ۲۹	شیخ محمود حفید
۲۱	شیخ نورالدین محمد بریفکانی
۲۶۶	شیروان زرار نبی
۵۶	شرف‌الدین
۲۴۲, ۲۴۱, ۲۴۰, ۲۳۲, ۲۰۹, ۸۴	شورای عالی رفراندم
۲۶۵, ۲۶۳, ۲۵۰, ۲۴۷	شورای کمیساران
۲۶	شاهزاده فیصل
۲۶	شریف مکه
۲۱۶, ۱۴۰, ۱۳۵, ۱۳۴, ۳۲	شوروی
۲۵	شام
۳۰۸, ۱۹۷, ۱۶۷, ۱۵۸, ۱۱۵, ۷۷, ۵۷, ۵۶, ۴۷, ۳۹	شنگال
۱۹۷, ۴۷	شیخان

ص

٢٠٣,٣٥	صدام حسين
٤٩	صلاح الدين بهاء الدين
٢٠,١٥	صفوى
٢١٥,١٣٩	صحراى غربى

ط

٢٠٩	طالب كاكه يى
-----	--------------

ع

٣٤	عبدالرحمن عارف
٢٤٠	عبدالرحمن فارس
١٦٧,١١٨,١١٧,١١٣,١٠٦,١٠٥,١٠٤,٩٦,٧١,٦٥,٥٩,٥١	عبادى
٣٥	عبدالرحمن محمد عارف
٣٥	عبدالرزاق نايف
٣٤,٣٣	عبدالسلام عارف
٢٦٦	عبدالصمد خضر عبدالله
٣٤	عبدالعزيز العقيلي
٣٣	عبدالكريم قاسم
٢٤١	عبدالله انور عبدالله
٦٩	على باپير
٧٢,٥٣	عمار حكيم
٢٧,٢٥,٢٤,٢٣,٢٢,٢١,٢٠,١٥,٧,٥,٢	عثمانى
١١٠	عبادات

ف

٢٤٢,٢٤٠,١٥,٨٤	فؤاد حسين
٢٤	فرانسوا جورج بيكو
١١٥,٩٢	فرانك بيكر

۲۱۹, ۲۱۶, ۲۱۱, ۱۹۸, ۱۴۸, ۱۳۲, ۶۵, ۴۸, ۴۷	فدرالیسم
۱۲۹, ۹۲, ۲۷, ۲۵, ۲۴	فرانسه
۱۳۹, ۱۳۴, ۲۵	فلسطین

ق

۶۶	قباد طالبانی
۶۳, ۴۷, ۳۷, ۳۵, ۳۴, ۳۳, ۳۲, ۱۰	قیام ایلول (قیام سپتامبر)
, ۶۳, ۶۱, ۵۸, ۵۲, ۵۱, ۵۰, ۴۹, ۴۸, ۳۲, ۳۰, ۱۸, ۱۷	قانون اساسی
, ۱۱۳, ۱۱۲, ۱۰۸, ۱۰۷, ۱۰۶, ۱۰۵, ۱۰۴, ۱۰۳, ۱۰۰, ۹۰, ۷۸, ۷۵, ۷۲	
, ۱۵۶, ۱۵۵, ۱۵۴, ۱۵۳, ۱۵۲, ۱۳۸, ۱۳۶, ۱۳۵, ۱۲۸, ۱۲۷, ۱۲۵, ۱۱۹	
, ۱۷۲, ۱۷۱, ۱۷۰, ۱۶۸, ۱۶۷, ۱۶۶, ۱۶۵, ۱۶۴, ۱۶۳, ۱۶۲, ۱۶۱, ۱۵۹	
, ۱۸۵, ۱۸۴, ۱۸۳, ۱۸۱, ۱۸۰, ۱۷۹, ۱۷۸, ۱۷۷, ۱۷۶, ۱۷۵, ۱۷۴, ۱۷۳	
, ۲۱۷, ۲۱۶, ۲۱۳, ۲۱۱, ۲۰۱, ۲۰۰, ۱۹۹, ۱۹۸, ۱۹۳, ۱۸۹, ۱۸۷, ۱۸۶	
۲۳۰, ۲۲۹, ۲۲۸, ۲۱۹, ۲۱۸	
۴۰	قادسیه
۲۶	قاهره
۴۰	قدس
۳۹	قراج
۳۹	قره‌تپه
۴۰	قره‌داغ
۳۴, ۴۱	قلادزه (قلعه‌دزه)
۳۹	قوره‌تو
۴۰	قوش‌تپه

ک

۲۱۴	کاوه محمود
۴۹	کرخی ثالثی برماغ
۱۳۷	کریتسکو
۲۰۹	کریم سلیمان

۲۸	کلنل ای پاولی
۲۸	کنت پاول تلکی
۲۸	کنت هوراس دو پورتالس
۸۵, ۶۶	کوسرت رسول
۲۱۳, ۲۰۹, ۸۳, ۸۰	کلدان
۱۹۷, ۱۹۶, ۳۶	کردهای فیلی
۲۳	کلیسای کانتبری
۲۶	کنفرانس قاهره
۶۵	کنفرانس مونیخ
۶۹, ۴۴, ۳۵	کودتا
۲۲	کوه شیرین
۱۳۹	کیک کانادا
۲۹, ۳۶, ۳۵, ۳۴, ۳۳, ۳۲, ۳۰, ۱۹, ۱۸, ۱۷, ۱۶, ۱۵, ۱۰, ۷, ۵, ۲	کردستان
۴۵, ۴۴, ۴۳, ۴۲, ۴۱, ۴۰, ۳۹, ۳۸, ۳۷, ۳۶, ۳۵, ۳۴, ۳۳, ۳۲, ۳۱, ۳۰	
۶۴, ۶۳, ۶۲, ۶۱, ۶۰, ۵۹, ۵۸, ۵۷, ۵۶, ۵۵, ۵۴, ۵۳, ۵۱, ۵۰, ۴۸, ۴۷	
۸۲, ۸۱, ۸۰, ۷۹, ۷۸, ۷۶, ۷۵, ۷۴, ۷۳, ۷۱, ۷۰, ۶۹, ۶۸, ۶۷, ۶۶, ۶۵	
۱۰۲, ۱۰۱, ۱۰۰, ۹۶, ۹۵, ۹۴, ۹۳, ۹۱, ۹۰, ۸۹, ۸۸, ۸۶, ۸۵, ۸۴, ۸۳	
۱۱۴, ۱۱۳, ۱۱۲, ۱۱۱, ۱۱۰, ۱۰۹, ۱۰۸, ۱۰۷, ۱۰۶, ۱۰۵, ۱۰۴, ۱۰۳	
۱۲۶, ۱۲۵, ۱۲۴, ۱۲۳, ۱۲۲, ۱۲۱, ۱۲۰, ۱۱۹, ۱۱۸, ۱۱۷, ۱۱۶, ۱۱۵	
۱۶۱, ۱۶۰, ۱۵۹, ۱۵۸, ۱۵۷, ۱۵۶, ۱۵۵, ۱۵۴, ۱۵۳, ۱۵۲, ۱۵۰, ۱۴۸, ۱۳۹, ۱۳۳, ۱۲۹, ۱۲۸, ۱۲۷	
۱۷۵, ۱۷۴, ۱۷۳, ۱۷۲, ۱۷۱, ۱۷۰, ۱۶۹, ۱۶۸, ۱۶۷, ۱۶۶, ۱۶۵, ۱۶۴	
۱۸۹, ۱۸۷, ۱۸۵, ۱۸۴, ۱۸۳, ۱۸۲, ۱۸۱, ۱۸۰, ۱۷۹, ۱۷۸, ۱۷۷, ۱۷۶	
۲۱۸, ۲۱۷, ۲۱۶, ۲۱۴, ۲۱۲, ۲۱۱, ۲۱۰, ۲۰۹, ۲۰۰, ۱۹۸, ۱۹۷, ۱۹۶	
۲۳۹, ۲۳۳, ۲۳۲, ۲۳۱, ۲۳۰, ۲۲۹, ۲۲۸, ۲۲۷, ۲۲۶, ۲۲۲, ۲۲۱, ۲۲۰	
۲۶۰, ۲۵۵, ۲۵۴, ۲۵۳, ۲۵۲, ۲۵۰, ۲۴۹, ۲۴۷, ۲۴۶, ۲۴۲, ۲۴۱, ۲۴۰	
۲۷۱, ۲۶۹, ۲۶۸, ۲۶۵, ۲۶۳	
۱۳۹	کشمیر
۳۹	کاریزه
۱۱۰, ۱۰۵, ۱۰۳, ۹۷, ۹۶, ۸۵, ۸۴, ۸۰, ۷۷, ۵۹, ۵۸, ۴۷, ۴۳, ۴۰, ۲	کرکوک
۲۴۲, ۱۶۲, ۱۶۳, ۱۶۴, ۱۶۷, ۱۸۱, ۱۹۷, ۱۵۸, ۱۱۷, ۱۱۶, ۱۱۴, ۱۱۲, ۱۱۱	
۳۹	کرمک

۳۹	کفری
۴۴	گُوره

گ

۱۱۱	گارد ریاست جمهوری
۲۵	گاردیان
۲۳	گرجستان
۱۴۸, ۴۴, ۴۰	گرمیان
۳۹	گُلّاله

ل

۳۶	لیلا قاسم
۸۲, ۸۰	لیست ارامنه در پارلمان کردستان
۸۲	لیست ترکمن اربیل
۱۱۸, ۱۱۷, ۲۵	لبنان
۲۸, ۲۷	لوزان

م

۲۳, ۲۲	مارشمعون
۲۴	مارک سایکس
۱۶۶, ۱۶۵, ۱۶۴, ۵۴, ۵۳	مالکی
۱۱۱, ۵۱, ۵۰, ۴۲	مام جلال
۵۱	مایکل چوردن
۴۹	محمد حاجی محمود
۲۰۹, ۸۹	محمد سعدالدین
۲۲	محمد فاضل پاشا داغستانی
۸۹	محمد هاودیانی
۲۴۱	محمود محمد
۳۹	مدحت پاشا

۸۵, ۴۹	مسرور بارزانی
۴۷, ۳۶, ۳۵, ۳۳, ۳۰, ۲۹, ۲۲	مصطفی بارزانی
۶۶	مصطفی سید قادر
۲۷	مصطفی کمال
۲۴۱, ۸۵	ملا بختیار
۹۲	مکرون (امانوئل)
۱۱۳	ملک عبدالله
۲۶	ملک فیصل
۲۰۹	مونا قهوه‌چی
۱۶۵, ۱۶۴, ۱۶۳, ۱۶۲, ۱۶۱, ۱۵۹, ۱۵۷, ۱۵۶, ۱۵۵, ۱۵۴, ۹۶, ۸۰, ۷۷, ۵۴	ماده ۱۴۰
۲۳۰, ۱۸۹, ۱۶۷, ۱۶۶	
۸۲	مجلس خلق کلدانی سریانی آشوری
۸۳	مجلس ملی کلدان
۲۷	معاهده صلح لوزان
۸۳	منبر دموکراتیک کلدان
۱۰۸	میثاق ملل متحد
۱۵۰, ۲۷, ۲۵, ۲۴	متفقین
۲۲۰, ۱۹۴, ۱۰۳, ۸۹, ۳۵	مسیحیان
۲۱۶, ۱۳۶	مالزی
۲۸, ۲۴	مجارستان
۱۱۷	محمودیه
۱۹۷, ۴۷, ۳۹	مخمور
۳۰	مَرگَور
۱۱۱	مریم بگ
۲۷, ۲۶	مکه
۱۹۷, ۴۷, ۳۹	مندلی
۱۵۸, ۱۵۲, ۱۵۱, ۱۵۰, ۱۰۹, ۷۷, ۷۶, ۵۹, ۵۸, ۵۴, ۵۳, ۳۰, ۲۹, ۲۸, ۲۷, ۲۶, ۲۵, ۲۴, ۲۲	موصل

ن

۸۹	نجم‌الدین کریم
۱۱۱, ۸۵	نچیروان بارزانی
۱۵۵	نرمین عثمان
۲۶۶	نهره سلیم حنا
۱۶۶, ۱۶۵, ۱۶۴, ۵۳	نوری مالکی
۴۹	نوشیروان مصطفی
۲۶۰	نچیروان احمد عبدالله
۲۲۸, ۲۱۳, ۱۹۶, ۱۹۴, ۱۲۱, ۱۰۰, ۶۲, ۶۱, ۴۷, ۴۴, ۴۱, ۴۰, ۱۵	نسل کشی
۹۲, ۱۰	نشست سحیلا
۸۵	نماینندگان اقلیتهای ترکمن
۸۵	نماینندگان اقلیتهای مسیحی
۶۲, ۵۶, ۵۵	نیروهای ائتلاف
۳۹	ناودشت
۱۶۷, ۱۱۰, ۸۵, ۷۷, ۳۹	نینوا

و

۸۹	وحیده یاقو هرmez
۲۰۹	ویان دخیل
۲۷, ۲۶	وینستون چرچیل
۱۱۰	وزارت پیشمرگه
۱۵۲, ۱۵۱, ۱۵۰	ولایت موصل
۱۳۹	ویتنام
۱۹۸, ۱۹۲, ۱۱۶	واشنگتن
۲۵, ۲۴	وان

ه

۱۶۶, ۱۶۵, ۱۵۷, ۷۴	هادی عامری
۱۵۵	هاشم الشبلی
۲۰۹	هالان هرمز
۲۴۱	هندرین احمد
۲۵۰, ۲۴۷	هندرین محمد صالح
۲۴۰, ۸۹, ۸۵	هوشیار زیباری
۲۴۱	هیوا سید سلیم
۸۳, ۸۲, ۸۱, ۸۰, ۷۹, ۷۵, ۷۴, ۶۸, ۵۰, ۴۸, ۳۹, ۱۰	همه‌پرسی
۱۹۰, ۱۸۸, ۱۸۲, ۱۶۴, ۱۶۳, ۱۶۲, ۱۵۲, ۱۵۱, ۱۳۶, ۱۲۳, ۱۰۲, ۱۰۱, ۹۴, ۸۵, ۸۴	
	۲۳۰, ۲۱۸, ۲۱۶, ۲۱۴, ۲۰۵
۲۶۶, ۲۶۳, ۲۵۰, ۲۴۷, ۲۴۱, ۳۴	هندرین
۳۰	هندوستان

ی

۹۲	یان کوبیش
۲۴۱	یحیی ریشاوه‌یی
۲۱۶, ۱۴۰, ۱۳۵, ۱۳۴	یوگسلاوی



■ نقشه‌ها

44°0'0"E

45°0'0"E

46°0'0"E



37°0'0"N

36°0'0"N

35°0'0"N

ایران



شیلادی

بارزان

اکری (اکری)

بیخمه

سوران

هریر

جومان

رواندز

پیرمام

هیرن

رانیه

قلعه دزه

کویسنجق

تقی تق

دوکان

ماوت

دییگه

دوینز

کرکوک

چمچمال

سلیمانیه

گرمک

پینجوین

قره داغ

خرمال

حابچه

دریندیخان

دافوق

قادرکرم

خورماتو

بیاوه نور

کفری

کالر

الدور

قره تپه

خانقین

جلولا (کلاه)

سعدیه

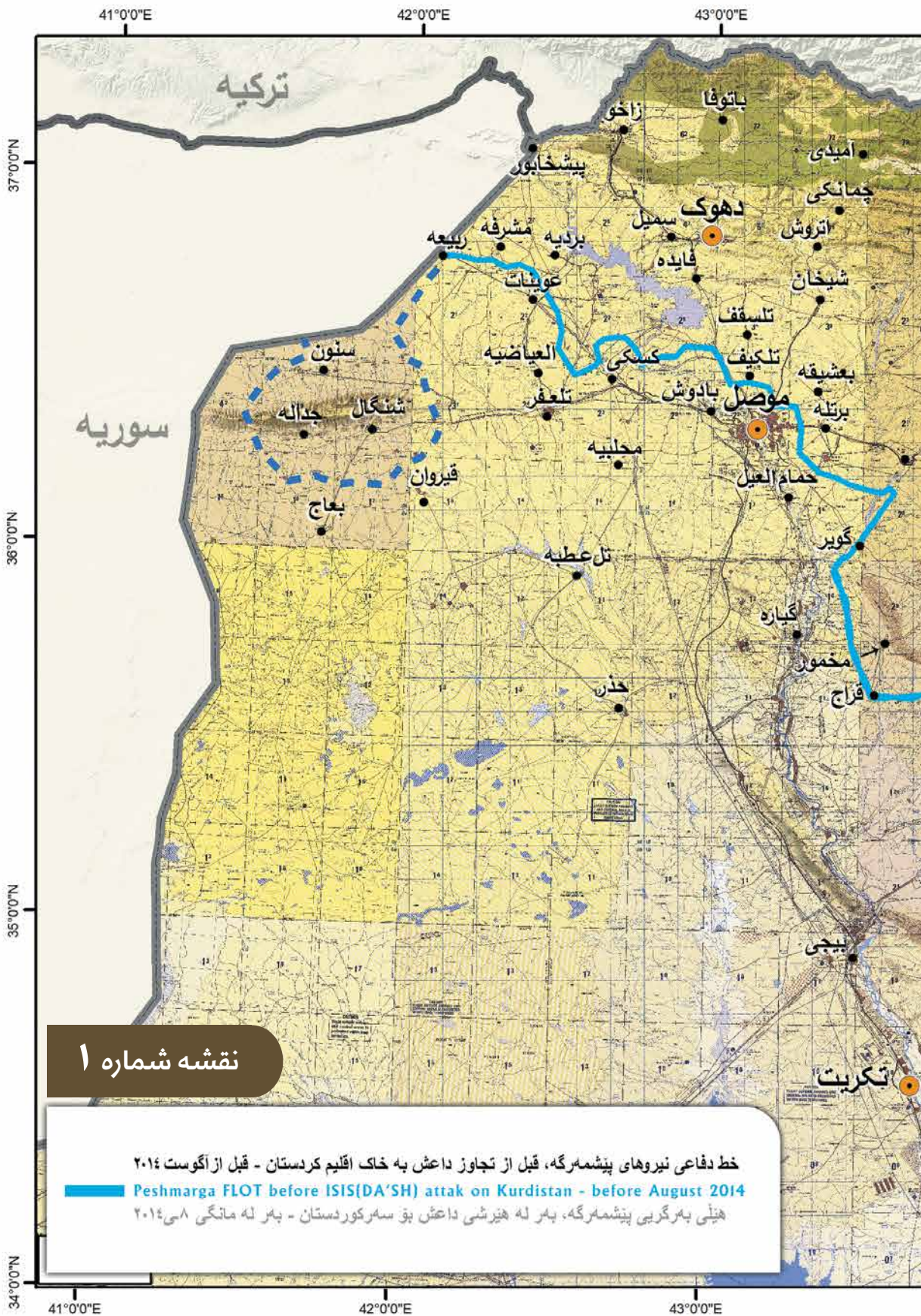
منصوریه

0 15 30 60 Kilometers

44°0'0"E

45°0'0"E

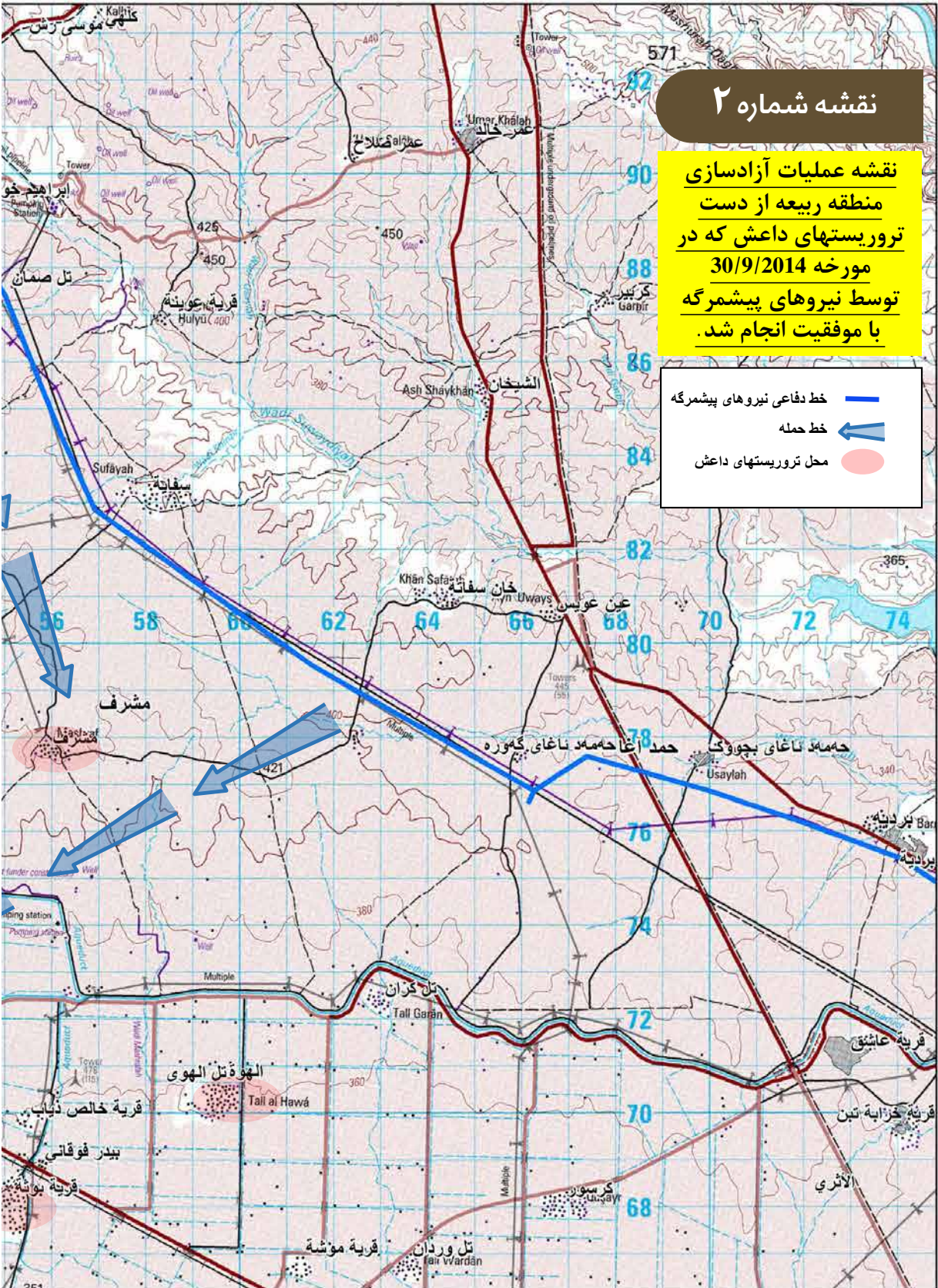
46°0'0"E

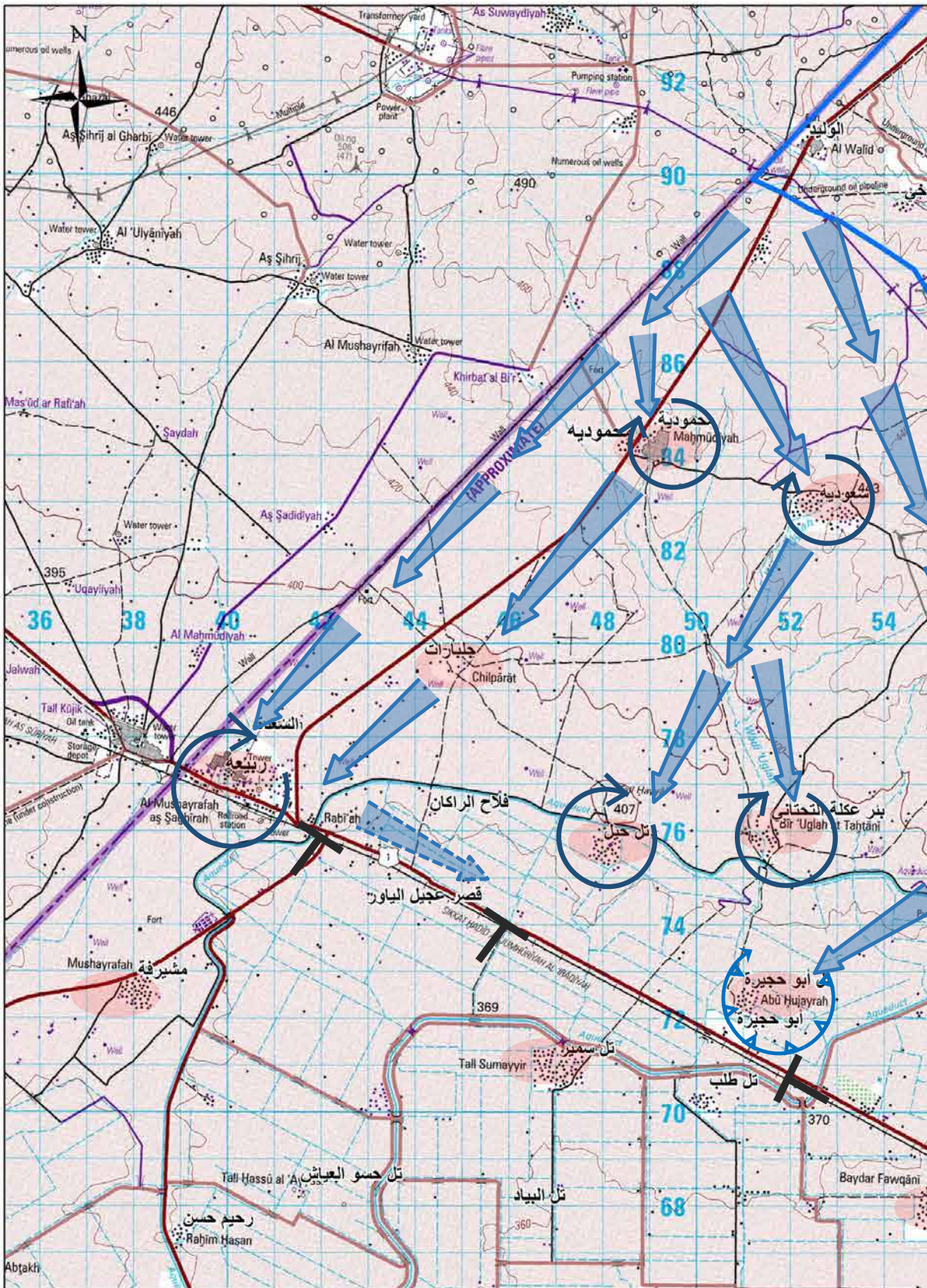


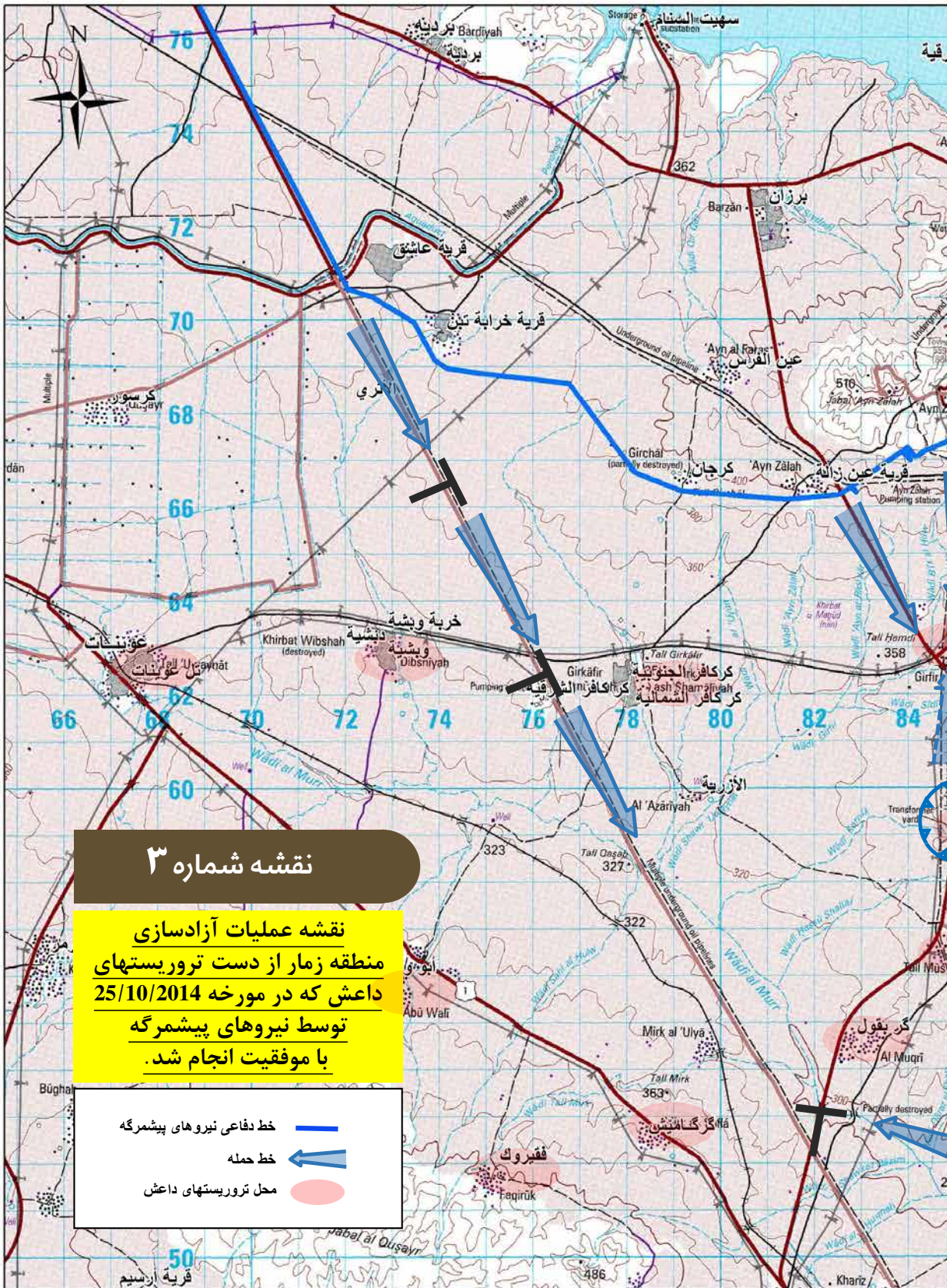
نقشه شماره ۲

نقشه عملیات آزادسازی
منطقه ربیعہ از دست
تروریستهای داعش که در
مورخه 30/9/2014
توسط نیروهای پیشمرگه
با موفقیت انجام شد.

- خط دفاعی نیروهای پیشمرگه
- خط حمله
- محل تروریستهای داعش





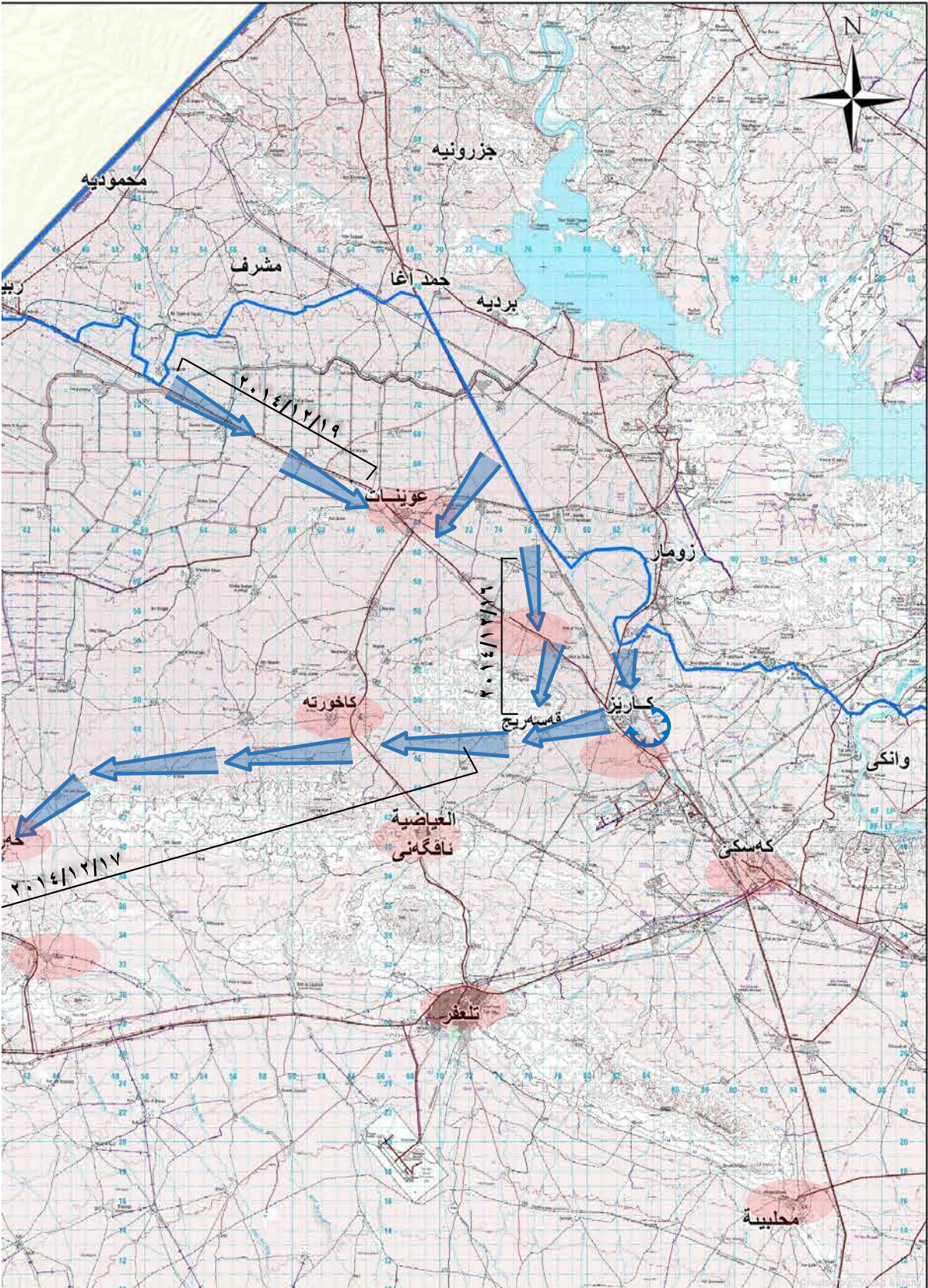


نقشه شماره ۳

نقشه عملیات آزادسازی
 منطقه زمار از دست تروریستهای
 داعش که در مورخه 25/10/2014
 توسط نیروهای پیشمرگه
 با موفقیت انجام شد.

- خط دفاعی نیروهای پیشمرگه
- خط حمله
- محل تروریستهای داعش

50
 قرية ازسیم



محمودیه

جزرونیه

مشرفا

حمد اغا

برديه

۲۰۱۴/۱۲/۱۹

عوینات

زومار

کاهورته

قاسبرج

عارین

وانکی

۲۰۱۴/۱۲/۱۷

العیاضیه
نافگمنی

کاهسکی

تلعفر

محلیبیه



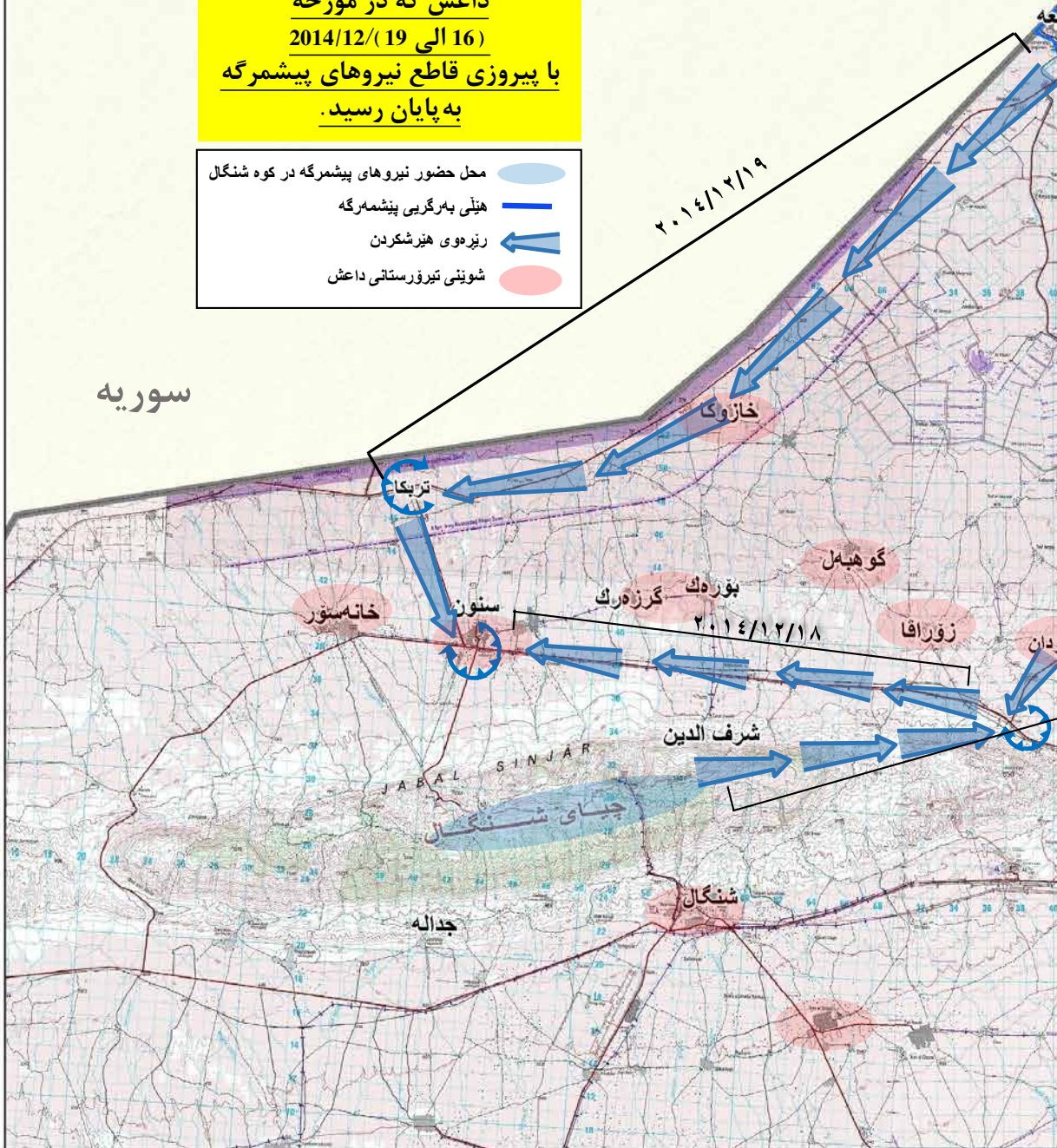
نقشه شماره ۵

نقشه عملیات پاکسازی راههای
منتهی به کوه شنگال و آزادسازی
کوه شنگال از دست تروریستهای
داعش که در مورخه
16 الی 19 / 12 / 2014
با پیروزی قاطع نیروهای پیشمرگه
به پایان رسید.

- محل حضور نیروهای پیشمرگه در کوه شنگال
- هتلی به‌رگیری پیشمرگه
- ریزه‌وی هیرشکردن
- شوینی تیرورستانی داعش

۲۰۱۴/۱۲/۱۹

سوریه



44°0'0"E

45°0'0"E

46°0'0"E

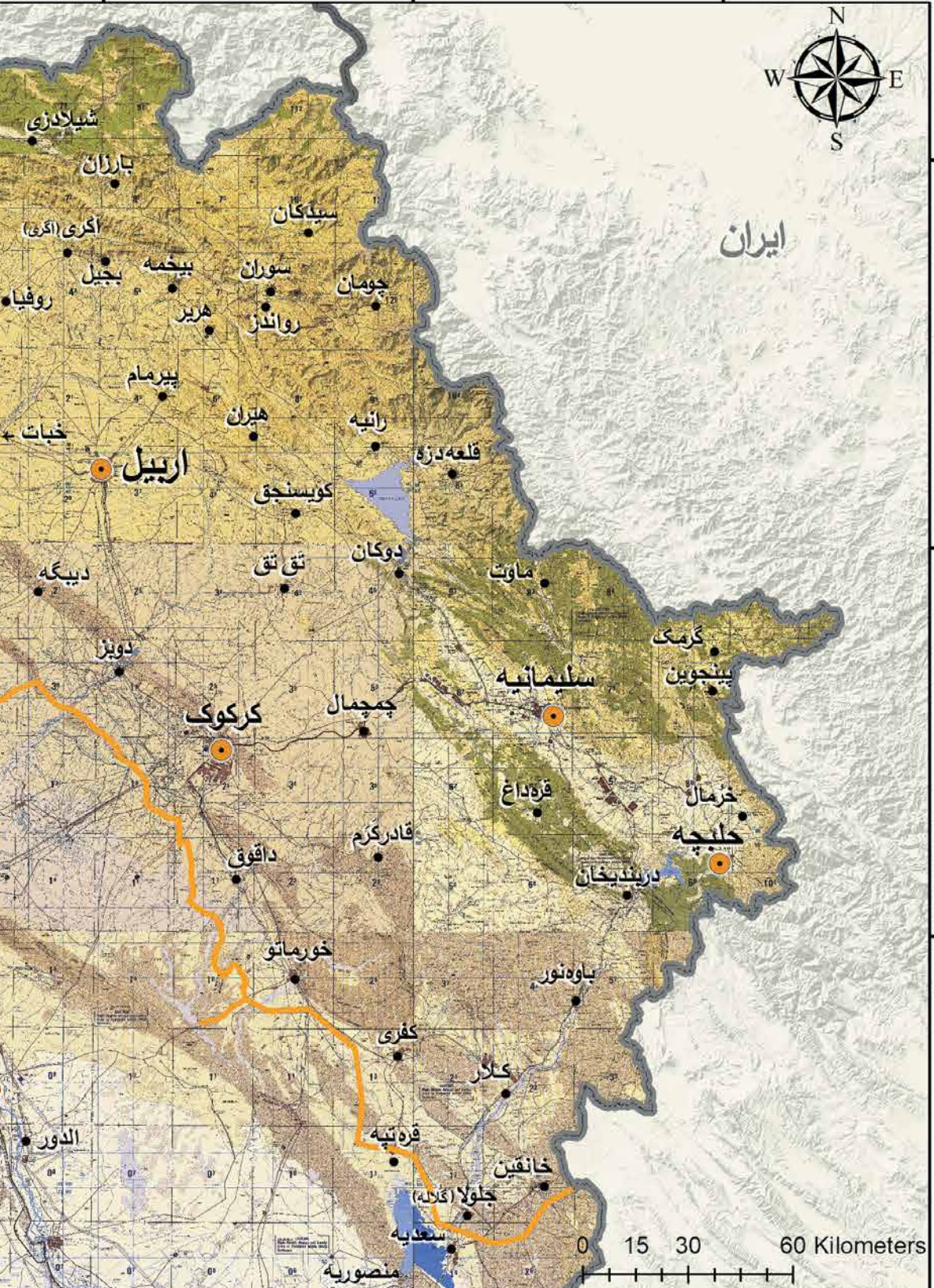


37°0'0"N

36°0'0"N

35°0'0"N

ایران



کرکوک

سایمانیه

خرمال

حلبچه

دریندیخان

شیلادی

باران

سینگان

سوران

چومان

بیخمه

هریر

هلیرن

رانیه

قلعه دزه

کویسنجق

تقی تقی

دوکان

ماوت

گرمک

پینجویین

چمچمال

دوینز

دافوق

فادرکرم

خورماتو

باوه نور

کفری

کادر

قره تپه

خانقین

جلولا (کلاه)

سعدیه

منصوریه

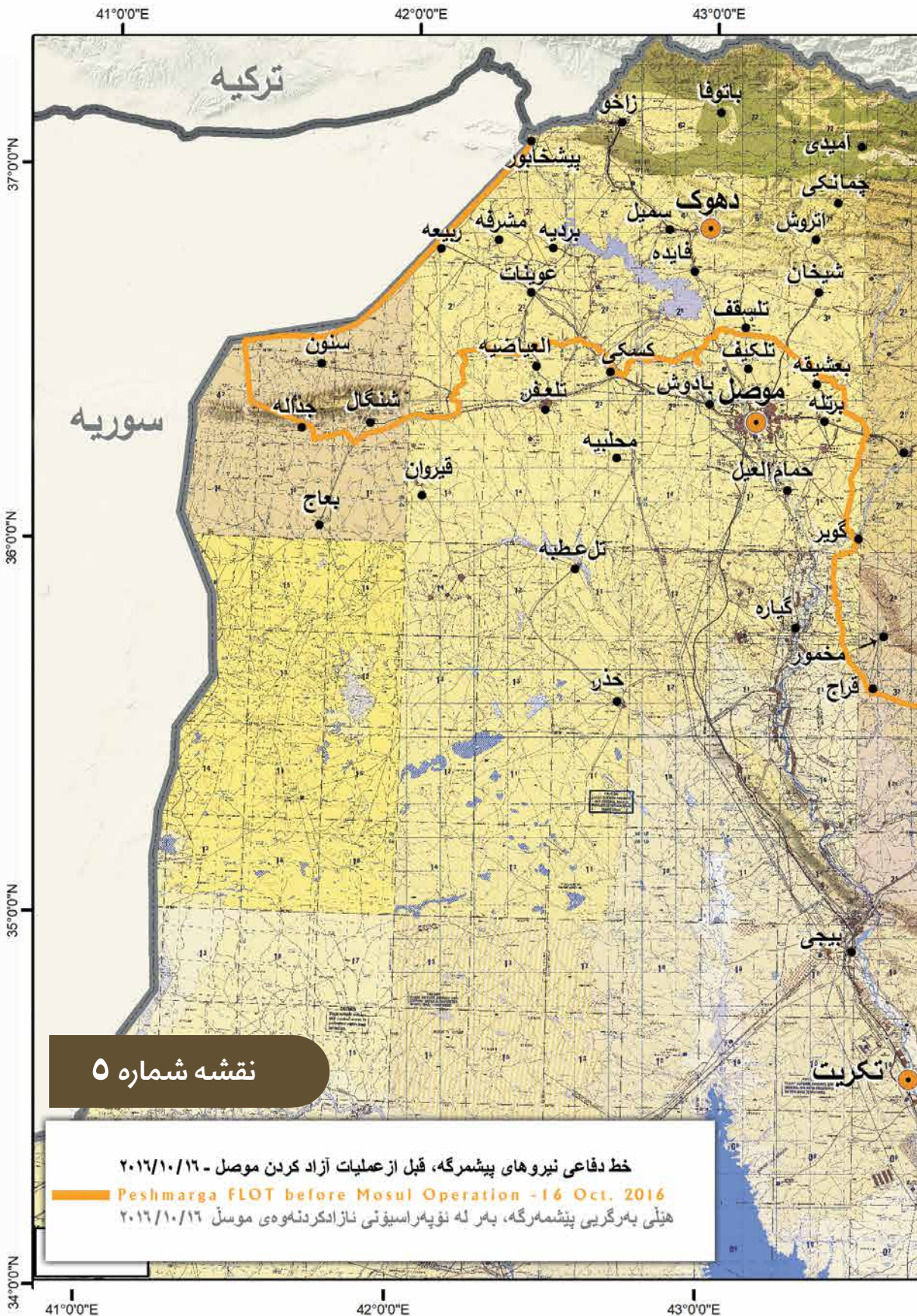
الدور



44°0'0"E

45°0'0"E

46°0'0"E



ترکیه

سوریه

نقشه شماره ۵

خط دفاعی نیروهای پیشمرگه، قبل از عملیات آزاد کردن موصل - ۲۰۱۶/۱۰/۱۶

Peshmarga FLOT before Mosul Operation - 16 Oct. 2016

هیئتی بهرگربی پیشمرگه، بهر له نوپه راسیونی نازا کردنه وهی موصل ۲۰۱۶/۱۰/۱۶

تکریت

44°0'0"E

45°0'0"E

46°0'0"E



37°0'0"N

36°0'0"N

35°0'0"N

ایران



اربیل

کرکوک

سلیمانیه

خرمال

حلبچه

خورماتو

باوه نور

کبار

قره تپه

خانقین

جلولا (گلانه)

سعدیه

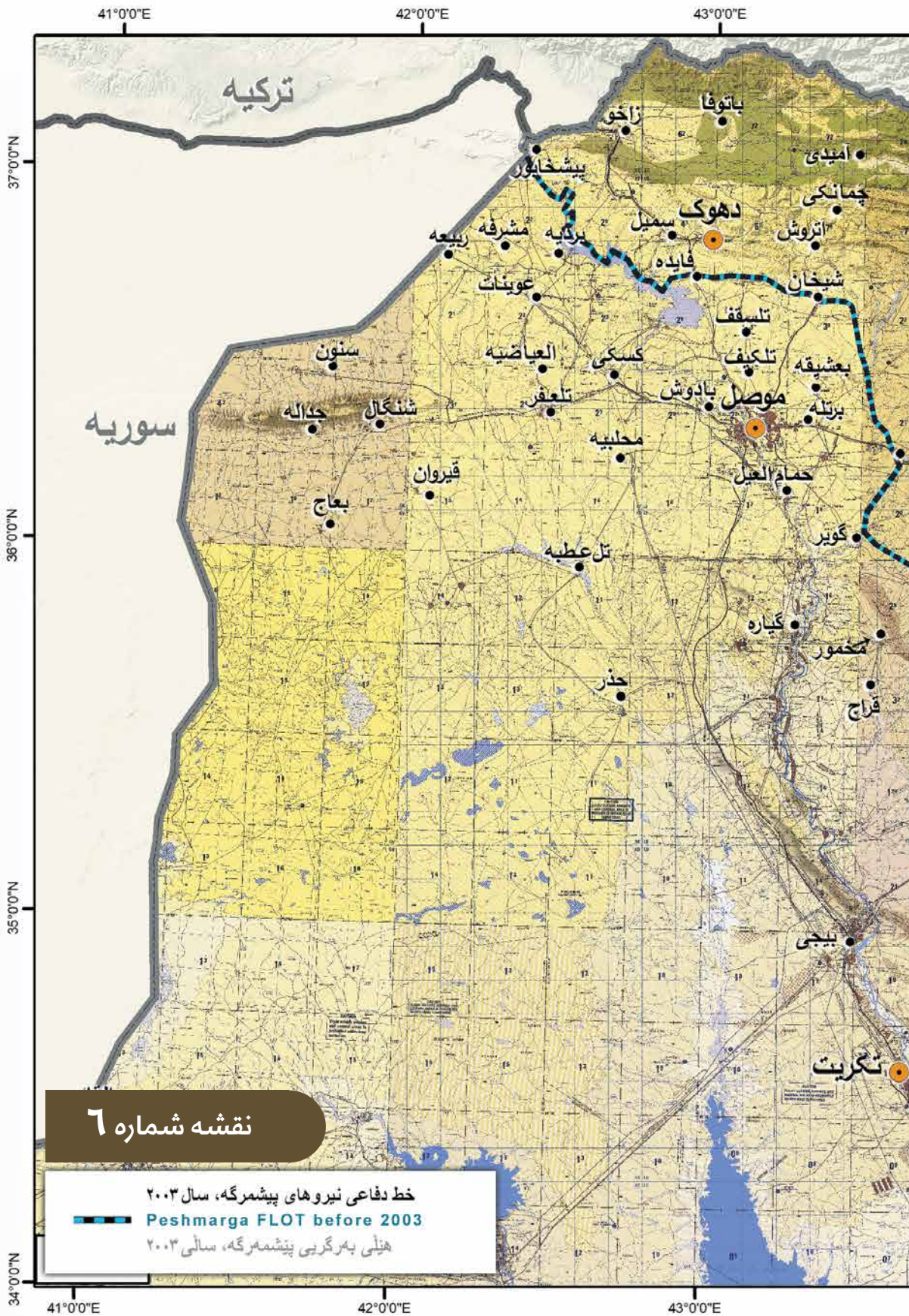
منصوریه



44°0'0"E

45°0'0"E

46°0'0"E



نقشه شماره ۶

خط دفاعی نیروهای پیشمرگه، سال ۲۰۰۳
Peshmarga FLOT before 2003
 هتلی بهرگری پیشمرگه، سالی ۲۰۰۳

44°0'0"E

45°0'0"E

46°0'0"E

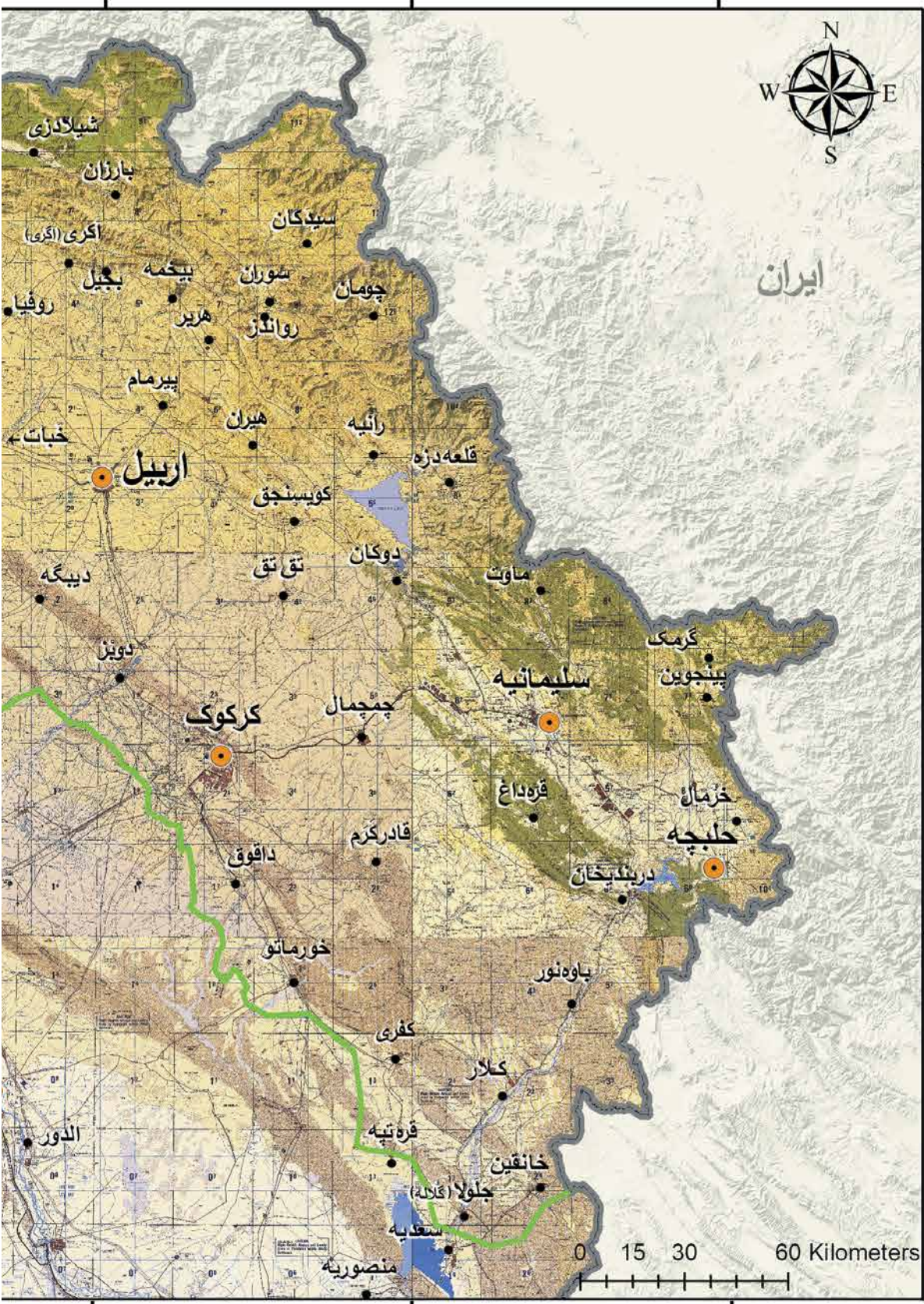


37°0'0"N

36°0'0"N

35°0'0"N

ایران



اریل

کرکوک

سلیمانیه

خرمآن

حلبچه

چمچمال

قادرکرم

خورمانو

کفری

کلار

قره‌تپه

خانقین

جلولا (قلعه)

سعدیه

منصوریه

شیلادزی

بارزان

اکری (اکری)

سیدکان

سوران

چومان

بیخمه

هریر

رواندر

پیرمام

هیران

رائیه

قلعه دزه

کویسنجق

تقی تقی

دوکان

ماوت

دیبگه

دویر

گرمک

پینجوین

قره‌داغ

دافوق

دریندیخان

یاوه‌نور

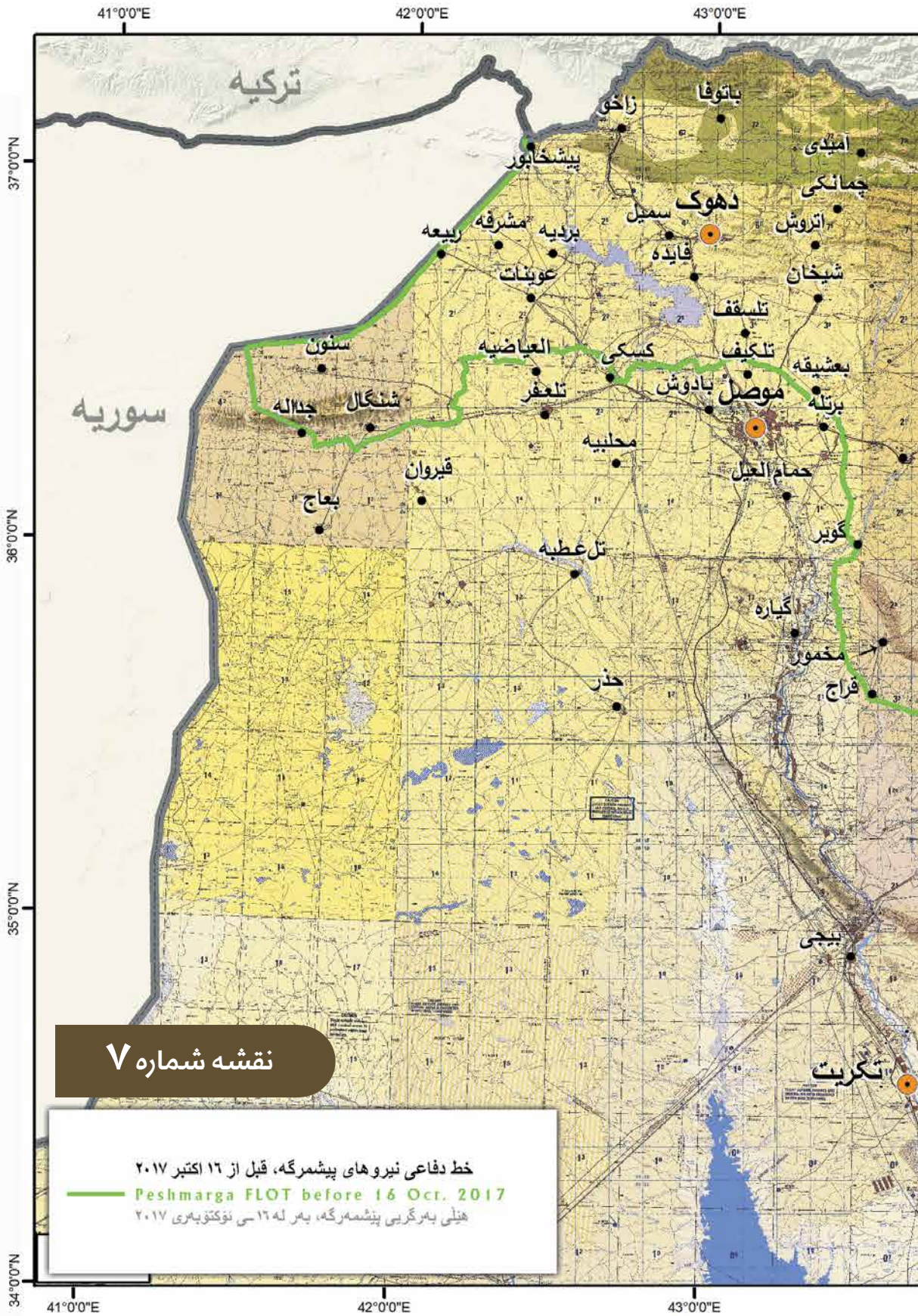
الدور

0 15 30 60 Kilometers

44°0'0"E

45°0'0"E

46°0'0"E



44°0'0"E

45°0'0"E

46°0'0"E



37°0'0"N

36°0'0"N

35°0'0"N

ایران

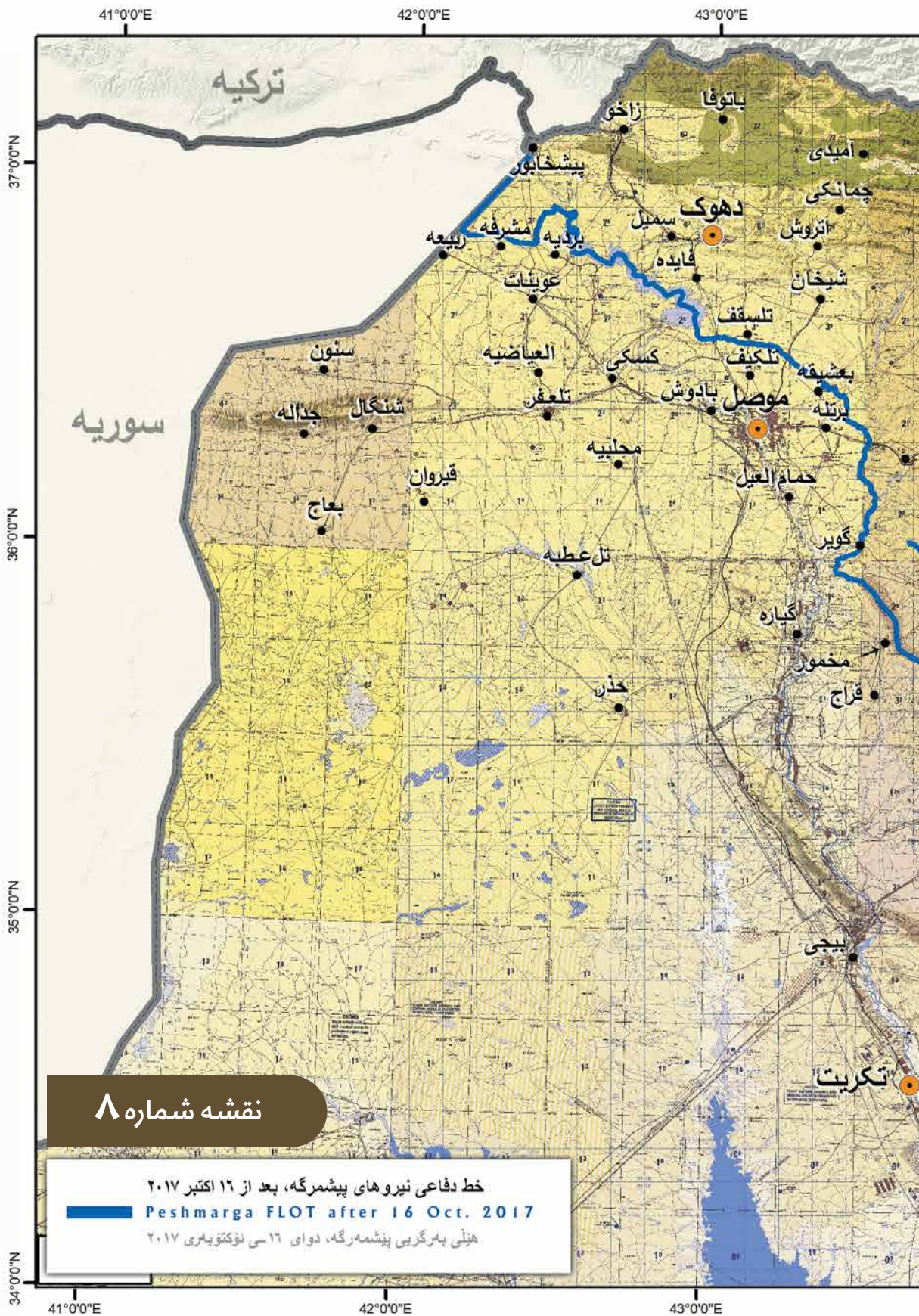


44°0'0"E

45°0'0"E

46°0'0"E





نقشه شماره ۸

خط دفاعی نیروهای پیشمرگه، بعد از ۱۶ اکتبر ۲۰۱۷
Peshmarga FLOT after 16 Oct. 2017
 هتلی بازرگاری پیشمرگه، دوی ۱۶ سی نوکتویباری ۲۰۱۷

44°0'0"E

45°0'0"E

46°0'0"E

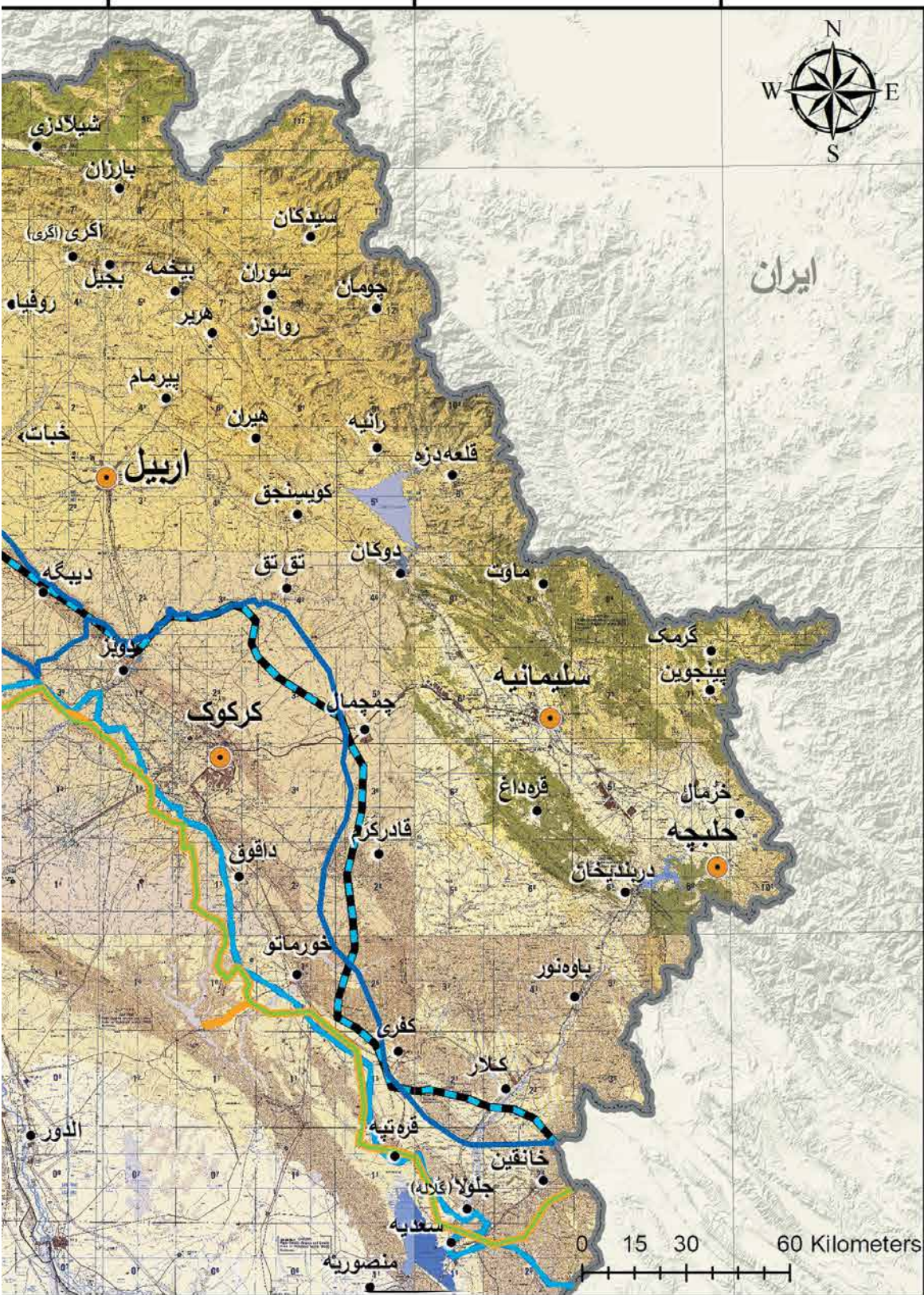


37°0'0"N

36°0'0"N

35°0'0"N

ایران



اربیل

کرکوک

سلیمانیه

خرمال
حلبچه

در بندتخان

شیلادزی

بارزان

سیدکان

چومان

سوران

پیرمام

هیرن

رانیه

قلعه دزه

کویسنجق

دوکان

ماوت

گرمک

بینجوین

قره داغ

چمچمال

قادرکرم

دافوق

خورمانو

باوه نور

کفری

کلار

قره تپه

خانقین

جلولا (قلعه)

سعدیه

منصوریه

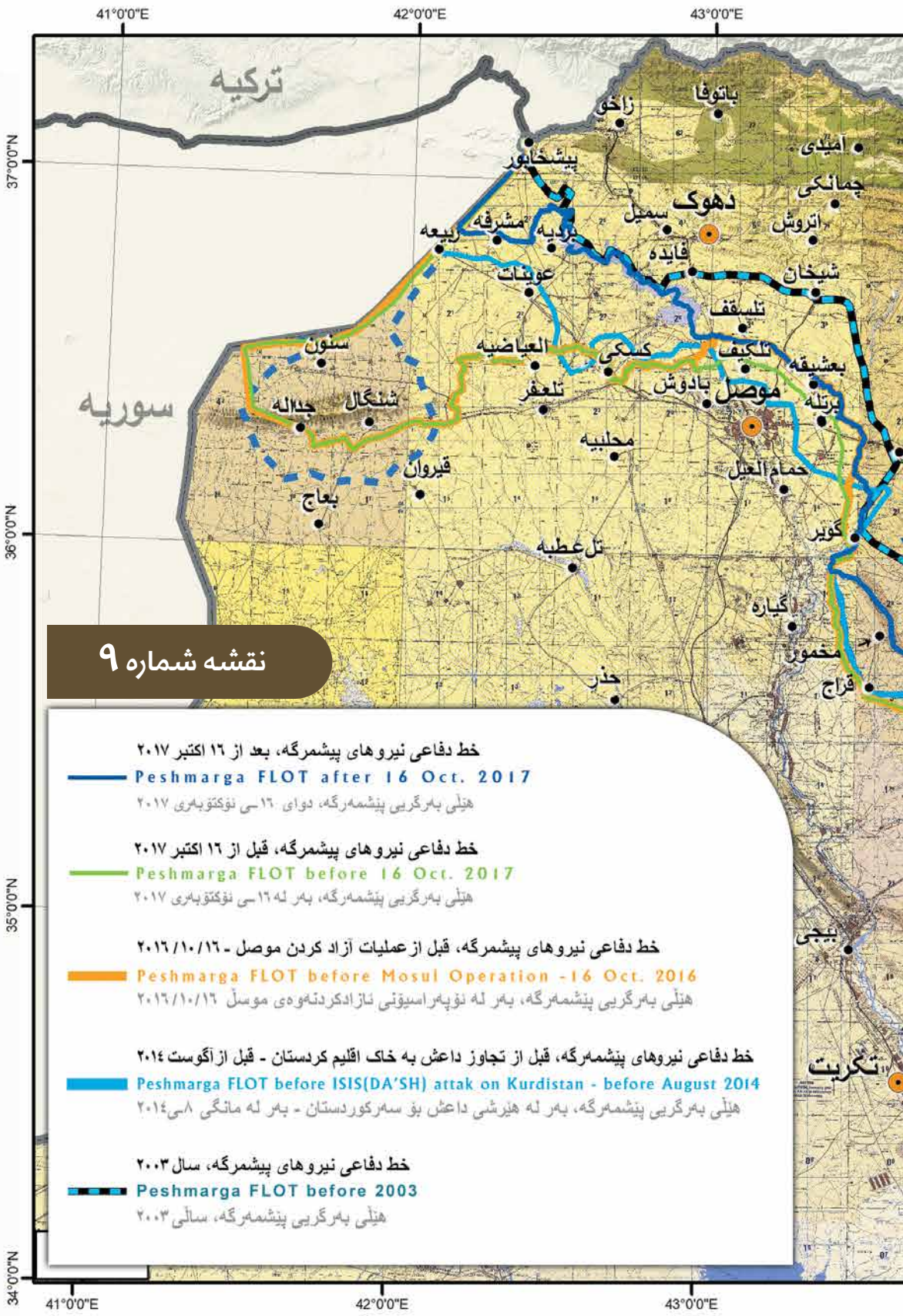
الدور



44°0'0"E

45°0'0"E

46°0'0"E



نقشه شماره ۹

خط دفاعی نیروهای پیشمرگه، بعد از ۱۶ اکتبر ۲۰۱۷

Peshmarga FLOT after 16 Oct. 2017

هژلی بهرگری پیشمرگه، دواى ۱۶-ى نوکتوبارى ۲۰۱۷

خط دفاعی نیروهای پیشمرگه، قبل از ۱۶ اکتبر ۲۰۱۷

Peshmarga FLOT before 16 Oct. 2017

هژلی بهرگری پیشمرگه، بهر له ۱۶-ى نوکتوبارى ۲۰۱۷

خط دفاعی نیروهای پیشمرگه، قبل از عملیات آزاد کردن موصل - ۱۶/۱۰/۱۶

Peshmarga FLOT before Mosul Operation - 16 Oct. 2016

هژلی بهرگری پیشمرگه، بهر له نوپهراسیونى نازادکردنه‌ودى موصل ۱۶/۱۰/۱۶

خط دفاعی نیروهای پیشمرگه، قبل از تجاوز داعش به خاک اقلیم کردستان - قبل از آگوست ۲۰۱۴

Peshmarga FLOT before ISIS(DA'SH) attak on Kurdistan - before August 2014

هژلی بهرگری پیشمرگه، بهر له هیزشى داعش بق سه‌رکوردستان - بهر له مانگی ۸/ى ۲۰۱۴

خط دفاعی نیروهای پیشمرگه، سال ۲۰۰۳

Peshmarga FLOT before 2003

هژلی بهرگری پیشمرگه، سالی ۲۰۰۳

تکريت



سیزدهم نوامبر ۲۰۱۵

کوه شنغال - اعلان پیروزی عملیات آزادسازی شهر شنغال.



Photo: Adnan Muhammed

در طول قرن گذشته، مردم کردستان برای آنکه بتوانند در کشور عراق در صلح و شراکت و یکسانی زندگی کنند، هر راهی را امتحان کردند. در مقابل، دولت‌های عراق، تمامی توانایی و پتانسیل دستگاه‌های حکومتی و سرمایه‌های کشور را به سوی شوونیسم و فرقه‌گرایی سوق دادند و سیاست به حاشیه‌راندن و تعریب و نسل‌کشی و تحریم و انکار ملت کرد را در پیش گرفتند.

به همین دلیل بود که مردم کردستان پس از ناامید شدن از تمامی گزینه‌های پیشین، اقدام به برگزاری همه‌پرسی کردند. همه‌پرسی برای استقلال، عمق آمادگی و ایمان مردم کردستان را برای دستیابی به یک راه حل متمدنانه و صلح‌آمیز برای مشکلی پیچیده با قدمت یک قرن نشان داد. اما پاسخ به ندای مشروع و صلح‌طلبانه مردم کردستان همچنان منطق اسلحه و زور و ذهنیت شوونیستی بود. یگانه راه حل بحران‌های عراق و زدودن اختلافات بین اقلیم و بغداد و همچنین دستیابی به صلح و پیشرفت، کنار گذاشتن ذهنیت شوونیستی و برقراری فرهنگ پذیرش دیگری می‌باشد.